

سایه روشن



برنامه هفتم توسعه بودجه ۱۴۰۲
روشن‌سازی سایه روشن



✓ یادم‌ان شهید دکتر سیدفریدالدین معصومی

شهیدی از تبار نیکان

✓ پرونده اول

برنامه هفتم توسعه و بودجه ۱۴۰۲

- اصلاح اقتصاد برق و اجرای قوانین
- برنامه‌های توسعه باید واقع‌بینانه باشد
- ناترازی سیاست‌گذاری و اجرا، چالش توسعه صنعت برق

✓ پرونده دوم

حکمرانی در صنعت برق

- میزگرد: نقد و بررسی روش حکمرانی در صنعت برق
- حکمرانی جزیره‌ای در حوزه انرژی
- خشت اول حکمرانی خوب در صنعت برق

نیروگاه سیکل ترکیبی رودشور با افتخار دعوت می‌نماید

ثبت‌نام برای بازدید گروهی و خانوادگی

پارک انرژی و مدرسه فردا

* انتقال عینی مفاهیم مرتبط با منابع و انواع انرژی و تأثیرات زیست‌محیطی آنها
* تحریک روح کنجکاوی و جستجوگری در حوزه‌ی انرژی و برخی مفاهیم فیزیک
* ترغیب عملی بازدیدکنندگان به تولید و یا انتقال انرژی در مقیاس تجهیزات پارک



نشانی: کیلومتر ۴۳ آزادراه تهران-ساوه، نیروگاه رودشور
تلفن هماهنگی و رزرواسیون: ۰۲۱-۵۵۲۳۳۷۱۷ (در ساعات اداری)

زمان بازدید: شنبه تا چهارشنبه در دو شیفت ۱۲ تا ۱۳ و پنج‌شنبه در شیفت ۹ تا ۱۲



نیرو و سرمایه

سرمقاله - آثار روش حکمرانی در صنعت برق در تحقق برنامه‌ها
شهیدی از تبار نیکان

پرونده اول

- ۲ میزگرد برنامه و بودجه
- ۵ زمان شکستن انحصار دولت در صادرات برق فرا رسیده است
- ۱۹ برنامه‌های توسعه باید واقع‌بینانه باشد
- ۲۲ بی‌اعتمادی به کار کارشناسی و خسران در صنعت برق
- ۲۶ ناترازی سیاست و اجرا؛ چالش توسعه صنعت برق
- ۲۹ گامی به سوی تحقق اهداف سندیکا

پرونده دوم

- ۳۵ میزگرد نقد و بررسی روش حکمرانی در صنعت برق
- ۴۴ اشکالات نهادی حکمرانی و تجدید ساختار صنعت برق
- ۴۸ ماینر بهبود حکمرانی صنعت برق
- ۵۱ حکمرانی جزیره‌ای حوزه انرژی
- ۵۲ گذری بر روش حکمرانی در صنعت برق
- ۵۵ خشت اول حکمرانی خوب در صنعت برق

خارج از پرونده

- ۶۰ قراردادهای بیع متقابل؛ تداوم یا توقف؟
- ۶۳ افزایش سرمایه‌گذاری در تولید برق، ضامن رونق بورس
- ۶۷ ادامه روند فعلی سبب تشدید خاموشی‌ها می‌شود
- ۷۰ پیش‌نیاز توسعه معاملات بورس انرژی

گزارش

- ۷۳ برق در بوشهر
- ۷۸ گزارش عملکرد سندیکا (شش ماهه اول سال ۱۴۰۱)
- ۹۰ آغاز به کار کمیسیون برنامه و بودجه سندیکا
- ۹۲ نیروگاهی با پتانسیل نقش‌آفرینی در صادرات برق

مقاله علمی

- ۹۹ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تعمیرات نیروگاه با رویکردهای نوین



نیرو و سرمایه

نشریه سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق
شماره ۸ انتشار سراسری (۳۹) / پاییز ۱۴۰۱ / ۱۰۴ صفحه

صاحب امتیاز: سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق
اعضای شورای سیاست‌گذاری (به ترتیب حروف الفبا):

کریم افشار، محمدتقی بابایی، حسنعلی تقی‌زاده لنده، ابراهیم خوش‌گفتار، رضا ریاحی، اسدالله صیوری، شهرام صدرا، سیدحسین عبدالخالق‌زاده، مجید غمami، سمیه کاظم‌زاده دهکردی، نصرت‌الله کاظمی، سیداحمد مطهری، محمدعلی وحدتی

مدیر مسئول: پرویز غیاث‌الدین

سردبیر: عباس خالدنژاد

دبیر تحریریه: زهرا شریفی

تحریریه:

سمیه کاظم‌زاده دهکردی، اکبر محمودی، طیبه مشایخی، سمیه رضوی‌نیا

مدیر هنری: بهشید مرکزی

گرافیکست و صفحه‌آرا: بهزاد مرکزی

عکس: سعید کیومرثی

توزیع: سعید کیومرثی

چاپ: چاپخانه میران



نیرو و سرمایه

نشریه سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق

نشانی: تهران، سعادت‌آباد، خیابان سرو غربی، بین چهارراه سرو و میدان کتاب، پلاک ۴۱۱، طبقه دوم، واحد ۴

کدپستی: ۱۹۹۸۹۹۴۱۹۶

نماینده: ۲۲۱۴ ۸۱۳۸

تلفن: ۰۰۳۶ ۲۲۳۸

www.pgcsyndicate.ir

info@pgcsyndicate.ir

محتوای این نشریه لزوماً بیانگر دیدگاه‌ها و مواضع سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق نیست.

آثار روش حکمرانی در صنعت برق در تحقق برنامه‌ها



پرویز غیاث‌الدین، مدیرمسئول

اقتصادی برق، عدم اجرای بهینه و موثر قوانین و مقررات موجود، نقش‌های چندگانه وزارت نیرو به عنوان اصلی‌ترین نماینده دولت در صنعت برق و عدم تمایل این وزارت‌خانه به هم‌فکری و مشارکت با سایر بازیگران کلیدی صنعت برق به درستی نشان می‌دهد که ساختارهای حکمرانی در این صنعت با آنچه که از آن به عنوان حکمرانی خوب یاد می‌شود، فاصله زیادی دارد.

اگرچه در طول دو دهه گذشته تلاش‌ها و اقدامات بسیاری برای ایجاد شفافیت در ساختار هزینه و درآمدهای این صنعت صورت گرفت و تجدید ساختار به عنوان یک راهبرد برای دستیابی به صنعتی چابک با پارادایم‌های شفاف اقتصادی انجام شد، اما در نهایت اقتصاد برق همچنان بیمار، غیر شفاف و یارانه‌ای باقی ماند و واگذاری‌ها به عنوان کلیدی‌ترین اقدامی که در این تحول ساختاری انجام شد، به یک دردسر بزرگ برای مشارکت کنندگان غیر دولتی بدل شد.

امروز تولیدکنندگان غیردولتی برق بیش از ۶۰ درصد برق مورد نیاز کشور را تامین می‌کنند اما نه تنها نقش موثری در تدوین سیاست‌ها و تبیین رویکردهای صنعت برق در تولید و عرضه برق ندارند، بلکه حتی به آن‌ها فرصت داده نشده که برق تولیدی خود را بر مبنای ساختارهای معمول بازار، قیمت‌گذاری کرده و بفروشند. به این ترتیب سرمایه‌گذاران خصوصی و غیر دولتی در صنعت برق، نه تنها مسیر درستی برای توسعه بخشی به زیرساخت‌های این صنعت نیافتند، بلکه عملاً از بازگشت سرمایه خود در یک دوره

زمانی منطقی و اقتصادی هم ناامید شده‌اند.

به همین دلیل است که نمی‌توان مدل اداره صنعت برق را مشمول شاخص‌های یک حکمرانی خوب دانست. روند اجرای قوانین مصوب فعلی در این صنعت خود به خوبی گواه این نکته است که ساختار حکمرانی این صنعت حتی در حاکمیت قانون هم امتیاز مناسبی نمی‌گیرد. مروری بر نحوه اجرای قوانین بالادستی نظیر بودجه سنواتی و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در صنعت برق مویده آن است که مساله حکمرانی در صنعت برق، ضعف‌های بسیاری دارد که نتیجه روشن آن افول سرمایه‌گذاری‌ها و بحران آشکار و پنهان ناترازی در تولید و مصرف برق است. واقعیت این است که عملکرد وزارت نیرو در عمل به تعهدات قانونی‌اش از بسیار جهات قابل قبول نیست و همین مساله توسعه صنعت برق را در هم‌راهی و پاسخگویی به نیاز کشور به این انرژی پایه، دچار چالش جدی کرده است.

تحقق کمتر از ۳۰ درصد اهداف پیش بینی شده در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله در کنار اجرا نشدن بندهایی از قانون بودجه، بلاتکلیف ماندن موضوعاتی نظیر افزایش سالانه سقف نرخ خرید برق از نیروگاه‌ها و یا ضعف‌های جدی در اجرای آیین‌نامه‌هایی نظیر گواهی ظرفیت، نشانه‌های برزخی است که صنعت برق در میانه تصویب و اجرای قوانین در آن گرفتار شده است.

این موضوع درباره قانون بودجه هم مصداق‌های روشنی دارد که یکی از آن‌ها انباشت مطالبات چند ده هزار میلیارد تومانی تولیدکنندگان غیردولتی برق از وزارت نیرو و عدم پرداخت خسارت دیرکرد است. واقعیت این است که بدنه این وزارت‌خانه که طی سال‌های اخیر، خلاف جهت اهداف پیش بینی شده در اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های کلان کشور برای کوچک‌سازی دولت حرکت کرده و همواره در حال بزرگ‌تر و فربه‌تر شدن بوده است، نه تنها در غالب موارد عملکرد قابل قبولی در اجرای قوانین و عمل به تعهدات قانونی‌اش نداشته، بلکه از تمکین به آرای نهادهای بالادستی نظیر دیوان عدالت اداری هم سر باز زده است.

اگرچه در ظاهر عمده هزینه‌های این بی‌توجهی خسارت بار به قوانین را بخش خصوصی متحمل می‌شود، اما سرانجام این روند،

صنعت برق را گرفتار مشکلاتی می‌کند که رفع آن‌ها به سادگی امکان پذیر نیست. افت جدی سرمایه‌گذاری‌ها و ناترازی تولید و مصرف برق که سال گذشته به بهای خاموشی‌های گسترده صنایع تمام شد و امسال نیز با مدیریت مصرف (خاموشی صنایع) تا حدی تحت کنترل قرار گرفت، نتیجه روشن عدم اجرای درست قوانین و عدم تعهد وزارت نیرو به تکالیفش است.

با این وجود این روزها در آستانه تقدیم لایحه بودجه ۱۴۰۲ به مجلس شورای اسلامی و در شرایطی که بخش قابل توجهی از نهادها و سازمان‌ها گرفتار تدوین برنامه هفتم توسعه هستند، فعالان بخش خصوصی و غیر دولتی برق همچنان به بهبود شرایط از مسیر این قوانین امید دارند. اگر هفتمین برنامه توسعه با لحاظ شدن الزامات اجرایی و نظارت جدی برای نحوه اجرای آن تدوین و ابلاغ شود و بودجه سال آینده بر مبنای واقعیات اقتصادی و با پیش بینی منابع مالی لازم برای جبران عقب‌ماندگی‌ها و بدهی‌های گسترده وزارت نیرو به تصویب برسد، می‌توان به بهبود شرایط این صنعت امید داشت.

صنعت برق در سایه روشن قوانینی که در دست تدوین است، بیش از هر چیز به دنبال اجرای موثر و دقیق است و شاید بر خلاف بسیاری از بخش‌ها، سهم خواهی زیادی از این قوانین بالادستی را در دستور کار نداشته باشد. ایجاد یک ساختار موثر نظارتی برای رصد عمل‌کرد سازمان‌های دولتی در اجرای قوانین موجود، علاوه بر این‌که وزارت نیرو و دستگاه‌های اجرایی آن را ناگزیر به پاسخگویی می‌کند، می‌تواند زمینه را هم برای یک بازنگری جدی در نحوه برنامه‌نویسی و بودجه‌ریزی فراهم آورده و نظام برنامه ریزی کشور را از چارچوب تدوین قوانین بدون پشتوانه به میدان اجرای بهینه مقررات موجود بیاورد.

بی‌شک صنعت برق نیازمند یک بازنگری فکری و ساختاری در روش‌های حکمرانی خود است تا بتواند از مشکلات درهم‌تنیده موجود رهایی یابد. در این مسیر بخش خصوصی به عنوان عضوی از خانواده این صنعت بزرگ همچون گذشته آماده همکاری و هم‌فکری است تا به افق‌های روشن آینده دست یابیم.

شهیدی از تبار نیکان

شهید دکتر
سید فریدالدین
معصومی

حمله تروریستی روز چهارم آبانماه به زایران حرم حضرت احمد بن موسی، شاهچراغ (ع) در شیراز، تمام ایران را داغدار مردان و زنان و کودکان بی‌گناهی کرد که قربانی این اقدام غیر انسانی شدند. این حادثه اما برای صنعت برق اندهی دوچندان داشت، چرا که به عروج ناباورانه و شهادت مظلومانه یکی از مدیران متعهد، جوان، بانگیره، نخبه و تلاش‌گر این صنعت منجر شد.

شهید دکتر سید فریدالدین معصومی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر و نایب رییس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق، شالوده‌ای استوار از ایمان، انرژی، دانش و تجربه بود و بی‌شک می‌توانست با اتکا به دانش عمیق و دیدگاه‌های جهادگرانه‌اش، سهمی غیر قابل انکار در توسعه علمی و صنعتی صنعت برق ایفا کند، همان‌گونه که تا پایان حیات ارزشمندش، با تمام توان برای اعتلای این صنعت تلاش کرد. صنعت برق اینک داغدار انسانی شریف، موثر و گرانقدری است که اگرچه شخصیتی متعالی و شایسته شهادت داشت، اما هنوز هم می‌توانست به عنوان یک مدیر متخصص، مومن و تلاشگر، در استحکام و انسجام بنیان‌های توسعه‌ای کشور ایفای نقش کند. با این حال نام و خدمات ارزشمند این شهید والامقام در صنعت برق، به عنوان برگی زرین در صحیفه این صنعت به یادگار خواهد ماند و نامش در لوح صنعت برق ثبت و ماندگار خواهد شد.

تصویر روشن شرافت و ایمان و دانش

صنعت برق همواره به خاطر برخورداری از نیروهای متخصص، توانمند و موثر بر خود بالیده و بی‌شک یکی از مهمترین عوامل تبدیل شدن این صنعت به یکی از صنایع پیشروی کشور، حضور و تلاش و زحمات همین افراد بوده است. به همین دلیل فقدان هر یک از این مدیران ارزشمند، خسروانی جبران‌ناپذیر برای صنعت برق کشور محسوب می‌شود.

حادثه تروریستی شاهچراغ و فاجعه‌ای که در آن عصر شوم در شیراز رخ داد، بر کام صنعت برق چنان تلخ است که بی‌تردید داغش از حافظه این صنعت پاک نخواهد شد. شهید دکتر سید فریدالدین معصومی، از مدیران جوان، خوش‌آئینه، موثر و نخبه صنعت برق یکی از شهدای همان روز فاجعه‌بار بود. او که چند سالی بود با سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق همراه شده بود تا در کنار فعالیت‌های صنعتی و علمی‌اش، حضوری موثر در حوزه تشکیلی را نیز تجربه کند و به عنوان عضوی تاثیرگذار در هیات‌مدیره سندیکا، در این کسوت هم همچون سایر مسئولیت‌ها نقش‌آفرین باشد.

عضو جوان، باایمان، خستگی‌ناپذیر، بااخلاق و خوش‌رویی هیات‌مدیره سندیکا، ایده‌های بسیاری برای توسعه و بهبود در سر داشت که متأسفانه تقدیر فرصت عملی کردنش را به او نداد. هر چند شهادتش، عروجی در شان شخصیت و ایمانش بود، اما باز هم از درد و غم فقدان او نمی‌کاهد.

شهید سید فریدالدین معصومی دانشمند جوان و چهره ارزشمند صنعت برق که در راس شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر هم سابقه‌ای موفق داشت، در طول حیات پربرت خود، با اتکا به دیدگاه‌های جهادگرانه، دانش و تجربه، مسیر هم‌فکری، تعامل و مشارکت را برای توسعه‌بخشی به صنعت برق برگزیده بود.

این شهید بزرگوار که فارغ‌التحصیل مقطع دکترا در رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه کنتربری نیویورک بود، به عنوان اولین مخترع بین‌المللی «ربات‌ماهی بهینه در چند گام حرکتی» نیز شناخته می‌شد

و سوابق ارزنده‌ای در شرکت‌های مختلف از جمله شرکت مهندسی برق و انرژی دماوند، شرکت مهندسی امین‌انرژی برکت، آیفیک و در نهایت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر داشت و ظرف چند سال اخیر نقش خود را در حوزه فعالیت‌های تشکیلی و مدنی با حضور پررنگ و موثر در سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق ایفا کرد. ایشان که تجربه تدریس در دانشگاه‌های نیویورک را داشته، در حوزه پژوهش هم سوابق ارزنده‌ای ثبت کرده که عمدتاً بر طراحی و ساخت متمرکز بوده‌اند.

شهید دکتر معصومی که در طول همین سال‌های نه چندان طولانی فعالیت خود در صنعت برق توانست به یک چهره تاثیرگذار، خوش‌نام و شناخته‌شده تبدیل شود، هنوز فرصت‌های بسیاری برای مشارکت در سازندگی، آبادانی و اعتلای صنعت کشور داشت، اما اینک جای این چهره ارزشمند در خانواده بزرگ صنعت برق خالی است.

از این شهید بزرگوار پس از شهادتش، بسیار گفته شده، اما کمتر به تلاش‌های متعالی و تشکیلی وی برای بهبود شرایط صنعت برق اشاره شده است. او فارغ از تلاش‌هایش برای انجام وظایفش در جایگاه مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر، با نگاهی کلان‌تر و متعالی‌تر، توسعه صنعت برق را یکی از ماموریت‌های جدی خود برمی‌شمرد و تلاش می‌کرد مسائل و مشکلات فعالان این حوزه را از مسیر مشارکت‌جویی در بستر سندیکا دنبال کند.

این که امروز همکاران این شهید والامقام در شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر و سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق هنوز از او به عنوان انسانی تعالی‌جو یاد می‌کنند که شرافت، انسانیت، اخلاق و ایمان سرلوحه همه کارهایش بوده، به درستی نشان می‌دهد که فقدان این مدیر جوان نخبه، چقدر برای صنعت برق کشور سنگین است.

به همین دلیل در ادامه مسیری که او یکی از تلاشگرانش بود، نباید فراموش کرد که شهید دکتر سید فریدالدین معصومی با چه اراده و باوری، برای توسعه بخشی به صنعت برق تلاش می‌کرد، ناامید نمی‌شد و پا پس نمی‌کشید. ادامه راه او، توسعه و تعالی از مسیر مشارکت و





با دیگران علاوه بر این که نشان می‌داد او در انجام کارها و وظایفش هیچ ابایی از پرسیدن و تعامل ندارد، نشان از هوش سرشارش برای پیشبرد بهتر امور هم بود.

شهرام صدرا، عضو هیات‌مدیره سندیکا درباره شهید دکتر فریدالدین معصومی می‌گوید: او مردی متین، خوش‌برخورد، دارای فضایل اخلاقی و قلب سلیم، راستگو، متواضع و متعهد بود و نقطه نظراتش را صریح بیان می‌کرد. در طول این مدت هیچ‌وقت ندیدم در مورد کسی بد بگویم و این خصیصه نشان از اصالت خانوادگی ایشان داشت. ضمن اینکه روحیه همکاری و شکل‌دهی به شرکت و ارتقای جایگاه تخصصی صنعت، یکی از دغدغه‌های ایشان بود و در همین راستا تلاش می‌کرد با پشتکار و درایت، چالش‌ها و عدم هماهنگی‌ها را رفع کند. شهید معصومی همواره برای تسریع در امور، اختیار تصمیم‌گیری را به مدیران میانی واگذار می‌کرد، اما در عین حال همیشه پاسخگو بود و مسئولیت امور را می‌پذیرفت.

پرویز غیاث‌الدین، دبیر سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق نیز با اشاره به اینکه ایشان فردی بسیار مودب، آرام و ماخوذ به حیا بودند، خاطرنشان می‌کند: شهید دکتر معصومی انسانی شریف و مدیری مستعد بود و همین مساله سبب شد که نه تنها من بلکه همه اعضای هیات‌مدیره و کارکنان دبیرخانه سندیکا قلبا ایشان را دوست داشته باشند. به همین دلیل هم شنیدن خبر شهادت ایشان همه ما را به شدت متأثر کرد. جایگاهی که شهید دکتر فریدالدین معصومی به آن دست یافت، تماما حاصل ایمان، تعهد، دانش و روحیه جهادی او بود که به آن باور داشت و از او فردی قوی، خلاق و موثر ساخته بود. به جرات می‌توان گفت که در وصف ایشان یک کلمه کافی است: «او به معنای واقعی کلمه انسان بود.»

لازم به ذکر است که مشروح اظهارات همکاران و دوستان شهید فریدالدین معصومی در ویژه نامه‌ای که سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق به مناسبت چهلمین روز شهادت ایشان منتشر کرده، به چاپ رسیده است.

شهید دکتر سیدفریدالدین معصومی به گواه همه کسانی که داغدار رفتنش هستند، انسانی ارزشمند و شریف و مدیری متخصص و خبره بود و به واسطه همین فضایل اخلاقی، شهادت شایسته شخصیت متعالی او بود. عروجش آنقدر آسمانی و یادش آنقدر گرمی است که بی‌تردید نامش را تا همیشه در خاطره صنعت برق ایران جاودان خواهد کرد.

خوش‌گفتار همچنین اذعان می‌کند دکتر معصومی در حوزه تشکلی هم بسیار مسئولانه رفتار می‌کردند و به طور مشخص امور کمیسیون‌هایی را که به ایشان واگذار شده بود به خوبی پی‌گیری می‌کردند. به طور کلی مسئولیت‌پذیری بالایی در امور مجموعه سندیکا و اعضای داشتند و برای آن وقت می‌گذاشتند. در دوره ششم انتخابات هیات مدیره سندیکا هم با توجه به این سابقه مثبت به عنوان نایب‌رییس انتخاب شدند. حتی این اواخر، بنده مصر بودم که ایشان مسئولیت ریاست هیات‌مدیره را به عهده بگیرند و قبل از شهادتشان در این باره با ایشان صحبت کرده بودم که متأسفانه این توفیق حاصل نشد.

سید احمد مطهری، نایب رییس هیات مدیره سندیکا هم از ایشان به عنوان فردی شریف، منصف و معتدل یاد می‌کند و می‌افزاید: شهید دکتر فریدالدین معصومی مدیر جوان و متخصصی بود که به واسطه توانایی علمی و نگاه جامعش در مدیریت، در صنعت برق پیشرفت کرده و جایگاه قابل قبولی پیدا کرده بود. او انسانی شریف، منصف و معتدل بود، به همین دلیل همکاران ما در مجمع عمومی سندیکا با اطمینان به ایشان رای دادند تا در هیات‌مدیره سندیکا، عهده‌دار نمایندگی فعالان صنعت برق در حوزه نیروگاه‌های غیر دولتی شود. اعتماد به اثربخشی، بی‌طرفی، انصاف و تخصص ایشان آنقدر در بین اعضا و هیات‌مدیره عمیق بود که این شهید گرانقدر در همین دوره اخیر هیات‌مدیره در جایگاه نایب‌رییس قرار گرفتند.

به علاوه با وجود مشغله بسیار کاری، تلاش می‌کردند ضمن حضور منظم و مستمر در جلسات و پرهیز از تندروی، مسائل و مشکلات را با صراحت بیان کرده و در پی‌گیری‌ها از محافظه‌کاری خودداری کنند. به همین دلیل امروز همه ما در سندیکا مواردی را از ایشان به یاد می‌آوریم که شهید معصومی در موضع نایب‌رییس این تشکل، گلایه‌های خود را از عدم برقراری ارتباط موثر وزارت نیرو با سندیکا با صراحت بیان می‌کردند.

نصرت‌الله کاظمی، عضو دوره پنجم هیات‌مدیره سندیکا نیز با اشاره به اینکه دکتر فریدالدین معصومی فردی بی‌آلایش، آرام، با انگیزه و پرتلاش بودند، اذعان می‌کند: ایشان رفتاری متین و موجه داشت، به طوری که ناخودآگاه همه افراد به وی علاقمند می‌شدند و برایش احترام بسیاری قائل بودند. اما متأسفانه فرصت بهره‌مندی از وجود ارزشمند ایشان از دست رفت و صنعت برق به‌ویژه صنعت نیروگاهی کشور انسانی با ارزش، محبوب و خوش‌فکر را از دست داد که می‌توانست با اتکا به قابلیت‌ها و توانمندی‌هایش به یکی از مدیران مؤثر این صنعت تبدیل شود.

عبدالحسین فضل‌الهی، رییس هیات‌مدیره شرکت غدیرانرژی لامرد، با یادآوری اینکه شهید دکتر معصومی حافظ کل قرآن بود، تصریح می‌کند: او با اتکا به هوش سرشارش این توانایی را داشت که در مورد مسائل و موضوعات مختلف به آیات قرآن استناد کرده و آن را با شرایط روز تطبیق دهند. نماز اول وقت اولویت اصلی ایشان بود و همواره آن را به هر کار دیگری ارجح می‌دانستند. ایشان همچنین در انجام کارها و مسئولیت‌هایش بسیار پیگیر و فعال بود و هرگز احساس خستگی نمی‌کرد. رویکرد شهید دکتر معصومی در مشارکت‌جویی و تبادل نظر



با وجود این که تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران غیر دولتی برق با مشکلات متعددی دست به گریبان هستند و گاهی با رفتارهای خاصی از سوی مدیران و مسئولین صنعت برق کشور مواجه می‌شوند و از این محل ناراضی‌هایی جدی در بین فعالان این حوزه وجود دارد، اما باز هم با این حال این چالش‌ها هیچ‌وقت باعث نشد که شهید دکتر معصومی از انجام مسئولیتی که برای احداث و بهره‌برداری از نیروگاه‌ها و رفع نیازهای مردم کمترین کوتاهی عقب‌نشینی کنند. با وجود همه این مشکلات، ایشان همچنان مسئولیت‌ها و وظایف خود را در این حوزه به شکل جدی دنبال کرده و توسعه نیروگاهی کشور را به عنوان یکی از مهمترین دغدغه‌های خود مد نظر قرار داده بودند. حاصل این تلاش خستگی‌ناپذیر، ادای احترام صنعت برق کشور به ایشان پس از شهادتشان بود. این اقدامات پاسخ کوچکی به مسئولیت‌پذیری، تلاش جهادگرانه، رفتار محترمانه و نگاه ملی ایشان به حوزه برق است.

ابراهیم خوش‌گفتار، رییس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق با بیان اینکه شهید معصومی بسیار متین و مودب و اصطلاحاً خانواده‌دار بودند، می‌گوید: ایشان در امور اجرایی هم بسیار صبور و متین و جدی بودند، به این معنی که در عین شفافیت در ارائه پیشرفت کارها، اهل هیاهو و بزرگنمایی آن‌ها نبود. این صبر و خویشتن‌داری حتی در مواردی هم که پیشبرد امور با مشکلاتی مواجه بود، موجب فشار مضاعف بر ایشان می‌شد. همچنین از نظم کاری بسیار خوبی نیز برخوردار بودند.

هم‌فکری و تعامل است. دانشمند جوان و نخبه صنعت برق به فردای بهتر ایمان داشت و بر ماست که در سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق و از آن مهمتر در خانواده بزرگ صنعت برق، در همین مسیر متعالی، توسعه صنعت برق را دنبال کرده و اجازه ندهیم که چراغ نام و راهش در این صنعت خاموش شود.

برای شهادتش که عروسی آسمانی برای مردی باایمان چون او بود، غم و اندوهی تمام‌ناشدنی خواهیم داشت، اما ماندگاری نام خوش‌آوازه، خدمات ارزنده و تلاش‌های بی‌دریغش در صنعت برق را وظیفه‌ای انسانی می‌دانیم و نام و یادش را در خانواده سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق همواره به خیر و نیکی، زنده نگاه خواهیم داشت.

انسانی ارزشمند، شریف و مدیری متخصص

همه همکاران و همراهان شهید معصومی از او به نیکی یاد می‌کنند و او را شریف، متدین، متعهد، خوش اخلاق و متخصص می‌دانند. محمدعلی وحدتی، رییس هیات مدیره پنجمین دوره هیات مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق درباره شهید دکتر معصومی می‌گوید: رفتار محترمانه با دیگران، نظم و دقت در امور اجرایی و مسئولیت‌پذیری از جمله مشخصه‌های بارز ایشان بود. شهید معصومی البته در حوزه کاری خود در بخش توسعه نیروگاه‌ها هم بسیار جدی، پرتلاش و پیگیر بود و این خستگی‌ناپذیری و مسئولیت‌پذیری را می‌توان از خصوصیات بارز آن شهید گرانقدر دانست.

میزگرد برنامه و بودجه



ابراهیم خوش گفتار
رئیس هیاتمدیره سندیگای شرکتهای تولیدکننده برق



مسعود حاجت
کارشناس خبره و پیشکسوت صنعت برق



احمد کفاشی
مدیر سابق امور انرژی سازمان برنامه و بودجه



پرویز غیاثالدین
دبیر سندیگای شرکتهای تولیدکننده برق



پگاه پاشا
مدیر دفتر پژوهش سندیگای شرکتهای تولیدکننده برق

پرونده اول



برنامه هفتم توسعه و بودجه ۱۴۰۲

فصل مشترک دغدغه‌های بودجه‌ای فعالان صنعت برق؛ اصلاح اقتصاد برق و اجرای منسجم قوانین

ابراهیم خوش‌گفتار، احمد کفاشی، مسعود حجت، پرویز غیاث‌الدین، پگاه پاشا

فصل بودجه با رسیدن به روزهای پایانی پاییز ۱۴۰۱ به تدریج آغاز می‌شود تا بودجه ۱۴۰۲ به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های دولت، نمایندگان مجلس، تشکل‌ها و فعالان اقتصادی و صنعتی تبدیل شود. البته امسال به دلیل همزمانی بودجه سال آینده با تدوین هفتمین برنامه توسعه پنج‌ساله کشور از حساسیت‌های جدی‌تری برخوردار است.

فعالان صنعت برق هم مانند سایر بازیگران صنایع بزرگ زیرساختی که فصول مختلف بودجه در سرنوشت یک سال آینده آنها تأثیری ژرف و بسزا خواهد داشت، این روزها نگران و امیدوارند که آنچه در قانون بودجه ۱۴۰۲ تدوین و در نهایت تصویب می‌شود، اندکی به بهبود شرایط بحرانی این صنعت منجر شود. به ویژه آن که همچنان کسری بودجه و کمبود جدی منابع ملی مهمترین چالش این صنعت محسوب می‌شود.

با این حال اما صاحب‌نظران و فعالان صنعت برق به ویژه در حوزه‌های خصوصی و غیر دولتی بر این باورند که صنعت برق پیش از آن که با کمبود قوانین موثر مواجه باشد، با پدیده عدم اجرای صحیح و دقیق قوانین حاضر دست به گریبان است. عدم تمکین وزارت نیرو به عنوان متولی اصلی صنعت برق و نبود نظارت منسجم و موثر بر نحوه اجرای قوانین به ویژه اسناد بالادستی نظیر قانون بودجه و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، نقد اصلی فعالان این صنعت است. آنها معتقدند اگر قوانین موجود به درستی اجرا می‌شد، رفع مشکلات این صنعت در یک پروسه سه تا پنج‌ساله امکان‌پذیر بود، اما ضعف در اجرا و فقدان ساختار نظارتی که مدیران ارشد دولتی را ناگزیر به پاسخگویی در برابر عملکردشان می‌کند، زمینه را برای ناکام ماندن قوانین و گسترش ابعاد بحران در صنعت برق فراهم کرده است. بر همین اساس و با توجه به اهمیت موضوع بودجه و قانون برنامه هفتم، دغدغه تولیدکنندگان غیر دولتی برق را در میزگردی با حضور ابراهیم خوش‌گفتار، رییس هیات مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق، احمد کفاشی مدیر سابق امور انرژی سازمان برنامه و بودجه، مسعود حجت از خبرگان و پیشکسوتان صنعت برق، پرویز غیاث‌الدین و پگاه پاشا، دبیر و مدیر دفتر پژوهش‌های سندیکا، دغدغه‌ها و انتظارات فعالان صنعت نیروگاهی کشور را از این قوانین بالادستی بررسی کرده‌ایم که مشروح این میزگرد را می‌خوانید:

نیرو و سرمایه:

شرایط سال‌های اخیر صنعت برق نشان داده که ما در این صنعت کمتر با کمبود قوانین موثر و حامی بخش خصوصی مواجه بوده‌ایم و عمده مسائل به نحوه اجرای این قوانین مربوط هستند. این موضوع در مورد قانون بودجه و قوانین توسعه پنج‌ساله کشور هم صدق می‌کند، به این معنا که این اسناد بالادستی در غالب موارد دچار خلاء جدی برای رفع نیازهای صنعت برق نیستند، اما همچنان در اجرا به توفیق چندانی دست نمی‌یابد.

با این حال جدی‌ترین پرسش‌هایی که در خصوص بودجه ۱۴۰۲ می‌توان مطرح کرد این است که در گام نخست چه پیشنهادهایی باید برای درج در این قانون لحاظ شود که حداقل برای بخش خصوصی و غیر دولتی تولیدکننده برق راهگشا باشد؟ همچنین ضروری است در این مجال اقداماتی که پی‌گیری و اجرای آنها پس از تصویب قانون بودجه الزامی است، شناسایی و بررسی شوند.

در حقیقت تلاش می‌کنیم در این فرصت علاوه بر بررسی مواردی که انتظار می‌رود در جهت بهبود شرایط تولیدکنندگان غیر دولتی برق در بودجه پیش‌بینی شود، الزامات ضمانت اجرایی این قانون به نحوی که وزارت نیرو امکان‌پذیر از اجرای آن را نداشته باشد، بررسی کنیم. از این رو ضرورت ورود مجلس یا دیگر نهادهای بالادستی نظارتی برای تمکین این وزارتخانه به قوانین به عنوان یکی از اصلی‌ترین محورهای این میزگرد مطرح است.

یکی دیگر از موضوعاتی که تلاش می‌کنیم در این فرصت به آن بپردازیم، سهم برق در هفتمین برنامه توسعه پنج‌ساله کشور است، به ویژه آن که در شرایط فعلی ناترازی تولید و مصرف برق و افول سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل عدم تمایل بخش خصوصی به حضور در این حوزه به یک چالش جدی برای صنعت برق کشور بدل شده که به نظر می‌رسد این مساله هم در عدم تمکین وزارت نیرو به قوانین بالادستی ریشه دارد.

است. نتیجه چنین فرایندی بدل شدن برق به یک کالای کم ارزش در فرهنگ و تفکرات غالب جامعه است. مردم از بالا رفتن هزینه قبض برق خود گلایه می‌کنند اما هیچ‌وقت این گلایه‌ها را درباره هزینه تلفن ثابت یا تلفن همراه نمی‌شنویم، در حالی که قبوض آن، گاهی چندین برابر قبض برق یک خانوار است.

به همین دلیل است که من مشکل اصلی را اقتصاد برق می‌دانم و معتقدم اگر ساختارهای اقتصادی این صنعت اصلاح شود، عمده مشکلات قابل حل خواهد بود. بی‌پولی وزارت نیرو برای بازپرداخت بدهی‌هایش به عنوان یک بحران جدی در صنعت برق ناشی از همین ناکارآمدی‌های اقتصادی است. البته از این مساله هم نمی‌توان چشم‌پوشی کرد که هزینه‌های جاری قهرا در اولویت‌های نخست وزارت نیرو در تخصیص منابع است و پرداخت بدهی‌های سرمایه‌گذاری که تسهیلات سنگینی را از بانک‌ها اخذ کرده‌اند، در مراحل بعدی دیده می‌شود.

پرویز غیاث‌الدین:

نکته این است که در شرایط فعلی با توجه به افزایش نرخ برق برای بخشی از مشترکین به ویژه صنایع بزرگ، وضعیت مالی وزارت نیرو نسبت به گذشته بهبود یافته، اما تغییری در رویکردهای کلان آن ایجاد نشده است. هنوز هم شرکت‌های توزیع از کمبود شدید منابع مالی گلایه دارند، نیروگاه‌ها اعلام کرده‌اند که دریافتی آن‌ها نسبت به سال گذشته ۱۰ تا ۲۰ درصد کاهش یافته و مساله مطالبات معوق همچنان به عنوان یکی از مسائل لاینحل صنعت برق به قوت خود باقی است. در آن سوی ماجرا هم ساختار اداری وزارت نیرو که عمده وظایف و مأموریت‌های اجرایی‌اش را به بخش خصوصی واگذار کرده، به شکلی گسترده در حال بزرگ‌تر و فربه‌تر شدن است و هزینه‌های جاری این وزارتخانه به دلیل گسترده شدن همین ساختار اداری دائماً افزایش می‌یابد.

به عنوان یک نمونه، برق منطقه‌ای تهران در گذشته و امروز را بررسی کنیم. زمانی حوزه کاری این شرکت شامل تولید، انتقال و توزیع بود و از مرزهای خراسان تا اصفهان و مازندران را در برمی‌گرفت. اما امروز حوزه کاری و جغرافیایی برق منطقه‌ای تهران محدود شده و تنها در حوزه انتقال با انبوهی از کارهای برون‌سپار شده فعالیت می‌کند اما ساختار اداری‌اش چندین برابر گذشته است. شاید اگر هزینه‌های سربار و غیر ضروری این دست از شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی تخصیص داده می‌شد، به سادگی قادر به تامین پایدار برق بودند. به همین دلیل به نظر می‌رسد بزرگ شدن ساختار دولتی شرکت‌های زیرمجموعه وزارت نیرو و افزایش هزینه‌های ناشی از آن را هم می‌توان یکی از



در این میان رویکردی هم وجود دارد که تلاش می‌کند فضای ذهنی سیاست‌گذاران را به این سمت هدایت کند که ورود بخش خصوصی به حوزه نیروگاهی، تصمیم نادرستی است و بهتر است دولت دوباره مانند سابق مالکیت بحث تولید را در دست بگیرد. بررسی این نظریه هم یکی از محورهای مورد بررسی در این میزگرد خواهد بود.

مسعود حجت:

پیش از هر چیز در مورد موضوع آخر باید تاکید کنم که شاید برخی از کارشناسان و بدنه اجرایی و یا مدیران میانی صنعت برق اعتقادی به حضور و مداخله بخش خصوصی در حوزه تولید برق نداشته باشند، اما در مساله نیروگاه‌ها این رویکرد چالش اصلی نیست. ریشه اصلی همه مشکلاتی که امروز با آن مواجهیم اقتصاد برق است. به همین دلیل مشکلات فعلی فارغ از دولتی یا خصوصی بودن بخش تولید برق، بدون اصلاح اقتصاد برق، حل‌شدنی نخواهد بود.

مشکل اساسی این صنعت که در اکثر موارد به ایجاد ناتوانی‌های جدی در زیرساخت‌های برق منجر شده، ناشی از ناکارآمدی‌های گسترده در ساختار اقتصادی آن است. امروز نیروگاه‌ها برق، سوخت تقریباً رایگان دریافت می‌کنند، این در حالی است که در عمده کشورهای دنیا سهم سوخت در قیمت تمام شده برق ۶۰-۷۰ درصد است و مابقی به هزینه تبدیل انرژی و توزیع برق تخصیص می‌یابد. احتساب مجموع این هزینه‌ها ما را به یک قیمت ۶۰۰ تا ۷۰۰ تومانی برای هر کیلووات ساعت برق بدون احتساب سوخت می‌رساند، در حالی که امروز برق به بهای متوسط ۱۳۰ تومان به مشترکین خانگی و ۲۸۵ تومان به ازای هر کیلووات‌ساعت به صنایع عرضه می‌شود. در مورد صنایع فلزی فلزی و پالایشگاهی تعرفه بر مبنای نرخ خرید تضمینی از نیروگاه‌ها می‌باشد. این نابسامانی در قیمت‌گذاری است که صنعت برق را به شدت متضرر و بدمصرفی را به یک فرهنگ فراگیر و رایج در جامعه تبدیل کرده



حجت: واقعیت این است که تولیدکنندگان برق در معامله با دولت گرفتار نوعی سراب شده‌اند که عملاً امیدهایشان را به حمایت‌ها و سیاست‌ها از بین می‌برد. البته به نظر من اصلاح این ساختار اقتصادی از مسیر بودجه و به شکل تدریجی قابل انجام است

مسعود حجت:

این مساله قابل قبول است که ما در حوزه توزیع برق با مشکلات بسیاری مواجهیم و بهتر بود روند واگذاری‌ها از شرکت‌های توزیع آغاز می‌شد، اما مشکل اصلی ما نحوه قیمت گذاری برق است. بنابراین کارآمدترین شرکت‌های توزیع هم در این ساختار دستوری اقتصاد برق نمی‌توانستند عملکرد خوبی داشته باشند. مشکل اینجاست که دولت با یک سیاست نادرست برق را به عنوان یک خدمت عمومی با قیمت ارزان به مردم عرضه می‌کند. این در حالی است که کشورهای توسعه‌یافته با یک سیاست درست انرژی را با بهای واقعی در اختیار مشترکین قرار می‌دهند و به همین دلیل مصرف بهینه بخشی از فرهنگ غالب این کشورهاست.

واقعیت این است که تولیدکنندگان برق در معامله با دولت گرفتار نوعی سراب شده‌اند که عملاً امیدهایشان را به حمایت‌ها و سیاست‌ها از بین می‌برد. البته به نظر من اصلاح این ساختار اقتصادی از مسیر بودجه و به شکل تدریجی قابل انجام است، چرا که از این طریق از اقدامات چکشی و ناگهانی جلوگیری شده و فشار مضاعفی به مردم وارد نمی‌شود و بازتاب‌های ناگوار اجتماعی که ممکن است به دلایل دیگری نیز دامن زده شود ایجاد نخواهد شد.

احمد کفاشی:

کاملاً درست است؛ مشکل اصلی نگرشی است که انرژی را یک خدمت عمومی تلقی می‌کند. قاعدتاً وظیفه دولت این است که برق پایدار و بدون خاموشی را در اختیار مردم قرار دهد. این حساسیت به ویژه در مورد مشترکین خانگی بیشتر است و معمولاً تمرکز دولت‌ها بر تامین برق و انرژی پایدار برای خانه‌ها است. به همین دلیل است که در مواقع ناترازی هم عرضه برق یا گاز صنایع را محدود می‌کنند. ریشه این تصمیم‌گیری‌ها همین است که انرژی را یک خدمت می‌بینیم نه کالایی که می‌تواند در یک ساختار اقتصادی مشخص

عوامل مشکل‌زا به ویژه در حوزه کسری بودجه این وزارتخانه دانست. مساله این جاست که این تراکم نیروی انسانی عمدتاً نه تنها کمکی به انجام سریع‌تر و ساده‌تر امور نمی‌کند، بلکه کارها را در برخی موارد متوقف کرده و از پیشبرد امور جلوگیری می‌کند. البته این که وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه کارهای اجرایی و امور تصدی‌گری را به بخش خصوصی واگذار کرده‌اند، یک امر منطقی و درست است، اما این روند باید به چابک و کوچک شدن بخش دولتی منجر می‌شد، اما متأسفانه می‌بینیم که نه تنها بخش عمده‌ای از امور برون‌سپاری شده، بلکه بدنه اجرایی وزارت نیرو هم بزرگ‌تر شده و به تناسب آن هزینه‌های مترتب بر این ساختار فربه و ناکارآمد هم افزایش یافته است.

ابراهیم خوش‌گفتار:

یکی از مسائل ما در صنعت برق این است که ما هیچ‌وقت به صورت دقیق و جدی به مساله توزیع برق در حوزه‌های متعدد از جمله صنایع، کشاورزی، عمومی، مساجد و مشترکین خانگی نپرداخته‌ایم. به خوبی به خاطر دارم که وقتی بحث واگذاری نیروگاه‌ها از محل ماده ۲۷ مطرح شد، من یکی از مخالفین جدی آن بودم. باور من این بود که کار واگذاری به جای تولید، باید از حوزه توزیع آغاز شود.

اتفاقی که در واگذاری‌ها رخ داد این بود که فاصله بین هزینه واگذاری و درآمد حاصل از فروش برق به ایجاد یک زیان افزوده برای وزارت نیرو منجر شد که بعدها در قالب بحران مالی خودش را نشان داد. این مشکل زمانی عمیق‌تر شد که صنعت برق برای جبران کسری بودجه، از مسیریایی مانند انتشار و فروش اوراق مشارکت اقدام کرد که بازهم در بلندمدت به افزایش سطح بدهی‌های منجر شد.

در حقیقت وزارت نیرو با انتشار اوراق مشارکت هر سال برای خود بدهی‌های جدیدی ایجاد می‌کرد که بعد از چهار سال مبالغ آن چند برابر می‌شد و همین مساله به یکی از عوامل ایجاد بحران مالی در این صنعت منجر شد. به همین دلیل من معتقدم که روند واگذاری‌ها باید از انتهای زنجیره تامین برق یعنی شرکت‌های توزیع شروع می‌شد تا این زیان انباشته از ابتدای زنجیره تامین در حوزه تولید برق، به سایر بخش‌ها تسری پیدا نکند. در همان سال‌ها، کشور مالزی تجربه‌ای موفق در واگذاری حوزه توزیع برق داشت و ما می‌توانستیم از آن الگوبرداری کنیم. واگذاری‌ها در کشور مالزی به این ترتیب صورت گرفت که به شرکت‌ها اجازه داده شده بود که برق را به صورت مستقل به مشترکین بفروشند و از این طریق برق در یک ساختار رقابتی به مشترکین عرضه می‌شد. بعدها این روند خصوصی‌سازی پله‌پله تا نیروگاه‌ها توسعه یافت.

خوش‌گفتار: من معتقدم که روند واگذاری‌ها باید از انتهای

زنجیره تامین برق یعنی شرکت‌های توزیع شروع می‌شد تا این زیان انباشته از ابتدای زنجیره تامین در حوزه تولید برق، به سایر بخش‌ها تسری پیدا نکند



خرید و فروش شود. بنابراین به برق مثل خدماتی مانند درمان و تامین اجتماعی نگریسته می‌شود که افزایش تعرفه‌اش به ایجاد ناراحتی‌های عمومی منجر می‌شود. این در حالی است که مردم با افزایش سالانه بهای خدمات مخابراتی هیچ مشکلی ندارند و با افزایش بهای محصولات لبنی را به سادگی می‌پذیرند. در شرایطی که قیمت کالاها ظرف چند سال اخیر بین ۵ تا ۱۰ برابر افزایش یافته، بهای برق در طول ۴ سال اخیر از ۸۰ تومان به ۱۲۰ تومان رسیده است.

چشم‌اندازی که در واگذاری‌ها دنبال می‌شد، این بود که با ورود بخش خصوصی، برق از خدمت به کالا تبدیل شود، اما نه تنها برق به یک کالا تبدیل نشد، بلکه دولت هزینه تامین این کالا را هم از جیب بخش خصوصی پرداخت کرد. البته به نظر می‌رسد واقعی کردن قیمت سوخت نیروگاه‌ها و واقعی کردن قیمت برق هم کاری نیست که به سادگی بتوان انجام داد.

ابراهیم خوش‌گفتار:

دقیقاً رویکرد حکمرانان نسبت به تامین برق، به عنوان یک خدمت دولتی است، بنابراین مساله اقتصادی برق در سطح حاکمیت باید

پی‌گیری و حل شود. به علاوه به نظر می‌رسد اداره صنعت برق به نحوی صورت گرفته که به فراگیرتر شدن این نگاه نسبت به برق دامن زده است. همین نگاه بدمصرفی را در بین مشترکین رواج داده و عملاً همه انواع انرژی را به یک کالای کم‌ارزش برای مردم تبدیل کرده است.

به همین دلیل زیرساخت‌های برق نتوانستند متناسب با شرایط روز دنیا رشد و توسعه پیدا کنند. به عنوان مثال در عصری که تحولات تکنولوژیک با شتابی غیر قابل پیش‌بینی در حال پیشرفت هستند، ما عقب‌افتاده‌ترین سیستم کنترل برق دنیا را داریم. در حقیقت نبود



یک نظام مالی کارآمد اجازه سرمایه‌گذاری برای توسعه متناسب زیرساخت‌های این صنعت را نداده است. به نظر می‌رسد ما در صنعت برق بیش از هر چیز به مدیرانی نیاز داریم که درک درستی از اقتصاد انرژی داشته باشد. عدم آشنایی مدیران ارشد صنعت برق اتلاف جدی منابع مالی و انرژی را در همین عمده مدیران ارشد دولتی مبتنی بر بخشی‌نگری است، چرا که جایگاه خود را معمولا موقتی می‌دانند و ترجیح می‌دهند در آن دوره زمانی تصمیماتی با کمترین عواقب اتخاذ کنند که نتایجش فارغ از پیامدهای بلندمدت، در همان دوره قابل قبول باشد.

اگر قانون بودجه سالانه را به عنوان یک ابزار و راهکار برای بهبود شرایط فعلی در نظر بگیریم، باید به دو موضوع توجه جدی داشته باشیم. اولین مساله انجام بسترسازی‌های لازم به منظور سوق دادن پروسه عرضه برق به مشترکان از مسیر بورس انرژی است. پس از آن موضوع مغفول کنتورهای هوشمند را برای پی‌گیری در دستور کار

قرار دهیم. این دو اقدام، شفاف‌سازی در گام آخر توزیع را برای دولت تسهیل کرده و می‌تواند زمینه‌ساز تصمیمات درستی در حوزه اقتصاد برق باشد و از آن مهمتر میزان یارانه تخصیص‌یافته به مشترکان را نیز مشخص کرده و کار دولت را برای سازماندهی یارانه‌ها و شناسایی دهک‌های پایین‌تر ساده‌تر می‌کند.

نکته‌ای که در مورد قوانین بودجه سالانه وجود دارد این است که ما هر ساله بر اساس یک مدل مشخص و ثابت، بودجه‌نویسی می‌کنیم. یعنی مدلی را تکرار می‌کنیم که در اجرا به توفیق چندانی نداشته است. لذا شاید پیش از هر اقدامی، بازنگری روش‌های بودجه‌نویسی یک الزام جدی برای اقتصاد کشور باشد.

مسعود حجت:

توجهی از آن ناشی از فشارهایی بوده که از سایر بخش‌های حاکمیتی به مدیران صنعت برق تحمیل شده است. عدم افزایش متناسب قیمت برق با تورم سالیانه، آن هم در شرایطی که بهای همه کالاها - حتی کالاهایی که دولت در تعیین نرخ آن دخیل است، مانند نان یا لبنیات - چندین برابر شده، به خوبی نشانگر همین مساله است.

ابراهیم خوش‌گفتار:

مساله‌ای که صنعت برق را از سایر حوزه‌های و صنایع متمایز می‌کند، این است که طرف حساب ما در برق، دولتی است که اساسا در پیاده‌سازی مفاهیم اقتصادی عملکرد خوبی نداشته و ندارد. مشتری برق، نهادی است که امروز هزاران میلیارد تومان به نیروگاه‌ها بدهکار است، اما حاضر نیست برای حل این مشکل، حتی به یک نشست مشترک با فعالان این حوزه تن بدهد. همین امر سرمایه‌گذاری در صنعت برق را به یک زیان بزرگ تبدیل کرده، چرا که عملا همان سرمایه در هر حوزه‌ای بازگشت موفق‌تر و بیشتری دارد. سوال اینجاست که یک سرمایه‌گذار با چه استدلالی باید سرمایه‌ای هنگفت را صرف خرید یا احداث یک نیروگاه کند؟

اگر سرمایه‌گذار از محل ورود به صنعتی نتواند یک سود منطقی کسب کند و یا تضمین لازم را برای مدیریت ریسک‌های آن حوزه در اختیار نداشته باشد، قاعدتا دلیلی برای صرف سرمایه خود در آن صنعت نخواهد داشت. حتی سرمایه‌گذاران بخش خصوصی که پیشتر به این صنعت ورود کرده‌اند هم امروز قطعاً تمایل چندانی به سرمایه‌گذاری مجدد در این حوزه ندارند.

از این رو یکی از مهمترین اقداماتی که برای بازگشت سرمایه به صنعت برق باید انجام شود، هم‌سنگ‌سازی سرمایه‌گذاری در این صنعت با سایر حوزه‌ها است. حداقل اقدامی که برای نجات صنعت برق ضروری است، سازماندهی قیمت‌گذاری برقی است که از نیروگاه‌ها خریداری می‌شود، در این صورت می‌توان تا حدی به بازگشت سرمایه‌ها امید داشت.

احمد کفاشی:

به نظر من مسائل صنعت برق را نمی‌توان به صورت کلان دنبال کرد، تجربه چند سال اخیر نشان می‌دهد که مشکلات کلان این صنعت که معمولا متأثر از سیاست‌های کلان کشور است، به سادگی و حتی با اراده وزارت نیرو هم قابل حل نیستند. این که سیاست‌های کلی حاکم بر صنعت تغییر کرده و ساختارهای مدیریتی دچار تحول شود، مساله‌ای بلندمدت است که نیاز به تغییرات بنیادین در زیرساخت‌های برق دارد.



کفاشی: چشم‌اندازی که در واگذاری‌ها دنبال می‌شد، این بود که با ورود بخش خصوصی، برق از خدمت به کالا تبدیل شود، اما نه تنها برق به یک کالا تبدیل نشد، بلکه دولت هزینه تامین این کالا را هم از جیب بخش خصوصی پرداخت کرد

لذا به نظر می‌رسد منطقی‌ترین کار این است که موضوعات را به صورت موردی و جزئی پی‌گیری کرده و به نتیجه برساییم.

به عنوان مثال شاید اگر دو موضوع موثر مانند تعیین قیمت سوخت و هزینه تبدیل انرژی در نیروگاه‌ها را حل کرده و شفاف کنیم، دولت می‌تواند با نگاه منسجم‌تر و دقیق‌تری برای برق تصمیم‌گیری کند. بر همین اساس بهتر است مواردی را که برای نیروگاه‌ها اهمیت و اضطراب بیشتری دارند، شناسایی کرده و برای رفع آنها، پیشنهادها را به‌رودی برای درج در برنامه هفتم ارائه دهیم. البته تمرکز بر ایجاد ضمانت‌های اجرایی برای این قوانین هم از اهمیت بسزایی برخوردار است، اما پیش از آن درج این شکل از راه‌کارها در بودجه یا سایر قوانین بالادستی مانند برنامه توسعه، می‌تواند تا حد زیادی امیدبخش باشد. البته عملکرد وزارت نیرو هم در دامن زدن به این مشکلات بی‌تاثیر نبوده است. به عنوان مثال امسال قیمت برق صنایع افزایش یافته، اما هیچ منابع مالی از محل این افزایش قیمت به نیروگاه‌ها تخصیص پیدا نکرده و همان‌طور که آقای مهندس خوش‌گفتار هم اشاره کردند امسال درآمد نیروگاه‌ها نسبت به سال گذشته کاهش یافته است. در حقیقت به نظر می‌رسد منابع حاصل از تبصره ۱۵ به بخش‌هایی جز برق اختصاص داده شده و این موضوعی است که در درجه اول از سوی وزارت نیرو پی‌گیری و دنبال شود.

به همین خاطر باز هم تأکید می‌کنم که ما باید کار را از حل مسائل جزئی‌تر پی‌گیری کنیم، طی سال‌ها و حتی دهه‌های اخیر، علی‌رغم این همه پی‌گیری و مذاکره نه تنها هیچ‌یک از مسائل کلیدی ما حل نشد، بلکه شرایط به مراتب برایمان دشوارتر هم شد.

البته یکی از مواردی که به صورت جدی باید بر روی آن کار کنیم، موضوع قیمت خرید تضمینی برق است که متأسفانه در حال حاضر مبنای مشخصی ندارد. از این رو تدوین یک مدل روش‌مند برای تعیین قیمت تضمینی خرید برق باید یکی از ماموریت‌های مهم سندیکا برای سازماندهی به مسائل اعضای خود باشد.

یکی دیگر از موضوعات کلیدی «بدهی نیروگاه‌ها به صندوق توسعه ملی» است که به تدریج تبدیل به یک بحران جدی در حوزه نیروگاهی کشور شده است. تعیین تکلیف این بدهی‌ها با توجه به جهش‌های چندباره نرخ ارز و همچنین قیمت ریالی برق در بازار و بورس و عدم هم‌خوانی و پوشش افزایش نرخ ارز با افزایش بهای برق از اهمیت بسزایی در کنترل بحران مالی بسیاری از نیروگاه‌ها برخوردار است. شاید صدور مجوزهای لازم برای صادرات برق توسط نیروگاه‌ها و یا خرید ارزی بخشی از برق تولیدشده توسط آنها، بتواند یک راه‌کار جبرانی برای عبور از این چالش باشد. چرا که بدون تردید نیروگاه‌ها بدون اتکاب به چنین راهکارهایی هرگز قادر به تسویه بدهی ارزی خود به صندوق توسعه ملی نخواهند بود، از این رو لازم است بستر قانونی لازم برای چنین راهبردهایی در قانون بودجه پیش‌بینی شود. یکی دیگر از پیشنهادهایی که می‌توان به ویژه برای توسعه بخش بخار نیروگاه‌ها و تبدیل آنها به سیکل ترکیبی مطرح کرده و از طریق بودجه سال آینده، منابع مالی لازم را برای آن پیش‌بینی کرد، اعطای تسهیلات ریالی به نیروگاه‌ها از طریق صندوق توسعه ملی است. اگرچه صندوق یک نهاد مالی ارزی است، اما در شرایطی که کشور با کمبود جدی منابع مالی مواجه است، ارزش پول ملی کاهش یافته و نیروگاه‌ها امکان کسب درآمد ارزی ندارند، این راهبرد می‌تواند با افزایش تاب‌آوری نیروگاه‌ها در برابر جهش‌های ارزی، در توسعه سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی در حوزه نیروگاهی بسیار کارساز واقع شود. البته در صورتی که وزارت نیرو بپذیرد بخشی از برق تولیدی نیروگاه‌ها را ارزی بخرد یا به آنها اجازه صادرات بدهد، به همان نسبت می‌توان تسهیلات صندوق توسعه ملی را برای نیروگاه‌ها ارزی-ریالی در نظر گرفت.

نکته کلیدی دیگر، تعیین تکلیف قیمت گاز نیروگاه هاست. همانطور که آقای مهندس حجت هم اشاره کردند لازم است قیمت برق با احتساب هزینه سوخت شفاف شود. در این صورت از مسیر بودجه می‌توان مساله مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده و تکلیفی برق را به شکلی دقیق تعیین تکلیف کرد. این که مابه‌التفاوت از مصرف‌کننده دریافت شود و یا دولت به عنوان یارانه پرداخت آن را عهده‌دار باشد، مساله‌ای است که باید در حاکمیت برای آن تصمیم‌گیری شود، اما ما برای نجات صنعت برق از کسری بودجه فعلی، نیاز به یک ردیف بودجه‌ای شفاف و لازم‌الاجرا برای بازپرداخت این مابه‌التفاوت از سوی دولت به وزارت نیرو داریم و البته ضروری است که این منابع مالی به مطالبات نیروگاه‌ها اختصاص داده شود.

از آنجا که تامین یارانه برق و مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده و تکلیفی برق برای دولت بسیار دشوار است، ناگزیر می‌شود بر اساس یک مدل اقتصادی مشخص و با شیب تدریجی، قیمت برق را افزایش داده و در

طول سال‌های آینده مبلغ ردیف مابه‌التفاوت را کاهش دهد و از این طریق اقتصاد برق در مسیر اصلاح و واقعی‌سازی قرار می‌گیرد. البته ما در حوزه برق مصادیق بسیاری برای عدم اجرای قوانین داریم که یکی از نمونه‌های بارز آن، عدم اجرایی‌شدن قوانین مرتبط با توسعه تجدیدپذیرها و یا الزام سازمان‌ها و ادارات دولتی به تامین ۲۰ درصدی برق مصرفی از طریق تجدیدپذیرها است. این در حالی است که دنیا با سرعتی بسیار بالا در حال افزایش سهم انرژی‌های پاک است، اما متأسفانه ما نتوانستیم در این حوزه هم به توفیق چندانی دست یابیم. یکی دیگر از موضوعات قابل پی‌گیری، مساله قراردادهای دوجانبه است که یکی دو سالی است که پس از افزایش قیمت برق صنایع به یک مساله جدید برای نیروگاه‌ها تبدیل شد، چرا که توانیر اجازه فروش برق با بهای تعیین‌شده را به نیروگاه‌های غیر دولتی نمی‌دهد. حل این مساله هم از مسیر قانون بودجه امکان‌پذیر است، به این معنی که ما باید همه این موارد را در قالب پیشنهادهای بودجه‌ای ارائه داده و زمینه را برای رفع آنها در بسترهای قانونی فراهم کنیم.

یکی از موضوعات دیگری که در قانون بودجه سال‌های اخیر پیش‌بینی شده، اما در اجرا به بن‌بست رسیده است، قراردادهای بیع متقابل و الزام دولت به تخصیص حواله سوخت به نیروگاه‌هایی است که واحد بخار راه‌اندازی کرده‌اند. پی‌گیری این موضوع هم باید از مسیر قانون بودجه انجام و وزارتخانه‌های نفت و نیرو مکلف به تخصیص این حواله‌ها و یا تهاتر آنها با مطالبات صندوق توسعه ملی از نیروگاه‌ها شود.

پگاه پاشا:

مسائل زیادی حول محور بودجه قابل طرح است. به عنوان مثال در تبصره ۱۵ قانون بودجه سال جاری، ۱۶ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده بود که قرار بود بخشی از این مبلغ به مطالبات نیروگاه‌ها اختصاص داده شود. سال گذشته این مبلغ ۸ هزار میلیارد تومان بود که تکلیف شده بود سه هزار میلیارد تومانش به مطالبات نیروگاه‌ها اختصاص داده شود. استعلام‌های صورت‌گرفته از اعضا نشان می‌دهد که نیروگاه‌ها بالغ بر ۱۷ هزار میلیارد تومان مطالبات ریالی دارند و اگر مطالبات ارزی را هم به آن اضافه کنیم، به رقم تقریبی ۴۰ هزار میلیارد تومان می‌رسیم. همچنین طبق اطلاعات دریافتی، پرداخت‌های صورت‌گرفته در سال ۱۴۰۱ به شرکت‌ها، از مطالبات انباشته آن‌ها کم نکرده است. نکته اینجاست بودجه در مرحله اجرا فاقد نظارت‌های لازم است، به همین دلیل تلاش‌ها و کار کارشناسی بسیار گسترده‌ای که برای تدوین بودجه در سازمان برنامه، اتاق بازرگانی، تشکل‌ها و کمیسیون‌های مجلس صورت می‌گیرد، در نهایت نتیجه بسیار محدودی در عمل در پی دارد. بنابراین شاید مهمترین مساله‌ای که باید برای آن چاره‌اندیشی شود،

و اقدامات توسعه‌ای میزان ظرفیت خود را به حداکثر برسانند بخشی از کمبودهای سال آینده را جبران کنند.

نکته دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که زمانی چشم‌انداز صنعت برق ایران، تبدیل شدن به هاب برق منطقه بود، امروز اما به دلیل همین کمبودهای برق در تابستان، گاهی صادرات برق به کشورهای منطقه متوقف شده و همین امر اعتماد کشورهای هدف را به پایداری برق ایران کم کرده است. بنابراین ما به تدریج فرصت‌های طلایی را برای تبدیل شدن به هاب برق منطقه از دست داده و بازارهای بسیار مساعد کشورهای همسایه را در اختیار رقبا قرار می‌دهیم.

ابراهیم خوش‌گفتار:


یکی از مهمترین مشکلات ما این است که وزارت نیرو در اجرای قوانین، مشکلات اساسی دارد و در تمکین به قوانین حاضر دچار ضعف جدی است. عدم اجرای کامل و دقیق برنامه‌های توسعه و یا بودجه‌های سالانه هم ناشی از همین رویکرد در وزارت نیرو است. بنابراین پیش از هر چیز باید ضعف این وزارتخانه در اجرای قوانین فعلی رفع شود و پس از آن به فکر ایجاد بسترهای قانونی جدید باشیم.

از دیدگاه من در صنعت برق قوانین شفاف و موثر بسیاری وجود دارد که متأسفانه در اجرا به بن‌بست رسیده‌اند. به عنوان مثال در سال ۱۳۷۷ قانون نصب کنتورهای هوشمند تصویب شد که قطعاً می‌توانست در بهبود شرایط این صنعت کاملاً کارساز واقع شود، اما می‌بینیم که این قانون تا امروز هم اجرایی نشده و هزینه به تعویق افتادن آن به کل بازبگرن صنعت برق کشور تحمیل شده است.

عدم پرداخت مطالبات هم یکی از عوارض همین عدم تمکین وزارت نیرو به قوانین و مقررات موجود است. نکته اینجاست که ادامه این روند می‌تواند در آینده‌ای نه چندان دور به فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر در صنعت برق منجر شود. البته همین امروز هم علایم و نشانه‌های این فاجعه در قالب خاموشی‌ها و هزینه‌های اقتصادی ناشی از آن خودش را نشان داده است. بنابراین ضروری است همه این موارد به صورت شفاف و دقیق به اطلاع نهادهای مرتبط با بودجه‌نویسی اعم از سازمان برنامه، مرکز پژوهش‌ها و مجلس شورای اسلامی برسانیم تا شاید در قالب بودجه برای حل این مسائل چاره‌اندیشی شود.

پگاه پاشا:

زمانی تصور ما این بود که اگر اصلاحاتی صورت گیرد که منابع مالی برای وزارت نیرو ایجاد کند، احتمالاً به بهبود شرایط نیروگاه‌های غیر دولتی نیز منجر می‌شود. اما متأسفانه این وزارتخانه و شرکت‌های تابعه در برابر درآمدی که از محل تبصره



غیاث‌الدین: نیروگاه‌ها اعلام کرده‌اند که دریافتی آن‌ها نسبت به سال گذشته ۱۰ تا ۲۰ درصد کاهش یافته و مساله مطالبات معوق همچنان به عنوان یکی از مسائل لاینحل صنعت برق به قوت خود باقی است. در آن سوی ماجرا هم ساختار اداری وزارت نیرو که عمده وظایف و مأموریت‌های اجرایی‌اش را به بخش خصوصی واگذار کرده، به شکلی گسترده در حال بزرگ‌تر و فربه‌تر شدن است

نظارت بر نحوه اجرای قوانین بالادستی از جمله بودجه و برنامه‌های توسعه است. البته ما در سندیکا پی‌گیری‌های گسترده‌ای برای این موضوع انجام داده‌ایم، اما تا زمانی که نظارت عملیاتی مناسبی در حوزه اجرا صورت نگیرد، بهبودی مشاهده نخواهد شد.

مسعود حجت:

یکی از مسائلی که همواره در صنعت برق و حوزه انرژی مطرح می‌شود، مدیریت مصرف است. به این معنا که در حوزه عرضه و تقاضای برق تمهیداتی اندیشیده می‌شود که بدون ایجاد اختلال در اقتصاد کشور و رفاه مشترکین مصرف کاهش می‌یابد. نمونه روشن و معمول آن استفاده از لامپ‌های سنسوردار در ساختمان‌هاست که یکی از اقدامات کوچک اما موثر در حوزه مدیریت مصرف محسوب می‌شود.

خاموشی‌های تابستان ۱۴۰۰ که نتیجه ناترازی تولید و مصرف برق بود، در رفاه مشترکان و حتی اقتصاد کشور اختلال جدی ایجاد کرد، اما تابستان امسال شرایط کمی بهتر مدیریت شد، یعنی به بخش خانگی کمترین خاموشی تحمیل شد، با این وجود شهرک‌های صنعتی و صنایع بزرگ یک روز در هفته را بدون برق پشت سر می‌گذاشتند. بنابراین با وجود عملکرد مناسب وزارت نیرو در مدیریت خاموشی‌ها، اما باز هم نمی‌توان این اقدامات را به دلیل هزینه تحمیل‌شده به اقتصاد کشور، مدیریت مصرف دانست.

سوال اینجاست که با توجه به عدم توانایی صنعت برق در احداث نیروگاه‌های جدید، برنامه ما برای مواجهه با خاموشی‌ها در سال آینده چیست؟ به ویژه آن که معمولاً سالانه با رشد ۶ تا ۷ درصدی مصرف هم مواجه هستیم و جبران این میزان رشد در صنعتی که دچار افول جدی سرمایه‌گذاری است، بسیار دشوار است.

از این رو وزارت نیرو باید از همین امروز برای پرداخت بدهی‌های خود فکری کند تا حداقل نیروگاه‌های فعال بتوانند با انجام تعمیرات اساسی



پاشا: مهمترین مساله‌ای که باید برای آن چاره‌اندیشی شود، نظارت بر نحوه اجرای قوانین بالادستی از جمله بودجه و برنامه‌های توسعه است. البته ما در سندیکا پی‌گیری‌های گسترده‌ای برای این موضوع انجام داده‌ایم، اما تا زمانی که نظارت عملیاتی مناسبی در حوزه اجرا صورت نگیرد، بهبودی مشاهده نخواهد شد

۱۵ ایجاد شده است و خرج کرد آن در عمل، پاسخگو نیستند. در حال حاضر یکی از مهمترین پیشنهادهایی که برای بودجه سال آینده مطرح می‌شود، اصلاح اقتصاد برق است، اما سوال اینجاست که این اقدام از چه طریقی باید انجام شود؟ بهتر نیست پیشنهادهایی که با محوریت بخش عمومی شامل دولت و وزارت نیرو است را کنار بگذاریم و به سراغ راهبردهایی برویم که بازیگر اصلی آن بخش خصوصی و هدف اصلی آن برقراری ارتباط مستقیم بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برق است؟

با توجه به رویکرد وزارت نیرو نسبت به بخش خصوصی، به نظر می‌رسد تلاش سندیکا و نیروگاه‌ها برای رونق و توسعه معاملات دوجانبه و معاملات برق در بورس انرژی در بهبود شرایط کارسازتر خواهد بود. بر این اساس شاید بهتر است این سوال را مطرح کنیم که ما به عنوان بخش خصوصی پیشنهادهای بودجه‌ای خود را بر اساس کدام خط فکری ارائه دهیم که شانس بیشتری برای رفع مشکلات داشته باشیم؟ اصلاحاتی از جنس مفاد قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق با محوریت بخش دولتی در قیمت‌گذاری و امید به سرایت آثار بهبود نقدینگی وزارت نیرو به فعالان خصوصی و یا اصلاحات بورس انرژی با محوریت کاهش نقش دولت در مبادلات و قیمت‌گذاری برق؟

ابراهیم خوش‌گفتار:

ما پیش از هر چیز باید ایجاد ضمانت اجرایی برای قانون بودجه و نیز قانون برنامه را پی‌گیری کنیم. قطعاً اجرای درست این قوانین می‌تواند ظرف دو تا سه سال، شرایط صنعت برق کشور را بهبود ببخشد. همچنین لازم است گزارشی از عمده مشکلات نیروگاه‌ها تهیه کرده و در اختیار مسئولین امر قرار دهیم تا در زمان تدوین بودجه تصویر روشنی از شرایط دشوار نیروگاه‌ها و پیامدهای جدی ناشی از آن داشته باشند. تقویت بورس انرژی، ترغیب دولت و مجلس به تعیین تکلیف میزان یارانه برقی که به مشترکین مختلف تخصیص داده شده و همچنین ارائه یک مدل پیشنهادی برای کاهش تدریجی این یارانه‌ها، اقدامات دیگری

است که می‌توانیم از مسیر سندیکا برای بودجه و قانون برنامه هفتم پیش برده و دنبال کنیم. یکی دیگر از موضوعات قابل طرح در بودجه سال آینده، خرید و فروش برق در مرحله‌ای از مسیر نصب کنتورهای هوشمند و سازماندهی قیمت برق در حوزه توزیع برق است.

مسعود حجت:

نکته‌ای که در مورد قیمت برق کمتر به آن توجه شده این است که به دلیل افزایش جهش وار قیمت ارز، عملاً قیمت برق با توجه به ارزیابی بالای نیروگاه‌ها، نسبت به تورم و نرخ ارز در سال‌های گذشته، با کاهش قیمت مواجه بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به تجربه موفق وزارت نیرو در افزایش قیمت برق صنایع، می‌توان سازوکاری را نیز برای افزایش تدریجی بهای برق مشترکین عمومی و خانگی پیش‌بینی و تدوین کرد. البته بدون تردید افزایش تعرفه برق مشترکین خانگی مشمول حساسیت‌های جدی است و ضروری است که وزارت نیرو پیش از هر اقدامی مدل و سازوکار این افزایش تعرفه برای خانه‌ها را به درستی بررسی کرده و پیامدهای آن را به دقت بسنجد. عدم اصلاح اقتصاد برق، همانطور که پیشتر هم اشاره شد پیامدهایی بسیار گسترده‌تر از آنچه که ظرف یکی دو سال اخیر تجربه کردیم، در پی خواهد داشت و جلوگیری از آنها اصلاح ساختارهای فعلی اقتصاد برق است. فراموش نکنیم که تنها راه حل اصلی رفع تنگنای عدم توزان تولید و مصرف برق، سرمایه‌گذاری و توسعه در این صنعت است و سایر راه‌حل‌ها از جمله کنتورهای چندتعرفه‌ای و مدیریت مصرف، راهکارهای مکمل محسوب می‌شوند. اولین و مهمترین گام برای عملیاتی شدن این راهبرد، نزدیک کردن تدریجی قیمت برق به بهای واقعی آن در یک بازه زمانی مشخص است. به علاوه ضروری است که از منابع عمومی، دولتی و فاینانس برای توسعه زیرساخت‌های صنعت برق به درستی بهره برده شود.

نکته مهم دیگر آن است که در مصوبه شماره ۱۸۷۵۰۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۱ شورای اقتصاد برای توجیه احداث بخش بخار چرخه ترکیبی در نیروگاه‌های توربین گازی، قیمت گاز برای احتساب در گزارش توجیهی ۱۰ سنت یورو تعیین شده است، در حالی که برای مورد دیگری که آن هم در جهت کاهش مصرف گاز است، قیمت گاز برای احتساب در گزارش توجیهی ۶،۹ سنت دلار (معادل حدود ۲۴ سنت برای هر متر مکعب گاز) تعیین شده است (مصوبه شماره ۱۷۱۹۶ مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۰).

امید است مقامات محترم ذریعۀ عنایت فرمایند که برای گزارش توجیهی کاهش مصرف گاز طبیعی، وجود تفاوت در قیمت گاز صرفه‌جویی‌شده چندان موجه نیست و این‌گونه مصوبات، انگیزه احداث بخش بخار نیروگاه‌های توربین گازی را از بین می‌برد. ■



زمان شکستن انحصار دولت در صادرات برق فرا رسیده است

گفت‌وگو با روبرت بگلریان، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی

«سالهاست از مصوبه ورود بخش خصوصی به حوزه صادرات برق می‌گذرد اما هنوز خبری از اجرای آن نیست. دلیلش را باید در صرفه و توجیه اقتصادی بالای صادرات برق برای دولت جستجو کرد.» این بخشی از گفته‌های روبرت بگلریان عضو کمیسیون انرژی مجلس است که معتقد است شکستن انحصار دولت در صادرات برق کار ساده‌ای نیست، اما برای ایجاد انگیزه در بخش خصوصی زمان آن فرا رسیده که این انحصار شکسته شود و باید در برنامه هفتم توسعه و لایحه بودجه ۱۴۰۲ این مساله به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد.

او در بخش دیگری از گفته‌های خود قیمت‌گذاری دستوری دولت را مورد نقد قرار داد و گفت: مادامی که سهم دولت از اقتصاد کم نشود و به سمت قیمت‌گذاری واقعی حرکت نکنیم، آمیدی به بهبود در صنعت برق و بسیاری از صنایع دیگر و اقتصاد کشور نیست. متن کامل گفت‌وگوی «نیرو و سرمایه» با روبرت بگلریان عضو کمیسیون انرژی را با نشریه «نیرو و سرمایه» را در ادامه می‌خوانید:

مالی شدیدی را به بخش‌های مختلف وارد کند. به عنوان مثال بر اساس گزارش‌های منتشر شده از سوی اتاق بازرگانی، تابستان ۱۴۰۰ بخش صنایع هفت میلیارد دلار از قطعی‌های نامنظم و مکرر برق متضرر شده است. آن گونه که در این گزارش آمده صنایع فولاد و در مجموع صنایع فلزی، سیمان و صنایع غذایی از قطع برق زیان‌های سنگینی متحمل شده‌اند. جدای از این شاهد بودیم که قطعی‌های برق در سال گذشته تا چه اندازه موجب بروز نارضایتی در بین مردم شده بود.

اما مشکل بعدی به قیمت‌گذاری دستوری برق برمی‌گردد. گزارش‌های رسیده به کمیسیون انرژی حاکی از این است که بیشتر تولیدکنندگان از وضعیت فعلی و قیمت‌های تعیین شده نارضاعی بوده و تمایلی به ادامه فعالیت با این قیمت‌ها ندارند. این نارضایتی در بین صاحبان نیروگاه‌های کوچک و نیروگاه تجدیدپذیر

به نظر شما در تدوین لایحه بودجه ۱۴۰۲ و همچنین برنامه هفتم توسعه درج چه مفادی برای رفع مشکلات تولیدکنندگان غیر دولتی برق می‌تواند کارساز باشد؟
مشکلات امروز تولیدکنندگان غیر دولتی در بخش برق ناشی از چند مساله است که باید به فکر حل آنها بود. مشکل نخست مربوط به بدهی دولت به سرمایه‌گذاران و فعالین این صنعت است که باید در لایحه بودجه سال آینده و البته برنامه هفتم توسعه فکری برای تامین مالی و تسویه این بدهی‌ها راه‌علاجی پیدا کرد. درست است که امروز دولت با مشکلات مالی جدی مواجه بوده و به نوعی در تنگنای شدید مالی قرار دارد، اما با توجه به اهمیت صنعت برق در اقتصاد هر کشوری، باید سازو کار مناسبی برای حل این مشکل اندیشیده شود. به هر حال برق زیرساخت توسعه در هر کشوری بوده و کسری آن می‌تواند خسارت

بیشتر هم است. باید تاکید کنم که اداره غیر اقتصادی صنعت برق توسط دولت موجب شده که بدهی‌های سنگینی در این صنعت ایجاد شود.

قیمت‌های تعیین‌شده نه تنها پاسخ‌گوی هزینه تمام شده تولید برق نیست، بلکه در بسیاری موارد همین اندک رشد درآمد سالانه برق هم در زمان مشخص ابلاغ نمی‌شود. به عنوان مثال قیمت حدود ۸۳ تومانی که برای بازار برق تعیین شده بود، تقریباً در پایان نیمه دوم سال یعنی درست زمانی که پیک مصرف برق به اتمام رسیده و تقاضا در بازار افت پیدا کرده بود، ابلاغ شد. به عبارت دیگر دولت ضمن این که باید دست از قیمت‌گذاری دستوری بردارد، الزامی است شرایطی را فراهم کند که مصوبات به سرعت برای اجرا ابلاغ شود.

چالش دیگر به مساله تامین قطعات و تجهیزات مورد نیاز این صنعت برمی‌گردد. هر چند که در تولید بسیاری از قطعات به خودکفایی رسیده‌ایم، اما همچنان بخشی از تجهیزات مورد نیاز کشور از محل واردات تامین می‌شود. دولت می‌تواند به فعالین این صنعت در این حوزه نیرو کمک‌هایی کند تا بتواند تجهیزات مورد نیاز و به‌روز خود را با هزینه کمتری وارد کنند. این کار ضمن این که باعث افزایش بهره‌وری نیروگاه‌ها می‌شود می‌تواند قیمت تمام‌شده تولید برق را کاهش دهد.

با نگاهی به برنامه‌های توسعه‌ای در ۶ دوره گذشته متوجه می‌شویم که حدود دوم سوم احکام برنامه‌ها در سال‌های گذشته اجرایی نشده است. این کاستی‌ها در بخش برق نیز به خوبی مشاهده می‌شود. دلایل این عدم توفیق چیست و برای پرهیز از تکرار آن در برنامه هفتم توسعه چه باید کرد؟

به هر حال سازوکارهای بازار در صنعت برق نیمه‌کاره رها شده و رقم بالایی در قالب یارانه برق از سوی دولت هم اکنون در حال پرداخت است. در سال‌های گذشته فشار یارانه‌های پرداختی به نوعی به بخش خصوصی و تولید کننده منتقل شده است. حالا هم به دلیل اقتصاد یارانه‌ای در صنعت برق، دولت قادر به پرداخت مطالبات خود نیست. ریشه اجرایی نشدن هدف‌گذاری‌های صورت‌گرفته در برنامه‌های توسعه‌ای به دخالت دولت در اقتصاد برمی‌گردد. چون این دخالت وجود دارد، قیمت‌گذاری در صنعت برق همواره دستوری بوده، اجازه صادرات به بخش خصوصی داده نشده و رگولاتوری تشکیل نشده است. مادامی که سهم دولت از اقتصاد کم نشود و به سمت قیمت‌گذاری واقعی حرکت نکنیم، امیدی به بهبود در صنعت برق و بسیاری از صنایع دیگر و اقتصاد کشور نیست.

اما یکی دیگر از مشکلات اصلی صنعت برق قیمت‌گذاری غیر

واقعی است. از زمان دولت نهم و نیمه اول دهه ۸۰ که با تصمیم مجلس هفتم جلوی رشد تدریجی قیمت برق گرفته شد، تاکنون سرمایه‌گذاری کافی در صنعت برق انجام نشده و میزان تولید نیز جهش چندانی نداشته؛ درحالی که مصرف روبه‌رشد بوده است. دولت و مجلس برای حل این موضوع افزایش پلکانی تعرفه‌ها را از سال گذشته در دستور کار قرار داده‌اند. این رویه در سال ۱۴۰۲ هم به خصوص برای مشترکین پر مصرف ادامه خواهد داشت.

مجلس در راستای تحقق اقدامات نظارتی خود وظایف نظارتی خود اقداماتی را می‌تواند برای قوانین برنامه و بودجه آتی انجام دهد؟

این را قبول داریم که ناکارآمدی‌هایی از نظر نظارتی در مجلس وجود دارد. نگاهی به قوانین حاکم بر کشور نشان می‌دهد که در بسیاری از بخش‌ها مشکل ما نبود قانون نیست، مشکل اصلی اجرایی نشدن این قوانین است. البته این گونه هم نیست که با افزایش نظارت‌ها بتوان تمامی مشکلات را حل و فصل کرد. به هر حال باید شرایطی را فراهم کرد که قوانین مصوب ضمانت اجرایی داشته باشد و مدیران در برابر کوتاهی‌های خود پاسخگو باشند.

مجلس برای رفع مشکل تولیدکنندگان برق آیا می‌تواند به درج مفادی (همچون فراهم و هموار شدن مسیر صادرات برق توسط تولید کنندگان) برای ایجاد درآمد ارزی اقدام کند؟ به موازات تمهیداتی که برای حل چالش سرمایه‌گذاران صنعت برق اندیشیده می‌شود، باید صادرات برق را هم توسعه داد. هم اکنون ظرفیت بسیاری خوبی در کشورهای همسایه ایران وجود دارد که ایران می‌تواند با صدور برق به این کشورها بخشی از منابع لازم برای پرداخت مطالبات فعالین این صنعت را از این محل تامین کند. در واقع این کار به نوعی می‌تواند یارانه عظیمی که دولت در صنعت برق پرداخت می‌کند را جبران کند.

یعنی منظور شما این است که صادرات برق همچنان باید توسط دولت صورت پذیرد؟ آیا بهتر نیست که دولت به دنبال کاهش سهم خود از صنعت برق بوده و تنها نقش ناظر را داشته باشد؟

سالهاست از مصوبه ورود بخش خصوصی به حوزه صادرات برق می‌گذرد، اما هنوز خبری از اجرای آن نیست. دلیلش را باید در صرفه و توجیه اقتصادی بالای صادرات برق برای دولت جستجو کرد. شکستن انحصار دولت در صادرات برق کار ساده‌ای نیست، اما برای ایجاد انگیزه در بخش خصوصی زمان آن فرا رسیده که این انحصار شکسته شود.

بدون شک بخش خصوصی هم باید به حوزه صادرات برق ورود

پیدا کند. اما با توجه به درآمدی که صادرات برق برای دولت به وجود می‌آورد، شاهد هستیم که وزارت نیرو تمایلی برای خروج از صادرات برق و واگذاری کامل آن به بخش خصوصی ندارد. به همین دلیل باید شرایطی را ایجاد کند که جدای از مذاکرات دولت‌ها برای صادرات برق، بخش خصوصی هم سرمایه‌گذاری‌های جدیدی را برای مقوله صادرات انجام دهد.

البته مسئولین توانیر مدعی‌اند که شبکه موجود برای انتقال برق به کشورهای همسایه دولتی بوده و ظرفیت آن نیز محدود است و در عمل امکان استفاده بخش خصوصی از آن وجود ندارد. این در حالی است که دولت باید حداقل از سال‌های ابتدایی اجازه استفاده از زیرساخت‌های دولتی را به بخش خصوصی بدهد. اما رفته‌رفته این وابستگی باید کاهش پیدا کرده و در یک فضای رقابتی به دنبال حضور در بازارهای صادراتی باشند. چرا که قرار نیست سرمایه‌گذار خصوصی همواره زیر چتر حمایتی دولت قرار گیرد.

آیا تشکیل نهاد تنظیم گر بخش برق (رگولاتور) می‌تواند در متن قانون برنامه هفتم به کمک بخش برق بیاید؟ لایحه تشکیل نهاد تنظیم‌گر بخش برق آن گونه که باید و شاید عملیاتی نشد و معلوم هم نیست که دولت بالاخره چه زمانی می‌خواهد این لایحه را برای تصویب نهایی به مجلس ارسال کند. قیمت‌های غیر واقعی برق در ایران موجب شده که نه سرمایه‌گذار داخلی و نه سرمایه‌گذار خارجی رغبتی برای سرمایه‌گذاری در صنعت برق ایران نداشته باشد. فعالان صنعت برق می‌گویند یارانه سنگین دولت در صنعت برق کمکی به مصرف‌کنندگان برق نمی‌کند؛ زیرا پرداخت این یارانه سنگین توسط دولت موجب کسری بودجه و چاپ پول شده و در نتیجه هزینه واقعی برق با تورم از جیب مصرف‌کنندگان خارج می‌شود.

قیمت تمام‌شده برق آنچه وزارت نیرو تشخیص می‌دهد، نیست و ما نیاز به رگولاتوری برای بررسی ساختار هزینه برق داریم. در هیچ جای دنیا دولت تولیدکننده، ناظر، قیمت‌گذار، تنظیم‌گر و خریدار یک محصول نمی‌تواند باشد.

بدون شک اگر نهاد تنظیم‌گری در صنعت برق وجود داشته باشد، روابط اقتصادی و مالی به گونه‌ای تعریف می‌شود که چشم‌انداز مثبتی برای سرمایه‌گذاری در این حوزه ایجاد شود. ما باید مراقب باشیم که سیاستی اتخاذ نکنیم یا تصمیمی را بگیریم که به برنامه‌های دراز مدت و چشم‌انداز بخش خصوصی خدشه وارد کند. تولیدکنندگان برق سرمایه‌های کلانی را وارد این بازار کرده و به این سادگی هم نمی‌توانند از این بازار خارج شوند. با توجه به حساسیت مساله برق، حتی اگر بخواهند تولید خود را متوقف کنند، این اجازه به آنها از سوی دولت داده نمی‌شود. وقتی چنین شرایطی

ریشه اجرایی نشدن هدف‌گذاری‌های صورت‌گرفته در برنامه‌های توسعه‌ای به دخالت دولت در اقتصاد برمی‌گردد. چون این دخالت وجود دارد، قیمت‌گذاری در صنعت برق همواره دستوری بوده، اجازه صادرات به بخش خصوصی داده نشده و رگولاتوری تشکیل نشده است

در یک صنعت حاکم است، نمی‌توان به دغدغه‌ها و خواسته‌های آنها بی‌تفاوت بود. اما چنین رویکردی در دولت نسبت به بخش خصوصی در صنعت برق دیده نمی‌شود. هزینه‌های آنها به شدت افزایش یافته با این وجود رشد قیمت خرید برق حتی در بسیاری مواقع کمتر از نرخ تورم است. صورت‌های مالی شرکت‌های برق و صاحبان نیروگاه‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از آنها در زیان هستند و درآمدهای حاصله از محل فروش برق حتی هزینه‌های آنها را هم پوشش نمی‌دهد.

با این وجود صنعت برق ما یک صنعت نسبتاً خوب و سرپایی است. اما این صنعت این روزها به توجه و مراقبت بیشتری نیاز دارد. تا بخش خصوصی واقعی از این وضعیت موجود آسیب نبیند.

به نظر شما مجلس چه راه‌کارهایی برای رفع مشکل بازپرداخت بدهی‌های ارزی نیروگاه‌داران و ترغیب سرمایه‌گذاران برای ورود به بخش تولید برای جلوگیری از خاموشی‌ها در سال‌ها آینده می‌تواند ارائه دهد؟ بهترین راه حل برای تسویه بدهی ارزی فعالین صنعت برق به صندوق توسعه ملی همان صادرات برق است. باید اجازه صادرات برق به بخش خصوصی داده شود تا حداقل از این محل بتواند بخشی از بدهی ارزی خود را پرداخت کند.

درست که صندوق توسعه ملی طبق اساس نامه اش ناچار به پس‌گیری طلب خود از فعالین صنعت برق است، اما حداقل این بازپس‌گیری باید همراه با استمهال باشد. به هر حال بخش عمده‌ای از مشکلات امروز فعالین صنعت برق و بدهی آنها به صندوق توسعه ملی ناشی از بد حسایی خود دولت و سیاست‌گذاری‌های اشتباه در حاکمیت است.

باید چشم‌انداز مثبتی از آینده برای فعال صنعت برق ایجاد کنیم. این همان مساله‌ای است که اتفاقاً در طول سال‌های گذشته از آن غافل بودیم. نه تنها چشم‌انداز مثبتی ایجاد نشده، بلکه وزارت نیرو و دولت از نظر فعالین این صنعت بدحساب‌ترین و البته بدعهدترین ارگان دولتی شناخته شده است. به طوری که سرمایه‌گذاران حتی نمی‌توانستند به قراردادهای خرید تضمینی هم اعتماد کنند. این بی‌اعتمادی سرمایه با ارزشی است که متاسفانه ما آن را از دست دادیم و برای بازگرداندن این سرمایه حالا باید سال‌ها تلاش کنیم. ■



گفت‌وگو با هادی بیگی‌نژاد، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی

برنامه‌های توسعه باید واقع‌بینانه باشد

دولت برنامه هفتم توسعه را در آینده‌ای که خیلی دور نیست، به بهارستان می‌برد. رییس مجلس هم گفته که تقدیم برنامه و رسیدگی به آن پیش از بودجه ۱۴۰۲ باید انجام شود، اما در حالی دولت سیزدهم قرار است هفتمین برنامه توسعه را تقدیم مجلس کند که بیش از دو سوم احکام برنامه‌های قبلی اجرایی نشده است.

با این وجود دولت سیزدهم از رشد ۸ درصدی اقتصاد در طول هفتمین برنامه ای توسعه ای کشور سخن می‌گوید. اما سوال اصلی اینجاست که چه میزان از زیر ساخت‌هایی همچون برق برای تحقق این هدف فراهم شده است. هادی بیگی‌نژاد عضو کمیسیون انرژی مجلس که دلیل عدم توفیق سایر برنامه‌ها را غیر واقعی و رویایی بودن آنها می‌داند، می‌گوید باید سعی کنیم که در برنامه هفتم توسعه هدف‌گذاری‌ها بر اساس واقعیت‌ها صورت گیرد.

متن کامل گفت‌وگوی «نیرو و سرمایه» با هادی بیگی‌نژاد عضو کمیسیون انرژی را در ادامه می‌خوانید:

به نظر شما در تدوین لایحه بودجه ۱۴۰۲ و همچنین

برنامه هفتم توسعه درج چه مفادی برای رفع مشکلات

تولیدکنندگان غیر دولتی برق می‌تواند کارساز باشد؟

بحران کمبود انرژی ایران را تهدید می‌کند. هم اکنون کشور با کسری حدود ۲۰ هزار مگاواتی مواجه است. به موازات کسری برق، با کسری گاز هم مواجه هستیم که به تازگی این مشکل با افت تولید در پارس جنوبی خود را نشان داده است. به عبارت دیگر بخش انرژی، کشور را بحران جدی تهدید می‌کند.

آمارها نیز نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری برای احداث نیروگاه‌های

جدید در سال‌های گذشته کاهش یافته است. جالب است که

بدانید در پایان دوره مسئولیت دولت قبلی حدود ۱۷ یا ۱۸

میلیارد دلار پروژه‌های نیمه‌تمام و بر زمین مانده در حوزه نیروگاهی

داشتیم. به عبارتی سیاست‌گذاری‌های اشتباه و البته قیمت‌گذاری

دستوری سرمایه‌گذاران این حوزه را دلسرد کرده و موجب شد

که سرمایه‌گذاری در صنعت برق روند نزولی به خود بگیرد. حالا

کشوری که صادرکننده برق بوده به یکی از واردکنندگان برق

تبدیل شده است. بر اساس آماری که وزارت نیرو اعلام کرده هم

اکنون به همان میزان که برق صادر می‌کنیم، در حال واردات برق

سیاست‌گذاری‌های اشتباه و البته قیمت‌گذاری دستوری سرمایه‌گذاران این حوزه را دلسرد کرده و موجب شد که سرمایه‌گذاری در صنعت برق روند نزولی به خود بگیرد. حالا کشوری که صادرکننده برق بوده به یکی از واردکنندگان برق تبدیل شده است

بعدی را بردارد، ندارد. این در حالی است که ظرفیت فوق‌العاده‌ای در کاهش مصرف وجود دارد.

بر اساس مطالعات انجام‌شده در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در صورت کاهش یک درصدی تلفات، حدود ۷۶۰ مگاوات از ظرفیت اسمی نیروگاه‌های کشور آزاد خواهد شد و صنعت برق را از این میزان سرمایه‌گذاری بی‌نیاز می‌کند.

با توجه به اهمیت این موضوع، در برنامه ششم توسعه مجموع تلفات هدف‌گذاری شده در شبکه انتقال و توزیع در پایان سال ۱۳۹۹ معادل ۸,۷ درصد بوده است، اما طبق گفته‌های مدیرعامل توانیر، هم اکنون میزان تلفات شبکه انتقال و توزیع از حدود ۱۲ درصد در سال ۱۳۹۵ به حدود ۹,۷ درصد در امسال رسیده است.

با نگاهی به برنامه‌های توسعه‌ای در ۶ دوره گذشته متوجه می‌شویم که حدود دوم سوم احکام برنامه‌ها در سال‌های گذشته اجرایی نشده است. این کاستی‌ها در بخش برق نیز به خوبی مشاهده می‌شود. دلایل این عدم توفیق چیست و برای پر هیز از تکرار آن در برنامه هفتم توسعه چه باید کرد؟

برنامه‌های توسعه‌ای در سال‌های گذشته به شدت آرمان‌گرایانه بودند. آرمان‌گرایی به قدری بود که هیچ پروژه‌ای در ایران در زمان خودش تمام نشده است. ما هیچ‌وقت به هدف رشد هشت‌درصدی نزدیک نشده‌ایم و در بازه‌ای نرخ رشد منفی بوده است. به همین دلیل برنامه توسعه باید عمل‌گرایانه باشد.

نگاهی به تحقق اهداف تعیین‌شده نشان می‌دهد که در زمینه تامین انرژی نتوانسته‌ایم متناسب با برنامه ششم عمل کنیم.

به عنوان مثال بر اساس برنامه ششم توسعه دولت مکلف شد از طریق وزارت نیرو در طول اجرای برنامه و برای افزایش توان تولید

برق، تا ۲۵ هزار مگاوات به ظرفیت تولید برق کشور بیفزاید، اما

هستیم. در چنین شرایطی دیگر دولت نباید به دنبال حفظ انحصار در صادرات برق باشد. باید برای حل بحران انرژی در کشور بخش خصوصی را تقویت کرده و اجازه صادرات برق به سرمایه‌گذاران خصوصی را بدهیم.

دولت در شرایط فعلی چطور می‌تواند بخش خصوصی در صنعت برق را مورد حمایت قرار دهد؟

با توجه به ناترازی که در برق وجود دارد بسیاری تصور می‌کند که دولت باید عزم خود را در حوزه نیروگاه‌سازی جزم کند. اما نباید فراموش کرد که ما تنها در ۲ ماه از سال با مشکل کسری برق مواجه هستیم و منطقی نیست که برای این دو ماه کسری بخواهیم ظرفیت زیادی را حوزه تولید ایجاد کنیم. بر همین اساس حمایت‌های دولت از بخش خصوصی نباید به ساخت نیروگاه‌ها محدود شود و هم زمان افزایش ظرفیت تولید به فکر مدیریت مصرف هم باشیم. متأسفانه آن گونه که آمارها نشان می‌دهد شدت مصرف انرژی در ایران بسیار بالاتر از متوسط جهانی است. مقصر این بالا بودن مصرف را نمی‌توان مردم دانست. وقتی انرژی در کشور ما ارزان است و ما یارانه می‌دهیم، مصرف انرژی هم بالاتر از میانگین جهانی می‌شود.

واقعیت این است که این اصلاح قیمت‌گذاری و مدیریت انرژی و هدفمند کردن یارانه‌ها چه در حوزه گاز و چه در حوزه برق یک الزام است، نه یک انتخاب و دیربازود باید به سمت چنین تغییرات و اصلاحاتی برویم؛ البته باید ببینیم چه سازوکارهایی را می‌توانیم به کار بگیریم که این تغییرات و اصلاحات اساسی با حداقل آسیب برای مردم به‌ویژه طبقات محروم و متوسط جامعه همراه باشد.

یعنی دولت باید به دنبال عرضه برق به قیمت واقعی باشد و با گران کردن برق، مصرف آن را کاهش دهد؟

متأسفانه قیمت برق در ایران به هیچ وجه منطقی نیست، چرا که دولت خود از تبعات واقعی کردن قیمت آن نگرانی دارد. اما مساله اینجاست که گرانی برق نباید به تنهایی صورت گیرد. دولت باید ابتدا ابزارهای و زیرساخت‌های کاهش مصرف را فراهم کند و بعد به دنبال واقعی کردن قیمت‌ها باشد. با این حال از آنجایی که دولت خود در انجام وظایفش کوتاهی کرده، جسارت این را که گام

مطابق آخرین آمار رسمی وزارت نیرو تا پایان سال ۱۳۹۹ (سال واقعی اتمام برنامه ششم توسعه) صرفاً ۱۰,۸۰۹ مگاوات به ظرفیت تولید برق کشور اضافه شده است که نشان از عدم دستیابی به اهداف تعیین شده در برنامه ششم توسعه دارد.

دولت در برنامه ششم مکلف شد تا پایان برنامه، سهم نیروگاه‌های تجدیدپذیر و پاک را به حداقل ۵ درصد از ظرفیت برق کشور برساند. این در حالی است که میزان برق تولیدی کشور از تجدیدپذیرها تنها حدود یک درصد از کل برق تولیدی است. با وجود عدم توفیقاتی که در برنامه‌های قبلی توسعه ای رخ داده، اما بازهم هدف‌گذاری‌های رویایی در این برنامه هم به چشم می‌خورد. به عنوان مثال طبق این برنامه قرار است که ۳ نیروگاه اتمی در کشور تاسیس شود یا سالی یک میلیون خانه ساخته شود. این هدف‌گذاری‌ها در شرایطی است که مقدار فروش نفت کمتر از یک میلیون بشکه بود و وضعیت برجام هم مشخص نیست. از سوی دیگر تحلیل‌گران از احتمال شکل‌گیری رکود اقتصادی خبر می‌دهند. ضمن این که حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه نیز وجود دارد.

به نظر شما دلیل کاهش سرمایه‌گذاری در صنعت برق طی سال‌های گذشته چه بوده و چگونه می‌توان این مشکل را برطرف کرد؟

درحوزه برق به ۱۵ میلیارد دلار و برای بهسازی شبکه برق به ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز داریم. تامین این میزان اعتبار از محل منابع بخش خصوصی داخلی، شدنی نیست. ضمن این که اقتصاد دولتی در این صنعت نیز انگیزه سرمایه‌گذاران را از بین برده است. در واقع دولت اگر می‌خواهد بخش خصوصی برق را بازاری مناسب برای سرمایه‌گذاری بداند، باید طبق یک چشم‌انداز ۵ الی ۱۰ ساله شرایطی را فراهم آورد که قیمت‌گذاری در این بازار بر اساس نظام عرضه و تقاضا تعیین شود. در حال حاضر آینده بازار برق در ابهام قرار دارند و سرنوشت آن برای سرمایه‌گذار گنگ است. بخش خصوصی نمی‌داند که چند سال دیگر قیمت‌گذاری برق دستوری خواهد بود و تعیین کننده قیمت دولت‌ها خواهند بود. در لایحه بودجه سال آینده و برنامه هفتم توسعه باید شرایطی را فراهم کرد که یارانه مشترکان پر مصرف و بدمصرف صفر شده و

بخش دولتی صنعت برق همواره کوشیده برخلاف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حرکت کند و به جای پرداختن به نقش پدرا نه و حاکمیتی خود در صنعت برق، با تصدی‌گری و افزایش سهم مشارکت بیشتر در بنگاه‌های اقتصادی فرصت‌ها را از بخش غیر دولتی سلب کند

این مشترکین قیمت واقعی برق را پرداخت کنند.

همچنین باید از ظرفیت‌های ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید برای اصلاح الگوی مصرف و ایجاد ظرفیت‌های جدید نیروگاهی استفاده کند. البته این ظرفیت در قانون بودجه امسال هم دیده شده بود، ولی به صورت کامل اجرایی نشده است.

بر اساس مصوبه هیات دولت مورخ ۱۳۹۹/۷/۲۰ مشترکین بالای ۵ مگاوات، باید برق خود را از بورس انرژی یا معاملات دوجانبه بخرند. همچنین بر اساس آن مصوبه از مهرماه سال جاری باید مشترکین یک مگاوات و بیشتر نیز برق خود را از طریق بورس انرژی خریداری کنند. اما متأسفانه دولت مدام زمان اجرای این مصوبه را به تعویق می‌اندازد.

اما اینها همه مشکل نیست. بخش دولتی صنعت برق همواره کوشیده برخلاف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حرکت کند و به جای پرداختن به نقش پدرا نه و حاکمیتی خود در صنعت برق، با تصدی‌گری و افزایش سهم مشارکت بیشتر در بنگاه‌های اقتصادی فرصت‌ها را از بخش غیر دولتی سلب کند که هم‌اکنون حدود ۳۸ درصد نیروگاه‌ها در اختیار این بخش است.

به نظر شما اگر دولت نسبت به وضعیت صنعت برق بی‌تفاوت باشد، چه خطراتی را اقتصاد ایران را تهدید می‌کند؟

در حال حاضر آینده پرابهام برق نه تنها سرمایه‌گذاری در این صنعت را مختل کرده بلکه سایر صنایع را هم با چالش مواجه کرده است. به عنوان مثال کارخانه‌ها و صنایع بسیاری آماده بهره‌برداری هستند، اما متأسفانه به دلیل برق دارنشدن بلاتکلیف

ماندند. سرمایه‌گذاران این بخش گله می‌کنند که ما کارخانه را آماده کردیم تا مورد بهره‌برداری قرار گیرد، اما دولت نمی‌تواند به این کارخانه‌ها برق بدهد.

دولت برای این که مانع از قطع گاز و برق منازل شهروندان ایرانی شود، ناچار شده که تابستان‌ها برق و زمستان‌ها گاز صنایع را جیره‌بندی کند. بدون شک زیان قطعی برق برای واحدهای صنعتی بسیار بالاتر از پرداخت قیمت واقعی است. بخش‌هایی در اقتصاد هستند که باید پول واقعی برق را پرداخت کنند. همان‌طور که اشاره کردم مشترکین پرمصرف یکی از آنها است. بخش دیگر صنایعی است که محصولات خود را بر اساس قیمت جهانی عرضه می‌کنند. البته صنایع جدای از این که یارانه کمتری باید دریافت کنند، باید خود نیز به مساله تولید برق ورود پیدا کند.

آزادسازی صادرات توسط بخش خصوصی در برنامه هفتم توسعه تا چه اندازه می‌تواند در تامین منابع ارزی فعالین صنعت برق موثر باشد؟

البته مهم‌تر از نوشتن برنامه، اجرایی شدن آنهاست. چراکه مجوز آزادسازی صادرات برق توسط بخش خصوصی سال‌ها است که به تصویب رسیده است. انحصارگرایی دولت موجب شده که ما فرصت‌های زیادی را از دست دهیم. به عنوان مثال نیاز کشورهای همجوار به برق ایران بیش از ۵۰ هزار مگاوات برآورد می‌شود در حالی که ایران تنها از ۸ هزار مگاوات این ظرفیت یعنی حدود ۱۵ درصد آن استفاده کرده و ۸۵ درصد فرصت را از دست داده‌ایم که البته مهم‌ترین دلیل آن دولتی بودن صادرات است.

به عنوان مثال همین چند ماه پیش شاهد بودیم که عراق و عربستان برای کاهش وابستگی به برق ایران، قراردادی را امضا کردند. این درحالی است که عراق در یک دهه گذشته مهم‌ترین مشتری برق ایران بوده و سهمی ۸۰ درصدی از صادرات برق ایران را به خود اختصاص داده بود، اما در چند سال گذشته و با تحریم ایران تولید برق از برنامه عقب افتاد و در مقطعی بازار داخلی ایران با کسری برق مواجه شد و نتوانست به تعهدات صادراتی به عراق عمل کند. بدون تردید اگر اجازه صادرات به بخش خصوصی را می‌دادیم امروز با چنین وضعی مواجه نبودیم. مجلس به دنبال این است که بخش خصوصی واقعی بتواند به مساله صادرات برق

ورود پیدا کند این مساله در قانون مانع‌زدایی از صنعت برق هم دیده شده است.

دولت باید بداند که ورود بخش خصوصی به مساله صادرات برق یک بازی برد-برد است. چرا که هم اکنون صندوق توسعه ملی با حجم بالایی از معوقات فعالین صنعت برق مواجه است. به هر حال بدحسابی‌های دولت و نوسانات قیمت ارز در سال‌های گذشته موجب شده که فعالین این صنعت قادر به بازپرداخت بدهی‌های ارزی خود نباشند. این در حالی است که دولت می‌تواند بدهکاران صندوق توسعه ملی را موظف به ایجاد ظرفیت جدید و صادرات کنند و از آن طرف این بدهکاران باید بدهی خود از محل درآمد ارزی صادرات برق را به صندوق توسعه ملی تسویه کنند.

اما در حال حاضر صندوق توسعه ملی انگیزه‌ای برای پرداخت تسهیلات ارزی به فعالین صنعت برق و نیروگاه‌سازی ندارد، از سوی دیگر فعالین صنعت برق هم توانایی برای پرداخت بدهی خود ندارند. دلیل این آشفتگی را باید در ناکارآمدی اقتصاد برق جستجو کرد.

آیا تشکیل نهاد تنظیم‌گر بخش برق (رگولاتور) می‌تواند در متن قانون برنامه هفتم به کمک بخش برق بیاید؟

تشکیل این نهاد رگولاتور ی حدود ۶ سال است که مطرح شده و طرح آن بین دولت و مجلس رد و بدل می‌شود؛ اما هنوز به نتیجه نرسیده است. همان‌طور که اشاره کردم بخش زیادی از مشکلات امروز حاصل دخالت‌های دولت در صنعت برق است. چه‌طور ممکن است نهادی که خود خریدار برق است، تعیین کننده قیمت هم باشد. اینها مسائلی است که رگولاتور می‌تواند به آن سامان ببخشد.

در همه جای دنیا هیات تنظیم، علاوه بر رصد بازار، از ایجاد رقابت مخرب یا تعیین قیمت غیر اقتصادی جلوگیری می‌کند. بنابراین در این هیات باید خبره‌ترین مدیران جای گیرند، دبیرخانه پویایی داشته باشد و اعضای آن نیز به هیچ عنوان وظیفه یا مسئولیتی در جای دیگری از صنعت برق نداشته باشند. اما اعضای هیات تنظیم بازار برق فاقد شاخص‌های لازم هستند به ویژه آن که عمدتاً در وزارت نیرو و شرکت‌ها و نهادهای وابسته دارای سمت هم هستند. ■



گفت‌گو با نسرين محدث، کارشناس خبره صنعت برق

بی‌اعتمادی به کار کارشناسی و خسران در صنعت برق

صنعت برق به عنوان صنعت زیرساختی‌ترین صنعت کشور امروز درگیر مشکلاتی است که حل آنها نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و عملیاتی دارد. بخش خصوصی صنعت برق با توجه به قرار گرفتن در فصل تدوین بودجه سال ۱۴۰۲ و برنامه هفتم توسعه در تلاش است پیشنهادها و راه‌کارهای خود را برای درج در اسناد بالادستی ارائه دهد تا شاید با استفاده از ظرفیت‌های قانونی تعریف شده بتوان بار بخشی از مشکلات را از دوش این صنعت برداشت و به تحقق اهداف آن نزدیک شد. فصلنامه «نیرو و سرمایه» در گفت‌وگو با نسرين محدث کارشناس خبره صنعت برق به بررسی برنامه‌های توسعه در حوزه انرژی و اهمیت توجه به اهداف کلان برنامه‌ها در تدوین بودجه‌های سالیانه پرداخته است که در ادامه می‌خوانید:

با توجه به آن که به باور بسیاری از فعالان صنعت برق، اساسی‌ترین مشکل این صنعت عدم توازن در اقتصاد آن است، از نظر شما چگونه و با درج چه مفادی در متون قانون برنامه توسعه هفتم و بودجه سنواری آتی می‌توان در مسیر اصلاح این مساله اقدام کرد؟

برای بررسی مسائل مربوط به صنعت برق باید سه نکته را مورد توجه قرار دهیم. اول اینکه صنعت برق بزرگترین مصرف‌کننده انرژی و به خصوص گاز در کشور است که فرصت صادراتی را از ما می‌گیرد لذا در اقتصاد کلان باید به این صنعت که بالاترین میزان مصرف انرژی را دارد، توجه ویژه‌ای داشت و به این سوال پاسخ داد که تبدیل گاز به برق در کشور چه میزان ارزش افزوده برای ما ایجاد می‌کند؟ نکته دوم در خصوص شیوه‌ها و تنوع تولید برق است، آیا برای تولید انرژی برق و یا تبدیل یک انرژی به انرژی دیگر شیوه‌های به روز، درست و اقتصادی به کار گرفته می‌شود؟

آیا شیوه‌های تولید مختلف و متنوع می‌توانند امنیت انرژی برق و امنیت تقاضا را برآورده کنند؟ نکته سومی که در اقتصاد کلان هم بسیار تاثیرگذار است، موضوع تقاضاست، در بحث تقاضا رفتار مصرفی مشترکان و چگونگی مصرف باید مشخص باشد، ما در زمینه رفتار مصرفی مشترکان چه اقداماتی انجام داده‌ایم؟ آیا می‌توان بر رفتار آنها تاثیرگذار بود و آنها را به سمت اقتصادی شدن و استفاده بهینه سوق داد.

در برنامه‌های توسعه اقتصادی همواره به سه محور فوق‌الذکر در خصوص صنعت برق پرداخته شده است، برنامه‌های توسعه مبتنی بر هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری کلان تدوین می‌شوند و برنامه‌های عملیاتی آنها در بودجه‌های سالیانه مشخص می‌شود. به اعتقاد من حوزه انرژی و صنعت برق در برنامه‌های توسعه با مشکلی مواجه نبوده است بلکه مشکل اصلی مربوط به برنامه‌های عملیاتی و قوانین بودجه سالیانه است لذا توجه اصلی باید معطوف

به اجرای اهداف و سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه در بودجه باشد. اگر هدفی در برنامه توسعه تعریف شده باشد اما در بودجه، برنامه عملیاتی برای آن تعریف نشود، فایده‌ای نخواهد داشت. به عنوان مثال در برنامه دوم توسعه بنا بود قیمت فروش برق با قیمت تمام‌شده محاسبه شود که هدف بسیار متناسب و به روزی بود، اما در بودجه‌های سنواری برای رسیدن به این هدف کلی قدمی برداشته نشده است. برای تحقق این هدف باید گام‌به‌گام در بودجه‌های سنواری بررسی و برنامه‌ریزی صورت می‌گرفت و هر ساله باید عملکرد و انحرافات ارزیابی می‌شد.

در واقع برای رسیدن به اهداف برنامه‌های توسعه، ابزار و اقدامات زیادی وجود دارد که مهمترین آن بودجه و تعیین منبع برای هزینه کرد و درآمد است. اگر برنامه طوری نوشته شود که اهداف و نیازها مشخص باشد از طرفی باید برای اهداف این برنامه برنامه‌ریزی و زمان‌بندی مشخص کرد و اختیارات و امکانات لازم را در اختیار گذاشت، از طرف دیگر محقق شدن این اهداف منوط به تامین منابع و هماهنگی بین دستگاه‌هاست. دستگاه‌ها و نهادهای مختلف در مسیر اجرای قوانین نباید مانع هم دیگر باشند و یا موازی کاری کنند، بنابراین اولویت‌بندی برنامه‌ها و هماهنگی بین دستگاه‌ها برای محقق شدن هر هدف و برنامه‌ای ضروری است. اگر منابع لازم تامین و هماهنگی بین دستگاه‌ها برقرار باشد، هر برنامه‌ای به نتیجه قطعی خواهد رسید. در حوزه برق و انرژی برنامه‌های درستی تدوین شده، اما بررسی عملکرد این حوزه نشان می‌دهد که اهداف مورد نظر محقق نشده است.

به نظر شما متون برنامه‌های توسعه به صورت کارشناسی و درست تهیه شده است؟

بله به نظر من برنامه‌های توسعه ۸۰ درصد واقع بینانه و ۲۰ درصد بلندپروازانه بوده است. یکی از دلایل تدوین اهداف بلندپروازانه در برنامه‌ها ظرفیت نیروی انسانی، منابع و امکانات موجود در کشور است تا برای رسیدن به این هدف ایجاد انگیزه کرد، البته در کنار این ظرفیت‌ها موانعی مانند تحریم‌ها، خشکسالی و ... هم وجود دارد که رسیدن به برخی از اهداف برنامه‌ها را دچار چالش کرده است. اگر در اجرای برنامه‌ها هماهنگی بین دستگاه‌ها بیشتر بود و به نظرات کارشناسان و متخصصان اعتماد می‌شد، قطعاً اختلاف بین برنامه و عملکرد به حداقل می‌رسید.

طبق مفاد برنامه دوم توسعه مقرر بود افزایش ۲۰ درصدی در تعرفه‌های برق در هر سال صورت گیرد، در حالی که این موضوع عملی نشد. ضمن بیان دلایل مسکوت

ماندن اجرای این قانون، بفرمایید که این موضوع چه پیامدها و نتایجی را تا به امروز در اقتصاد برق برجای گذاشته است؟

برنامه دوم توسعه یکی از برنامه‌های قوی در کشور بود که در حوزه برق مجوز افزایش ۲۰ درصدی تعرفه‌های برق داده شده بود که متأسفانه این برنامه اجرایی نشد. یکی از موانع اجرایی نشدن این برنامه عدم اعتماد به کار کارشناسی بود. در این خصوص فقط نباید محدود به افزایش تعرفه‌ها می‌شدیم بلکه با تنظیم رفتار مصرفی مشترکان، تعیین ساعات اوج بار، ارائه مشوق‌ها و امتیازات به مشترکان و ... می‌توانستیم هزینه عرضه برق را کاهش دهیم که بررسی و ارائه راهکار برای تمامی این موارد نیاز به کار کارشناسی داشت که به کارشناسان اعتماد نکردند. یکی دیگر از موانع اجرای این قانون، عدم هماهنگی بین دستگاه‌ها بود و به بخش کارشناسی صنعت برق اختیاری داده نشد. این موضوع در بسیاری از کشورهای دیگر نیز مطرح شده که با کارشناسی و تغییر رفتار مصرفی مشترکان به هدف مورد نظر دست پیدا کردند.

هم‌اکنون در نظام تعرفه‌گذاری برق به تفکیک بخش‌های مختلف (خانگی، صنعتی، تجاری و کشاورزی) و همچنین بنا به تفاوت‌هایی در الگوی مصرف و یا نوع مصارف، ارقام متفاوتی برای هر بخش در نظر گرفته شده است. از نظر شما این چندنرخ بودن تعرفه‌های برق چه مزایا و معایبی دارد و در کلیت امر برای اقتصاد این حوزه کمک‌کننده است یا آسیب‌زا؟

دسته‌بندی مشترکان برق براساس مصرف کار اشتباهی نیست و در بعضی کشورها هم اجرا شده است. ۹۰ درصد مشترکان بخش خانگی رفتار مصرفی مشابهی دارند، بخش‌های مختلف اقتصادی هم شناسایی و در یک دسته قرار می‌گیرند. می‌توان برای بخش خانگی تعرفه خاصی تعریف و رفتار آنها را به سمت درست هدایت کرد. گاهی چند نرخ بودن مزیت خاصی دارد و دولت‌ها در اقتصاد کلان برای برخی فعالیت‌ها در بازه زمانی مشخصی امتیاز ویژه‌ای در خصوص تعرفه انرژی در نظر می‌گیرند. هدف از این کار ترغیب فعالان اقتصادی آن حوزه برای تغییر شیوه‌های تولید و استفاده از روش‌های تولید کم انرژی‌تر است. این سیاست در بلندمدت هم به نفع دولت و هم به نفع تولیدکننده خواهد بود که با به روزرسانی شیوه تولید و استفاده از تکنولوژی‌های جدید، به سمت صرف انرژی کمتر برای تولید بیشتر حرکت کرده و در نهایت به سود خود، اقتصاد کلان و محیط زیست عمل کرده است.

آیا از نظر شما غیر بارانه‌ای شدن تعرفه برق مشترکان پرمصرف که اخیراً به اجرا درآمده است، می‌تواند راه‌کار مناسب و کارایی برای اصلاح الگوی مصرف برق و کمکی به اقتصاد صنعت برق محسوب شود؟

هدف از تعرفه‌گذاری و تعیین قیمت برق جبران هزینه‌هایی است که برای تولید صرف شده است، هزینه و درآمد این صنعت باید متوازن باشد. در این مسیر یکی از اقدامات تغییر رفتار مصرفی مشترکان است لذا راهکار ارائه شده باید منجر به عرضه برق با هزینه کمتری شود و برای مشترکان پیام اقتصادی داشته باشد. تا انگیزه لازم برای درست مصرف کردن را در آنها ایجاد کند. این سیاست که از مشترکان پرمصرف هزینه بیشتری دریافت شود، حاوی پیام درستی نخواهد بود. کارشناسان صنعت برق باید با تجزیه و تحلیل رفتار مشترکان و ساعاتی که مصرف آنها به اوج می‌رسد، الگوی مصرف مناسبی تهیه کنند. بیشترین مصرف برق در ایران مربوط به فصل گرما و وسایل سرمایشی است که در بسیاری موارد درایت درستی از طرف دولت صورت نگرفته و نظارتی بر استفاده از کولرها با توجه به شرایط منطقه نشده است. از طرف دیگر مشترکان در خرید وسایل برقی محدودیت دارند و دستشان باز نیست، براین اساس نمی‌توان مشترکی را در انتخاب وسایل و سیاست‌گذاری‌های بهینه‌سازی اختیاری نداشته است، پرمصرف خطاب و تعرفه بیشتری از او دریافت کرد. دولت باید با ارائه راهکار و مهیا کردن شرایط مشترکان را به سمت مصرف کمتر سوق دهد، اگر امکانات لازم در اختیار باشد مشترکان خودبه‌خود به این سمت حرکت خواهند کرد که مثال بارز آن تمایل مردم به استفاده از لامپ‌های کم مصرف است که طی سال‌های اخیر اتفاق افتاده است. تعریف تعرفه‌های غیر یارانه‌ای کمکی به استفاده بهینه نخواهد کرد و درآمندی از مسیر این سیاست عاید صنعت برق نخواهد شد و نهایتاً هدف اصلی که تغییر رفتار مشترکان و منطقی کردن آن است، محقق نخواهد شد.

بخش غیر دولتی تولیدکنندگان برق امروز با معضل مطالبات انباشته و بدهی‌های ارزی مواجه است و نهاد مستقل تنظیم‌کننده‌ای در بخش برق وجود ندارد، به نظر شما بودجه سال ۱۴۰۲ برای حل مشکلات این صنعت چه مفادی باید داشته باشد؟ چگونه می‌توان از اجرای سلیقه‌ای قوانین جلوگیری کرد؟

یکی از علت‌هایی که در سال‌های اخیر منجر به ایجاد مشکلات برای صنعت برق شده، عدم اعتماد به کار کارشناسی در بخش مالی و اقتصادی صنعت برق است. متأسفانه بحث کارشناسی هم در

به اعتقاد من حوزه انرژی و صنعت برق در برنامه‌های توسعه با مشکلی مواجه نبوده است بلکه مشکل اصلی مربوط به برنامه‌های عملیاتی و قوانین بودجه سالیانه است لذا توجه اصلی باید معطوف به اجرای اهداف و سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه در بودجه باشد. اگر هدفی در برنامه توسعه تعریف شده باشد اما در بودجه، برنامه عملیاتی برای آن تعریف نشود، فایده‌ای نخواهد داشت

بودجه و هم در اقتصاد از کارشناسان صنعت برق گرفته شده است. اعتماد به بخش خصوصی و کارشناسان این بخش باید در مجلس و دولت ایجاد شود تا مشکلات مربوط به اقتصاد برق و تعرفه‌گذاری با راهکارهای ارائه شده از سوی آنها حل شود. برنامه‌های عملیاتی بودجه‌های سالانه باید با اهداف و سیاست‌های کلان برنامه‌های توسعه منطبق باشد. سرمایه‌گذاری در صنعت زیربنایی برق باید طبق برنامه انجام شود در غیر این صورت در مسیر اجرای سایر برنامه‌ها نیز خلل ایجاد خواهد کرد. تمام برنامه‌های بودجه باید واقع‌گرایانه باشد تا به مرحله عملیاتی و اجرا برسد. بخش خصوصی باید در جلسات نهادهای مرتبط و کمیسیون‌های تخصصی شرکت کرده، نظرات و پیشنهادات این بخش را به گوش مسئولان و مقامات برساند. کارشناسان صنعت برق باید با تهیه گزارش‌های کارشناسی در بخش‌های مالی، اقتصادی و فنی و مهندسی اعتماد سازمان‌ها و دستگاه‌ها را جلب کنند، با این اعتماد و اعتبار است که به تدریج بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها مشارکت داده خواهد شد. صنعت موتور محرک اقتصاد کشور است و باید طوری هدایت شود که از حجم مشکلات آن کاسته شود.

اصلاح اقتصاد انرژی و برق نیازمند یکپارچه‌سازی بخش مدیریت انرژی کشور است؛ به نظر شما داشتن وزارت انرژی در مسیر یکپارچه‌سازی کارساز است یا خیر؟

اگر سیاست‌گذاری و مدیریت انرژی در وزارتخانه‌ای به نام وزارت انرژی یکپارچه و تجمیع شود، هماهنگی‌های این حوزه راحت‌تر انجام و مزیت بیشتری حاصل خواهد شد. این هماهنگی تضاد بین دستگاه‌ها را از میان برده و مدیریت بهتری انجام خواهد شد. بنده در این خصوص مطالعات کارشناسی دقیق و متمرکزی انجام نداده‌ام، ولی پیش‌بینی ایجاد وزارت انرژی در برنامه هفتم توسعه که این روزها در حال تدوین است، در ایجاد هماهنگی و یکپارچگی حوزه انرژی موثر و کمک‌کننده خواهد بود. ■



حامد صیرفیان پور، عضو کمیسیون برنامه و بودجه سندیکا و مدیر برنامه‌ریزی و توسعه شرکت تولید و مدیریت نیروگاه زاگرس کوثر

ناترازی سیاست و اجرا؛ چالش توسعه صنعت برق

به ۲۰ هزارمگاوات هم بالغ شود و با تلاش خالصانه خانواده صنعت برق به کمتر از ۱۰ هزار مگاوات رسید.

در سال ۱۴۰۰، حدود ۷۷ درصد از انرژی برق مورد نیاز کشور بر پایه سوخت گاز طبیعی، تولید شده است. همچنین بیش از ۷۵ درصد از کل سبد انرژی کشور جهت مصارف بخش‌های خانگی و تجاری، نیروگاهی، صنایع، پتروشیمی و حمل و نقل به گاز طبیعی اختصاص یافت. بنابر اعلام وزیر نفت، در زمستان پیش رو، ۲۴۰ میلیون مترمکعب «ناترازی تولید و مصرف گاز» وجود خواهد داشت. بر اساس سند تراز تولید و مصرف گاز طبیعی کشور، مطابق تعهدات شرکت ملی گاز ایران در افق ۱۴۱۰، میزان تقاضای گاز طبیعی در کشور بیش از ۱۳۵۰ میلیون متر مکعب در روز خواهد بود. این در حالی است که مقدار گاز شیرین قابل تحویل حدود ۹۵۰ میلیون مترمکعب در روز است. به بیان دیگر اختلافی بالغ بر ۴۰۰ میلیون متر مکعب در تراز تولید و مصرف گاز طبیعی ایجاد می‌شود.

بررسی حوزه‌های مختلف اقتصادی و زیربنایی، نشان می‌دهد که غیر از حوزه انرژی، کشور با ناترازی‌های دیگری نظیر ناترازی منابع آب، بودجه، بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی و ... به عنوان ابرچالش‌های توسعه مواجه است. اما چرا این ناترازی‌ها

تابستان سال ۱۴۰۱ در حالی پایان یافت که به استناد اظهارات رسمی مقامات وزارت نیرو، بر خلاف تابستان سال ۱۴۰۰ کمترین میزان خاموشی به مشترکین خانگی و عمومی اعمال شد. مواضع رسمی و نیمه‌رسمی صاحبان صنایع نیز از بهبود نسبی برنامه‌های مدیریت مصرف نسبت به تابستان سال ۱۴۰۰، حکایت دارد. با اجرای برنامه افزایش ۶ هزارمگاواتی ظرفیت تولید برق در دوره منتهی به اوج بار سال جاری، قدرت عملی شبکه سراسری (بر اساس آمار شرکت توانیر) در روز پیک سال ۱۴۰۱ معادل ۶۷۹۴۴ مگاوات بود که نسبت به قدرت عملی ۶۴۰۳۵ مگاواتی روز پیک سال قبل، افزایشی ۳۹۰۹ مگاواتی را (معادل ۶٫۱ درصد) نشان می‌دهد. بررسی آمار صنعت برق گواه آن است که حداکثر تقاضای همزمان برق در روز اوج بار سال جاری ۶۹۴۵۷ مگاوات بوده که ۵۹۷۶۷ مگاوات آن از طریق تولید داخلی و واردات، تامین و ۹۶۹۰ مگاوات آن با اعمال برنامه‌های مدیریت مصرف و خاموشی‌های پراکنده تامین نشد. عددی که در سال ۱۴۰۰، بالغ بر ۱۱۹۲۵ مگاوات بود و پدیده‌ای نامطلوب در سال‌های اخیر تحت عنوان «ناترازی تولید و مصرف برق» لقب گرفته است. عددی که بنابر اظهارات وزیر نیرو (در همایش مدیران صنعت برق در آبان‌ماه ۱۴۰۱)، پیش‌بینی می‌شد در تابستان امسال

در سال‌های اخیر رخ نشان داده و با شتاب زیادی رو به افزایش هستند؟ یکی از مهم‌ترین پاسخ‌هایی که می‌توان به این سوال داد، پیرنگ شدن معضلی در سپهر سیاست‌گذاری عمومی کشور است که آن را بایستی «ناترازی سیاست و اجرا» نامید. حدود ۱۱۰ سال از تشکیل نهاد رسمی قانون‌گذاری در ایران می‌گذرد و در این سال‌ها با تصویب بیش از ۱۲ هزار قانون مختلف و متنوع گوی سبقت را از بسیاری کشورها که پیشینه قانون‌گذاری قدیمی‌تری دارند، برده‌ایم. در حال حاضر بیش از ۱۵۲ هزار قانون، مصوبه، مقرر و رای عمومی نیز در سامانه ملی قوانین و مقررات کشور ثبت و به‌روزرسانی شده است. بر این اساس در زمره کشورهایی طبقه بندی می‌شویم که با «تورم قوانین و مقررات» مواجه هستیم. همچنین عواملی نظیر «عدم تناسب قانون با نیاز و خواست عمومی»، «عدم تناسب قانون با اقتضائات اجرایی»، «پراکندگی قوانین»، «نبود ضمانت اجرای موثر»، «ضعف در محتوای قوانین» و به طور کلی «ناترازی سیاست و اجرا» از مهم‌ترین موانع ناکارآمدی قوانین در نظام حقوقی ایران به شمار می‌آید.

از دیدگاه خط مشی‌گذاری عمومی، «دوگانه سیاست-اداره» از موضوعات بنیادینی است که حوزه مسائل عمومی را همواره تحت تاثیر قرار می‌دهد. برقراری رابطه‌ی متوازن میان تخصص و تعهد سیاسی دغدغه‌ی همه‌ی نظام‌های سیاسی مدرن است. فرض کلاسیک (مطابق با دیدگاه سنت تفکر اداری اروپایی-آمریکایی) این است که برای کارآمدی و کارکرد عقلانی دولت، دور نگه داشتن اداره از سیاست یا به اصطلاح «بی‌طرفی سیاسی» اداره و از آن‌سو، بازداشتن سیاست و سیاستمداران از دخالت در اداره یا «بی‌طرفی اداره»، ضرورتی ناگزیر است. این موضوع که «عدم مداخله متقابل» نامیده می‌شود تا حد زیادی به کارآمدی قوانین در اجرا کمک می‌کند. اما از سوی دیگر تقابل دیگری تحت عنوان «دوگانه بوروکراسی-دموکراسی» عرض اندام می‌کند که به طیفی از توجه همزمان به ارزش‌های اداری نظیر کارآمدی، صرفه‌جویی و اثربخشی و ارزش‌های دموکراتیک نظیر خدمت عمومی، عدالت و صداقت

می‌پردازد. شکاف و تعارض موجود بین بازیگران مختلف حوزه سیاست‌گذاری در این دوگانه‌های اشاره شده، زمینه‌ساز بروز «ناترازی سیاست و اجرا» در صنعت برق ایران شده است. در آستانه بررسی برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، توجه به این موضوع ضروری است که طبق بررسی‌های صورت‌گرفته تنها حدود یک سوم از احکام برنامه‌های توسعه پیشین محقق شده و بنابر موارد یاد شده بسیاری از اهداف مقرر، جامه عمل نپوشیده‌اند. آسیب‌شناسی احکام برنامه‌های توسعه در زمینه تولید برق نیز (به ویژه در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه) از عدم تحقق اهداف این بخش حکایت دارد. برخی از مصادیق مهم این بخش می‌توان به عدم تحقق توسعه ظرفیت نیروگاهی مطابق با مجموع هدف‌گذاری ۵۰ هزار مگاواتی برنامه‌های توسعه پنجم و ششم اشاره کرد که در خلال سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ کمتر از ۵۰ درصد آن محقق شد. همچنین مواردی نظیر توسعه ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر، تبدیل نیروگاه‌های گازی به سیکل ترکیبی، تعدیل نرخ خرید برق از نیروگاه‌ها، پوشش نوسانات نرخ ارز، اعمال جرایم تاخیر در پرداخت بدهی‌های دولت، صدور مجوز صادرات برق، اصلاح اقتصاد خدمات عمومی، توسعه مبادلات بورس انرژی، تشکیل بازار منطقه‌ای و قطب منطقه‌ای برق و پرداخت مابه‌التفاوت نرخ تکلیفی و تمام‌شده برق از موضوعاتی هستند که به رغم تکلیف برنامه‌های پنجم و ششم توسعه، محقق نشدند.

دیگر سخن این که «تورم قوانین» نیز صنعت برق را بی‌نصیب نگذاشته و طی دهه اخیر ۲ قانون مهم «حمایت از صنعت برق کشور» در سال ۱۳۹۴ و «مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق» در سال ۱۴۰۱ تصویب شد. اگر قوانینی را که به طور غیر مستقیم بر این صنعت تاثیرگذار بوده، در نظر بگیریم؛ شاهد تورم بی‌رویه قوانین و مقررات صنعت برق خواهیم بود. جالب این‌که در پاییز سال‌جاری همزمان قانون برنامه هفتم توسعه و قانون بودجه سال ۱۴۰۲ نیز احکام و اهداف جدیدی را به گنجینه قوانین صنعت برق اضافه کرده است و بر ناترازی سیاست و اجرا در این حوزه خواهد افزود.

1- politics-administration dichotomy

آیا صرفاً اجرای صحیح ماده ۶ قانون حمایت از صنعت برق که بر «پرداخت مابه‌التفاوت قیمت فروش تکلیفی انرژی برق با قیمت تمام شده آن به وزارت نیرو» تاکید داشت، تا حد زیادی موجب مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق نمی‌شد؟ دیگر سوال این که چرا مشکلات صنعت برق روزبه‌روز انباشته و به رغم تلاش‌های بخش خصوصی و دولتی و وضع قوانین و مقررات مورد نیاز، حوزه اقتصاد برق و انرژی کماکان یکی از زمینه‌های چالش‌زای کشور در سال‌های آینده قلمداد می‌شود؟

سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در شهریورماه توسط مقام معظم رهبری در ۷ فصل و ۲۶ بند ابلاغ شد. بر این اساس هدف کلی و اولویت اصلی برنامه هفتم، پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت با نرخ رشد اقتصادی متوسط ۸ درصد در طول برنامه با تاکید بر افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید (منابع انسانی، سرمایه، فناوری و مدیریت) تعیین شد. همچنین مواردی نظیر جهت‌دهی به نقدبندی و اعتبارات بانکی به سمت فعالیت‌های مولد، احصا و شفاف‌سازی بدهی‌ها و تعهدات عمومی دولت و مدیریت و تأدی بدهی‌ها، واقعی کردن منابع و مدیریت مصارف دولت، تعیین تکلیف طرح‌های عمرانی نیمه تمام با واگذاری از طریق مشارکت دادن بخش‌های خصوصی و عمومی غیر دولتی، اجرای طرح‌های عظیم اقتصادی ملی، پیشران، زیرساختی، روزآمد و مبتنی بر آینده‌نگری و ... به عنوان سیاست‌های تاثیرگذار در بخش اقتصادی و زیربنایی کشور از جمله صنعت برق، تلقی می‌شود. دیگر سوال این که روند فعلی حکمرانی حوزه برق و انرژی و استمرار سیاست‌های کلان اقتصادی این بخش، تا چه میزان به تحقق اهداف تعیین‌شده می‌انجامد؟

قریب به دو دهه از خصوصی‌سازی در صنعت برق و همزمان تشکیل بازار برق می‌گذرد اما رویکرد قانون‌گذاری و وضع مقررات در زمینه تولید برق، کماکان رویکرد سنتی و مبتنی بر تعرفه‌گذاری، بودجه‌بندی و تخصیص منابع توسط دولت است. به طور مثال در ۲ سال گذشته، سیاست افزایش تعرفه برق صنایع و مشترکین

پرمصرف، منابع درآمدی بیشتری را برای دولت خلق کرده، اما با ایراداتی که در نحوه تخصیص این منابع وجود داشته، روند پرداخت مطالبات بخش غیر دولتی و سرمایه‌گذاری جدید در بخش تولید، تغییر چندانی نداشته است. همچنین با رویکرد ماده ۳ قانون مانع زدایی، استمرار این گردش مالی معیوب در آینده نیز دور از انتظار نخواهد بود. قانونی که از واژه (ECA²) به عنوان مبنای تعرفه‌گذاری مشترکین صنعتی استفاده کرده، ولی بر خلاف ماهیت روش ECA (خرید تضمینی به‌مثابه جبران‌کننده هزینه‌های سرمایه‌گذاری جدید در تولید)، سهمی را مستقیماً برای توسعه سرمایه‌گذاری بخش غیر دولتی در تولید، تصریح نکرده است.

بر اساس برآورد مراجع مختلف، طی سال‌های برنامه هفتم توسعه، حداقل ۳۵ هزار مگاوات ظرفیت جدید نیروگاهی جهت تامین رشد مصرف و جبران ناترازی فعلی می‌بایست ایجاد شود. همچنین وضعیت تراز گاز کشور و هدف‌گذاری‌های صورت گرفته در اسناد بالادستی جهت افزایش متوسط راندمان تولید برق به حدود ۴۵ درصد، تبدیل نیروگاه‌های گازی موجود به سیکل ترکیبی را با احداث ۲۸ واحد جدید بخار به ظرفیت ۴۴۸۰ مگاوات طی این دوره ضروری می‌کند. از سوی دیگر موضوعاتی نظیر لزوم بازنشستگی حدود ۳۰۰۰ مگاوات نیروگاه حرارتی فرسوده و کم‌بازده، توسعه مولدهای تجدیدپذیر و ... نیازمند اصلاحات جدی در حکمرانی انرژی و اقتصاد برق می‌باشد. یقیناً این اصلاحات صرفاً با وضع قوانین و مقررات جدید صورت نخواهد پذیرفت. «ناترازی سیاست و اجرا» در صنعت برق مستلزم تغییر در رویکردها از طریق کاهش نقش دولت در تصدی‌گری و تنظیم‌گری، افزایش نقش بخش غیردولتی در تنظیم مقررات با هدف ایجاد فضای «حکمرانی مشارکتی»^۳ در صنعت برق، اجرای قوانین و مقررات قبلی، بازآفرینی اعتماد سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، افزایش تبادلات برق مبتنی بر مکانیزم واقعی بازار آزاد، استفاده از ظرفیت‌های بازار سرمایه (نظیر گواهی ظرفیت و گواهی صرفه جویی انرژی) با هدف تامین سرمایه طرح‌های توسعه، خواهد بود. ■

2-Energy Conversion Agreement 3-Collaborative governance



پگاه پاشا، مدیر دفتر پژوهش سندیکا

اثرگذاری در مرحله تدوین قوانین برنامه و بودجه؛

گامی به سوی تحقق اهداف سندیکا

هر ساله در نیمه دوم سال و زمان تقدیم لایحه بودجه توسط دولت به مجلس، از جمله اقدامات جدی سندیکا، بررسی و تحلیل آمار و احکام لایحه و تهیه پیشنهادهای بودجه‌ای برای بهبود شرایط تولید برق کشور است. این پیشنهادها پس از تدوین، به صورت همه جانبه و از طریق ارتباط در تمام سطوح از جمله اتاق بازرگانی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در کمیسیون‌های مرتبط مورد پی‌گیری قرار می‌گیرد. نتیجه این اقدامات در سال‌های گذشته، الحاق مواردی در قوانین بودجه بوده است که اثرگذاری بالایی بر وضعیت تولیدکنندگان برق داشتند. از جمله لحاظ شدن ۱۰ هزار میلیارد تومان برای تهاوت بدهی‌های مالیاتی و بانکی طرح‌های برق‌آبی و نیروگاهی با مطالبات صنعت برق از محل مابه‌التفاوت قیمت‌های تکلیفی و تمام‌شده در تبصره (۲) در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ و اصلاحاتی در تبصره (۵) (و یا ورود مجدد این تبصره به قانون در صورتی که در لایحه تقدیمی دولت حذف شده بود) در قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ به گونه‌ای که امکان استفاده از اسناد تسویه خزانه برای تولیدکنندگان برق فراهم شود.

هم‌چنین در سال ۱۳۹۸ دفتر پژوهش سندیکا اقدام به تهیه گزارشی از آسیب‌شناسی احکام مندرج در قوانین برنامه‌های پنجم و ششم توسعه

مرتبط با تولید برق و تهیه نخستین نسخه پیشنهادهای سندیکا برای برنامه هفتم توسعه کرد. سندیکا در تمامی جلساتی که در این سال و نیز سال ۱۳۹۹ در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به ریاست رییس کمیته برق کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی و با حضور کارشناسان ارشد تمامی سازمان‌های ذی‌ربط خصوصی و دولتی برای تدوین احکام برق در برنامه هفتم توسعه برگزار شد، حضور جدی و نقش پیشران داشت.

در سال ۱۴۰۱ به منظور تمرکز بیشتر و استفاده از خرد جمعی در تمامی سطوح مدیران و کارشناسان دبیرخانه و اعضای سندیکا، کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون برنامه و بودجه تاسیس شد تا فعالیت‌های سندیکا برای اثرگذاری بر قوانین بودجه سنواتی و نیز برنامه هفتم توسعه با تمرکز و سازمان‌دهی بیشتر دنبال شود. در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۱، این کمیسیون با برگزاری جلسات متعدد و با همکاری دفتر پژوهش سندیکا پیشنهادهایی را برای لحاظ شدن در لایحه بودجه ۱۴۰۲ و نیز برنامه هفتم توسعه تدوین کرد که این پیشنهادها به اتاق بازرگانی ایران و سازمان برنامه و بودجه ارائه شد.

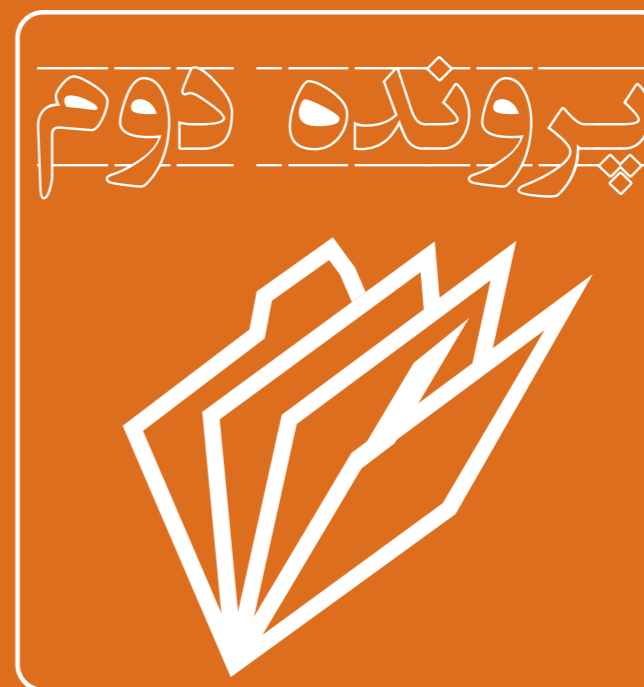
از آن‌جا که تدوین لایحه بودجه ۱۴۰۲ و برنامه هفتم توسعه در نیمه

نخست سال جاری؛ مباحث داغ و چالش‌برانگیزی در صنعت برق نیز بوده‌اند، جلسات متعددی در سازمان برنامه و بودجه برای تدوین این دو لایحه برگزار شده است که سندیکا در جلسات متعدد حاضر و در دفاع از منافع اعضا با اعمال اصلاحاتی بر پیشنهادهای موجود کوشیده است. هم‌چنین تلاش شده است با دیگر سازمان‌های زیر مجموعه وزارت نیرو از جمله شرکت مدیریت شبکه برق ایران هماهنگی لازم انجام شود تا پس از انتشار لایحه در صورتی که مفاد آن نیاز به اصلاح داشت، در اسرع وقت و به شکل هماهنگ موارد قابل پی‌گیری باشند. آنچه که در این بازه زمانی در باره تدوین دو لایحه مذکور شاهد بودیم، تهیه پیشنهادهای مختلف در سازمان برنامه و بودجه و وزارت نیرو بود به گونه‌ای که ایفای نقش سندیکا برای اثرگذاری بر موارد متعددی که گاه به فاصله بسیار اندک منتشر شده، نیازمند ارتباط مستمر نمایندگان سندیکا با نمایندگان سازمان برنامه و بودجه به صورت روزانه و هفتگی و تحلیل موارد در کمترین زمان ممکن بوده که دبیرخانه سندیکا تلاش کرده است در این بخش نیز در حداکثر لایه‌های اثرگذاری ممکن، به ایفای نقش بپردازد.

نتیجه این تلاش‌های مستمر که تاکنون نیز ادامه داشته و انتظار می‌رود با انتشار رسمی لایحه بودجه ۱۴۰۲ شدت گیرد، در جریان قرار گرفتن نمایندگان دستگاه‌های دولتی از نظرات بخش خصوصی تولیدکننده برق و جلوگیری از ثبت پیشنهادهایی است که به اعتقاد کارشناسان سندیکا منافع تولیدکنندگان برق و تامین برق کشور را در مخاطره قرار خواهد داد و یا عدم نفع قابل توجه‌ای برای نیروگاه‌های غیر دولتی ایجاد خواهد کرد.

از آن‌جا که بر اساس تجربه ادوار گذشته، تغییر احکام قانونی پس از تدوین و تصویب امری تقریباً محال است، پی‌گیری پیشنهادهایی که در سازمان‌های مختلف تهیه و برای درج در لوائح به سازمان برنامه و بودجه ارائه می‌شود از حساسیت بسیار بالایی برخوردار است. سندیکا همواره تلاش کرده است با ارائه گزارش‌ها و اظهار نظرهای مستند، دقیق و کارشناسی و برقراری و حفظ ارتباطات سازنده با سازمان‌های اثرگذار، جایگاه خود را به عنوان مرجع نظرات بخش خصوصی تولیدکننده برق معرفی و تقویت کند که در سال‌های گذشته موفقیت‌های چشم‌گیری در این زمینه حاصل شده و اثرگذاری بر موارد متعدد قانونی، لوائح و طرح‌های صنعت برق گواهی بر این ادعاست. ■

میزگرد نقد و بررسی روش حکمرانی در صنعت برق



حکمرانی در صنعت برق



بهمن مسعودی
قائم مقام شرکت تولیدی آراین ماهتاب گستر



محمدصادق قاسمی زاده
عضو هیات مدیره شرکت توانیر و استاد دانشگاه



سیدهاجمد مطهری
نایب رییس هیات مدیره ستدیگای شرکت های تولیدکننده برق

نقد و بررسی روش حکمرانی در صنعت برق

محمدصادق قاضی‌زاده، سیداحمد مطهری، بهمن مسعودی

یکی از اصلی‌ترین مسائلی که تائیری غیرقابل انکار بر شرایط صنعت برق دارد، شیوه‌های حکمرانی در این صنعت است. با یک بررسی ساده در خواهیم یافت علیرغم تلاش‌های گسترده برای تجدیدساختار صنعت برق، افزایش سهم بخش خصوصی، شفاف‌سازی ساختارهای اقتصادی و اصلاح اقتصاد برق، هنوز هم در این حوزه دستاوردهای قابل اتکایی به دست نیامده است. ضمن این که وزارت نیرو به عنوان متولی این صنعت زیرساختی در جذب سرمایه‌های بخش خصوصی در طول سال‌های اخیر و ترغیب این بخش برای سرمایه‌گذاری در حوزه تولید هم کارنامه موفق نداشته است. در میزگردی با حضور محمدصادق قاضی‌زاده عضو هیات‌مدیره شرکت توانیر و استاد دانشگاه، سیداحمد مطهری نایب‌رئیس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق و بهمن مسعودی قائم‌مقام شرکت تولیدی آرین‌ماهتاب‌گستر، اهداف تجدید ساختار و چالش‌های حوزه حکمرانی صنعت برق را با محوریت تأثیرات آن بر حوزه تولید برق بررسی کرده‌ایم که مشروح آن را می‌خوانید:

نیرو و سرمایه:

ساختارهای حکمرانی در صنعت برق یکی از موثرترین عوامل موثر بر شتاب توسعه یافتگی آن است. بر همین اساس تلاش می‌کنیم در این فرصت دلایل ناکارآمدی ساختارهای حاکم بر این صنعت را که بیشتر به واسطه نقش‌های چندگانه وزارت نیرو رخ داده‌اند، بررسی و این مساله را روشن کنیم که چرا با وجود گذشت قریب به دو دهه از تجدیدساختار صنعت برق، هنوز این صنعت در دستیابی به اهداف ناشی از اجرای تجدید ساختار توفیق چندانی نداشته است؟ چرا تجدیدساختار صنعت برق و واگذاری نیروگاه‌ها به جای توسعه و تقویت بخش خصوصی به بزرگتر شدن وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه‌اش منجر شده است؟

محمدصادق قاضی‌زاده:

ورود به مقوله عملیاتی کردن واگذاری‌ها در صنعت برق به دوره دوم وزارت آقای مهندس بی‌طرف برمی‌گردد، هر چند پیش از آن هم اقدامات خوبی در وزارت نیرو کلید خورده بود که آقای مهندس مسعودی عهده‌دار طراحی و پیاده‌سازی بخش عمده‌ای از آن بودند. نخستین هدف وزارت نیرو در گام‌های اولیه واگذاری‌ها، ارتقاء بهره‌وری صنعت برق بود که عمدتاً در قالب قراردادهای BOT

بخش خصوصی به حوزه تولید برق به معنای کنار رفتن دولت از مبادلات برق است. به این معنا که خریداران بنا به قیمت هر تولیدکننده‌ای می‌توانند با او وارد معامله شده و برق مورد نیاز خود را تأمین کنند و کل این معاملات معمولاً با نظارت دولت و البته نهاد رگولاتوری انجام و تنظیم می‌شود.

اگرچه وزارت نیرو در آن سال‌ها، جذب سرمایه‌های بخش خصوصی به منظور مشارکت کارآتر فعالان این حوزه را هدف‌گذاری کرده بود، اما در نهایت به دلیل نوع سیاست‌گذاری‌های انجام شده در صنعت برق، تولیدکنندگان خصوصی و غیر دولتی برق گرفتار انحصار چندجانبه شدند و سیاستی که قرار بود به تولید بهینه و ارزان تر برق منجر شود، عملاً از مسیر خارج شد. در شرایط فعلی بخش خصوصی در فروش برق تولیدی، تأمین سرمایه، تأمین سوخت و شیوه‌های قیمت‌گذاری برق گرفتار انحصار است.

امروز نیروگاه‌های غیر دولتی باید در همین محدوده انحصاری با بهره‌وری بالا عمل کنند که البته از دیدگاه من با وجود مشکلات موجود در این حوزه عملکرد مناسبی نداشته‌اند. نکته اینجاست که جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و ورود آن به حوزه نیروگاهی تا اواسط دهه ۸۰ به کشف قیمت تمام‌شده واقعی و طرح آن در مراجع مختلف کمک بسیاری کرد، هر چند در سال‌های پس از آن به ویژه از ابتدای دهه ۹۰ واگذاری‌ها عملاً کارکرد خود را از دست دادند. مسیری که برای شفاف شدن قیمت برق آغاز شده بود، در طول این سال‌ها با تغییر مدیریت و رویکرد وزارت نیرو، به بیراهه رفت، چرا که از یک دوره زمانی به بعد عدم شفاف سازی قیمت به سیاست اصلی این وزارتخانه تبدیل شد.

با حذف این کارکرد، جذب سرمایه در حوزه نیروگاهی تضعیف شد و بحران در صنعت برق، ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. در حقیقت از اوایل دهه ۹۰ به بعد هر دو شاخص یعنی شاخص شفافیت قیمت تمام‌شده و جذب سرمایه کنار گذاشته شد و حتی کار به جایی رسید که به نظر می‌رسد امروز بسیاری از مدیران وزارت نیرو، ورود بخش خصوصی به حوزه تولید برق را عامل افزایش قیمت تمام‌شده می‌دانند. البته این دیدگاه هم دلایلی دارد که یکی از مهمترین آنها لزوم کسب سود منطقی و بازگشت سرمایه در بخش خصوصی است. قطعاً در این شرایط قیمت تمام‌شده برق نسبت به بهای برق نیروگاه‌های دولتی که به دنبال کسب سود نیستند، استهلاکشان محاسبه نمی‌شود و عملاً با اتکا به بودجه‌های دولتی اداره می‌شوند، بالاتر است.

واقعیت این است که وزارت نیرو در چندگانگی سیاست‌ها و رویکردهایش در دوره‌های زمانی مختلف، چنان سردرگم شده که امروز به درستی نمی‌توان گفت که سیاست کلی این وزارتخانه در مواجهه با بخش خصوصی و غیر دولتی تولیدکننده برق چیست.

محمدصادق قاضی‌زاده:

مشارکت بخش خصوصی که به تغییرات ساختاری نظیر شکل‌گیری بازار برق و بعدها بورس انرژی منجر شد، باید از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گیرد. نکته اینجاست که نباید و نمی‌توان انتظار داشت که ورود بخش خصوصی به صنعت سرمایه‌بری مانند صنعت برق، لزوماً به کاهش قیمت تمام‌شده منجر می‌شود. اگرچه قطعاً تولید برق توسط بخش غیر دولتی، هزینه تولید این کالای استراتژیک را در اقتصاد ملی کاهش می‌دهد، اما قیمت تمام‌شده‌ای که در حساب‌های دفتری ثبت و ضبط می‌شود، لزوماً کاهش نیافته است. بنابراین پیش از هر چیز باید سطح اثربخشی ورود بخش خصوصی به حوزه نیروگاهی در اقتصاد ملی را بررسی کرد و بر اساس آن در این باره قضاوت کرد.

برای بررسی این موضوع در قالب اقتصاد ملی این مساله بررسی می‌شود که تولید هر کیلووات ساعت برق، چه هزینه‌ای برای کشور داشته است، با احتساب این نکته که سود سرمایه‌گذار جزو هزینه‌های اقتصاد ملی نیست، چرا که ارزش افزوده داخلی محسوب می‌شود. بر این اساس هزینه برق تولید شده توسط سرمایه‌گذاران غیر دولتی مشمول احداث، نگهداری و تأمین سوخت است که قاعدتاً نسبت به تولید برق توسط دولت هزینه کمتری دارد.

نکته دیگر این است که موضوعات مرتبط با تولیدکنندگان غیردولتی برق باید فراتر از مباحثی مانند قیمت تمام‌شده دنبال شود؛ چراکه قیمت محصول بر اساس سرمایه صرف شده تعیین می‌شود و برق یک صنعت به شدت سرمایه‌بر است. به همین دلیل ساختارهایی مانند بازار برق برای سازماندهی قیمت‌گذاری برق راه‌اندازی شد. هر چند از همان ابتدا با هوشمندی، این نگرانی درست مطرح شد که روند کار به شکلی پیش برود که تصمیم‌گیری در خصوص صنعت برق تحت تأثیر مسائل عمومی و سیاسی کشور انجام شود و شیوه‌های عرضه برق را از مسیر اقتصادی خارج کند.

بررسی شرایط حاکم بر صنعت برق نشان می‌دهد که در آن زمان این نگرانی به درستی مطرح شده بود. امروز برق کالایی است که



هر کسی بهایش را بپردازد می‌تواند آن را به تملک درآورده و مصرف کند. ضمن اینکه حاکمیت برای حمایت از برخی از اقشار این کالا را با بهای ارزان تر و گاهی رایگان در اختیار آنها قرار می‌دهد. این اقدامات به درستی نشان می‌دهد که قیمت‌گذاری و عرضه برق در تلاطم هیجانات سیاسی دستخوش تغییراتی شده که هزینه و زیان آن برای صنعت در برخی موارد حتی غیر قابل جبران بوده است. مسیر درست این است که دولت با تعقل و طمانینه کافی درباره برق به عنوان یکی از کالاهای زیرساختی تصمیم‌گیری و اقدام کند، اما در عمل برای برق یک کارکرد سیاسی برای جلب رضایت مردم تعریف شده که فاقد تعمق لازم است. نکته اینجاست که اگرچه زمینه سازی برای ورود بخش خصوصی به حوزه تولید برق در ابتدا با هدف بهینه سازی مصرف و جذب سرمایه انجام شد، اما در ادامه تجدید ساختار اگرچه این موضوعات را نیز جزو اهداف ثانویه خود قرار داده بود اما با محور تامین پایدار برق برای بخش هایی است که امنیت اقتصادی کشور را تامین می‌کنند، صورت گرفت. به بیان ساده تر باید گفت که در یک افق بلندمدت احداث

نیروگاه، تامین سوخت و عرضه برق به تنهایی کافی نیست و این همه زمانی به تامین رفاه در کشور منجر می‌شود که قادر به تامین برق در یک چرخه پایدار اقتصادی باشد. در حقیقت این نگرانی وجود داشت که اگر دولت زمامدار اصلی تامین برق باشد، عرضه برق به عنوان زیرساختی‌ترین زیرساخت کشور، صرفاً بر مبنای پرداخت هزینه از سوی مشترکین و بدون در نظر گرفتن اولویت‌های اقتصادی کشور انجام شده و یا تصمیم‌گیری درباره آن از هیجانات سیاسی و اجتماعی متأثر شود. از آنجا که فضای مدیریتی اجتماعی و حقوقی کشور، مالکیت خصوصی را محترم می‌شمرد و در آن دخل و تصرف نمی‌کرد و نگرانی‌ها درباره تامین برق پایدار با هدف حفظ امنیت اقتصادی کشور جدی شده بود، اولین مقدمات برای ورود بخش خصوصی به حوزه تولید برق فراهم شد. ایده اصلی این بود که برق به کالایی تبدیل شود که مالکیت بر آن معنا داشته باشد. به این ترتیب ایجاد امکان داد و ستد برق به عنوان اولین راهبرد برای ایجاد بسترهای لازم برای مالکیت بر برق مطرح و پیاده‌سازی شد.

فراموش نکنیم که تا پیش از آن ساختاری برای داد و ستد برق تعریف نشده بود، چرا که دولت عهده دار تولید، انتقال و توزیع بود و مالکیت برق تنها زمانی قطعی می‌شد که مصرف‌کننده نهایی در ازای پرداخت بهای تعیین‌شده، آن را دریافت می‌کرد. برای تغییر این فضا ضروری بود که برق به عنوان کالایی در جامعه دیده شود که امکان خرید و فروش آن وجود دارد، تا از این طریق امکان استفاده از زیرساخت‌های حقوقی که مالکیت خصوصی بر کالا را به رسمیت می‌شناخت، استفاده کرد و از این مسیر امنیت عرضه برق را به مصرف‌کنندگان را فراهم ساخت. همین تفکر مبنایی، سنگ بنای ساختارهایی شبیه به بازار برق بود. اما بعدها به دلیل ارزان بودن برق، مردم به مصرف بالای و غیرضروری این کالای استراتژیک با نرخ یارانه‌ای خو گرفتند و وزارت نیرو هم به دلیل سیاست‌های کلان کشور مکلف به تامین برق آنها شد. این موضوع تا سال گذشته که با ناترازی تولید و مصرف برق مواجه شدیم، چندان مساله ساز نبود. اما شاهد بودیم که طی دو سال اخیر وزارت نیرو برای جلوگیری از خاموشی‌های گسترده در بخش خانگی، ناگزیر به قطع برق صنایع شده است. یعنی ما بر خلاف مسیری که از ابتدا برای تجدید ساختار در نظر گرفته بودیم حرکت کردیم و برق صنایع را به عنوان مهمترین پیشرانان اقتصادی کشور قطع کردیم تا در تامین برق مشترکان خانگی با مشکل مواجه نشویم. البته نباید این مساله را از نظر دور داشت که امسال طی هماهنگی بسیار خوبی که بین وزارتخانه صمت و نیرو صورت گرفت، مدیریت مصرف با کمترین هزینه اجرایی شد، اما باز هم هزینه کمبود برق به بخش‌های مولد اقتصاد تحمیل شد.

بنابراین به جرات می‌توان گفت که موضوع تجدیدساختار در صنعت برق یک اقدام بسیار موثر برای تامین پایدار برق، افزایش بهره‌وری و تامین سرمایه بود اما در نهایت به این دلیل که امکان تبیین بعضی از جنبه‌های آن در فضای عمومی فراهم نشد، در پیاده سازی و اجرا با مشکلات جدی مواجه شد. فراموش نکنیم که یکی از محورهای حکمرانی خوب، شکل‌گیری وفاق عمومی است و به نظر می‌رسد در آن مقطع زمانی و به منظور دستیابی به اهداف تعیین شده در تجدید ساختار صنعت برق، وزارت نیرو باید بر روی شکل‌گیری وفاق عمومی بیشتر کار می‌کرد و از دیدگاه من این مساله یکی از نقاط ضعفی جدی ما در فرآیند تجدیدساختار بوده است.

مسعودی: اگرچه وزارت نیرو جذب سرمایه‌های بخش خصوصی به منظور مشارکت کارا تر فعالان این حوزه را هدف گذاری کرده بود، اما در نهایت به دلیل نوع سیاست‌گذاری‌های انجام شده در صنعت برق، تولیدکنندگان خصوصی و غیر دولتی برق گرفتار انحصار چندجانبه شدند و سیاستی که قرار بود به تولید بهینه و ارزان تر برق منجر شود، عملاً از مسیر خارج شد



سید احمد مطهری:

تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری وزارت نیرو برای ورود بخش خصوصی به حوزه نیروگاهی و مذاکره و هم‌فکری با سرمایه‌گذاران در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ کلید خورد و صدور اولین صورت‌حساب‌ها بابت فروش برق از اواسط دهه ۸۰ آغاز شد. از آنجا که ساختار بخش خصوصی بر پایه جذب سود عادلانه، استمرار پایداری سرمایه‌گذاری و بازگشت منافع طراحی شده، طبیعتاً تمرکز سرمایه‌گذاران این حوزه هم از همان ابتدا بر افزایش بهره‌وری و اقتصادی کردن فعالیت نیروگاه با تکیه بر حفظ منافع ملی بوده است. یکی از مشکلاتی که بخش خصوصی با آن مواجه شد، نبود «پنجره واحد» سرمایه‌گذاری بود که در برنامه‌های پنجم و ششم هم بر آن تاکید شده است. در واقع انتظار می‌رفت و می‌رود که وقتی سرمایه‌گذار تمامی تعهدات و مسئولیت‌های خود را انجام داده، دولت هم به عنوان سرمایه‌پذیر باید به تکالیف خود متعهد باشد. یکی از مهمترین تکالیف سرمایه‌پذیر این است که برنامه‌ریزی‌ها و طراحی اولیه کار را آن قدر منطقی و هماهنگ انجام داده باشد که پیش‌بینی فضای کار برای سرمایه‌گذار امکان‌پذیر شود. اما به نظر می‌رسد وزارت نیرو از همان گام‌های ابتدایی، در این خصوص دچار ضعف بوده و از همان ابتدا بدون ایجاد زیرساخت‌های حقوقی، قانونی و اداری لازم و موثر، بخش خصوصی را درگیر حوزه تولید برق کرد و این مساله خود را در گرفتاری‌های گسترده نیروگاه‌های غیر دولتی با سازمان‌های متعدد نظیر سایر شرکت‌های زیر مجموعه وزارت نیرو، سازمان امور مالیاتی، شهرداری‌ها و ... نشان داد.

یکی دیگر از مشکلاتی که برای اولین سرمایه‌گذاران غیر دولتی در حوزه نیروگاهی ایجاد شد، تناقص ساختارها و قوانین بازار برق با قراردادهای خرید تضمینی بیست‌ساله‌ای بود که با اولین نیروگاه‌های غیردولتی امضا شده بود. در همین حوزه مجوزهایی مانند پروانه بهره‌برداری هم که موید صلاحیت و مجوز حضور در بازار است، با وضع مقررات ویژه‌ای خصوصاً یک‌ساله بودن و لزوم تمدید سال به سال، برخلاف سایر سرمایه‌گذاری‌های مشابه در سایر صنایع، سرمایه‌گذاران نیروگاهی را گرفتار تناقضات جدی می‌کند، چرا که مرتباً با انتظارات جدید و دستورات متنوع برای تمدید پروانه مواجه می‌شوند که در بدو شروع سرمایه‌گذاری مطرح نبوده و قابل پیش‌بینی هم نبوده است.

نکته اینجاست که این واگذاری مسئولیت تولید برق، سیاست‌گذاری حاکمیتی بود که وزارت نیرو میزبانی از صاحبان سرمایه را عهده‌دار شود و سرمایه‌گذارانی با رغبت و تمایل جذب این سیاست‌ها شده بودند، اما از سویی دیگر و در نهایت ایرادها و ضعف‌های این سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در وزارت نیرو به تدریج سرمایه‌گذاران را دچار گرفتاری‌هایی کرد که آنها را از ورود به این حوزه پشیمان کرد. به ویژه آن که حوزه تولید برق تفاوت‌های بسیاری با سایر صنایع کشور دارد، چرا که یک نیروگاه غیر دولتی ناگزیر است برق را بلافاصله همراه با تولید در اختیار سرمایه‌پذیر و مصرف‌کننده بگذارد. بنابراین سرمایه‌گذاران نیروگاهی در غالب موارد نمی‌توانند با مصرف‌کنندگان عمده برق وارد مذاکره شده و طبق مصلحت و بر اساس مقتضیات بازار، قیمت کالای تولیدی خود را تغییر دهند.

با این احتساب به جرات می‌توان گفت صنعت برق فاقد چارچوب‌های اقتصادی معمول است و به همین دلیل فضای مساعدی برای توسعه و رونق سرمایه‌گذاری ندارد. ابتدایی‌ترین اصول اقتصادی حکم می‌کنند که سرمایه‌گذار پس از ورود به یک حوزه، میزان سودآوری و بازگشت سرمایه آن را بررسی کرده و بر آن اساس برای توقف یا افزایش سرمایه خود در آن بخش تصمیم‌گیری کند. تجربه نشان داده که سرمایه‌گذاران حوزه تولید برق نه تنها منافع جدی در این اقدام نداشتند، بلکه وظایف خطیری را عهده‌دار شده‌اند که در فضای کسب‌وکار صنعت برق مشمول گرفتاری‌های گسترده و پرهزینه‌ای خارج از اراده آنها است.

در واقع سیاستی که در ابتدا توسعه صنعت برق به‌واسطه مشارکت بخش خصوصی دنبال می‌کرد، به دلایل متعدد چنان دچار خدشه شد که مزایای حاشیه‌ای آن نظیر بهره‌وری، شفافیت قیمت

تمام‌شده و اصلاح اقتصاد برق هم محقق نشد.

در این میان عدم آشنایی تخصصی برخی سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان بالادستی کشور در دولت، مجلس و سازمان برنامه هم به مشکلات دامن‌زده است، در حقیقت عدم اشراف آنها به مسائل و موضوعات کلیدی صنعت برق و نگرش آنها به موضوع از دریچه وزارت نیرو، برداشت‌های نادرستی در خصوص نیروگاه‌ها در ذهن آنها ایجاد می‌کند که تاثیراتش را می‌توان در تصویب بسیاری از آیین‌نامه‌ها، قوانین و مصوبات متعدد به وضوح دید.

محمدصادق قاضی‌زاده:

در آن مقطع زمانی وزارت نیرو اصرار داشت، قراردادهای خرید تضمینی را طوری منعقد کند که خودش خریدار انحصاری برق تولیدکننده مزبور باشد. روند صحیح کار این بود که تولیدکننده، برق را به مشتریان مورد نظرش بفروشد اما در کنار آن اطمینان داشته باشد که اگر خریداری برای برق تولیدی اش وجود نداشت، دولت برق را از او خریداری خواهد کرد. اما آنچه که در قراردادهای خرید تضمینی برق دنبال شد، کاملاً با این روند متفاوت بود و عملاً اختیار فروش برق به مشتریان دلخواه را از نیروگاه‌ها سلب کرد. ضمن اینکه تفاوت جدی این دست از قراردادهای با فرآیندهای قانونی که بعدها برای سایر سرمایه‌گذاران غیردولتی نیروگاه‌ها تدوین شد، عملاً به ایجاد نوعی نابسامانی و نارضایتی در فعالان این حوزه منجر شد. به همین دلیل قراردادهای خرید تضمینی بیست ساله نه تنها در ایران بلکه در تمام کشورهای دنیا که این مسیر را طی کرده‌اند، یک اشتباه تاریخی بوده است.

البته امروز قراردادهای ECA این امکان را در اختیار نیروگاه‌ها قرار داده‌اند اما متأسفانه به دلیل نوع قیمت‌گذاری برق، عمده نیروگاه‌ها تمایلی به فروش مستقل برق ندارند و ترجیح می‌دهند با دولت به عنوان مشتری اصلی خود وارد معامله شوند.

نیرو و سرمایه:

در صحبت‌ها به این موضوع اشاره شد که تجدیدساختار صنعت برق چند هدف متعالی نظیر افزایش راندمان، تأمین منابع مالی و تأمین برق پایدار برای بخش‌هایی که موتور محرک اقتصاد کشور هستند، دنبال می‌کرده است. حال باید دید آنچه که امروز با آن مواجهیم با این اهداف متعالی چقدر فاصله دارد و دلایل ایجاد این فاصله چیست؟ چرا نتوانستیم شرایطی را فراهم کنیم که در

تأمین برق پایدار به ویژه در زمان پیک مصرف و یا تأمین مالی صنعت برق تا این اندازه دچار بحران نباشیم؟

بهمن مسعودی:

من هم با صحبت آقای دکتر قاضی‌زاده در خصوص عدم ایجاد وفاق عمومی در ابتدای مسیر تجدید ساختار صنعت برق کاملاً موافقم. من به خاطر دارم که در همان زمان بسیاری از همکاران ما در وزارت نیرو، با ورود بخش خصوصی به حوزه تولید برق و پس از آن ایجاد بازار برق موافق نبودند و همین امر بعدها در افول روند سرمایه‌گذاری‌ها موثر بود، چرا که گاهی حتی دیدگاه‌های مخالف بیشتر مورد توجه و وثوق بود.

نکته‌ای که در این میان نباید از نظر دور داشت این است که ایجاد بازار برق یا عقد قراردادهای بلندمدت همگی سازوکارهایی برای جذب سرمایه بودند، آنچه که باید به درستی بررسی شود این است که در فضای حاکم بر کسب‌وکار و اقتصاد برق، چه سازوکاری به جذب سرمایه بیشتر کمک می‌کند.

با یک بررسی ساده درمی‌یابیم که در کشور ما با نرخ رشد تکنولوژی اندک و رشد بالای مصرف برق تا امروز سازوکارهایی مانند بازار برق، قرارداد دوجانبه، قرارداد بلند مدت و یا قرارداد کوتاه مدت، نتوانسته در ترغیب سرمایه‌گذاران و رشد زیرساختی این صنعت موثر واقع شود. با علم به این موضوع و در شرایطی که همه پذیرفته‌اند خاموشی‌ها معلول افول سرمایه‌گذاری در این صنعت است، باید دید چه سازوکاری می‌تواند به حل این بحران کمک کند. به هر حال آنچه که تا امروز انجام شده، به دلایل متعدد منجر به توسعه سرمایه‌گذاری نشده است، از این رو باید با کنار هم گذاشتن این عوامل به دنبال راهبردهای جدید برای بازگشت سرمایه‌ها به صنعت برق باشیم.

محمدصادق قاضی‌زاده:

مرور راهبردهایی که تا امروز در حوزه سرمایه‌گذاری‌ها دنبال شده، نشان می‌دهد که در برخی موارد، تلاش مثال‌زدنی برای نابودی این صنعت صورت گرفته است. در حقیقت برخی از سازوکارها با پافشاری‌های نادرست پیاده‌سازی و دنبال شده و حتی وزارت نیرو را هم متحمل خسارات جبران‌ناپذیری کرده است.

به عنوان مثال در یک دوره زمانی استقبال سرمایه‌گذاران از قراردادهای BOO بسیار زیاد بود و در این حوزه با استقبال قابل توجهی مواجه بودیم. اما در یک دوره زمانی مدیریت ارشد صنعت

مطهری: نکته اینجاست که این واگذاری مسئولیت

تولید برق، سیاست‌گذاری حاکمیتی بود که وزارت



نیرو میزبانی از صاحبان سرمایه را

عهده‌دار شود و سرمایه‌گذارانی با

رغبت و تمایل جذب این سیاست‌ها

شده بودند، اما از سویی دیگر و

در نهایت ایرادها و ضعف‌های این سیاست‌گذاری‌ها و

برنامه‌ریزی‌ها در وزارت نیرو به تدریج سرمایه‌گذاران را

دچار گرفتاری‌هایی کرد که آنها را از ورود به این حوزه

پشیمان کرد

برق با توقف روند افزایش نرخ پایه آمادگی که می‌بایست متناسب با تورم تعیین می‌شد، بی توجه به مصوبه شورای اقتصاد، تصمیماتی اتخاذ کرد که به شکست این فرآیند موفق منجر شد. یا مثلاً در واگذاری نیروگاه‌ها، شرکت آماده خصوصی سازی را رها کردند و به سراغ واگذاری دارایی‌ها رفتند. در واقع به نظر می‌رسید بدنه اجرایی وزارت نیرو در سال‌های پس از آغاز تجدیدساختار با این تفکر همراه و موافق نبود و همین مساله در تدوین سیاست‌های متناقض با این اقدام تاثیر بسزایی داشت. واقعیت این است که اگر سیاست‌هایی مانند افزایش نرخ آمادگی و گواهی ظرفیت درست اجرا می‌شد، شرایط امروز صنعت برق کشور کاملاً متفاوت بود، اما مقاومت‌ها در وزارت نیرو این امکان توسعه‌ای را از حوزه نیروگاهی کشور سلب کرد.

نکته بسیار کلیدی این است که با توجه به فضای پرنوسان کسب و کار و همچنین نوع مناسبات وزارت نیرو با نیروگاه‌های غیردولتی و عدم تعهد این وزارتخانه به تکالیفش به ویژه در پرداخت مطالبات نیروگاه‌ها، ضروری است که به دنبال سازوکاری باشیم که دست نیروگاه‌ها را برای عرضه مستقیم برق به مشتریانشان باز می‌گذارد. به این ترتیب آنها ناگزیر نیستند برق را به یک مشتری خاص بفروشند.

بهمن مسعودی:

پیش از هر چیز باید این مساله را بپذیریم که صنعت برق یک صنعت سرمایه‌بر با سازوکارهای بلندمدت است. از این رو باید امکان ایجاد روابط قراردادی بلندمدت به نحوی در آن فراهم شود که علاوه بر تأمین منافع دوسویه سرمایه‌گذار و دولت، منافع ملی کشور هم تأمین شود. در شرایطی که تغییر مدیران گاهی به



قاضی زاده: واقعیت این است که اگر سیاست‌هایی مانند افزایش نرخ آمادگی و گواهی ظرفیت درست اجرا می‌شود، شرایط امروز صنعت برق کشور کاملاً متفاوت بود، اما مقاومت‌ها در وزارت نیرو این امکان توسعه‌ای را از حوزه نیروگاهی کشور سلب کرد

فرهنگ بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری‌های این حوزه آشنایی دقیقی ندارند. اگرچه باورم این است که بخش زیادی از مشکلات صنعت برق ناشی از شیوه‌های حکمرانی و نگاه کوتاه مدت آنها در سیاست‌گذاری هاست اما بخش خصوصی هم در حوزه تولید، هنوز رفتار و رویکردهای یک سرمایه‌گذار خصوصی را ندارد. ما بارها بر این مساله تاکید کرده‌ایم که نیروگاه‌های غیر دولتی باید بر تنوع سبد مشتریانشان تمرکز بیشتری داشته باشند و از متمرکز کردن

درآمدهای خود بر یک مشتری بدحساب مثل دولت خودداری کنند، اما می‌بینیم که تغییری در مدل کار آنها رخ نداده است. در واقع به نظر می‌رسد نیروگاه‌های غیردولتی علیرغم آزادی عملی که برای آنها ایجاد شده، ترجیح می‌دهند برق خود را حتی به بهای انباشت مطالباتشان به دولت بفروشند و این دقیقاً رفتار یک پیمانکار است نه سرمایه‌گذار. به همین دلیل هم معتقدم سندیکای تولیدکنندگان برق هنوز هم رفتار سندیکای پیمانکاران تولید برق را دارد و نتوانسته موضوعاتی را پی‌گیری کند که به تنوع بخشی به مشتریان و تغییر رویکرد نیروگاه‌ها منجر شود.

سید احمد مطهری:

پیش از هر چیز ذکر این نکته را ضروری می‌دانم که عمده افراد وقتی در موضع سرمایه‌گذار یا سرمایه‌پذیر قرار می‌گیرند، توان تطبیق خود را با قواعد آن مسئولیت دارند. اما در مورد سطح ریسک‌پذیری بخش خصوصی این سوال مطرح می‌شود که آیا در ساختار فعلی، توزیع ریسک به صورت منطقی و عادلانه‌ای انجام شده است که از فعالان این بخش انتظار ریسک‌پذیری می‌رود؟ در شرایط فعلی نه تنها عمده ریسک‌های مربوط به خرید و فروش برق به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی تحمیل شده، بلکه از طرق مختلف از جمله آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های متفاوت، هزینه‌های جدیدی به آنها تحمیل شده، ضمن این که فضای نامساعد کسب‌وکار عملاً امکان پیش‌بینی و پذیرش ریسک‌ها را از سرمایه‌گذاران سلب کرده است.

محمدصادق قاضی زاده:

با این موضوع موافقم؛ به همین دلیل باید این مساله را طرح کرد که اگر دولت به دنبال بهره‌وری و تأمین مالی است، قطعاً قرارداد EPCF تمام انتظارات دولت را در این دو حوزه برآورده می‌کند و نیازی نیست که نام آن را قرارداد سرمایه‌گذاری بگذارد. اما اگر هدف، تغییر فضای کسب‌وکار صنعت برق است، باید زمینه برای سرمایه‌گذاری فراهم شود و امکان بازگشت سرمایه بخش خصوصی در یک فرآیند منطقی و اقتصادی ایجاد شود. با این حال باز هم معتقدم آنچه که امروز در بخش غیردولتی تولید برق جریان دارد یک پیمانکاری توسعه‌یافته است که از آن به عنوان سرمایه‌گذاری نام می‌بریم. به همین دلیل اگر فکر می‌کنیم که قرار نیست در رویکردها و پارادایم‌های حاکم کنونی

مطهری: در حکمرانی صنعت برق مواضع و منافع بخش خصوصی و مشاوره‌های سندیکا



به عنوان نماینده فعالان این حوزه، تقریباً به طور کامل نادیده گرفته شده‌اند، در این شرایط چه‌طور می‌توان انتظار داشت رویکردهای این وزارتخانه به نفع توسعه سرمایه‌گذاری نیروگاهی توسط بخش غیر دولتی تغییر کند

تغییر جدی رخ دهد و نیروگاه‌های غیردولتی همچنان قرار است برق تولیدی خود را به وزارت نیرو بفروشند و این وزارتخانه مسئول عرضه برق به مردم باشد، بهتر است اطلاق سرمایه‌گذار به فعالان این حوزه را متوقف کنیم. چرا که عملاً دولت از کارایی مدیریت اجرایی بخش خصوصی برای افزایش بهره‌وری و تأمین مالی استفاده کرده، اما مسیر پیاده‌سازی رفتارهای سرمایه‌گذاری را بسته است.

با این حال در بررسی مساله حکمرانی صنعت برق و با وجود وظایف بسیار حیاتی و کلیدی که برای دولت قائل هستیم، باید سهم بخش خصوصی را نیز در نظر بگیریم. تغییر رفتار و رویکردهای دولت تنها زمانی می‌تواند در بهبود شرایط صنعت برق موثر واقع شود که بخش خصوصی هم رفتار متفاوتی داشته باشد و در قامت یک سرمایه‌گذار و نه یک پیمانکار، توسعه بازارهای خود را دنبال کرده و از اتکای صرف به دولت بپرهیزد.

سید احمد مطهری:

واقعیت این است که در حکمرانی صنعت برق مواضع و منافع بخش خصوصی و مشاوره‌های سندیکا به عنوان نماینده فعالان این حوزه: «تقریباً» به طور کامل نادیده گرفته شده‌اند، در این شرایط چه‌طور می‌توان انتظار داشت رویکردهای این وزارتخانه به نفع توسعه سرمایه‌گذاری نیروگاهی توسط بخش غیر دولتی تغییر کند. همین چند وقت پیش گذر موفق از پیک مصرف تابستان را در وزارت نیرو جشن گرفتند، در حالی که حتی یک اشاره کوچک هم به مسائل و مواضع بخش خصوصی به عنوان تولیدکننده بیش از ۶۰ درصد برق مورد نیاز کشور نکردند. ■



گفت‌وگو با دکتر غلامرضا حیدری، کارشناس خبره حوزه انرژی

اشکالات نهادی حکمرانی و تجدید ساختار صنعت برق

موضوع حکمرانی صنعت برق به دلیل پیچیدگی‌های متعدد این صنعت در حوزه تملک، متولی‌گری و تصدی‌گری هنوز هم دچار ابهامات بسیاری است. نقش‌های چندگانه وزارت نیرو در جایگاه متولی اصلی صنعت برق، بزرگ‌ترین خریدار، تولیدکننده ۴۰ درصد برق کشور و همچنین تعیین‌کننده سیاست‌های قیمتی و حقوقی این حوزه، آن قدر پیچیده و مساله‌ساز است که ریشه‌یابی مشکلات تولیدکنندگان برق، گاهی ناممکن به نظر می‌رسد.

دکتر غلامرضا حیدری، نماینده ادوار پیشین مجلس و یکی از صاحب‌نظران حوزه انرژی، در گفت‌وگو با «نیروسرمایه» اصلی‌ترین پیامد این حکمرانی پراهمام را افول سرمایه‌گذاری‌ها در صنعت برق می‌داند و بر این باور است که در مسیر تجدید ساختار صنعت برق، به حساسیت‌های منحصربه‌فرد این صنعت توجه اندکی شده و همین مساله ناکامی تحولات ساختاری ایجاد شده در حوزه برق را به دنبال داشته است.

ساختار صنعت برق و شیوه‌های حکمرانی آن طی حداقل سه دهه گذشته، شاهد تغییرات و تحولات متعددی بوده است. از دیدگاه شما آیا این تغییرات در پویایی این صنعت موثر واقع شده‌اند؟

ساختار صنعت برق و روش حکمرانی آن، طی حداقل سه دهه گذشته شاهد تغییرات و تحولاتی بوده و این امر ناشی از ضرورت تغییر و تحول برای حفظ پویایی هر ساختاری است. در این میان صنعت برق به عنوان زیرساخت توسعه اقتصادی و صنعتی، بدون تردید نیازی غیر قابل چشم‌پوشی به هماهنگی با تحولات روز دنیا به ویژه در حوزه ساختار و شیوه‌های مدیریتی دارد.

در صنعت برق ایران هم تلاش شد تجربه موفق کشورهای دنیا در تجدید ساختار دنبال شود اما در نهایت آنچه که اتفاق افتاد، با

نتایج مورد انتظار فاصله زیادی داشت و نتوانست اثربخشی روشنی در بهبود شرایط داشته باشد. برای این ناکامی دلایل متعددی وجود دارد که یکی از آنها عدم پیش‌بینی بسترهای لازم برای خصوصی‌سازی موفق بوده است. البته منظور، صرفاً بسترسازی فنی نیست، چرا که با یک نگاه سیستمی در خواهیم یافت که همه اجزای مدل تجدید ساختار مانند یک زنجیره به هم متصل هستند و حتی یک حلقه مفقوده هم به عدم موفقیت یا کاهش تاثیرگذاری پیاده‌سازی این سیستم منجر می‌شود.

نگاهی به تجارب کشورهای موفق دنیا در حوزه خصوصی‌سازی صنعت برق نشان می‌دهد که عمده‌ترین محورهای توسعه این صنعت بر جذب سرمایه‌گذاری در بخش تولید متمرکز بوده است. همین مساله به درستی نشان می‌دهد که ما همان گام‌های اول

بود. اما در نهایت ساختارهای دولتی در این صنعت بزرگ‌تر و فریه‌تر شد. به عنوان مثال شرکت مادر تخصصی برق حرارتی قبلاً در قالب یک معاونت در شرکت توانیر بود اما امروز تبدیل به یک مجموعه عریض و طویل با تعداد زیادی پرسنل شده است، این موضوع در مورد شرکت ساتبا و در حوزه تجدیدپذیرها هم صدق می‌کند. گسترده‌سازی ساختار اداری وزارت نیرو و شرکت‌های زیرمجموعه بدون تردید در روان‌سازی و چابک‌سازی این حوزه تأثیر منفی داشته و هزینه‌ها را افزایش می‌دهد.

واگذاری نیروگاه‌ها هم‌زمان با گسترده‌سازی ساختار دولت به معنای کاهش تصدی‌گری نیست. در حقیقت ما بدون ایجاد بسترهای لازم فقط نیروگاه‌ها را به بخش‌های عمومی و خصوصی واگذار کرده ایم و انتظار داریم نتیجه این اقدام شفافیت و چابک شدن ساختارهای صنعت برق باشد. خصوصی‌سازی نیروگاه‌ها اقدامی است که باید طی یک برنامه میان‌مدت یا حتی بلندمدت صورت می‌گرفت. نتیجه جدا کردن بدون برنامه نیروگاه‌ها از بدنه وزارت نیرو، همین نارضایتی جدی است که امروز در بخش تولید برق به چشم می‌خورد.

به نظر می‌رسد پیش از هر چیز باید یک سازمان را به عنوان متولی اصلی صنعت برق تعیین کنیم. تعدد و تکثر سازمان‌ها علاوه بر این که اداره امور را دچار کند و تصمیم‌گیری‌های بخشی می‌کند، عملاً به افزایش اصطکاک در ساختارهای سیاست‌گذاری صنعت برق هم منجر می‌شود. فراموش نکنیم که در عصر کنونی که بسیاری از اقدامات از مسیر فضای مجازی و امکانات الکترونیکی قابل انجام است، کوچک کردن سازمان‌های دولتی دور از دسترس و دردسرساز نیست. دنیای امروز با دهه‌های گذشته تفاوت بسیاری دارد و ما باید این تفاوت‌ها را به یک فرصت جدی برای چابک‌سازی سیستم‌های دولتی تبدیل کنیم.

از دیدگاه شما چه ساختاری برای مدیریت صنعت برق مناسب‌تر است؟

در مقطعی، صنعت برق در قالب معاونت برق و انرژی وزارت نیرو و دفاتر زیرمجموعه آن اداره می‌شد. پس از آن معاون برق وزیر نیرو به عنوان مدیرعامل شرکت توانیر هم منصوب شد و از این طریق ساختار مدیریت صنعت برق تا اندازه‌ای مسطح‌تر و افقی‌تر شد. از دیدگاه بنده این مدل برای اداره صنعت برق مناسب‌تر بود. فقط باید با یک بررسی دقیق اشکالات این ساختار احصا و برطرف شده و نقاط قوت آن تقویت شوند.

تجدید ساختار را با واگذاری‌هایی که عموماً با هدف رد دیون و ایجاد منابع مالی برای دولت‌ها صورت گرفت، نادرست برداشتیم. در بستر همین اقدام نهادهای عمومی که اساساً آشنایی، تخصص و ارتباطی با صنعت برق نداشتند، درگیر بحث نیروگاه‌داری شدند، آن هم در شرایطی که در برخی موارد بدهی این نیروگاه‌ها به توانیر و دولت انتقال یافت. نکته اینجاست که نهادهای عمومی که نیروگاه‌ها به آنها واگذار شده بود، به هر حال ناگزیر به انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید برای بهینه‌سازی و یا توسعه نیروگاه بودند که این امر مستلزم آمادگی فنی، تخصصی و مالی برای این امر بود. به همین دلیل به نظر می‌رسد نوع واگذاری‌ها در گام اول مساله تجدیدساختار در صنعت برق را با مساله مواجه کرد. از سوی دیگر نتیجه کار نیروگاه‌ها ارتباط مستقیمی با تامین رفاه آحاد مردم دارد، به همین دلیل برای تجدید ساختار این صنعت باید زمینه‌های اجتماعی هم به صورت جدی مد نظر قرار می‌گرفت. در اوایل دهه ۷۰ که بحث خصوصی‌سازی مطرح شد، برخی از مدیران با سابقه و صاحب‌نظر این صنعت با این طرح مخالفت کردند، چرا که بر این باور بودند که بخش‌هایی از صنعت برق مانند شرکت‌های توزیع که به صورت مستقیم با مردم سر و کار دارد، دارای حساسیت‌های جدی هستند و واگذاری آنها باید با احتیاط و بررسی زیاد انجام شود که متأسفانه در زمان خودش به این نظرات توجه چندانی نشد.

یکی دیگر از الزامات اثربخشی این تجدیدساختار، جلب مشارکت تشکل‌های صنفی به ویژه در بعد نظارتی و به منظور شفاف‌سازی روند اقدامات بود. به عنوان مثال در بحث برق، قیمت تمام شده یک موضوع کلیدی است که متأسفانه در طول این سال‌ها گرفتار ساختارهای سیاسی اقتصاد کشور شد و به همین دلی تشکل‌ها هم نتوانستند در این حوزه نقش نظارتی خود را به صورت موثر ایفا کنند. در نگاهی کلی‌تر می‌توان گفت که ساختار صنعت برق با وجود تغییرات اعمال شده به دلیل نبود بسترهای قانونی لازم، نتوانسته پویایی و چابکی مورد انتظار را محقق کند.

در شرایط کنونی و با توجه به این که خصوصی‌سازی به نتایج مورد انتظار نرسید، چه باید کرد تا بخش خصوصی واقعی به ویژه در حوزه تولید برق بازبایی شده و ساختارهای کلی صنعت برق چابک‌تر شود؟

اصلی‌ترین انتظار از خصوصی‌سازی در صنعت برق، کوچک شدن و چابک‌سازی سازمان‌های دولتی و تقویت جایگاه بخش خصوصی

آیا اصلاح ساختار صنعت برق نیاز به تدوین قوانین

جدید دارد؟

خیر؛ سازماندهی این اقدام به تصویب قوانین جدید نیازی ندارد و به نظر می‌رسد این کار با اخذ مصوبه هیات وزیران هم قابل انجام است. مگر در مواردی که کار بر اساس قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی پیش رفته و قطعاً تغییر آنها به تغییر ساختارهای قانونی موجود نیاز دارد.

به هر حال در گام اول باید ساختار کلی این تغییرات در سطح وزارت نیرو طراحی و پذیرفته شود، پس از آن سایر اقدامات مشمول پیچیدگی خاصی نخواهد بود. البته من بر این باورم که ما در حوزه انرژی نیازمند یک متولی مشخص هستیم و این مساله‌ای است که در گام‌های بعدی باید به آن بپردازیم. مساله تامین گاز نیروگاه‌ها در زمستان و یا دشواری‌های تامین برق در تابستان به درستی نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری در این دو حوزه نیازمند نگاه واحد یک متولی مشخص است. نبود یک متولی واحد، به موزی‌کاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های بخشی دامن زده و امکان برنامه‌ریزی جامع و منسجم در این حوزه را از دولت سلب و هزینه‌های مضاعفی را به اقتصاد کشور تحمیل کرده است. هر چند به نظر می‌رسد هنوز هم شرایط مناسبی برای ایجاد وزارت انرژی وجود نداشته و بسترهای لازم برای این اقدام فراهم نیست.

به این مساله اشاره کردید که ما در صنعت برق نیاز به تدوین قوانین جدید نداریم. از آنجا که طبق بررسی‌های صورت گرفته عمده قوانین به ویژه قوانین توسعه پنج ساله در حوزه اجرا با مشکل مواجه می‌شوند، از دیدگاه شما این ضعف در اجرا ناشی از چیست و حل آن مستلزم چه اقداماتی است؟

یکی از مهمترین دلایل عدم اجرایی شدن قوانینی مانند برنامه‌های توسعه از دیدگاه من عدم نگارش واقع بینانه این برنامه‌ها است. به عنوان مثال در برنامه‌های توسعه به طور معمول رشد متوسط سالانه هفت تا هشت درصد در نظر گرفته می‌شود و همین اعداد جزو اصلی‌ترین گلوگاه‌های انحراف برنامه‌های توسعه از اجرا محسوب می‌شوند. همچنین به نظر می‌رسد در تدوین برنامه توسعه به جای در نظر گرفتن درآمدهای واقعی کشور که عمدتاً از محل فروش نفت است، اعدادی غیر قابل تحقق ذکر می‌شود. در شرایطی که فروش نفت به شکلی مستقیم با روابط بین‌الملل کشور گره خورده و ما در این حوزه دچار نوعی انسداد و تنش

اگر به دنبال حل بنیادی این مساله باشیم، در گام اول باید تعیین تکلیف قیمت سوخت است که باید در یک بازه زمانی و به شکل تدریجی به سمت واقعی شدن حرکت کرده و به تناسب آن تعرفه‌های برق هم واقعی شوند.

جدی هستیم، در نظر گرفتن اعداد خلاف واقع، کل برنامه را گرفتار نوعی توهم می‌کند.

به طور خلاصه باید گفت وقتی رشد سالانه اقتصاد کشور ۸ درصد در نظر گرفته می‌شود، هزینه‌ها و درآمدها هم در همین توهم رشد ۸ درصدی تدوین و پیش بینی می‌شوند. در حقیقت اعداد به نحوی تنظیم و تعیین می‌شوند که نتیجه آنها تحقق این رشد را نشان دهد. بر همین اساس بخشی از بودجه‌های سالانه به ویژه برای نهادهای خاص در قالب استقراض، پیش‌خور شده و در نهایت کشور دچار کسری بودجه جدی می‌شود. پمپاژ پول برای جبران کسری بودجه و رشد نقدینگی نتیجه روشن همین رویکرد است که تورم خانمان سوز و ویرانگر را به کشور تحمیل کرده و به صورت مستمر سفره‌های مردم را کوچک‌تر می‌کند.

پژوهشکده مطالعات سیاست‌گذاری و حکمرانی پژوهشگاه نیرو در خصوص برنامه توسعه هفتم، احکام پیشنهادی خود را برای بخش انرژی به دولت ارائه داده است. از دید من مساله حیاتی در سیاست‌های پیشنهادی این پژوهشکده اعطای مجوز صادرات برق به تولیدکنندگان غیر دولتی برق است. البته ما در کمیسیون تلفیق مجلس دهم هم برای تحقق این موضوع تلاش بسیاری کردیم که متأسفانه با مخالفت شدید مسئولان وزارت نیرو ناکام ماند. یکی دیگر از پیشنهادهای پژوهشکده مطالعات سیاست‌گذاری پژوهشگاه نیرو محاسبه قیمت سوخت برای نیروگاه‌های دولتی به منظور ایجاد زمینه برابر و شفاف رقابت‌پذیری در حوزه فروش برق است. البته از این مسیر قطعاً بسترهای لازم برای حرکت به سمت قیمت‌گذاری واقعی برق هم فراهم خواهد شد.

قیمت‌گذاری سوخت نیروگاه‌های دولتی چه‌طور می‌تواند در بهبود شرایط تولیدکنندگان برق موثر واقع شود؟
در حال حاضر قیمت یارانه ای برق یکی از اصلی‌ترین معضلات این صنعت محسوب می‌شود. اگر به دنبال حل بنیادی این

مساله باشیم، در گام اول باید تعیین تکلیف قیمت سوخت است که باید در یک بازه زمانی و به شکل تدریجی به سمت واقعی شدن حرکت کرده و به تناسب آن تعرفه‌های برق هم واقعی شوند. پیشنهاد ارائه شده از سوی پژوهشکده مطالعات سیاست‌گذاری پژوهشگاه نیرو هم دستیابی به همین هدف را دنبال می‌کند. اگرچه تخصیص برق رایگان به برخی از بخش‌ها را یک اقدام نادرست و هزینه‌ساز برای صنعت برق می‌دانم، اما معتقدم اقدامات خوبی به منظور اصلاح تعرفه‌های برق مشتریان پر مصرف خانگی و همچنین بهینه‌سازی مصرف از طریق پیش‌بینی بخشودگی‌هایی برای مشتریان کم‌مصرف صورت گرفته است. در حوزه برق صنایع هم با صدور مجوز احداث نیروگاه اقدامات خوبی صورت گرفته که البته نیازمند یکسری اصلاح و بازنگری است.

نکته اینجاست که نیروگاه‌های غیر دولتی به دلیل هزینه‌های مترتب بر سرمایه‌گذاری و اداره نیروگاه، در غالب موارد توان رقابت با دولتی‌ها را ندارند و می‌توان با واقعی کردن قیمت سوخت نیروگاه‌ها اولین گام را برای ایجاد یک فضای رقابتی سالم در صنعت برق فراهم کرد. در این میان نظارت بر اجرای صحیح و دقیق قوانین موجود و جلوگیری از تفسیر، سواستفاده و اعمال نفوذ در پیاده سازی آنها هم از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این میان ضروری است که شرکت توانیر در خط مقدم صنعت برق با باور به نقش کلیدی بخش خصوصی در تامین پایدار برق کشور، صادقانه و شجاعانه و با حفظ منافع ملی، نسبت به رفع این موانع اقدام کند. در حقیقت ما باید حفظ موجودیت و تقویت بخش خصوصی را اقدامی در راستای حفظ منافع ملی ببینیم و برای این مهم برنامه ریزی کنیم.

از دیدگاه شما دلایل افول سرمایه‌گذاری در صنعت برق چیست؟

صنعت برق زمانی جزو قدرتمندترین صنایع کشور بود، اما متأسفانه این صنعت مغلوب تصویب قانون تثبیت نرخ حامل‌های انرژی در مجلس هفتم شد. نقطه آغاز تضعیف قدرت مالی صنعت برق، تصویب همین قانون بود و بعدها با پیاده‌سازی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها و عدم تزریق منابع درآمدی حاصل از افزایش قیمت برق به این صنعت، بحران نقدینگی برق گسترده‌تر شد.

در این میان افزایش اندک قیمت برق هم پاس‌خگوی هزینه تمام‌شده این کالای استراتژیک نبود و در نهایت این صنعت دچار بحران کمبود منابع مالی، انباشت بدهی‌های وزارت نیرو و توقف

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شد. سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و عمومی هم که عمدتاً با اتکا به تسهیلات صندوق ذخیره ارزی به حوزه نیروگاهی ورود کرده بودند، در جریان افزایش چندباره و چشمگیر قیمت ارز و فقدان یک ساختار هدفمند برای جبران خسارات ناشی از تلاطمات ارزی، از بازپرداخت اقساط تسهیلات ارزی عاجز شده و عملاً دچار زیان مضاعفی شدند.

به علاوه تحریم، افزایش قیمت تجهیزات نیروگاهی و هزینه تعمیرات و اورهال نیروگاه‌ها، قیمت ثابت خرید برق از تولیدکنندگان غیر دولتی و عدم امکان صادرات برق به منظور ایجاد منابع درآمدی ارزی برای نیروگاه‌ها عواملی بودند که به افول سرمایه‌گذاری در صنعت برق دامن زدند. طبیعی است که در این شرایط رشد متناسبی بین تولید و مصرف برق ایجاد نمی‌شود و در نهایت حفظ پایداری شبکه برای صنعت برق به یک چالش جدی بدل می‌شود.

اگر بودجه را یک فرصت جهت بسترسازی برای رفع بخشی از مشکلات صنعت برق بدانیم، از دیدگاه شما چه مواردی باید در قانون بودجه سال ۱۴۰۲ پیش بینی شود تا به صنعت برق برای عبور از این شرایط بحرانی کمک کند؟

از دیدگاه من مهمترین مساله درباره بودجه هماهنگی بین بخش خصوصی با وزارت نیرو و سازمان برنامه است. در حقیقت بخش خصوصی باید پیشنهادهای خود را پیش از تقدیم لایحه بودجه به مجلس، به وزارت نیرو و سازمان برنامه ارائه کرده و در لایحه بگنجانند. تجربه نشان داده که حتی در صورتی که این پیشنهادها در کمیسیون تلفیق به لایحه اضافه شوند و دولت با آنها موافق نباشد، در صحن علنی مورد تصویب قرار نمی‌گیرند. بنابراین بخش خصوصی باید به دنبال ایجاد هم‌افزایی موثر با وزارت نیرو باشد. مساله دیگری که نمی‌توان از نظر دور داشت این است که تدوین و تصویب قانون بودجه سال ۱۴۰۲ یک بحث متمایز با نحوه و ضمانت اجرایی آن است. متأسفانه ما در پیاده‌سازی قوانین مصوب، تجربه چندان موفق‌ی نداشته‌ایم و گزارش‌های تفریغ بودجه هم به خوبی موید همین نکته است. با این وجود همچنان بر این باورم که تولیدکنندگان غیر دولتی برق باید پیشنهادهای بودجه‌ای خود را در ابتدا از مسیر هم‌فکری و مشارکت با وزارت نیرو و سازمان برنامه دنبال کنند و پس از آن برای تصویب نهایی با مجلس وارد مذاکره شوند. ■

نهاد رگولاتوری؛ میانبر بهبود حکمرانی صنعت برق



گفت‌وگو با علیرضا کلاهی، رییس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

ساختار صنعت برق ایران در طول قریب به دو دهه اخیر، تحولات و تغییرات متعددی را تجربه کرده است. در طول این سال‌ها عمده تمرکز وزارت نیرو در راس حکمرانی این صنعت، بر واگذاری و خصوصی‌سازی به منظور چابک‌سازی صنعت، کوچک کردن دولت و ایجاد شفافیت در ساختارهای اقتصادی برق بوده است. با این حال، علیرغم اقدامات صورت گرفته، تجدید ساختار این صنعت، تا امروز به نتایج پیش‌بینی‌شده، نرسیده است.

در حقیقت با وجود واگذاری نیروگاه‌ها به بخش خصوصی و غیر دولتی به بخش خصوصی و سهم بیش از ۶۰ درصدی این بخش در تامین برق مورد نیاز کشور، هنوز هم اقتصاد برق ناکارآمد و بیمار است، دولت فربه‌تر شده و خبری از چابک‌سازی ساختار اداری صنعت برق کشور نیست.

در همین راستا علیرضا کلاهی، رییس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، رییس اسبق هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران و رییس هیات مدیره شرکت سیم و کابل ابهر در گفت‌وگو با «نیرو و سرمایه»، با تأکید بر گرفتار شدن صنعت برق در یک چرخه معیوب، اذعان می‌کند که ایجاد یک نهاد رگولاتوری مستقل، قدرتمند و متخصص، در دسترس‌ترین راه کار برای بهبود حکمرانی در صنعت برق است. آنچه در پی می‌آید، حاصل این گفت‌وگو است:

وزارت نیرو در صنعت برق نقش‌های متعددی را به عنوان متولی و متصدی در حوزه‌های مختلف پذیرفته و به نظر می‌رسد ساختار حکمرانی در این صنعت به همین دلیل دچار نواقص جدی است. دیدگاه شما در این خصوص چیست؟

تعدد نقش‌های نهادهای حاکمیتی در ایران، فقط مختص وزارت نیرو نیست و اتفاقی است که تقریباً در همه نهادهای حاکمیتی قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد ما تقریباً در همه بخش‌ها دچار دو چالش جدی شامل تداخل و تضاد منافع و نیز نبود یک نهاد مستقل تنظیم‌گر هستیم.

هر چند، در صورت فعال شدن نهاد رگولاتوری مستقل در حوزه‌های مختلف اقتصادی، امکان مدیریت و کنترل تعارضات موجود به راحتی فراهم می‌شود. بر همین اساس من معتقدم که ساختار حکمرانی صنعت برق به دلیل نبود یک نهاد مستقل تنظیم‌گر دچار عارضه‌های زیادی شده که قیمت‌گذاری دستوری یکی از آنها است. نگاهی به فضای کلان اقتصاد و صنعت کشور نشان می‌دهد که این عارضه در سایر حوزه‌ها از جمله وزارت صمت هم قابل مشاهده است. به همین دلیل است که این وزارتخانه تلاش می‌کند در هر مقطعی در بازار دخالت کرده و با تعیین دستوری قیمت‌ها، به نوعی در بازار مداخله کند.

می‌شود؛ ولی در صناعی با شرایط انحصاری به این دلیل که سازمان یا شرکت انحصارگر با مجموعه دیگری رقابت ندارد، معمولاً چاق و فربه می‌شود و هزینه ناکارآمدی خود را از مشتری دریافت می‌کند که در انحصار او گرفتار شده است. در این شرایط اساساً قیمت‌گذاری‌ها به شکلی غیر اقتصادی انجام می‌شود و همین مساله روند تولید کالا یا خدمات مورد نیاز جامعه با قیمت معقول را دچار خدشه کرده و در نهایت به نابودی ارزش در اقتصاد منجر می‌شود. به بیان ساده‌تر انحصارهای ناشی از مونوپولی بدون نظارت نهاد تنظیم‌گر مستقل عملاً برای جامعه «هزینه فرصت» ایجاد کرده و هزینه‌های اضافه و سرباری را به آن تحمیل می‌کند.

ساختارهای اقتصاد برق دچار مشکلات جدی است، از دیدگاه شما این مساله ناشی از شیوه‌های حکمرانی در این صنعت است؟

بله؛ ما در حاکمیت صنعت برق با ساختاری انحصاری و دولتی مواجهیم که به دلیل فقدان فشارهای رقابتی، به تدریج فربه‌تر شده و چابکی خود را از دست داده است. نکته اینجاست که این وزارتخانه با وجود انحصارها به دلیل سیاست‌های کلان کشور ناگزیر به فروش ارزان‌تر برق است و از این محل متحمل زیان‌های قابل توجهی شده است. با این حال هیچ‌وقت این مساله بررسی نشده است که چرا وزارتخانه‌ای با این سطح از زیان انباشته، هر سال بر تعداد پرسنل خود می‌افزاید و هزینه‌های خود را افزایش می‌دهد؟ در شرایط فعلی وزارت نیرو برق را با یک بهای تعیین‌شده از تولیدکنندگان می‌خرد و با یک قیمت مشخص به مشترکین می‌فروشد. اما مشکل اینجاست که این وزارتخانه از محل عدم توازن سود و زیانش، متحمل هیچ فشاری نمی‌شود. چرا که در مقابل زیان تحمیل‌شده از محل قیمت‌گذاری برق، به راحتی از پرداخت مطالبات تولیدکنندگان برق، سازندگان و پیمانکاران و حتی سیستم بانکی سر باز می‌زند، بدون آن که آسیبی ببیند. در حالی که فعالان صنعت برق زیر بار فشار مطالبات معوق خود، به شدت تضعیف می‌شوند، مدیران وزارتخانه و شرکت‌های تابعه بدون نگرانی حقوق ماهیانه خود را دریافت می‌کنند.

با وجود این شرایط، از نگاه شما نهاد رگولاتوری به تنهایی می‌تواند به حل این مشکلات عمیق کمک کند؟

پیش از پاسخ به این سوال باید بپذیریم که در ساختار فعلی که فاقد فشار رقابتی مؤثر است و قاعدتاً در آینده نزدیک هم اتفاق جدیدی در آن رخ نخواهد داد، باید به دنبال راهکارهای عملیاتی باشیم. بر این اساس من معتقدم تنها نهادی که می‌تواند به نحوه سیاست‌گذاری‌های وزارت نیرو ورود کرده و حدود، وظایف، مأموریت‌ها و اهداف سازمان‌یافته‌ای برای آن طراحی کند، نهاد

این در حالی است که اگر نهادهای تنظیم‌گر کارآمد در بخش‌های مختلف تاسیس و فعال می‌شود، می‌توانستیم انحصارها را تا حد قابل توجهی مدیریت کنیم و به جای ایجاد رانت و تبعیض بین فعالیت‌های اقتصادی شاهد حداکثر سازی ارزش برای کل کشور باشیم. به ویژه آن که در برخی از حوزه‌ها مانند صنعت برق، به علت ماهیت این بخش امکان شکستن انحصار وجود ندارد و رگولاتور می‌تواند به کنترل انحصار و مدیریت پیامدهای ناشی از آن کمک کند.

بر همین اساس از دیدگاه من مهمترین مانع پیش روی اصلاح ساختارهای حکمرانی در صنعت برق، نبود نهاد تنظیم‌گر مستقلی است که بتواند در گام اول تعدد نقش‌های وزارت نیرو در تولید و فروش برق، تصدی و تملک خطوط انتقال و سیاست‌گذاری حوزه‌های متعدد را مدیریت کند. به نظر می‌رسد اگر نهاد تنظیم‌گر، مستقل و کارآمد بوده و از سطح مناسبی از دانش در حوزه تخصصی خود برخوردار باشد، امکان اصلاح مسیر حکمرانی را از طریق مشارکت در سیاست‌گذاری‌ها دارد.

به عنوان مثال نهاد رگولاتوری برق باید چنان جایگاه تثبیت‌شده‌ای در ساختار سیاست‌گذاری حوزه برق داشته باشد که بتواند شرکت‌ها را نسبت به موضوعات کلیدی نظیر تناسب ظرفیت تولید و مصرف برق، میزان تلفات شبکه، قیمت تمام‌شده برق و راندمان تولید در مقایسه با سایر کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه با شرایط نسبتاً مشابه، ناگزیر به پاسخگویی و شفاف‌سازی کند.

این روند در عمده کشورهای توسعه‌یافته به شکل جدی دنبال می‌شود. مثلاً در کشور آمریکا یک نهاد تنظیم‌گر انرژی وجود دارد که یکی از وظایفش هدف‌گذاری برای شرکت‌های بزرگ حوزه انرژی و همچنین بررسی برنامه‌های سرمایه‌گذاری آنهاست. نهاد رگولاتوری در نهایت بر اساس بررسی‌هایش، سود عادلانه این شرکت‌ها را تعیین می‌کند. به این ترتیب آنها می‌توانند بر اساس سود توافق شده، محصولات و خدمات خود را قیمت‌گذاری و عرضه کنند.

در گام بعدی باز هم این نهاد رگولاتوری است که روند پیاده‌سازی برنامه‌ها و صحت و سقم آنها را می‌سنجد و نرخ معقول بازگشت سرمایه را مشخص می‌کند. در صنعتی مانند برق که به دلیل ماهیتش در برخی حوزه‌ها دچار مونوپولی است، قیمت‌گذاری دستوری و نادرست می‌تواند به نابودی ارزش‌ها در آن حوزه منجر شود. از این رو تاسیس یک نهاد تنظیم‌گر مستقل جزو الزامات اصلی عبور صنعت برق از بحران است.

در صناعی که شرایط رقابتی دارند، بازیگران ناکارآمد خودبه‌خود حذف و در نهایت این رقابت، به افزایش بهره‌وری، کاهش قیمت تمام‌شده، افزایش تولید و خلق ارزش برای کل جامعه منجر

مستقل تنظیم‌گر بخش برق است. این نهاد همچنین باید تبعات حقوقی و قانونی مشخصی را برای عدول از سیاست‌های تدوین‌شده، مشخص کند و البته اختیارات لازم برای اعمال این تبعات را از حاکمیت گرفته باشد.

فراموش نکنیم که شرایط فعلی صنعت برق حاصل نبود فشارهای رقابتی در بطن یک اقتصاد دستوری و بدون تبعات برای بازیگران ناکارآمد است. در این شرایط مدیران فارغ از عملکرد خوب یا نامناسبشان، در یک فضای امن کار می‌کنند و قاعدتا هر نیرو یا ابزاری را که این فضا را مختل کرده و برای آنها ریسک و فشار به وجود آورد، پس می‌زنند. دقیقا به همین دلیل مدیران دولتی صنعت برق عمدتا روش عدم پاسخگویی و عدم تمکین به قوانین موجود را بدون نگرانی در پیش می‌گیرند و عدم پاسخگویی و رسیدگی به مطالبات معوق فعالان صنعت برق یکی از نشانه‌های همین ساختار بیمار و معیوب است.

یک نهاد رگولاتوری با این سطح از تاثیرگذاری در حکمرانی صنعت برق، باید چه مشخصاتی داشته باشد؟

قطعا نهاد تنظیم‌گر پیش از هر چیز باید قدرت و ابزارهای قانونی لازم را برای اعمال قوانین و سیاست‌های تدوین‌شده در دست داشته باشد. به ویژه آن که در شرایط کنونی یکی از جدی‌ترین مشکلات کشور، عدم اجرای صحیح قوانین متعدد موجود است. یکی دیگر از الزامات جدی برای رگولاتوری، استقلال آن است. همچنین دانش و آگاهی نسبت به موضوع حوزه فعالیت هم از اهمیت بسزایی در این حوزه برخوردار است. به این معنا که در راس نهاد رگولاتوری باید افرادی مسلط و آگاه به مسائل قرار بگیرد که به هیچ‌یک از بازیگران کلیدی این حوزه وابستگی نداشته باشد.

نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که به واسطه نوع حکمرانی در صنعت برق، امروز با صنعتی بحران‌زده مواجه هستیم که شرایط مالی وزارت نیرو و بدهی چند هزار میلیارد تومانی، تلفات بالای شبکه، راندمان پایین نیروگاه‌ها و ابعاد گسترده رکود در بخش‌های مختلف نشانه‌های بارز آن هستند. نهاد تنظیم‌گر مستقل بخش برق شاید بتواند بخشی از این مشکلات را حل کرده یا حداقل بهبود بخشد، اما در نهایت دولت باید بپذیرد که بحران انرژی در کشور در سایه یک نهاد رگولاتوری انرژی امکان‌پذیر است که زمینه را برای تصمیم‌گیری‌های منسجم در حوزه‌های مختلف فراهم کرده و سبب انرژی کشور را اصلاح کند.

وزارت نیرو موضوع خصوصی‌سازی و واگذاری نیروگاه‌ها را با هدف تجدید ساختار و ایجاد شفافیت در حوزه‌های متعدد این صنعت مطرح اجرایی کرد، اما در دستیابی به نتایج مطلوبش ناکام ماند. از دیدگاه شما دلیل این

مهمترین مانع پیش روی اصلاح ساختارهای حکمرانی در صنعت برق، نبود نهاد تنظیم‌گر مستقلی است که بتواند در گام اول تعدد نقش‌های وزارت نیرو در تولید و فروش برق، تصدی و تملک خطوط انتقال و سیاست‌گذاری حوزه‌های متعدد را مدیریت کند

ناکامی چیست؟

تجدید ساختار صنعت برق از مسیر واگذاری نیروگاه‌ها یک اقدام درست بود که متأسفانه در ادامه ابتر ماند و به دلیل تضاد و تعارض منافع بخش‌های مختلف صنعت برق به درستی پی گرفته نشد. قاعدتا در شرایطی که وزارت نیرو به عنوان رکن اصلی حکمرانی صنعت برق، علاوه بر ایفای نقش تنظیم‌گری، در خرید و فروش برق مداخله می‌کند، صاحب بخشی از زیرساخت‌های صنعت برق است و گاه در نقش مجری هم ظاهر می‌شود، اثربخشی اقدامی مانند تجدیدساختار و یا واگذاری نیروگاه‌ها، کمی دور از ذهن به نظر می‌رسد.

اگرچه واگذاری نیروگاه‌ها به بخش خصوصی و غیر دولتی هزینه تولید برق را کاهش داد، اما نبود فضای رقابتی و قیمت‌گذاری دستوری در کنار عرضه گاز رایگان، فضای لازم را برای تمرکز بر توسعه و افزایش راندمان در اختیار نیروگاه‌ها نگذاشت.

به نظر می‌رسد حتی ساختاری مانند بورس انرژی هم نتوانست تا حدی این شرایط را بهبود بخشد. نظر شما در این خصوص چیست؟

بله؛ همین‌طور است. دلیل این ناکامی هم ناشی از حضور پرنرنگ وزارت نیرو در همه عرصه‌های مختلف مرتبط با صنعت برق است. با یک بررسی ساده درمی‌یابیم که وزارت نیرو نه تنها در خرید و فروش برق مداخله می‌کند، بلکه در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر هم که قرار بود کاملا خصوصی باشد، ورود کرده است. به همین دلیل است که ما در صنعت برق در یک چرخه بیمار گرفتار شده‌ایم که ریشه‌اش به شیوه‌های حکمرانی، سیاست‌گذاری یا مداخلات وزارت نیرو می‌رسد.

در این ساختار بیمار، گرانی و ناکارآمدی در همه لایه‌های صنعت برق توزیع می‌شود و در نهایت کل صنعت به نوعی درگیر مشکلات ساختاری و نهادی وزارت نیرو و شرکت‌های زیرمجموعه‌اش می‌شود که در راس، تصدی‌گری این صنعت را عهده دارند. بر همین اساس باز هم تاکید می‌کنم که در شرایط فعلی، تاسیس نهاد رگولاتوری، قابل دسترس‌ترین راه کار موجود برای بهبود حکمرانی این صنعت، ایجاد شفافیت و کاهش رانت و فساد است. ■



گفت‌وگوی خبری با مصطفی نخعی، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی

حکمرانی جزیره‌ای حوزه انرژی

نظام حکمرانی در صنعت انرژی دچار مشکلات و ناکارآمدی‌هایی است که منجر به هدررفت سالانه ده‌ها میلیارد دلار از سرمایه‌های کشور شده است. از این رو و با توجه به این که تحول در پارادایم‌های سیاست‌ورزی و حکمرانی یکی از کارآمدترین راهبردها جهت فائق آمدن بر بحران‌های مرتبط با انرژی در کشور است، اصلاح حکمرانی طی سال‌های اخیر به‌عنوان یک تکلیف قانونی مطرح شده، هر چند به نظر می‌رسد دولت‌ها عزمی برای تحول سازنده و اجرای آن نداشته‌اند.

در همین راستا «طرح یکپارچه‌سازی حکمرانی انرژی در کشور» به منظور ایجاد تحول در ساختارهای فعلی حکمرانی حوزه انرژی طراحی شده و در کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است. طراحان این طرح بر این باورند که قرار نیست با انجام این یکپارچه‌سازی نیرویی به بدنه دولت اضافه شود و یا انباشت و تراکم‌سازی قوانین جدید اتفاق بیفتد. هدف صرفا «اصلاح ساختار» کنونی صنعت انرژی کشور است.

یکی دیگر از اهداف این طرح جلوگیری از توقف و ایستایی قوانین مصوب راهبردی نوین به ویژه در حوزه بهینه‌سازی مصرف انرژی است، قوانینی که در طول این سال‌ها به دلیل نبود ساختار و مدیریت یکپارچه، اثربخشی چندانی در بهبود شرایط نداشته‌اند. به علاوه در قالب این طرح تلاش خواهد شد با تدوین سیاست‌های ایجابی و همچنین قید قابلیت اجرایی شدن در فضای حکمرانی حوزه انرژی، نتیجه‌دهی حداکثری این سیاست‌ها دنبال شود.

با توجه به نقش وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های متعدد در حوزه انرژی و بهینه‌سازی مصرف آن، به‌ویژه وزارتخانه‌های نفت، نیرو، راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی و صمت، حکمرانی واحدی به‌ویژه با هدف توجه مؤثر به بخش بالادستی نفت و گاز اعمال کند تا تمامی وزارتخانه‌های ذی‌ربط با اجرای قوانین منسجم مرتبط با بهینه‌سازی مصرف سوخت، جهت تحقق این مهم همسو و یکپارچه شوند.

البته به نظر می‌رسد طرح یکپارچه‌سازی حکمرانی انرژی، تفکیک حیطه‌های حکمرانی از تصدی‌گری و نیز ایجاد تناسب و تعادل بین بنگاه‌های دولتی و خصوصی را نیز دنبال خواهد کرد. بر همین اساس می‌توان گفت که اصلاح حکمرانی حوزه انرژی در نهایت اصلاح ساختار اقتصادی کشور را به دنبال

خواهد داشت.

در این راستا ضروری است که در برنامه توسعه هفتم زمینه اصلاح حکمرانی انرژی، یکپارچه‌سازی ساختار اداره انرژی از نظر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، کنترل و نظارت بخش انرژی و زیربخش‌های آن و نیل به یک نگرش یکپارچه در بخش انرژی در کشور و استفاده از فرصت‌های همکاری مناسب بین سازمان‌ها و وزارتخانه‌های ذی‌ربط در امر انرژی، به‌عنوان یک الزام جدی و اولویت‌دار مد نظر قرار گیرد.

باید پذیرفت که متأسفانه تا امروز نظام یکپارچه‌ای برای مدیریت بخش انرژی در کشور نداشته‌ایم، به همین دلیل حوزه انرژی به‌صورت چند تکه و جزیره‌ای اداره می‌شود. به این معنا که حوزه نفت و گاز در ید وزارت نفت است، حوزه انرژی اتمی متولی مستقلی دارد و حوزه برق و آب هم زیرنظر وزارت نیرو قرار دارند، همچنین در بحث مدیریت مصرف نیز وزارتخانه‌های مختلفی دخیل هستند، به همین دلیل عملا یکپارچگی مورد نیاز در نظام حکمرانی انرژی کشور دیده نمی‌شود.

البته نباید از این مساله چشم پوشید که قانون‌گذار در سنوات گذشته برای یکپارچه شدن نظام حکمرانی انرژی در کشور «شورای عالی انرژی» را پیش‌بینی کرده اما این شورا به دلایل متعددی نقش خود را در حکمرانی واحد انرژی به درستی ایفا نکرده است. قرار گرفتن دبیرخانه شورا در سازمان برنامه و بودجه خود یک ایراد بزرگ است چراکه سازمان برنامه نه تخصص لازم را در این زمینه دارد و نه اراده کافی برای پی‌گیری موارد متعددی که به حوزه انرژی مرتبط می‌شود. لذا نیاز به ایجاد سازوکار جدید در حوزه انرژی به شدت احساس می‌شود به همین دلیل طرحی با هدف شکل‌گیری معاونتی راهبردی در حوزه انرژی ذیل ریاست جمهوری به‌عنوان معاون ریاست‌جمهور و انتقال دبیرخانه به این معاونت در کمیسیون انرژی در حال پی‌گیری است. به‌یقین به نتیجه رساندن «طرح یکپارچه‌سازی حکمرانی انرژی در کشور» نیازمند مشورت با متخصصان است و نیاز به هم‌فکری و مشارکت همه فعالان حوزه انرژی در بخش‌های خصوصی و دولتی دارد. کمیسیون هم فعلا در حال تامل بر روی این طرح است، هر چند به جمع‌بندی کلی در این خصوص نرسیده است. ■



گفت‌وگو با حسین عبدالخالق‌زاده، مدیرعامل شرکت تولید انرژی برق شمس پاسارگاد

گذری بر روش حکمرانی در صنعت برق

سازمان‌ها برای پویایی و چابک‌سازی فرآیندها و افزایش بهره‌وری و کارآمدی فعالیت‌ها برای دستیابی بهتر و به اهداف تعیین شده، تغییر ساختار در جهت بهبود را به عنوان یکی از برنامه‌های الویت دار خود در دستور کار قرار می‌دهند. در صنعت برق ایران هم از دهه‌های پیش موضوع تغییر ساختار با هدف افزایش کارایی این مجموعه و بهبود کمی و کیفی عملکردها مورد توجه قرار گرفت و اقداماتی برای پیاده‌سازی آن صورت گرفته است. برای آشنایی بیشتر با روند اجرایی این اقدامات و میزان ثمربخش بودن آن، همچنین شناخت نقاط قوت و ضعف سیاست‌گذاری‌هایی که تاکنون در این زمینه انجام شده است، فصلنامه «نیرو سرمایه» با حسین عبدالخالق‌زاده از مدیران نام‌آشنای صنعت برق و مدیرعامل شرکت تولید برق شمس پاسارگاد گفت‌وگویی انجام داده است که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید:

حکمرانی در صنعت برق باتوجه به تکالیف و مأموریت‌های وزارت نیرو (در قوانین بالادستی و ...) دچار چه چالش‌هایی است؟

با نگاهی به تاریخچه مدیریت و حکمرانی در صنعت برق در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌ویژه در سه دهه اخیر، مقاطع ذیل قابل تامل هستند.

تا پایان سال ۱۳۷۰ مدیریت و حاکمیت صنعت برق در وزارت نیرو با شرکت مادر تخصصی توانیر و از طریق ۱۶ شرکت برق منطقه‌ای در تمامی بخش‌های تولید، انتقال و توزیع اعمال می‌شد. برخی شرکت‌ها از قبیل ساتکاب (ساخت و تامین کالای آب و برق) و سازمان توسعه برق ایران اجرای طرح‌های نیروگاهی و شبکه‌های ۴۰۰ و ۲۳۰ کیلوولت) نیز در اجرای وظایف وزارت نیرو و توانیر در صنعت برق فعال بودند.

با پیرنگ شدن بحث خصوصی‌سازی در سال‌های ابتدایی دهه هفتاد در ساختار صنعت برق با هدف جداسازی بخش‌های تولید،

برطرف نشده است.

واگذاری شرکت‌های توزیع نیروی برق، شرکت‌های مدیریت تولید برق و همچنین نیروگاه‌ها که زیرمجموعه توانیر و شرکت‌های برق منطقه‌ای بودند در قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ تعیین تکلیف شد و مقرر شد تا پایان برنامه چهارم توسعه (سال ۱۳۸۸) تمامی شرکت‌های توزیع نیروی برق و تا سقف ۸۰ درصد نیروگاه‌ها به بخش خصوصی واگذار شود.

از ابتدا مشخص بود که واگذاری شرکت‌های توزیع (به همراه شبکه و تاسیسات) به بخش خصوصی با چالش‌های زیادی همراه است و به دلیل انحصاری بودن شبکه و تاسیسات تقریباً قابل اجرا نخواهد بود و به همین دلیل صنعت برق ابتدا واگذاری نیروگاه‌ها را که از قبل شروع کرده بود (نیروگاه زرگان) در دستور کار قرار داده طی سال‌های ۸۷ تا ۹۰ تعداد ۳۵ نیروگاه را شناسایی کرد. (تعداد ۱۰ نیروگاه در قالب تشکیل شرکت‌های سهامی دولتی و تعداد ۲۵ نیروگاه در قالب واگذاری دارائی) پس از معرفی نیروگاه‌های مذکور جهت انجام اقدامات لازم به سازمان و خصوصی‌سازی طی فرآیندی این نیروگاه‌ها با احکام صادره از سوی سازمان مذکور مورد ارزیابی کارشناسان رسمی دادگستری قرار گرفتند و پس از تصویب قیمت‌ها و نحوه دریافت بخش نقد و اقساط در هیات واگذاری در برنامه‌های واگذاری سالانه سازمان خصوصی منظور شدند که از تعداد ۳۵ نیروگاه مذکور بالغ بر ۲۵ نیروگاه یا از طریق مزایده و یا از طریق تصمیم دولت برای رد دیون به بخش خصوصی و یا غیر دولتی واگذار شده است.

در حال حاضر مسائل کلان بخش تولید در شرکت مادر تخصصی تولید برق حرارتی تصمیم‌گیری می‌شود و به تعداد شرکت‌های برق منطقه‌ای در کشور شرکت‌های تولید برق حرارتی (زیرمجموعه شرکت‌های مادر تخصصی تولید برق حرارتی) ایجاد و راه‌اندازی شده است که ضمن نظارت و کنترل نیروگاه‌هایی که هنوز به بخش خصوصی واگذار نشده‌اند بر رتق و فتق امور نیروگاه‌های بخش خصوصی در مناطق نیز نظارت دارند.

اگر ساختار سه دهه اخیر صنعت برق را نگاه کنیم تغییرات شدیدی ایجاد شده است به نحوی که تعداد شرکت‌ها در مقطعی از یک شرکت توانیر و ۱۶ شرکت برق منطقه‌ای و تعدادی شرکت توسعه‌ای و مشاور مهندسی (جمعاً ۲۰ شرکت) مربوط به اوایل دهه ۷۰ به بیش از ۲۵۰ شرکت در پایان دهه ۸۰ رسید چون این شرکت‌ها در بستر و محمل طبیعی خود ایجاد نشده و دستوری و فرمایشی بوده‌اند، لذا تبعات خاص خود را داشته‌اند و حکمرانی صنعت برق را با چالش‌های عدیده‌ای روبه‌رو ساخته‌اند. گرچه در حال حاضر شرکت‌های اصلی باقیمانده برای توانیر و شرکت مادر تخصصی تولید برق حرارتی شاید کمتر از ۸۰ شرکت باشد، اما خروج بخش مهمی از نیروگاه‌ها و افزایش هزینه‌های آنها به طریقی گریبان‌گیر صنعت برق است و چون قادر به تامین نقدینگی آنها نیست، عملاً چالش بزرگی ایجاد شده است و یکی

از دلایل عمده خروج تدریجی سهام‌داران خصوصی از سرمایه‌گذاری جدید در صنعت برق بوده که از تبعات آن خاموشی‌های خسارت بار در سه سال اخیر می‌باشد.

تجدید ساختار این صنعت که با هدف چابک‌سازی صورت گرفته است آیا توانسته منجر به بهبود شود. اگر نشده دلایل ناکامی چیست؟

همان گونه که در سوال قبل هم اشاره شده متولیان امر می‌دانستند که صنعت برق به عنوان یک صنعت زیربنایی و مهم جزو صنایعی است که ضرورت دارد، اولاً در حال حرکت خود را اصلاح کند، ثانیاً اصلاحاتش تنش‌آفرین نباشد که صنعت برق (تولید انتقال و توزیع) را با مشکل روبه‌رو کند. لذا تجدید ساختار با رویکرد جداسازی و تفکیک فعالیت‌ها و آماده‌سازی تدریجی شرکت‌ها در بخش‌های مختلف برای واگذاری در مقاطع مناسب این امور شروع شد و چند سالی هم شرکت‌های جدا شده در ذیل شرکت‌های توانیر و شرکت‌های برق منطقه‌ای فعالیت کردند، اما از منظر نظارت و کنترل و پایش شرکت‌ها از همان ابتدا زمینه‌سازی لازم انجام نشده و ساختاری مناسب برای این همه تغییر پیش‌بینی نشد. از این رو کثرت شرکت‌ها در هر منطقه و استان و نظارت‌های نیم‌بند و بعضاً تنش‌زا از سوی شرکت‌های برق منطقه‌ای و یا توانیر باعث بهم‌ریختگی زیادی در بدنه صنعت برق شد.

آنچه مسلم است پیش‌بینی می‌شد با بیش از ۱۰ برابر شدن تعداد شرکت‌های زیر مجموعه صنعت برق کشور هزینه‌های این صنعت مقداری افزایش یابد اما کنترل ضعیف بررسی عملکرد شرکت‌ها از سوی ستاد توانیر و یا برق منطقه‌ای و افزایش اختیار شرکت‌ها در هزینه‌ها و ... افزایش هزینه‌ها را خیلی بیشتر از حد معمول متوجه صنعت برق کشور کرد و چون امکان تامین این هزینه‌ها از طریق درآمدهای معمول فروش برق میسر نبود و دولت هم در این زمینه مساعدتی نداشت، لذا صنعت برق فشار کمبود نقدینگی را به شرکت‌های تولیدکننده برق متوجه کرد و افزایش قیمت خرید برق از بخش‌های خصوصی را بسیار کند و کم اعمال کرد به حدی که حتی پاسخگوی هزینه‌های جاری نیروگاه‌ها نبود و مشکلات چند ساله گذشته را تشدید کرد.

یک حکمرانی خوب در صنعت زیرساختی مانند برق شامل چه الزاماتی است؟

از آنجا که برنامه خصوصی‌سازی در صنعت برق ایران براساس مطالعات تعدادی از بورسیه‌های وزارت نیرو و دانش‌آموختگان دانشگاه UMIST از اقدامات کشور انگلیس در قالب تشکیلات National Grid الگو گرفته و موفقیت نسبی آن کشور در این زمینه را مفروض گرفته‌اند، لذا ضرورت داشت تفاوت‌های ساختار اقتصادی ایران و انگلیس به‌طور جدی مد نظر قرار می‌گرفت و این نکته که آن

کشور بیش از ۱۵۰ سال است که وابستگی اقتصاد را به دولت و بودجه‌های عمومی به حداقل رسانده و قیمت انرژی در هزینه‌های خانوار بخش عمده ای را تشکیل می‌دهد و به‌ویژه این موضوع قابل اهمیت است که مشترکین برق در انگلیس پرداخت قیمت‌های تمام‌شده را در زندگی‌های خود لحاظ کرده‌اند، اما در مقایسه زمانی که تصمیم به خصوصی‌سازی برق گرفتیم هنوز صنعت برق وابستگی شدیدی به بودجه‌های عمومی دولت و بحث رعایت حال افسار آسب‌پذیر و عدالت اجتماعی و ... تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های ارکان دولتی بسیار پررنگ بود و هنوز هم ادامه دارد. لذا خصوصی‌سازی با مفروضات غیرواقعی و با امیدواری به تغییرات در آینده شروع شد و بسترسازی لازم فراهم نشد و هرچه جلوتر آمدیم ایجادساز و کارهای ضروری برای تحقق اهداف با مشکلات بیشتری روبه‌رو شد، لذا در حال حاضر هم در حکمرانی صنعت برق باید برای بسترسازی مناسب فکر جدی شود در غیر این صورت روزه‌روز بر مشکلات این صنعت شود خواهد شد.

واگذاری‌ها به ویژه در حوزه‌های کلانی مانند نیروگاه‌ها چگونه می‌تواند به فضای مساعدی برای حضور بخش خصوصی در ساختار حکمرانی به ویژه در حوزه تولید برق منجر شود؟

اگر به خاطر داشته باشید در مقطعی (شاید دهه ۷۰) سه وزارتخانه برای بخش صنعت و معدن داشتیم (صنایع بزرگ، صنایع کوچک و معادن) در همان زمان یکی از شخصیت‌های دولتی در سفری به آلمان از مسئول دولتی آن کشور سوال کرده بود، شما چند وزارتخانه برای بخش صنایع دارید؟ طرف آلمانی با تعجب پرسیده بود وزارتخانه؟ و پاسخ داده بود که ما صرفاً یک دفتر یا اداره داریم که سیاست‌های کلی دولت در زمینه صنعت و معدن را تدوین و اعلام می‌کند و بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری لازم است تمامی مطالعات لازم را به لحاظ فنی و اقتصادی، زیست محیطی و آب و خاک و... در نهایت ریسک سرمایه‌گذاری را مطالعه کرده و نسبت به احداث تاسیسات مدنظر خود اقدام کند. چون برای صیانت از حق و حقوق کارگران پیش‌بینی‌های لازم را کرده‌اند، لذا در بحران‌هایی که برای اقتصاد کشورها پیش می‌آید مسائل کارگری و تعطیلی کارخانجات و ... در روال خودش مورد رسیدگی قرار گرفته و دولت خیلی درگیر نمی‌شود. لذا اگر از این منظر نگاه کنیم حکمرانی خوب در صنعت برق تعریف و تدوین و پیاده‌سازی است به طوری که دست بخش خصوصی برای رغبت بیشتر در جهت تحقق برنامه‌هایش نبندیم و بیش از نیاز و عرف معمول کشورهای صنعتی در تصدی‌گری ورود نکرده و صرفاً تسهیل‌کننده حضور بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری، بهره‌برداری و صادرات و کلا اقتصاد صنعت برق باشد.

ذکر این نکته ضروری است که براساس برنامه چهارم توسعه قرار بوده صنعت برق تا پایان برنامه تمامی شرکت‌های توزیع نیروی برق و ۸۰ درصد نیروگاه‌ها را به بخش خصوصی واگذار کند و

گرچه در حال حاضر شرکت‌های اصلی باقیمانده برای توانیر و شرکت مادر تخصصی تولید برق حرارتی شاید کمتر از ۸۰ شرکت باشد، اما خروج بخش مهمی از نیروگاه‌ها و افزایش هزینه‌های آنها به طریقی گریبان‌گیر صنعت برق است و چون قادر به تامین نقدینگی آنها نیست، عملاً چالش بزرگی ایجاد شده است و یکی از دلایل عمده خروج تدریجی سهام‌داران خصوصی از سرمایه‌گذاری جدید در صنعت برق بوده که از تبعات آن خاموشی‌های خسارت بار در سه سال اخیر است

منه‌های شرکت‌های توزیع که واگذاری آنها فعلاً منتفی است، در نیمه دوم دهه ۸۰ و دهه ۹۰ بخش خصوصی از خرید نیروگاه‌ها و یا احداث نیروگاه‌ها استقبال خوبی کرد، اما برخورد بسیار نسنجیده و بعضاً دلسردکننده ارکان دولتی در وزارت نیرو و صنعت برق و عدم نرخ‌گذاری مناسب برای خرید برق، وجود تشکیلات بسیار غیر منطقی برای هیات تنظیم بازار برق و عدم پرداخت به‌موقع مطالبات بخش خصوصی در طی سه چهار سال گذشته هیچ نیروگاهی توسط بخش خصوصی خریداری و یا شروع به احداث نشده است و دلیل عمده آن اقتصاد فشل و بیمار صنعت برق کشور و عمده آن هم قیمت‌های یارانه‌ای و تکلیفی برق در بخش فروش به مشترکین است.

به هر حال این درب بر همین پاشنه خواهد چرخید اگر بیماری اقتصاد برق درمان نشده و قیمت فروش برق واقعی و منطقی نشود و گرفتارهای اقتصادی صنعت برق کشور تا زمانی که به انرژی برق به عنوان یک کالای اقتصادی نگاه نشده و بلکه برعکس نگرش به آن به عنوان یک خدمت دولتی و عام‌المنفعه باشد، همچنان ادامه خواهد یافت.

گرفتارهای اقتصادی صنعت برق کشور همچنان ادامه خواهد یافت تا به انرژی برق به عنوان یک کالای اقتصادی نگاه نشده و بلکه برعکس نگرش به آن به عنوان یک خدمت دولتی و عام‌المنفعه باشد.

حکمرانی خوب در صنعت برق ویژگی‌های ذیل را دارد:

- خروج تدریجی صنعت برق کشور به‌صورت جدی از تصدی‌گری
- سیاست‌گذاری کلان صنعت برق با هدف حمایت از اقتدار بخش خصوصی
- تشویق بخش خصوصی به ورود بیشتر در سرمایه‌گذاری‌های صنعت برق
- اجرای ماده ۶ قانون حمایت از صنعت برق (تسویه‌بدهی تولیدکنندگان برق حرارتی)

به نظر می‌رسد نسلی که هم اکنون نیروگاه‌های خصوصی برق را مدیریت می‌کنند، آخرین نسل از مدیرانی باشند که با هدف کمک و مساعدت به وزارت نیرو و صنعت برق کشور با وجود تمامی نا ملایمات و نامهربانی‌ها، مداراجوبانه و با همت و جدیت در جهت تامین برق کشور با تمامی وجود ایستاده‌اند و باید وزارت نیرو قدرشان را بداند. ■



گفت‌وگو با علیرضا شیرانی، کارشناس خبره صنعت برق

خشت اول حکمرانی خوب در صنعت برق

حکمرانی در صنعت برق به دلایل متعدد محل تلاقی مشکلات و مسائل زیادی است که به نظر می‌رسد ریشه بسیاری از بحران‌های فعلی جاری در بستر این صنعت است. پیاده‌سازی اصول حکمرانی خوب در صنعت برق الزاماتی دارد که بسترهای آن در حکمرانی کلان کشور فراهم نشده است. علیرضا شیرانی، کارشناس خبره صنعت برق و مدیرعامل سابق شرکت مونتکو ضمن اشاره به این موضوع، تاکید می‌کند که ایران در شاخص‌های فساد اداری و شفاف‌سازی به عنوان اصلی‌ترین شاخص‌های حکمرانی خوب شرایط خوبی ندارد و همین مساله پیاده‌سازی یک حکمرانی خوب در صنعت برق را هم دچار چالش می‌کند. او بر این باور است که موضوع حکمرانی ابتدا باید از کلان کشور اصلاح شود تا امکان بهبود آن در سایر بخش‌ها از جمله صنعت برق هم فراهم شود، در ادامه مشروح این مصاحبه را خواهید خواند:

شفاف‌سازی است؛ بدین معنا که یک حکمران خوب باید بتواند تصویر روشن و شفاف از اقدامات خود ارائه دهد. این تصویر، نقاط ضعف و قوت را مشخص کرده و زمینه را برای برطرف کردن ضعف‌ها و تقویت ظرفیت‌ها فراهم می‌کند، به همین دلیل هر چقدر با شفاف‌سازی فاصله بگیریم، مشکلات بیشتری شود. در این میان اما نمی‌توان از این مساله چشم پوشید که شفاف‌سازی ملزوماتی دارد که مستقل از دستگاه‌های اجرایی نیازمند ملاحظات متعدد است. یکی از مهمترین الزامات شفاف‌سازی در حکمرانی خوب، رسانه‌های منتقد هستند. اگر به رسانه‌ها اجازه داده نشود که وظیفه و مأموریت اصلی خود را انجام داده و نقدهای درست و سازنده خود را مطرح کنند، شفاف‌سازی به درستی صورت نمی‌گیرد.

یکی دیگر از فاکتورهای کلیدی یک حکمرانی خوب، سطح فساد در سیستم‌های اداری است که به نظر می‌رسد بر اساس شاخص‌های فسادپذیری، ایران شرایط چندان خوبی ندارد. طبیعتاً در ساختاری که دچار فساد سیستمی است، دست صنعت برق هم برای مدیریت این مساله تا حد قابل توجهی بسته است. متأسفانه اطلاعات اقتصادی به

از دیدگاه شما مدل حکمرانی در صنعت برق در چه حوزه‌هایی دچار مشکل است که امروز این صنعت با چالش‌های متعددی به ویژه در سطح سیاست‌گذاری و مدیریت کلان مواجه است؟

این سوال جنبه‌های بسیار گسترده‌ای دارد و به همین دلیل پاسخ دادن به آن بسیار دشوار است. اما به طور خلاصه اگر به دنبال بررسی حکمرانی صنعت برق هستیم، ضروری است که این بحث را از یک لایه بالاتر شروع کرده و شیوه‌های حکمرانی دولت را بررسی کرد. چرا که صنعت برق و وزارت نیرو بخشی از دولت بوده و ناگزیر است بر اساس همان تصمیمات و سیاست‌هایی عمل کند که در دولت، مجلس و سایر نهادهای بالادستی تدوین شده است. نکته اینجاست که اگر حکمرانی در صنعت برق را بدون در نظر گرفتن حلقه‌های تعیین‌کننده بررسی کنیم، قطعاً به پاسخ درستی برای این سوال نخواهیم رسید.

در نگاهی کلی حکمرانی خوب در کشورها مشمول شاخص‌هایی تعریف شده و مشخص است و بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته در موسسات بین‌المللی به نظر می‌رسد که وضعیت ایران از نظر حکمرانی چندان رضایت‌بخشی نیست. اولین شاخص کلیدی در حکمرانی خوب،

هر دلیلی، به درستی منتشر نمی‌شود، حتی نشر اطلاعات درست از سوی یک دستگاه اجرایی مانند وزارت نیرو هم از سوی جامعه با عدم پذیرش مواجه می‌شود.

به همین دلیل است که وقتی این وزارتخانه اعلام می‌کند که قیمت تمام‌شده برق بالاست، اما نه تنها در جامعه بلکه حتی در برخی از حوزه‌های حاکمیتی هم این مساله مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. نکته اینجاست که هر چقدر اطلاعات دقیق تر و شفاف تری در اختیار مردم و سایر ذی‌نفعان قرار دهیم، قطعاً با همراهی بیشتری از سوی جامعه مواجه خواهیم بود. از این رو ما برای برداشتن گام‌های اساسی برای اصلاح ساختارهای اقتصادی صنعت برق، به شدت نیازمند اعتماد عمومی در همه سطوح جامعه و حاکمیت هستیم.

در مقاطعی اقداماتی برای بهبود حکمرانی به ویژه در صنایعی مانند برق صورت گرفت، چرا این اقدامات به نتایج مطلوبی نرسید؟

البته در یک دوره زمانی، اقدامات بسیار خوبی برای بهبود حکمرانی در کشور آغاز شد که بررسی آنها نشان می‌دهد به تدریج این اقدامات تبدیل به یک حرکت پاندولی شد که نتوانست یک مسیر ثابت را دنبال کرده و بهبود را به شکل مستمر دنبال کند. ما در این مسیر مرتباً بازگشت به عقب داشتیم و نتوانستیم در نهایت به نتیجه روشنی برسیم. یکی از مهمترین دلایل ناکامی در طی این مسیر، ارجح دانستن نیازهای کوتاه‌مدت به منافع بلندمدت بوده است.

به عنوان مثال کسی که سرمایه کافی برای خرید یک خانه را ندارد، ناگزیر به اجاره‌نشینی می‌شود و گاهی ناچار است بخش قابل توجهی از درآمدش را به پرداخت اجاره‌خانه اختصاص دهد. شاید برای بقیه این سوال پیش بیاید که چرا به جای پرداخت این اجاره، خانه نمی‌خرد اما در واقعیت او توان و سرمایه خرید خانه را ندارد. گاهی در ساختار حکمرانی هم همین اتفاق رخ می‌دهد، حاکمیت به دلیل نداشتن سرمایه، تصمیماتی اتخاذ می‌کند که شاید حتی با منافع بلندمدت کشور در تعارض بوده و یا از نگاه ناظران بیرونی، یک تصمیم نادرست باشد.

در مجموعه صنعت برق، تجدید ساختار با هدف جداسازی تولید، انتقال و توزیع با هدف تقویت بخش خصوصی و کوچک‌سازی دولت انجام شد، اما به نتایج مطلوب مورد نظر دست نیافت. در حقیقت به نظر می‌رسید به دلیل نگاه فرهنگی حاکم بر مجموعه این صنعت، برای تقویت شرکت‌های خصوصی موفق اقدام خاصی صورت نمی‌گیرد، به نحوی که برخی از این شرکت‌ها پس از مدتی مجدداً از ریل توسعه خارج و تضعیف شده‌اند. با یک بررسی ساده درمی‌یابیم که شرکت‌هایی که ۲۰ سال پیش جزو مجموعه‌های موفق این صنعت محسوب می‌شدند، به تدریج دچار مشکلات عدیده شده و افول کرده‌اند. بر این اساس به نظر می‌رسد که بدنه دولتی صنعت برق، تحمل قوی شدن بخش خصوصی

را ندارد و توسعه زیرساختی این صنعت در گرو تغییر این فرهنگ است.

سرمایه‌گذاری در حوزه نیروگاهی هم به دلیل مانع تراشی‌های ناشی از همین نوع فرهنگ به تدریج دچار افول شد؟

بله؛ باید بپذیریم در شرایطی که بخش خصوصی ثروت و اشتغال ایجاد کرده و مالیات آن نیز پرداخت می‌کند، نباید برایش مانع‌تراشی کرده و نگران این باشیم که چرا یک مجموعه خصوصی بزرگ و یا صاحب نفوذ شده است. به عنوان مثال در یک دوره زمانی سرمایه‌گذاران زیادی برای ورود به حوزه تولید برق انگیزه بسیاری داشتند. اما همین سرمایه‌گذاران در ادامه مسیر با همه‌های بسیاری مواجه شدند که علاوه بر مانع‌تراشی‌های گسترده، انگیزه‌های آنها را از بین برد. در حالی که سرمایه‌گذاران مهمترین اهرم‌های تولید ثروت در کشور محسوب می‌شوند، لذا باید بپذیریم که توسعه اقتصادی در گرو حمایت و تقویت این شرکت‌هاست.

در حال حاضر تولیدکنندگان غیر دولتی برق تمام تعهدات قانونی خود را انجام داده و اقساط تسهیلات، بیمه، مالیات و ... را پرداخت کرده‌اند، اما بخش بزرگی از مطالباتشان توسط وزارت نیرو همچنان پرداخت نشده باقی مانده است. این برخورد ناشی از نوع نگاه دولت به بخش خصوصی است و ضروری است که این نگرش تغییر کند. ادامه این روند، قطعاً بخش خصوصی به تدریج سرمایه خود را به صنایع و یا حوزه‌هایی هدایت می‌کند که زمینه لازم را برای سوددهی بالاتر و یا بهره‌مندی از حمایت‌های بهتری داشته باشد.

به علاوه در حوزه تولید برق، علی‌رغم واگذاری نیروگاه‌ها به بخش خصوصی، قیمت‌گذاری دستوری به دلیل نیاز کوتاه‌مدت و مشکلات حاکم بر اقتصاد برق به عنوان مبنای کار در نظر گرفته شد. در حالی که از نظر مبنای تئوریک، بهای برق باید بر اساس قیمت تسویه بازار تعیین می‌شد، اما مدل خرید بر اساس پیشنهاد مینا قرار گرفت و برای آن سقف تعیین شد. نتیجه این رویکرد سلب امکان رقابت از مجموعه بخش خصوصی و تبدیل آنها به کارگزارانی است که به صورت حق‌العمل کار می‌کنند و امکان هیچ اقدام خلاقانه‌ای برای افزایش میزان درآمد خود ندارند.

یکی دیگر از نتایج پیاده‌سازی این مدل، عدم علاقمندی سرمایه‌گذاران به پیاده‌سازی تکنولوژی جدید در شرکت‌هاست، در حقیقت آنها به این نتیجه می‌رسند که حتی اگر عملکرد خود را بهبود دهند هم دولت برق را به قیمت بالاتری از آنها نمی‌خرد. بنابراین ترجیح می‌دهند با همان تکنولوژی قدیمی و راندمان تثبیت‌شده به کار خود ادامه دهند، چرا که قیمت تعیین‌شده برای برق تولیدی آنها کفاف هزینه‌های ارتقای تکنولوژی را نمی‌دهد. در نهایت آنها بهینه‌سازی را به دلیل دشواری‌های بسیار در تامین مالی و عدم بازگشت سرمایه از دستور کار خود خارج می‌کنند.

اگر فضای کاری برای بخش خصوصی به درستی تعریف و امکان حضور نیروگاه‌های خصوصی در این بازار فراهم شود، علاوه بر این که به بهبود اقتصاد این مجموعه‌ها کمک می‌کند، اقتدار ملی را نیز افزایش می‌دهد. حال سوال اینجاست که چرا تا امروز این امکان برای نیروگاه‌های غیر دولتی فراهم نشده است؟

نکته دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که فرایند رشد در هر کشوری مراحل دارد که طی آنها برای دستیابی به یک هدف پایدار مطلوب بسیار حیاتی است. به عنوان مثال یک سرمایه‌گذار در مقطعی برای ایجاد دانش در مجموعه و خودکفایی سرمایه‌گذاری کرده و شرکت خود را توسعه می‌دهند. حال باید متناسب با توسعه ایجاد شده، بازارهای جدیدی برای محصولات این شرکت ایجاد شود. در حقیقت هر گونه محدودیتی برای حضور در بازارهای جدید، شرکت را با زیان مضاعفی مواجه کرده و تمایل بازار را به محصولات آن کاهش می‌دهد. به طور مشخص در مورد تولیدکنندگان برق، همین رویکرد در وزارت نیرو دنبال شد. در شرایطی که ایران در قلب منطقه‌ای قرار دارد که عمده کشورهایش به شدت نیازمند برق هستند، هنوز هم نتوانسته‌ایم سهم قابل‌اتکایی از تامین برق مورد نیاز منطقه به خود اختصاص دهیم. این در حالی است که این شرایط جغرافیایی با اتکا به پتانسیل تولید برق در کشور، می‌توانست یک انگیزه بسیار خوب برای توسعه نیروگاه‌های خصوصی از مسیر استفاده از ظرفیت قابل توجه این بازار بالقوه باشد.

اگر فضای کاری برای بخش خصوصی به درستی تعریف و امکان حضور نیروگاه‌های خصوصی در این بازار فراهم شود، علاوه بر این که به بهبود اقتصاد این مجموعه‌ها کمک می‌کند، اقتدار ملی را نیز افزایش می‌دهد. حال سوال اینجاست که چرا تا امروز این امکان برای نیروگاه‌های غیر دولتی فراهم نشده است؟

نگرانی دولت این است که اگر بخش خصوصی به طور مستقیم به حوزه صادرات برق ورود کرده و به هر دلیلی در صورت بروز مشکل در کشور هدف، صادرات برق را متوقف کند، دامنه پیامدهای دیپلماتیک این موضوع بسیار گسترده خواهد بود. در حقیقت نگرانی و دغدغه دولت کاملاً قابل درک و از جهاتی درست است، اما قاعدتاً به جای گرفتن این فرصت طلایی از بخش خصوصی باید به دنبال راهکارهای جایگزین بود.

از دیدگاه شما ورود بخش خصوصی به حوزه صادرات برق با توجه به رویکردهای وزارت نیرو و نگرانی‌هایی که به آن اشاره کردید، چیست؟

توسعه صادرات برق ایران که با توجه به سهم ۶۰ درصدی تولیدکنندگان غیر دولتی، ایجاد بازار برق منطقه‌ای است؛ اگر این بازار ایجاد و به تولیدکنندگان برق اجازه داده شود که برق تولیدی خود را در این بازار عرضه کنند، ساختار عرضه و تقاضای بین‌المللی شکل می‌گیرد.

در این سیستم دادوستد برق قطعاً دغدغه‌های دولت هم پوشش داده می‌شود، چون این عرضه و تقاضا تحت نظارت یک بازار منسجم و در ساختارهای قانونی پیش‌بینی شده آن انجام می‌شود. در کنار آن دولت هم از طریق ترانزیت و انتقال برق منابع درآمدی جدیدی برای خود ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد صادرات مستقیم برق از طریق نیروگاه‌ها به دلایل متعدد از جمله نحوه قیمت‌گذاری سوخت برق صادراتی متوقف شده است. این مساله در قالب بازار برق منطقه‌ای قابل حل است، چرا که در این بازار قیمت‌ها متناسب با بهای بازار تعیین می‌شود و هیچ یک از بازیگران کلیدی از امتیاز یا یارانه خاصی بهره‌مند نمی‌شوند. البته حاکمیت هم باید بپذیرد که برای توسعه صنعت برق، افزایش صادرات، ارزآوری و ایجاد ثروت در کشور باید به بخش خصوصی اجازه رشد بدهد. همچنین موفقیت این بازار برق منطقه‌ای به شدت در گرو شفاف‌سازی در حوزه انرژی اعم از برق و گاز است.

از دیدگاه شما اصلاح ساختار حکمرانی صنعت برق بدون اصلاح ساختارهای اقتصادی آن امکان پذیر است؟

اجازه بدهید که این سوال را با یک مثال پاسخ دهم؛ دولت ترکیه در ژانویه سال گذشته بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده، قیمت برق را پنج‌ونیم سنت برای هر کیلووات‌ساعت تعیین کرد، این در حالی است که در همین زمان قیمت برق در بازار برق این کشور ۲۱ سنت بود. مساله اینجاست که قیمت تعیین‌شده در دولت، نباید ارتباطی به تولیدکننده خصوصی برق داشته باشد. وظیفه دولت ارائه خدمات باکیفیت و پایدار و کاهش هزینه‌های رفاهی مردم است. اما قاعدتاً هزینه مربوط به انجام این تکالیف را باید تامین کند و اصطلاحاً مانند آنچه در ایران اتفاق افتاده برای ارائه این خدمات دست در جیب بخش خصوصی نکند.

در قانون اساسی کشور ما هم عنوان شده که تنها ۲۰ درصد نیروگاه‌ها با هدف کنترل بازار و جلوگیری از ایجاد ناپایداری در شبکه دولتی بماند. اگرچه یکی دیگر از اهداف دولتی نگه‌داشتن ۲۰ درصد ظرفیت تولید برق کشور برای جلوگیری از افزایش بی‌دلیل و غیر منطقی قیمت برق بوده، اما قرار نیست با این روش بخش خصوصی متضرر شود.

نکته اینجاست که گاهی صنعت برق ایران و یا نحوه قیمت‌گذاری بازار با صنعت برق مثلاً کالیفرنیا، فرانسه و یا کره جنوبی مقایسه می‌شود که قطعاً قیاس درستی نیست. اگر کلان حاکمیت این کشورها را با هم مقایسه نکنیم و تنها به مقایسه بخشی از این حاکمیت در یک صنعت

ما پیش از هر چیز به شرکت‌های تجارت انرژی نیاز داریم که تبادل منطقه‌ای برق را تسهیل کنند. به هر حال یک نیروگاه وظایف تکنیکی دارد که شاید با فضای تجارت فاصله زیادی داشته باشد. پس ضروری است در کنار نیروگاه‌ها یک شرکت تجارت انرژی فعال شده و خود را مهیای ورود به بازارهای برق منطقه‌ای کند. از این رو یکی از اقداماتی که می‌تواند از سوی سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق دنبال شود

یا حوزه خاص بپردازیم، به نتایج دقیق و درستی دست نمی‌یابیم. فقط کافی است میزان مالیات شهروندان این کشورها و همچنین خدمات دریافتی آنها از دولت را با کشورمان مقایسه کنیم، آنگاه خواهیم دید که در هیچ حوزه‌ای از جمله صنعت برق قابل قیاس با این دست از کشورها نیستیم. سهم برق در سبد خانوار معمول ایرانی که گاه درآمد ماهیانه‌اش به ۱۰ میلیون تومان هم نمی‌رسد، اندک است، اما با توجه به فشار معیشتی فعلی امکان افزایش این سهم در سبد هزینه‌های خانوارهای ایرانی وجود ندارد. با این حال بخش خصوصی مسئول تامین برق برای مردم نیست، بلکه مکلف به تولید و عرضه برق به شبکه است و به عنوان یک بنگاه اقتصادی می‌بایست پول کالای تولیدی خود را با احتساب یک سود منطقی از خریدار که دولت است، دریافت کند. شاید بهتر است دولت بخشی از منابع درآمدی حاصل از دریافت مالیات از مردم را به خرید برق با بهای واقعی از نیروگاه‌ها اختصاص دهد. در حقیقت به جای این که فشار قیمت‌گذاری را به شکل مستمر به تولیدکنندگان برق وارد کند، به عنوان متولی تامین رفاه کشور، این فشار را از مسیر منابع مالی حاصل از اخذ مالیات یا سایر منابع درآمدی خود، کنترل کرده و از این طریق ضمن ارائه خدمات رفاهی ارزان‌قیمت، زمینه را برای توسعه و تقویت بخش خصوصی این صنعت زیرساختی فراهم می‌کند. آنچه که در حال حاضر رخ می‌دهد این است که دولت از همه مالیات می‌گیرد، برق تولیدی بخش خصوصی را قیمت‌گذاری می‌کند و مطالباتش را نمی‌دهد و بر سر شهروندان هم بابت برق یارانه‌ای منت می‌گذارد. این نتیجه عدم پاسخگویی دولت در مقابل مردم است و نتیجه آن افول جدی سرمایه‌گذاری‌ها در صنعت برق کشور است.

الزامات راه اندازی و موفقیت بازار منطقه‌ای برق چیست؟

ما پیش از هر چیز به شرکت‌های تجارت انرژی نیاز داریم که تبادل منطقه‌ای برق را تسهیل کنند. به هر حال یک نیروگاه وظایف تکنیکی دارد که شاید با فضای تجارت فاصله زیادی داشته باشد. پس ضروری است در کنار نیروگاه‌ها یک شرکت تجارت انرژی فعال شده و خود را مهیای ورود به بازارهای برق منطقه‌ای کند. از این رو یکی از اقداماتی که می‌تواند از سوی سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق دنبال شود، ایجاد شرکت‌های تجارت انرژی است. شرکت‌هایی کم‌تعدادی هم که

در حال حاضر در این حوزه فعال هستند، عمدتاً تخصص لازم برای ورود به این حوزه را ندارند.

تاکید من بر این است که ما در ایران در حوزه تجارت انرژی، نهادسازی نکرده‌ایم و همین مساله در چه صنعت برق و در چه حوزه نفت و گاز فرصت سوزی‌های بسیاری را برای کشور در پی داشته است. از این رو بخش خصوصی باید ابعاد راه‌اندازی یک شرکت تخصصی تجارت انرژی در حوزه برق را بررسی کرده و زیر چتر سندیکا در این خصوص اقدام کنند. چرا که بدون اتکا به چنین مدلی، موفقیت در حوزه صادرات برق دور از ذهن به نظر می‌رسد.

بر همین اساس هم طی مذاکراتی که با مدیرعامل شرکت شرکت توانیر و همچنین رییس‌سازمان بورس و اوراق بهادار صورت گرفته، موافقت‌های اولیه با ایجاد بازار منطقه‌ای برق اعلام شده و قرار است که به زودی اقدامات مربوط به این مهم آغاز شود. مدل کار این بازار قطعا با بازار و بورس برق متفاوت است و قیمت‌ها را به صورت دلاری عرضه خواهد کرد. همچنین مشخص خواهد شد که شرکت‌هایی که در بورس حضور دارند با توجه به عملکرد خود، برای عرضه چه میزان از برق تولیدی خود در بازار منطقه‌ای مجوز خواهند داشت. در این میان توانیر و وزارت نیرو هم از محل ترانزیت برق، منابع مالی جدیدی خواهند داشت. این راهبرد می‌تواند به یک ابزار انگیزشی برای افزایش راندمان تولید و ارتقای عملکرد نیروگاه‌ها تبدیل شده و در نهایت به شکل چشمگیری سهم ایران را در تامین برق کشورهای همسایه افزایش دهد و از این مسیر ضمن تامین منافع ملی، امنیت کشور را نیز تضمین کند.

نقش رگولاتوری را در بهبود شرایط حکمرانی صنعت برق چه‌طور ارزیابی می‌کنید؟

راه‌اندازی نهاد رگولاتوری برای صنعت برق یک الزام است، من بر این باور که بدون چنین نهادی حداقل صنعت تولید برق هیچ وقت به سامان نمی‌رسد. طبیعتاً کاهش اختیارات برخی از دستگاه‌ها، راه‌اندازی نهاد مستقل تنظیم‌گر بخش برق را با مشکل مواجه خواهد کرد، اما باید پذیرفت که برای حفظ ظرفیت‌های این صنعت چاره‌ای به جز تاسیس رگولاتوری نداریم. اگرچه قطعاً وزارت نیرو و شرکت توانیر نگرانی‌هایی از بابت حدود اختیارات رگولاتوری خواهند داشت، اما الزامات تاسیس این نهاد را باید از بعد ملی بررسی کرد.

ادامه این روند قطعاً مباحث و مشکلات فعلی را بی‌نتیجه خواهد گذاشت. البته ما در کنار نهاد رگولاتوری به شرکت‌هایی بیمه‌ای که بخشی از ریسک‌های فضای کسب و کار را پوشش دهد. وجود این دو نهاد در کنار هم می‌تواند به سرمایه‌گذار اطمینان دهد که سرمایه خود را به یک صنعت با فضای مساعد کم‌ریسک وارد کرده است.

بر همین اساس ضروری است که سندیکا مجموعه ریسک‌هایی که ممکن است نیروگاه‌ها را درگیر کند، شناسایی کرده و بر همان اساس حدود اختیارات و تکالیف رگولاتوری را مشخص کنند تا سرمایه‌گذاران با حداقل ریسک به این حوزه وارد شوند. این اقدام کمک می‌کند که رگولاتوری به یک دردسر تازه برای صنعت برق تبدیل نشود. ■

خارج از پرونده





محمد مهدی شمسایی، مدیر عامل شرکت تولید نیروی جنوب شرق صبا

قراردادهای بیع متقابل؛ تداوم یا توقف؟

امروز، چالش‌هایی را برای سرمایه‌گذاران این حوزه ایجاد کرده و انگیزه سرمایه‌گذاری برای ادامه مسیر را به شدت کاهش داده و شاید بهتر است بگوییم رغبت سرمایه‌گذاری را در بخش خصوصی کاملاً از بین برده است.

از همان ابتدای تصویب قانون بودجه سال ۱۳۹۲ و آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۹ این قانون در آبان‌ماه همان سال، سرمایه‌گذاران متعددی به امید دوره بازگشت سرمایه دو ساله، وارد این عرصه شدند. برخی سرمایه‌گذاران با تاسیس صندوق پروژه و برخی با دریافت تسهیلات از صندوق توسعه ملی و برخی با سرمایه‌گذاری خود اقدام به احداث نیروگاه کردند و طبق ظرفیت‌های قانونی تعریف‌شده، ذیل انعقاد قراردادهای بیع متقابل، تعهدات خود را بابت تبدیل واحدهای گازی خود به سیکل ترکیبی ایفا کردند (نیروگاه‌های جهرم، کاشان، سبلان، پرند، ارومیه، چابهار و ...). به این امید که با دریافت حواله سوخت از محل صرفه‌جویی، بازگشت سرمایه داشته باشند. اما عدم اجرای تعهدات دولت در تحویل حواله سوخت، فرا رسیدن سررسید اقساط تسهیلات در کنار نوسانات ارزی و جهش قیمت ارز در چند سال گذشته، سرمایه‌گذاران را با بحران و کلافگی عجیبی مواجه کرده است. بحران سرمایه‌گذاران بخش نیروگاهی از جایی آغاز شد که قرارداد EPC و همچنین تسهیلات دریافتی آن‌ها به صورت ارزی منعقد شد، اما بازگشت سرمایه در قراردادهای بیع متقابل با فرضیه ثابت ماندن نرخ ارز و به صورت ریالی تنظیم شده بود. این در حالی

قراردادهای بیع متقابل یا به اصطلاح Buy Back Agreement یکی از روش‌های جذب سرمایه‌گذار در صنایع با حجم سرمایه‌گذاری بالا است. در ابتدای دهه نود شمسی و در آغاز برنامه پنجم توسعه کشور، از همین سازوکار برای ترغیب سرمایه‌گذاران جهت احداث بخش بخار نیروگاه‌های گازی و تبدیل آنها به سیکل ترکیبی استفاده شد؛ قراردادهایی که اولین بار تحت ماده ۱۹ قانون بودجه سال ۱۳۹۲ و سپس ذیل بند ۱۱ تصریح شده بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور به دولت اجازه داد تا سقف یکصد و بیست هزار میلیارد ریال به روش بیع متقابل با سرمایه‌گذاران بخش‌های خصوصی و عمومی، قرارداد اجرای طرح‌های افزایش بازدهی و تولید نیروگاه‌های بخش دولتی و خصوصی، توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر، کاهش تلفات و بهینه‌سازی مصرف انرژی با اولویت استفاده از تجهیزات ساخت داخل منعقد نماید. این مجوز می‌توانست گامی موثر در استفاده از ظرفیت‌های مالی و فنی موجود و توسعه صنعت تولید برق به عنوان مادر زیربنای اقتصادی کشور باشد. در این قانون دولت مکلف شد در قبال اجرای تعهدات توسط سرمایه‌گذاران، سوخت مایع (نفت گاز) صرفه‌جویی‌شده یا معادل آن نفت خام را با محاسبه میزان صرفه‌جویی حاصله در مدت حداکثر دو سال به سرمایه‌گذاران تحویل دهد.

در حالی که اجرای درست این قانون می‌توانست کاهش مسائل زیست محیطی، افزایش ظرفیت و بازده نیروگاه‌ها، صرفه‌جویی در منابع انرژی، ایجاد اشتغال پایدار و ... را به دنبال داشته باشد، اما

است که نرخ ارز طی سال‌های گذشته روند صعودی داشته و از حدود ۴ هزار تومان به ۳۵ هزار تومان افزایش یافته است، بنابراین مبلغ قرارداد بیع متقابل، کفاف سرمایه‌گذاری را نداده و فرایند پرداخت اقساط تسهیلات، تامین نقدینگی برای توسعه نیروگاه و گاهی حتی تامین هزینه‌های جاری آن را با مشکل مواجه کرد. البته این بحران پس از مدت‌ها و کش و قوس فراوان، از سال ۱۳۹۸ با انعقاد الحاقیه بر قرارداد بیع متقابل و تبدیل مبلغ قرارداد به شکل ارزی تا حدود زیادی مهار شد.

مشکل بعدی که امروز گریبان‌گیر قریب به اتفاق سرمایه‌گذاران شده است تایید و ابلاغ سوخت صرفه‌جویی شده توسط سازمان برنامه و بودجه به وزات نفت و در مرحله بعد دریافت حواله‌های صرفه‌جویی سوخت یا مبلغ معادل آن از وزارت نفت است. به نظر می‌رسد نقطه قوت روش بیع متقابل، حتی با تحقق صرفه‌جویی سوخت و تایید از سوی مراجع ذی‌صلاح، اکنون به نقطه بحران آن تبدیل شده است! نیروگاه‌ها هر سه ماه یکبار برای میزان سوخت صرفه‌جویی شده خود از وزارت نیرو تاییدیه دریافت کرده و از مسیر سازمان برنامه و بودجه و وزارت نفت پیگیری حواله هستند، اما می‌توان گفت تا کنون هیچ حواله‌ای به سرمایه‌گذار تحویل داده نشده است، اگر بخواهیم دقیقتر صحبت کنیم فقط یک نیروگاه (نیروگاه پرند) آن هم برای مدت محدودی توانسته حواله سوخت صرفه‌جویی شده را از وزارت نفت دریافت کند. این بحث در واقع چالشی درون دولتی است و باید به این پرسش پاسخ داده شود که آیا حواله‌ها از طریق وزارت نفت قابل صدور است یا خیر؟ البته به نظر می‌رسد که وزارت نیرو مشکلاتش را برای تامین برق تا حدودی حل کرده و رغبتی برای پیگیری موضوع ندارد.

از طرف دیگر با توجه به تشدید تحریم‌های بانکی و بی انطباقی مالی در سطوح کلان و عدم تخصیص ارز مورد نیاز طرح‌های نیروگاهی توسط بانک مرکزی، شرکت‌های سرمایه‌گذار مجبور شدند در طول دوره احداث، با قبول استفاده از ارزهای معادل هزینه‌های مالی بسیار شدیدی را بر خود متقبل شوند؛ هزینه‌هایی که شرایط تحریم بر آن‌ها تحمیل کرده است، ولی سرمایه‌گذاران از تعهدات خود پا پس نگذاشتند. این زنجیره از چالش‌ها و بلاتکلیفی باعث شده که علاقه و انگیزه سرمایه‌گذاران جدید و

تامین‌کنندگان مالی مثل صندوق توسعه ملی کاهش پیدا کند. توجه به موضوع کاهش انگیزه در تامین‌کنندگان مالی از اهمیت بسیاری برخوردار است، چرا که عدم شفافیت وضعیت شرکت‌هایی که پیش از این وارد سرمایه‌گذاری در این حوزه شده‌اند، شک و شبیه زیادی ایجاد کرده و ممکن است سرمایه‌گذاری در این حوزه تنها به چند بنگاه اقتصادی با رویکردهای شبه دولتی محدود شود. بماند که نگرش دستگاه‌های دولتی در تدوین قوانین و قراردادهای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و غیر دولتی، به جای ایجاد جذابیت، عموماً آمیخته با عدم اطمینان است.

از جمله موارد دیگری که در این قراردادهای قابل توجه است، وجود سه سقف «قیمت»، «حجم سوخت صرفه‌جویی‌شده» و «مدت زمان» به عنوان شاخص‌های خاتمه‌دهنده قرار است و با رسیدن به هر کدام از این سقف‌ها، عملاً قرارداد خاتمه می‌یابد. حال اگر در طول مدت قرارداد، قیمت نفت به هر دلیلی کاهش شدید داشته باشد، ریسک عدم بازگشت سرمایه‌گذاری وجود دارد ولی در صورت افزایش نرخ سوخت، هیچ بهره‌ای شامل حال سرمایه‌گذار نخواهد شد. قراردادهای بیع متقابل یک‌طرفه دیده شده است به طوری که با کاهش قیمت نفت دچار چالش می‌شوند، اما در صورت افزایش قیمت نفت چیزی عاید آن‌ها نمی‌شود. به عبارتی امکان مثبت شدن قرارداد به هیچ وجه وجود ندارد، اما ریسک منفی شدن این قراردادهای به شدت بالاست. نکته مهم این است که برای تامین و تضمین برگشت سرمایه‌گذاری نباید دوگانه برخورد کرد، بلکه باید طوری برنامه‌ریزی کرد که حمایت از سرمایه‌گذار در هیچ شرایطی مخدوش نشود و انگیزه سرمایه‌گذاری از بین نرود.

البته شرایط بازگشت سرمایه در مصوبه شورای اقتصاد در خصوص مدل جدید قراردادهای بیع متقابل، با قراردادهای گذشته کمی متفاوت است. در قراردادهای جدید، فروش برق بخش بخار و گواهی ظرفیت به عنوان یکی از مجاری بازگشت سرمایه تعریف شده است. هر چند که قراردادهای قبل هم طرفداران خود را دارند، اما به نظر بنده مدل جدید قراردادهای متری تر است، چرا که گواهی ظرفیت در بورس می‌تواند برای یک واحد نیروگاهی ۱۵۰ مگاواتی، با قیمت امروز، حدود ۷۰۰ میلیارد تومان بازگشت سرمایه‌ی سریع‌الوصول داشته باشد. در این مدل قیمت سوخت گاز صرفه‌جویی شده مبنای قرار داده شده و در نتیجه دوره بازگشت

در حال حاضر که مطالبات سرمایه‌گذاران در قراردادهای بیع متقابل به نزدیک ۸۰ درصد سقف خود رسیده است و حجم انبوهی از بدهکاری برای دولت ایجاد شده است، حداقل کاری که باید کرد این است که در بودجه سنواتی کل کشور منابع مالی لازم به این موضوع اختصاص داده شود

دولت بردارد. احداث نیروگاه‌های حرارتی جدید مستلزم سوخت و سرمایه‌گذاری است و قرارداد بیع متقابل با توجه به اینکه بخش بخار نیروگاه‌ها تقریباً نیاز به سوخت ندارند، می‌تواند برگ برنده دولت برای کاهش فاصله بین تولید و مصرف برق باشد. در هر حال پی‌گیری چالش‌های نیروگاه‌داران و ایجاد رغبت در سرمایه‌گذاران برای ورود به این حوزه زیربنایی، نیازمند تلاش همه ذی‌نفعان است. سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق نیز به عنوان تشکل صنفی که نماینده تولیدکنندگان غیر دولتی برق است، می‌تواند در پی‌گیری و حل مشکلات این حوزه بسیار موثر باشد. هر شرکت به تنهایی می‌تواند منافع خود را پی‌گیری کند که لزوماً با منافع عموم در یک راستا نیست، اما سندیکا در این موضوع به مثابه کانون یک عدسی است که نورهای پراکنده را جمع کرده و یا بالعکس می‌تواند نور متمرکزی را پراکنده کند و بدین شکل منشاء اثر مضاعف باشد. این تشکل با تقویت موضع خود در حمایت از اعضا و پی‌گیری مشکلات آنها، قطعاً به عنوان بازوی قوی عمل خواهد کرد. سندیکا برای تمرکز بر قوانین و مقررات این حوزه فرصت و ظرفیت خوبی دارد. به اعتقاد بنده جایگاه سندیکا ارزشمند بوده و باید از این اعتماد در بالاترین سطح خود استفاده کند. سندیکا باید این احساس را در شرکت‌های عضو ایجاد کند که پیگیر مسائل آنهاست و تا رسیدن به نتیجه این مسیر را دنبال خواهد کرد. این تشکل اخیراً برای طرح‌هایی که به تازگی در شورای اقتصاد برای حدود ۷ نیروگاه در خصوص استفاده از ظرفیت بیع متقابل تصویب شده، نامه‌نگاری‌هایی با وزارت نیرو، معاون اول رییس‌جمهور و رییس مجلس شورای اسلامی داشته و مسائل موجود را تشریح کرده است که جای تقدیر دارد. ولی پی‌گیری سندیکا در کنار همراهی اعضا می‌تواند این تلاش‌ها را به نتیجه برساند. ■

سرمایه به جای ۲ سال، به چهار سال افزایش یافته است. امروز مهمترین موضوع در بحث انعقاد قراردادهای بیع متقابل ایجاد اطمینان بازگشت سرمایه در سرمایه‌گذار است، اما ابهامات موجود، روند اطمینان بخشی را کند کرده که این مساله مخاطره‌ای جدی برای وزارت نیرو برای پیشبرد اهداف عالی خود در سند چشم‌انداز کشور است.

در حال حاضر که مطالبات سرمایه‌گذاران در قراردادهای بیع متقابل به نزدیک ۸۰ درصد سقف خود رسیده است و حجم انبوهی از بدهکاری برای دولت ایجاد شده است، حداقل کاری که باید کرد این است که در بودجه سنواتی کل کشور منابع مالی لازم به این موضوع اختصاص داده شود. البته با توجه به چندجانبه بودن این مساله، باید نحوه بازگشت سرمایه با توجه به شرایط تحریم، وضعیت فروش نفت توسط وزارت نفت و نوسانات ارز، در بودجه سال آینده روشن و مشخص باشد. مشکلات و چالش‌های موجود نشان می‌دهد که روش‌های قبلی برای ایفای تعهدات در قبال سرمایه‌گذاران موثر واقع نشده و موضوع حواله‌ها باید در بودجه‌های سنواتی کشور حل شود و منبع تخصیص اعتبار آن به درستی تعریف و تبیین شود. البته اگر قرار باشد در نهایت دولت مطالبات را به شکل ریالی بازگرداند، باید صندوق توسعه ملی نیز همکاری لازم را در قبول بازپرداخت تسهیلات به شکل ریالی به‌عمل آورد.

موضوع دیگر ثبت درآمدهای بیع متقابل در صورت‌های مالی شرکت‌های تولید نیرو است که موضع روشنی درباره آن وجود ندارد و موضوع باید با همکاری بین سندیکا و وزارت امور اقتصادی و دارایی بررسی و پی‌گیری شود تا مبادا از این محل منافع سرمایه‌گذاران بیش از این با خطر روبه‌رو شود.

در کنار راه حل‌های بودجه‌ای، باید به فکر راه حل‌های کلان نیز بود. لذا در برنامه هفتم توسعه، فراهم ساختن امکان صادرات باید مورد توجه باشد تا نیروگاه‌ها در زمان‌های خارج از پیک و یا با بهره‌گیری از ظرفیت اختلاف ساعت با کشورهای همسایه که نیاز داخلی کمتر است، به جای خارج شدن از مدار، برای صادرات تولید داشته باشند. چرا استان سیستان و بلوچستان با ظرفیت موجود، در پیک بار سال ۱۴۰۰ فقط ۱۰ مگاوات برق به پاکستان صادر کرده است؟ بودجه سال ۱۴۰۲ باید مساله اقتصاد نیروگاه‌ها را حل کند و ناکارآمدی سرمایه‌گذاری در صنعت برق را از دوش



افزایش سرمایه‌گذاری در تولید برق، ضامن رونق بورس

گفت‌وگو با احمد میرزایی، معاون تجارت انرژی شرکت نیروگاه سیکل ترکیبی سپهر زواره اصفهان

با توجه به سیاست‌گذاری‌های اخیر مسئولین، عزم وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه بر این واقع شده که بورس انرژی به عنوان بازار اصلی برای معاملات برق لحاظ شود. اما به نظر می‌آید کماکان تحقق این مهم را از خلال اقتصادی دستوری دنبال می‌کنند که چنین رویکردی به نظر مدیران و کارشناسان بخش غیر دولتی برق، فاصله معناداری را بین هدف و نتیجه این اقدام در پی خواهد داشت و نوعی خوانش وارونه را از سازوکار اقتصادی صنعت برق نمایش می‌دهد. احمد میرزایی معاون تجارت انرژی شرکت نیروگاه سیکل ترکیبی سپهر زواره اصفهان در گفت‌وگو با «نیرو و سرمایه» به واکاوی ابعاد مهمی از این موضوع پرداخته است که در ادامه خواهید خواند:

هدایت عمده معاملات خرید و فروش انرژی برق به سمت بورس، رویکرد جدید وزارت نیرو است که با جدیت آن را دنبال می‌کند. نظر جنابعالی در این خصوص چیست و چه پیامدهای مثبت یا منفی برای تولیدکنندگان خصوصی برق دارد؟

مشکل اصلی ما در صنعت برق در حال حاضر موضوع فروش برق نیست؛ گرچه ممکن است هم‌اکنون با شرایط فروش در بورس انرژی، قراردادهای دوجانبه و یا بازار عمده‌فروشی چالش‌هایی داشته باشیم و ایراداتی را به آن وارد بدانیم، با این حال مساله اصلی ما این موضوع نیست. مساله اصلی سیگنال‌هایی است که به خصوص از طرف وزارت نیرو و شرکت‌های زیرمجموعه‌اش در سال‌های اخیر ارسال می‌شود. مفهوم این سیگنال‌ها این است که عملاً سرمایه‌گذاری متوقف شده است. این توقف

سرمایه‌گذاری فقط در حوزه توسعه ظرفیت‌های این صنعت نیست؛ چون اگر فقط روی توقف سرمایه‌گذاری برای افزایش ظرفیت‌ها تمرکز کنیم، موضوع تنها به وارد نشدن ظرفیت‌های نیروگاهی جدید به مدار تقلیل می‌یابد. مشکل این است که علاوه بر عدم سرمایه‌گذاری‌های جدید، برای ادامه فعالیت‌های نیروگاه‌های موجود هم چالش‌های متعددی ایجاد شده است. اگر با همین روش جلو برویم، شاید در یکی دو سال آینده کنترل اوضاع تولید واقعا از دست نیروگاه‌ها خارج شود. اکثر شرکت‌های غیر دولتی تولیدکننده برق در حال حاضر عملاً زیان‌ده هستند و ادامه فعالیت آنها نگران‌کننده است.

بنابراین اگر بخواهیم بررسی کنیم که بورس چه کمکی می‌تواند به تولیدکنندگان برق داشته باشد، به نظرم ابتدا باید یک پله عقب‌تر برویم و مساله اصلی تولید و سرمایه‌گذاری در صنعت

برق را حل کنیم. اگر این مساله حل شود و به سرمایه‌گذاری و تولید در صنعت برق رونق دهیم، این بازارها خودشان را پیدا می‌کنند؛ یعنی تولیدکننده‌ها برای فروش و صنایع برای خریدشان خودبه‌خود این بازارها را پیدا می‌کنند؛ کما این که در یکی دو سال اخیر که بازار قراردادهای دوجانبه با توجه به مصوبه هیات وزیران رونق گرفت، تولیدکننده‌ها و مصرف‌کنندگان بازار مطلوب خود را در قراردادهای دوجانبه و بازار بورس انرژی پیدا کردند، گرچه اغلب قراردادهای فروش دوجانبه برای تولیدکنندگان از سر ناچاری و تنها به عنوان مسکن کوتاه‌مدت می‌باشد.

در شرایط موجود دو شیوه کلی در برخورد با مشکلات صنعت برق قابل تصور است؛ یکی این که مشکلات و چالش‌های تامین برق را بررسی کنیم و برایشان به فکر راه حل باشیم؛ دوم این که صنعت برق را با همین اوضاع تقریبا بحرانی که وجود دارد مدیریت کنیم. کاری که در یکی دو سال اخیر انجام شده، در واقع گزینه دوم بوده است. یعنی صنعت برق را مدیریت کردیم، البته نه مدیریت مثبت، بلکه بیشتر دستوری بوده است. در تابستان تا جایی که توانستیم، مخصوصا در ایام پیک به شکل دستوری صنایع را خاموشی دادیم و به شکل دستوری برای برق‌های خانگی جدول خاموشی تنظیم و اعمال کردیم. درست است مصرف‌کنندگان خانگی هم چالش‌هایی داشتند، اما این خاموشی‌ها بیش از همه بر روی برخی از صنایع تاثیر واقعا زیادی گذاشت؛ به طوری که به عنوان مثال طی دو هفته ارائه جدول خاموشی و اعمال آن، قیمت سیمان در کشور دو برابر شد.

فاصله بین تولید و مصرف در پیک سال جاری عدد بسیار بزرگی بود که از سوی وزارت نیرو از ۱۲ هزار تا ۱۷ هزار مگاوات برآورد شده بود. اگر حتی کمینه این بازه را به عنوان فاصله بین تولید و مصرف برق در نظر بگیریم، به این معنی است که در سال ۱۴۰۱ در خوشبینانه‌ترین حالت ۱۲ هزار مگاوات کمبود تامین برق داشته‌ایم، بنابراین باید یافتن راه کار برای برون‌رفت از این ناترازی را معطوف به همین مساله کنیم.

اگر تولید برق رونق بگیرد و پیرو آن امر تامین برق سامان یابد، بورس انرژی خودبه‌خود جایگاهش را پیدا می‌کند و نیازی به ارائه راه کار جدیدی نیست و پس از آن بیشتر باید بر روی مکانیزم‌های اجرایی تمرکز کرد. برای تامین ۱۲ هزار مگاوات برق در واقع با چند چالش روبه‌رو هستیم؛ یکی بحث کمبود سوخت گاز است، چرا که در برخی مقاطع سال با توجه به شرایط تحریمی

زمانی که صنایع را خاموش می‌کنند معنایش این است که در واقع ظرفیت تامین برق کافی وجود ندارد. بنابراین در شرایط کنونی این که بخواهیم به دنبال یک ناجی باشیم و از بورس انرژی انتظار داشته باشیم که نقش این قهرمان را بازی کند به نظر من شدنی نیست

که کشور دارد، سوخت گاز به میزان کافی استحصال نمی‌شود. بحث مهمتر مشکل تامین منابع مالی است و چالش دیگر تامین و اجرای درست گواهی ظرفیت برای مشترکین است. البته گواهی ظرفیت برای مشترکین شاید در کنار تامین مالی و بحث سوخت خود را نشان دهد و ممکن است به تنهایی چندان موثر نباشد. می‌توان تامین گواهی ظرفیت را برای مشترکین جزء، مثلا مشترکین کشاورزی، خانگی و صنعتی که تمایل به افزودن مگاوات جدید برای مصرف خود هستند، الزام کرد.

به عنوان راه‌کاری کوتاه‌مدت برای این چالش‌ها، می‌توان به تسهیل قوانین بر نیروگاه‌های تجدیدپذیر اقدام کرد تا ظرفیت تولید نیروگاه‌های تجدیدپذیر افزایش یابد و به صورت کوتاه‌مدت مشکل کمبود تولید برق را تا حدودی مرتفع کند. برای تامین برق علاوه بر این چند راه‌کار دیگر را می‌توان طرح کرد: نخست با توجه به آن که در حال حاضر چه از نظر زمانی، چه از نظر سرمایه‌گذاری و ... عملا قابلیت ساخت ظرفیت نیروگاهی کافی از صفر تا صد برای تامین میزان کمبود برق مورد نیاز کشور وجود ندارد، می‌توان در زمینه افزایش بهره‌وری و ارتقای فنی تجهیزات موجود اقدام کرد. هرچند این ارتقا ممکن است، نتیجه‌اش تنها افزایش محدود چند مگاوات در تولید برق یک نیروگاه باشد، اما در صورت تسری و تجمیع آن در مجموعه نیروگاه‌های کشور، رقم قابل توجهی افزایش در تولید برق ایجاد خواهد شد که می‌تواند مقداری از کمبود تولید را جبران کند. این ارتقا نیاز به حمایت مالی دارد و نمی‌توان از شرکت‌هایی که سودده نیستند یا در تامین حقوق و هزینه ماهیانه‌شان مستاصل هستند انتظار داشت چند میلیارد هزینه و این ارتقا‌های جزئی را پیاده کنند. دوم این که می‌توان به نیروگاه‌های گازی کشور کمک کرد تا بتوانند بخش بخار خود را نیز راه‌اندازی کرده و نیروگاه خود را به بلوک‌های سیکل ترکیبی تبدیل کنند. در حال حاضر برآورد می‌شود که

می‌توان حدود ۲۶۰۰ مگاوات افزایش ظرفیت از طریق راه‌اندازی واحدهای بخار نیروگاه‌های گازی و تبدیل آن‌ها به سیکل ترکیبی ایجاد کرد. برای این کار حمایت‌هایی از طریق صندوق توسعه ملی راه‌گشا است و یا می‌توان در جهت یافتن شرکای تجاری برای صاحبان این نیروگاه‌ها تلاش کرد. سومین راه‌کار پیشنهادی هم آن است که اصطلاحا نیروگاه‌های دسته دوم با کارکرد قابل قبول وارد کنیم. به هر حال با توجه به شرایط موجود و محدودیت‌هایی که وجود دارد، می‌توانیم بخشی از مشکلمان را با تبدیل کردن نیروگاه‌های گازی به سیکل ترکیبی یا وارد کردن نیروگاه دسته دوم حل کنیم.

راه‌اندازی بخش بخار نیروگاه‌های گازی چند جنبه مثبت دارد؛ یکی این که یک نیروگاه راندمان پایین را به یک نیروگاه راندمان بالا تبدیل کرده‌ایم، علاوه بر این که در هزینه‌های بهره برداریمان به نسبت مگاواتی که تولید می‌کنیم صرفه‌جویی می‌شود. ضمن آن که در هزینه سوخت و مصرف سوخت هم صرفه‌جویی خواهد شد و مشکل کمبود گاز با سیکل ترکیبی شدن نیروگاه‌های گازی تا حدودی حل می‌شود.

نباید از نظر دور داشت که چالش‌های صنعت برق تا حدود زیادی به مسائل کلان کشور باز می‌گردد که خود موجب می‌شود سرمایه‌گذاری لازم صورت نگیرد و شرکت‌های خارجی هم امکان و شرایط سرمایه‌گذاری در این حوزه را نداشته باشند؛ با این حال بخش عمده‌ای از این مشکلات هم از فضای روانی نشات می‌گیرد که به سبب پاره‌ای قانون‌گریزی‌ها در صنعت برق وجود دارد. به عنوان مثال همین امسال با این که طبق مصوبات هیات تنظیم بازار برق، باید وزارت نیرو در ابتدای سال نرخ جدید سقف انرژی را تعیین و اعلام کند، نرخ‌های جدید عملا با حدود شش ماه تاخیر در ۲۲ شهریور، یعنی زمانی که از پیک مصرف گذر کرده بودیم، اعلام شد. بدیهی است این نوع عملکرد وزارت نیرو در نیروگاه‌ها یاس و دلسردی ایجاد می‌کند و موجب تشدید بی‌اعتمادی بین بخش خصوصی و وزارت نیرو می‌شود. متأسفانه با وجود پی‌گیری‌های زیادی که از طرف سندیکا و شرکت‌های عضو آن صورت گرفت، متأسفانه مسئولان ذی‌ربط نسبت به اصلاح به موقع و ضابطه‌مند نرخ‌های بازار برق بی‌تفاوت بودند و به تمام صحبت‌های کارشناسان و دلسوزان صنعت برق بی‌اعتنایی شد.

به این ترتیب به نظر می‌رسد اگر روزی مشکلات کلان کشور

حل و راه ورود سرمایه‌گذاران خارجی باز شود، بی‌اعتمادی که بین بخش خصوصی و وزارت نیرو وجود دارد باز هم سرمایه‌گذاران را فراری خواهد داد. پیشنهاد این است تا جایی که دست وزارت نیرو است و می‌تواند، تلاش کند از بی‌اعتمادی بیشتر جلوگیری کند. طبق آنالیزهای تخصصی که سندیکا، شرکت‌های خصوصی و وزارت نیرو انجام دادند سقف واقعی نرخ انرژی از عدد ۸۰۳ خیلی بالاتر است، اما همین عدد را هم در تاریخ ۲۲ شهریور اعمال کردند. به نظرم قبل از این که بخواهیم به این فکر کنیم که بازارهای جانبی مثل بورس انرژی و دوجانبه می‌توانند چه کمکی به صنایع، تولیدکننده‌ها و مصرف‌کننده‌ها بکنند، باید بدانیم مشکلات مهم‌تر از این داریم. زمانی که صنایع را خاموش می‌کنند معنایش این است که در واقع ظرفیت تامین برق کافی وجود ندارد. بنابراین در شرایط کنونی این که بخواهیم به دنبال یک ناجی باشیم و از بورس انرژی انتظار داشته باشیم که نقش این قهرمان را بازی کند به نظر من شدنی نیست. واقعیت آن است، تا زمانی که ناترازی بین تولید و مصرف به هر شکلی که ممکن است حل نشود این بازارها؛ اعم از بازار عمده‌فروشی، بازار دوجانبه یا بورس انرژی هیچ کدام کارایی مناسبی ندارند. به طوری که یک نیروگاه به عنوان بنگاه خصوصی در پیک تابستان با این که نرخ خرید برق توسط شرکت مدیریت شبکه در حد سقف است، حتی در صورت دریافت مطالبات خود از شرکت مدیریت شبکه در کوتاه‌مدت، ترجیح می‌دهد با یک صنعت مثل پتروشیمی، فولاد، سیمان و ... قرارداد ببندد. اما در واقع طی پیک تابستان که برق مصارف خانگی هم با خاموشی مواجه است، قطعا نیروگاه‌ها برای تصمیم‌گیری در باره این که برق تولیدی خود را در چه بازاری بفروشند، آزادی عمل ندارند.

به فرمایش شما برای این که بورس انرژی به خوبی جوابگوی این انتظارات باشد، اول باید مشکل کمبود تولید و سرمایه‌گذاری در صنعت برق حل شده باشد. بنابراین به نظر می‌رسد جای علت و معلول در صحبت‌های شما نسبت به آن چه از سوی نهادهای دولتی مطرح می‌شود کاملاً برعکس است. علت چنین تفاوتی در رویکردها چیست؟

برای پاسخ به این سوال اولاً باید ببینیم سرمایه‌گذاری یعنی چه و دوم این که منظورمان سرمایه‌گذاری داخلی یا خارجی

به نظرم در واقع در صنعت برق دو سیاست داریم؛ یکی سیاست اعلامی و دیگری سیاست اعمالی که این دو ۱۸۰ درجه با هم متفاوتند؛ یعنی سیاست‌گذاران در این عرصه، در کلام چیزی می‌گویند و در عمل کار دیگری می‌کنند

می‌خرد و بعد می‌خواهد برایش کت پیدا کند. ما اول به مشکلی که شاید دو سه ماهه حل شود که بستر بورس است می‌پردازیم و مشکل اصلی که قیمت واقعی برق، سرمایه‌گذاری و تامین برق است را رها کردیم. اگر الان کسی بگوید بورس رونق پیدا کند، اصلا نمی‌داند مشکل اصلی چیست؟! مشکل اصلی قیمت واقعی برق و عدم سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی است.

تغییراتی که در بورس انرژی مد نظر است، با ادعای نزدیکتر شدن این بازار به هدف اصلی آن یعنی کشف قیمت واقعی برق صورت گرفته است؛ به نظر شما این مهم در شرایط کنونی چه میزان به تحقق نزدیک است؟

نکته آن است که این تغییرات فقط بورس را رونق می‌دهد و چیزی عاید تولیدکننده‌ها نمی‌کند. بنابراین با این رویه، قیمت برق واقعی نخواهد شد و هیچ کمکی به تولیدکننده‌ها نمی‌کند و هیچ ربطی به آنان ندارد. این روش حتی یک مسکن هم نیست. اگر یک مگاواتی‌ها هم بیایند نمی‌توانیم آنها را در پیک تابستان نگه داریم چون برق نداریم و فرقی ندارد این یک مگاواتی‌ها را چه در بورس، چه در بازار دوجانبه و چه در بازار عمده‌فروشی بخرند. در زمان غیر پیک که مشکل تولید و مصرف نداریم، اگر بستر بورس شفاف‌تر و دستکاری قیمت انجام نشود، آن گاه می‌توانیم برای نقدینگی کوتاه‌مدت شرکت‌های تولیدکننده از بورس به عنوان یک بستر مناسب استفاده کنیم و حتی شرکت‌های مصرف‌کننده بزرگ و صنایع هم می‌توانند از ظرفیت‌های بورس استفاده کنند، ولی به شرطی که فاصله قیمت آن قدر نباشد که بدون سند و مدرک این تصور القا شود که دستکاری می‌شود. گاهی اوقات به قدری فاصله قیمت وجود دارد که حتی بین رقیبان و بین قیمتی که تسویه شده با قیمت بازار عمده‌فروشی فاصله زیاد است که ناخودآگاه شبهه دستکاری قیمت به وجود می‌آید. ■

است؟! واقعیت آن است که با مشاهده وضع نیروگاه‌ها که عملاً چند سال است زیان‌ده هستند، هیچ سرمایه‌گذار داخلی حاضر نمی‌شود نیروگاه احداث کند و یا در احداث آن مشارکت کند. از سوی دیگر سرمایه‌گذار خارجی هم اساساً در شرایط کنونی نمی‌تواند و نمی‌خواهد وارد بازار ایران شود.

به نظرم در واقع در صنعت برق دو سیاست داریم؛ یکی سیاست اعلامی و دیگری سیاست اعمالی که این دو ۱۸۰ درجه با هم متفاوتند؛ یعنی سیاست‌گذاران در این عرصه، در کلام چیزی می‌گویند و در عمل کار دیگری می‌کنند. وقتی می‌خواهند سوخت را آزاد کنند قاعدتاً برای این است که نرخ برق هم آزاد شود؛ اما گویا در نظر گرفته نمی‌شود که وقتی نرخ کالا را آزاد می‌کنند بازارش نباید یک بازار دستوری باشد و عرضه و تقاضا باید جایگاه طبیعی خود را پیدا کنند. اگر وزارت نیرو و سازمان برنامه و بودجه قائل به این هستند که نرخ برق را آزاد کنند تا عرضه و تقاضا جایگاه واقعی خود را در بازارها پیدا کنند و برای این منظور می‌خواهند نرخ سوخت را هم آزاد کنند، باید سابقه مثبت‌تری از خود نشان داده باشند تا سیگنال‌های گذشته در مغایرت با آنچه از این اقدام مد نظر است، نباشد. حقیقت آن است که رفتار گذشته این سازمان‌ها چنین بوده که برای برقی که نرخ تمام‌شده تولید آن حداقل ۲۳۰۰ ریال را به ازای هر کیلووات‌ساعت نشان می‌داده است، با ۶ ماه تاخیر سقف نرخ انرژی ۸۰۳ ریال اعلام می‌شود! با این پیشینه چه طور می‌توان باور داشت که یک باره آزادسازی نرخ برق را اجرا خواهند کرد تا اصطلاحاً «عرضه و تقاضا یکدیگر را پیدا کنند».

به طور مشخص آیا بورس انرژی با سازوکار کنونی این قابلیت را دارد که بدل به بازار اصلی مبادلات برق تبدیل شود و کشف قیمت در آن صورت گیرد؟

این امر تنها زمانی امکان‌پذیر است که سازوکار تولید اصلاح شود، سرمایه‌گذاران خارجی بیایند و قیمت واقعی شود. سرمایه‌گذار داخلی یا خارجی وقتی می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند چندان برایش فرقی نمی‌کند که به چه صنعتی برود و آنچه برایش اهمیت دارد، بازگشت سرمایه کوتاه‌مدت‌تر و سود بیشتر است. اگر قیمت برق واقعی شود، سرمایه‌گذار می‌آید و زمانی که سرمایه‌گذار بیاورد صنعت برق رونق پیدا می‌کند. در این حالت می‌توان بورس فعلی را حتی اگر از نظر ساختاری جوابگوی آن وضعیت نیست، ارتقا دهیم و می‌توانیم در مدت کوتاهی سازوکارش را فراهم سازیم. شرایط کنونی حکایت کسی است که اول دگمه را



گفت‌وگو با علیرضا ورناصری، عضو کمیسیون انرژی مجلس*

ادامه روند فعلی سبب تشدید خاموشی‌ها می‌شود

عضو کمیسیون انرژی مجلس، درخواست کننده تحقیق و تفحص از وزارت نیرو دولت‌های یازدهم و دوازدهم با تشریح دلایل این مهم، روند فعلی سبب تشدید خاموشی‌ها در سال‌های آینده دانست و گفت: دولت‌های یازدهم و دوازدهم کمترین توسعه ظرفیت‌های نیروگاهی را داشته‌اند.

علیرضا ورناصری درباره دلایل درخواست تحقیق و تفحص از وزارت نیرو دولت‌های یازدهم و دوازدهم، گفت: با بررسی عملکرد دولت‌های ۳ دهه گذشته کشور در زمینه توسعه صنعت حیاتی برق، مشخص است که دولت‌های یازدهم و دوازدهم کمترین توسعه ظرفیت‌های نیروگاهی را داشته‌اند این امر در تمام مصادیق، اعم از ساخت نیروگاه از سوی شرکت‌های داخلی، نحوه جذب سرمایه و تنظیم قرارداد، بهره‌برداری از نیروگاه‌ها، نظارت بر هزینه‌های این بخش و سایر مواردی که مرقانون برعهده وزارت نیرو نهاده آشکار است و عدم انجام تکالیف در این بخش با زنجیره‌ایی از معضلات در نیروگاه‌های بزرگ مقیاس، نیروگاه‌های تولید پراکنده و نیروگاه‌های تجدیدپذیر با مسائل مشترک میان آن‌ها یا مسائل خاص هر کدام از انواع نیروگاه مشکل‌ساز شده است.

نماینده مردم مسجدسلیمان، لالی، هفتگل و اندیکا در مجلس شورای اسلامی با بیان مثالی ادامه داد: برای نمونه مطابق با مواد

۴۴، ۴۵، ۴۸، ۴۹ و ۵۰ قانون برنامه ششم توسعه، دولت موظف بود؛ زمینه صدور موافقت اصولی برای ایجاد نیروگاه‌ها با بازدهی ۵۵ تا ۶۰ درصد، تهیه طرح جامع انرژی در سال اول برنامه، افزایش توان تولید برق تا ۲۵ هزار مگاوات، تشکیل بازار منطقه‌ای برق و افزایش ۵ درصدی سهم نیروگاه‌های تجدیدپذیر و پاک را اجرایی سازد که بررسی‌های اولیه حاکی از عدم اجرای تکالیف یاد شده است.

وی افزود: اولویت‌های کاهنده چالش‌های مرتبط به وزارت نیرو در مقطع مذکور، ارتقاء راندمان خدمات وزارتخانه، به ویژه تعهدی که برای اصلاح ناترازی تولید برق و اتمام خاموشی‌های تاسف‌بار داشته‌اند محقق نشده، این در حالی است که گویا جغرافیای خشک و نیمه خشک ایران در پی تغییرات الگوی آب و هوا و تجربه سخت کم بارش‌ترین و خشک‌ترین سال‌های آبی کشور، به‌عنوان چالش‌های تنش‌آفرین برای وزارت نیرو مقوله جدید و غیرقابل پیش‌بینی محسوب شده بود و این تغییرات طبیعی، دلیل موجهی برای بی‌برنامگی و عدم توسعه متوازن ظرفیت تولیدی و انتقال برق عنوان می‌شد. این عدم آمادگی دانش‌محور منجر به خاموشی‌ها، هدررفتن منابع آبی و تنش‌های اجتماعی شد.

ورناصری با بیان اینکه وزارت نیرو یک وزارتخانه چند بعدی است،

مطرح کرد؛ وزیر نیرو باید بر حوزه‌های اجتماعی و دغدغه‌های مرتبط، در مناطق کشور اشراف داشته باشد و در اعمال سیاست‌های خود در مناطق درگیر با تنش آبی علاوه‌بر آمایش آب محور، با الزام‌آور دانستن خرد جمعی و روحیه مشورت‌پذیری با کارشناسان متعهد به مصالح نظام، مصادیق متعدد توسعه ظرفیت‌های نیروگاهی را محقق سازد تا مردم شریف ایران به ویژه مناطق گرم مانند خوزستان، تجارب تلخ و سخت خاموشی‌ها را مکرراً نداشته باشند.

این نماینده مجلس اضافه کرد: با این وجود در سال‌های مذکور نه تنها ارتقاء بهره‌وری دانش محور عملی نشد بلکه زیرساخت‌های انرژی به‌عنوان الفبای توسعه در آمایش سرزمین خشک و نیمه خشک ما خسران دید و ما در این مجلس و این دولت، برای جبران آن عملکرد نادرست در شرایطی که آمار بارش‌ها در ۲۱ استان کشور نسبت به میانگین درازمدت به طور میانگین بین ۳ تا ۷۲ درصد کاهش داشته باید به دلیل عدم توسعه زیرساخت‌ها با اتخاذ تدابیری ناظر به وضعیت متفاوت هر یک از استان‌ها که اندازه خشکیدگی آن‌ها متفاوت است، باید به سختی جهت رفع خاموشی‌ها تدبیر کنیم.

عضو کمیسیون انرژی مجلس به دیگر دلایل درخواست این تحقیق و تفحص اشاره کرد و افزود: میزان صادرات برق هدف‌گذاری شده در سال ۱۳۹۹ معادل ۱۵ میلیارد کیلووات ساعت بوده است اما عملکرد دولت‌ها در سال‌های برنامه ششم توسعه از یک روند منظم تبعیت نمی‌کنند و در انتهای برنامه تنها حدود ۴۳ درصد از هدف برنامه مقرر محقق شده است از سوی دیگر واردات برق کشور در ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۵ معادل یک و نیم میلیارد کیلووات ساعت کاهش داشته که نشان دهنده کاهش تبادلات برق با کشورهای همسایه بوده و از هدف اصلی برنامه که تبدیل شدن به هاب انرژی منطقه است فاصله گرفته است.

ورناصری همچنین بیان کرد: براساس بند «و» ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم توسعه به منظور جلب اعتماد سرمایه‌گذاران در بخش اهداف نیروگاه‌های حرارتی وزارت نیرو مکلف شده براساس دستورالعملی که به تایید شورای اقتصاد می‌رسد نسبت به خرید برق نیروگاه‌ها اقدام کند مطابق این بند، دستورالعمل اجرایی آن تهیه و در آبان ۱۳۹۱ به تصویب شورای اقتصاد رسید در این دستورالعمل در زمینه نرخ پایه پرداخت بابت آمادگی آمده است: «این نرخ در سال‌های بعدی برنامه پنجم توسعه در ابتدای هر سال با اعمال ضریب تعدیل متناسب با نرخ تورم توسط وزارت

نیرو تعدیل و اعلام می‌شود.»، اما علیرغم الزام به تعدیل نرخ پایه پرداخت بابت آمادگی در دستورالعمل فوق این اقدام در تمامی سالهای برنامه پنجم به صورت کامل انجام نشده است.

نماینده مردم مسجدسلیمان، لالی، هفتگل و اندیکا در مجلس شورای اسلامی مطرح کرد: نکته‌ای که درباره کاهش چشمگیر سرمایه‌گذاری در بخش تولید در سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۸ نسبت به سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۰ باید ذکر شود این است که پس از واگذاری نیروگاه‌های حرارتی و به دلیل این که بخش تولید در گروه فعالیت ۳ ماده ۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قرار دارد اصولاً دولت مجاز به سرمایه‌گذاری در این حوزه نبوده و باید از طریق بخش خصوصی سرمایه مورد نیاز این بخش را تامین کند اما درخصوص جذب سرمایه بخش خصوصی نیز طی این سال‌ها ضعیف عمل شده است.

این نماینده مجلس با بیان اینکه یکی از اهداف راهبردی برنامه‌های توسعه کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و افزایش سهم سایر منابع برای تامین برق موردنیاز کشور بوده است، گفت: ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر طی سال‌های اجرای برنامه به طور متوسط سالیانه حدود ۱۰۰ مگابات افزایش داشته است. ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر در سال ۱۳۹۹ معادل ۷۶۹ مگاوات بوده که با توجه به هدف برنامه که ظرفیتی بالغ بر ۴۹۶۶ مگاوات بوده تنها ۱۵ درصد عملکرد داشته است.

وی تاکید کرد: در مورد عدم تحقق وظایف مرتبط به ماده ۴۹ باید بگویم دولت موظف است از سال اول برنامه اقدامات لازم را در راستای تشکیل بازار منطقه‌ای و ایجاد قطب (هاب) منطقه‌ای برق به عمل آورد، به‌طوری که شبکه برق کشور از شمال، جنوب، شرق و غرب به کشورهای همسایه متصل شود، هرچند تلاش‌هایی در این زمینه شد، اما اهداف برنامه چه در بخش صادرات و چه در بخش واردات محقق نشده است.

عضو کمیسیون انرژی مجلس اضافه کرد: طبق ماده ۵۰ دولت مکلف است سهم نیروگاه‌های تجدیدپذیر و پاک با اولویت سرمایه‌گذاری بخش غیر دولتی (داخلی و خارجی) با حداکثر استفاده از ظرفیت داخلی را تا پایان اجرای قانون برنامه به حداقل ۵ درصد ظرفیت برق کشور برساند. یکی از اهداف مهم این ماده ایجاد تنوع در سبد انرژی تولید برق است، عملکرد حاکمی از عدم تحقق این ماده است و به جای ۵ درصد تولید برق تجدیدپذیر تنها کمتر از یک درصد مورد بهره برداری واقع شده است.

به گفته وی ظرفیت نامی نیروگاه های کشور باید سالیانه ۵ هزار

نظام حکمرانی صنعت برق متناسب با تغییرات ساختاری اصلاح نشد به گونه‌ای که وزارت نیرو همزمان نقش حاکمیتی و تصدی‌گری را بر عهده داشته و در حالیکه با سهم ۴۵ درصدی در تولید برق با بخش خصوصی رقابت دارد همزمان قانونگذار و مجری اجرای قوانین صنعت برق نیز است

مگاوات افزایش می یافت اما میزان تحقق اهداف برنامه در زمینه توسعه ظرفیت جدید نیروگاهی حدود ۳۵ درصد بوده است. ورناصری افزود: تولید ناویژه برق طی سال‌های برنامه سالیانه حدود ۴٫۵ درصد رشد داشته است که در اهداف تعیین شده برای این شاخص، رشد بیش از ۷ درصدی معادل ۲۰ میلیارد کیلووات ساعت در سال‌های برنامه در نظر گرفته شده بود که محقق نشده است. این نماینده مجلس ادامه داد: پس از فرایند خصوصی‌سازی و تجدید ساختار صنعت برق ایران، شرایط حضور بخش خصوصی در تولید برق فراهم شد. واگذاری نیروگاه‌های دولتی به بخش خصوصی همچنین ورود این بخش به ساخت و احداث نیروگاه منجر به شکل گیری فرآیندی شد که در نتیجه آن و در شرایط فعلی سهم بخش خصوصی از تولید برق به ۵۵ درصد رسیده است اما نظام حکمرانی صنعت برق متناسب با تغییرات ساختاری اصلاح نشد به گونه‌ای که وزارت نیرو همزمان نقش حاکمیتی و تصدی‌گری را بر عهده داشته و در حالیکه با سهم ۴۵ درصدی در تولید برق با بخش خصوصی رقابت دارد همزمان قانونگذار و مجری اجرای قوانین صنعت برق نیز است.

عضو کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به اینکه به استناد ماده ۵۰ قانون برنامه ششم توسعه، سهم نیروگاه های تجدیدپذیر با اولویت سرمایه‌گذاری غیردولتی باید تا پایان برنامه به ۵ درصد ظرفیت برق کل کشور برسد، توضیح داد: همچنین وزارتخانه‌ها، موسسه‌ها و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی، بانک‌ها، شهرداری‌ها، براساس فهرستی که وزارت نیرو تعیین و منتشر می‌کند، وظیفه دارند حداقل ۲۰ درصد از برق مصرفی ساختمان‌های خود را از انرژی‌های تجدیدپذیر تعیین کنند که برای اجرای این امر اقدامات مفید و گسترده صورت نپذیرفته است. رسیدن به توان تولید ۲۵ هزار مگاوات هم یکی از اهداف

*منبع: خبرگزاری خانه ملت

برنامه مذکور بود.

وی عنوان کرد: علیرغم اینکه قانون برنامه ششم توسعه وزارت نفت و نیرو را مکلف به تهیه برنامه اجرایی طرح جامع انرژی کشور در سال اول برنامه کرد اما این برنامه با ۲ سال تاخیر و در سال ۱۳۹۹ به تصویب رسید و برنامه مذکور بعد از تاخیر ۲ ساله هم رونوشتی از سند برنامه ششم توسعه بوده و دقیقاً همان اهداف کمی در همان سال های مذکور را در برنامه تکرار کرده است.

ورناصری اضافه کرد: بزرگترین نقص برنامه اجرایی طرح جامع انرژی این است که سال ۱۳۹۹ مصوب شده در حالی که اهداف کمی آن از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۴۰۰ در نظر گرفته شده است. درواقع این برنامه اجرایی پنج‌ساله تنها یک سال اجرا استفاده خواهد شد. ایراد دوم این برنامه این است که تنها به ذکر اهداف کمی اکتفا کرده و درخصوص ملاحظات، نقشه راه و اقدامات مورد نیاز برای رسیدن به اهداف مذکور اشاره ای نکرده است. در حالیکه طرح جامع انرژی برنامه اجرایی بوده و تدوین نقشه عملیاتی گام به گام تحقق اهداف راهبردی در برنامه اجرایی امری ضروری است.

ورناصری توضیح داد: در انتها لازم است بگویم بررسی عملکرد وزارت نیرو در بخش برق نشان دهنده این نکته است که این وزارتخانه در برخی موارد از قبیل توسعه خطوط انتقال و توزیع کاهش تلفات شبکه انتقال و توزیع افزایش توان ساخت داخل و خدمات فنی و مهندسی عملکرد نسبتاً قابل قبولی داشته است اما عملکرد این وزارتخانه از جنبه احداث نیروگاه‌های حرارتی و تجدیدپذیر متناسب با تقاضای در حال رشد کشور همچنین تکالیف برنامه ششم توسعه نبوده و درصورت ادامه روند فعلی سبب تشدید خاموشی‌ها در سال‌های آینده می‌شود.

عضو کمیسیون انرژی مجلس گفت: همچنین وزارت نیرو درخصوص بهبود راندمان نیروگاه‌های حرارتی، مدیریت توزیع و بهینه‌سازی جهت کاهش منطقه‌ای مصرف برق عملکرد قابل توجهی نداشته است البته به این نکته نیز توجه شده است که برخی از احکام این قوانین یا برنامه‌ها ممکن است محدودیت‌های تحریم را لحاظ نکرده باشد یا با بهبود بودجه مواجه بوده و سرمایه مورد نیاز جذب نشده است. همچنین ناهماهنگی‌ها میان وزارتخانه‌های مختلف، عدم یکپارچگی سیاستگذاری در بخش انرژی کشور و چند متولی بودن این بخش و همچنین کمبود منابع مالی نیز باید مد نظر قرار گیرد. ■



محمدباقر عبابی، معاون برنامه‌ریزی و بازار برق شرکت تولید نیروی برق دماوند

پیش‌نیاز توسعه معاملات بورس انرژی

از ابتدای مهر ماه قرار بود وزارت نیرو خرید و فروش برق مشترکان بالای یک مگاوات را در بورس انرژی اجرایی کند. در این یادداشت به تجزیه و تحلیل این طرح و شرایط توسعه معاملات در بورس انرژی پرداخته شده است.

۲۰ مهر سال ۱۳۹۹ مصوبه هیات وزیران درباره اجبار مشترکان صنعتی بالای ۵ مگاوات برای خرید از بورس انرژی ابلاغ شد. در بند ۲ این مصوبه آمده بود وزارت نیرو باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که تا دو سال آینده مشترکان بالای یک مگاوات صنعتی برق را از بورس تامین کنند. بر اساس برنامه‌ریزی‌های وزارت نیرو قرار بود این طرح از ابتدای مهر سال ۱۴۰۱ اجرایی شود و اینک این مهلت به اتمام رسیده است. واقعیت این است که یکی از چالش‌های عمده ما در بورس انرژی موضوع کمبود تقاضای بالفعل است؛ به این معنا که در صورت خرید نکردن از بورس انرژی، مشترکان از گزینه جایگزینی به نام خرید از شبکه استفاده نکنند. از سوی دیگر حدود ۷۰ درصد مصرف برق صنعت، مربوط به صنایع بالای ۵ مگاوات است که در سال گذشته میزان مصرف این صنایع حدود ۱۱۱ میلیارد کیلووات‌ساعت بوده است و این صنایع کمتر از ۵۰ درصد انرژی مورد نیازشان را از بورس انرژی یا قراردادهای دوجانبه تامین کرده‌اند. بر این اساس، مشترکان ۱ تا ۵ مگاوات به عنوان مشترکان خرد حتی در صورت استقبال از بورس انرژی هم نمی‌توانند جهشی در تقاضا و میزان معاملات بازار ایجاد کنند؛ بنابراین ضمن این که با اجرای این طرح اتفاق مشهودی در بورس انرژی نمی‌افتد، باید از وزارت نیرو پرسید که چه عواملی در بورس و بازار خرید و فروش انرژی موجب تاخیر در اجرای این قانون شده است.

برای آگاهی از شرایط موجود بورس انرژی و وضعیت بازار باید درباره عرضه و تقاضا اطلاعات درستی داشته باشیم. در حال حاضر عرضه برق توسط نیروگاه‌هایی صورت می‌گیرد که حدود ۶۰ درصد آنها خصوصی و ۴۰ درصد هم دولتی

هستند. آنجا که متقاضیان بالای ۵ مگاوات صرفاً مشترکان صنعتی هستند، طبیعی است که میزان عرضه به مراتب بیش از تقاضا باشد و انتظار قیمت‌های متعادل با این وضعیت غیر ممکن به نظر برسد. گروه دیگری که مشترکان خانگی و تجاری هستند به صورت مستقیم از بورس انرژی خرید نمی‌کنند و خرده‌فروشان یا شرکت‌های توزیع به نیابت از آنها باید خرید کنند.

در سال ۹۵ توانیر نقدینگی بالایی به شرکت‌های توزیع تزریق کرد تا به نیابت از بخش تجاری از بورس انرژی خرید کند که خوشبختانه تقاضای بالایی شکل گرفت، اما در ادامه یکی از چالش‌هایی که باعث شد تا شرکت‌های توزیع از بورس انرژی خرید نکنند، این بود که وجه دریافتی فروش برق به مشترکان نهایی توسط توانیر مدیریت و در برق‌های منطقه‌ای و شرکت‌های توزیع بازتوزیع می‌شد. از سوی دیگر تراز منفی صنعت برق باعث شده بود توانیر قادر به تزریق نقدینگی نباشد، چرا که هزینه‌های نگهداشت، خرید، انتقال و توزیع برق بسیار بالاتر از فروش انرژی به مشترکان بود و اولویت آخر را موضوع توسعه معاملات بورس انرژی قرار داده بودند، تا این که در دی ماه سال گذشته مصوبات مهمی در حوزه اصلاح تعرفه برق مشترکان بالاتر از الگوی مصرف ابلاغ شد که اگرچه این طرح در دو ماه انتهایی سال اجرایی شده، اما در نهایت با اصلاح تعرفه مشترکان صنعتی بالای ۲ مگاوات در قانون بودجه ۱۴۰۰، شاهد جهش قابل ملاحظه درآمد توانیر بوده‌ایم بگونه‌ای که در سال ۱۴۰۰ درآمد شرکت توانیر حاصل از فروش با هزینه خرید، انتقال و توزیع تراز شده است.

در قانون مانع‌زدایی برق مشترکان خانگی، عمومی، صنعتی و سایر مصارف (به جز مشترکین کشاورزی) نرخ برق آنها وابسته به نرخ خرید تضمینی از نیروگاه‌های کشور تعرفه‌گذاری شده و پیش‌بینی می‌شود با اجرای این قانون درآمد توانیر از ۶۰ هزار میلیارد تومان سال گذشته در سال جاری با افزایش ۱۰۰ درصدی به ۱۲۰ هزار



Demavand Power Generation Management Co.

شرکت مدیریت تولید نیروی برق دماوند (نیروگاه سیکل ترکیبی شهناز پاکدشت)

و درآمد آن هم خوانی ندارد از این پول بهره می‌برد. اینک که در پیک مصرف تابستان ۱۵ هزار مگاوات کمبود داریم و اگر دولت تصمیم گرفته برق مشترکان خانگی را قطع نکند و برق صنایع را در چنین مواقعی محدود کند، باید اجازه بدهد صنایع در یک فضای رقابتی قرار بگیرند تا هر کدام که حاضر به پرداخت هزینه بیشتر با توجه به سودده بودن فعالیتشان هستند، بتوانند تولید خود را ادامه دهند. علاوه بر این، با توجه به این که درآمد شرکت‌های توزیع از محل فروش انرژی بسیار بالاتر از بهای تمام‌شده خرید انرژی است، برق خود را می‌توانند به صورت مستقیم از بورس خریداری کنند و در غیر این صورت، ملزم به قطع برق مشترکان زیرمجموعه خود شوند؛ بنابراین اگر مشترکان بورس انرژی گزینه دیگری نداشته باشند، می‌توان به واقعی شدن قیمت‌ها در این بازار امیدوار بود. نکته دیگری که باعث جلوگیری از توسعه معاملات بورس می‌شود، عدم پی‌گیری شرکت‌های توزیع و برق منطقه‌ای برای وصول برق فروخته شده به مشترکین است. بدین معنا که وقتی مشترکان هزینه برق دریافتی از شبکه را با تاخیر طولانی‌مدت پرداخت می‌کنند و عواقبی متوجه آنها نمی‌شود، دلیلی نمی‌بینند برق خود را از بورس انرژی خریداری کنند که باید هزینه‌ها را در سریع‌ترین زمان پرداخت کنند. به عنوان نمونه طلب توانیر از مشترکان در سال ۱۳۹۹ برابر ۹۰ هزار میلیارد ریال بوده و در سال ۱۴۰۰ به ۱۵۰ هزار میلیارد ریال رسیده است. این در حالی است که مطالبات بخش غیر دولتی در بازار برق از این نهاد ۱۱۰ هزار میلیارد ریال بوده است و با وصول این مطالبات می‌توانست بخش عمده‌ای از بدهی‌ها را پرداخت کند. بنابراین وزارت نیرو و دولت باید این چالش‌ها را به صورت ریشه‌ای رفع کنند تا شاهد توسعه معاملات بورس انرژی باشیم. ■

میلیارد تومان برسد؛ بنابراین با اقدامات مناسب در دو سال اخیر و قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق، تراز هزینه و درآمد اصلاح شده و این امیدواری را برای صنعت برق ایجاد می‌کند که اگر توانیر و وزارت نیرو اراده‌ای برای خرید مستقیم برق از بورس انرژی توسط شرکت‌های توزیع داشته باشند، نقدینگی کافی در اختیار دارند. اما واقعیت این است که وزارت نیرو در عمل تمایلی برای توسعه بورس انرژی و خروج از خرید و فروش برق ندارد، چرا که این موضوع می‌تواند نوعی تعارض منافع را به همراه داشته باشد؛ بدین معنا که حدود ۱۰ درصد انرژی کشور توسط نیروگاه‌های ECA (دارای قراردادهای خرید تضمینی برق یا تبدیل انرژی) تولید می‌شود که نرخ هر کیلووات برق تولیدی آنها حدود ۵۵۰ تا ۶۰۰ تومان تعیین شده است و نرخ حدود ۷۰ درصد مصرف کشور بر اساس نرخ خرید تضمینی این ۱۰ درصد تولیدکننده تعیین می‌شود.

این در حالی است که مشترکان صنعتی به ازای هر کیلووات برق مصرفی حدود ۵۰۰ تومان پرداخت می‌کنند که ۳۰ تا ۴۰ تومان این میزان هزینه ترانزیت برق است، اما از مبلغ باقی‌مانده حدود ۲۰ درصد به تولیدکننده می‌رسد؛ چرا که نهاد رگولاتور صنعت برق با سرکوب قیمت، تنها فشار صنعت برق را بر بخش تولید اعمال می‌کند. کما این که امروز در بازارهای دیگری مانند خودرو هم شاهد هستیم که بین قیمت بازار و قیمت کارخانه گاهی تا ۱۵۰ میلیون تفاوت وجود دارد و پولی که باید به جیب تولید برود، نصیب واسطه می‌شود؛ بنابراین در حالی با سازوکار فعلی از برق ۵۰۰ تومانی، ۷۰ تا ۸۰ تومان نصیب تولیدکننده می‌شود که وزارت نیرو ۴۲۰ تومان دریافت می‌کند و در بخش‌هایی که هزینه



محمد اسماعیل بانکیان تبریزی، پژوهشگر تاریخ صنعت برق ایران

(بخش اول - پایان دوران قاجار) برق در بوشهر

بوشهر تا پیرامون سال‌های ۱۳۰۰ خ یکی از مراکز دریایی انگلیسی‌ها در دریای پارس (خلیج فارس) به شمار می‌رفت. آنها در پی آیند جنگ هرات با نیروی نظامی به بوشهر آمدند و دیگر از آنجا دل نکندند.

کشتی‌های انگلیسی آزادانه و بی پروا در کنار آن لنگر می‌انداختند و کنسولگری آنها در بوشهر از توانایی‌های راهبردی فراگیری در این منطقه برخوردار بود.

در بوشهر یکی از مهمترین پایگاه‌های تلگرافی انگلیسی‌ها برپا شده بود. می‌دانیم که نخستین «راه سیم» یا خط تلگراف انگلیسی‌ها از راه بغداد به فاو رسید و از آنجا با کابل دریایی که در کف دریای پارس خوابانده شد به سوی هند می‌رفت و پایانش بندر کلکته بود. مسیر این کابل دریایی از کناره‌های سرزمین ایران، جزیره هنگام، بندر جاسک و گواتر می‌گذشت که در هر یک از آنها ایستگاه زمینی در کناره‌های خاک‌های سرزمینی ایران برپا شده بود. چندان به درازا نکشید که پایش (حفاظت) این پایگاه‌های زمینی در این راه سیم (خط تلگراف) در دستور کار نیروهای انگلیسی گذاشته شد. در کنار آنها کشتی‌هایشان لنگر می‌انداختند و یا نیروهای زمینی‌شان به درون این سرزمین‌ها پا می‌گذاشتند. از سویی برای بهره‌گیری از بخش‌های جنوبی کشور و جاهای یادشده، هیچ گونه هماهنگی با فرمانروایی قاجارها در دوران ناصری انجام نگرفته بود. شاید با بی‌پروایی بتوان گفت که درس‌آغاز پیاده نمودن این برنامه‌های گستاخانه و خودسرانه، شوربختانه دولت قاجار چندان اعتنایی به این گونه کنشگری‌ها و یا در اصل به این سرزمین‌ها نمی‌داشت.

اما از آنجا که صنعت کابل‌سازی در آن دوران هنوز گام‌های آغازین خود را برمی‌داشت، کابل‌های خوابانده شده در کف دریای پارس و در کناره‌های ایران نتوانستند برای بلندمدت کارایی بسنده‌ای را در آب‌های دریایی از خود نشان دهند، بخش‌هایی از این خط پیوسته دچار دردسر و نارسایی می‌شد و یا بسیار زود از کار می‌افتاد. از این رو انگلیسی‌ها در کنار همین خط راه خشکی را نیز برگزیدند و پس از مدتی کلنجار رفتن با دربار ناصری که در آغاز مخالف گذراندن سیم‌های تلگراف انگلیسی از سرزمین ایران بود. با فشارهایی که از سوی دولت فخیمه! از همه سو وارد می‌آمد سرانجام وا داد و انگلیسی‌ها با راضی نمودن مقامات و دربار ایران اجازه گرفتند تا خط تلگراف خود را از راه زمینی و از راه بغداد به خانیقین و از آنجا به کرمانشاه، همدان، قزوین و تهران و سپس از راه کاشان، اصفهان، آباده،





دهبید، شیراز، برازجان و سرانجام به بوشهر برسانند. از آن پس بود که بوشهر پایگاه مهمتری برای انگلیسی‌ها شد. هرچند در تمام مسیر این خط انگلیسی‌ها دارای دست بلندی شدند و روس‌ها که از دور آنها را می‌پاییدند نیز درخواستگر امتیازهای همانند گردیدند. در این میان می‌توان پذیرفت که انگلیسی‌ها برای بنیانه‌های (تاسیسات) خود در پایگاه‌های جای‌گرفته در این «راه سیم» (خط تلگراف) از برق سود می‌بردند. در این باره گزارش‌هایی همانند، درباره ی پایگاه‌های دیگر در سراسر این خط مانند جزیره هنگام و بندر جاسک و حتی تلگرافخانه دهبید در آینده در دست است. این دو ایستگاه تلگراف هم که در خاک ایران می‌بودند از پایگاه‌های مهم این «راه سیم» به شمار می‌آمدند و هر دو زیر پوشش کنشگری‌های فراگیر انگلیسی‌ها دست و پا می‌زدند. از این رو می‌توان پنداشت بوشهر در همین فرایند دارای برق شده باشد. نخستین نوشته‌ای که در آن به رونمایی برق در بوشهر و پیرامون آن اشاره دارد نوشته محمدحسین سعادت در کتاب تاریخ بوشهر است.

در تاریخ بوشهر آمده است میرزا محمدعلی خان موقرالدوله حاکم بوشهر در روز شنبه هفتم ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ ق از شیراز به بوشهر آمد. این روز برابر با ۱۹ فروردین ۱۲۹۰ خورشیدی است. وی چندین سال در هندوستان به سر برده بود و با فناوری‌های نوین و شیوه‌های زندگی مدرن شهری کمابیش آشنا شده بود. دوران فرمانروایی او از ۹ فروردین ۱۲۹۰ تا مرداد ۱۲۹۴ خ به درازا کشید. «سعادت» می‌نویسد در آن هنگام کوچه‌های شهر بسیار بی‌نظم و کج‌ومعوج (کج‌وکوله) و تنگ و دارای پستی و بلندی فراوان بود، به طوری که رفت و آمد در آن‌ها در روزها چه برسد در شب‌های تاریک، بسیار دشوار می‌بود. برای رویارویی با چنین دشواری‌هایی بود که به کوشش «حکمران بنادر- موقرالذوله» شرکتی با سرمایه ۱۰ هزار تومان تاسیس شد. این شرکت یک کارخانه (منظور یک دستگاه‌افزار برق‌زا است) از کمپانی انگلیسی به شرط آن که

دارای هزار چراغ باشد (منظور این است که بتواند هزار چراغ برق یا لامپ را روشن نماید!) برای تنویر (روشن‌سازی) و روشنایی شهر و خانه‌ها وارد نمود. پس از امتحان و روشن نمودن دستگاه معلوم گردید که این دستگاه نمی‌تواند هزار چراغ را روشن سازد و از سوی روشن گردید که برخی از آلات آن عیب‌دار می‌بود و از این رو کارها متوقف شد و تاکنون (این ۱۳۳۴ ق- ۱۲۹۵ خ) کارخانه تعطیل و میان شرکت ایرانی و کمپانی انگلیسی چالش همچنان برجای ماند. نخستین برداشت از این فرآیند این است که در بوشهر در سال ۱۲۹۰ خ برق رونمایی گردید، اما با پیدایش نارسایی‌هایی در دستگاه و همچنین پیدایش چالش‌های در میان خریدار و فروشنده، دستگاه برای مدتی بی‌کار افتاد. روشن نیست که چه مدت از دستگاه بهره‌برداری می‌شد و از کی؟ پی برده شد که این دستگاه آن چیزی نیست که فروشنده ادعا می‌کرد. بی‌گمان در این زمینه نمی‌توان بوی ناخوشایند کلاهبرداری شرکت انگلیسی از مردم بومی بوشهر را ندیده گرفت. گفتنی است که رفتار اروپایی‌ها در بسیاری جاها به ویژه در بوشهر زیر چیرگی انگلیسی‌ها بسیار ناخوشایند بود و در هنگامه‌هایی به جاهای باریک هم می‌کشید (مانند رویدادی که در پیوند با کارمند خود بزرگ بین و فحاش بلژیکی (گمرکچی) پیشامد و در روند آن او به مردم بومی بوشهر توهین کرد و در پی کشاکش‌های پدیدآمده، کار سرانجام به مرگ همسرگمرکچی بلژیکی انجامید). به هر روی پی‌گیری تعهد شرکت انگلیسی برای روشن‌سازی شبانه شهر بوشهر هنوز در سال‌های ۱۲۹۲ و ۱۲۹۳ همچنان دنبال می‌گردید. آیا این خبر نشان از آن ندارد که برق بوشهر تا سال ۱۲۹۲ لنگ لنگان روشن می‌بود و از آن پس از کار افتاد؟ به هر روی شرکت انگلیسی فروشنده دستگاه به فرمانداری بوشهر، تا همین سال‌ها هنوز به تعهد خود برای روشن‌سازی شهر بوشهر پایبندی نشان نداد و بی‌اعتنایی می‌نمود.

در همین راستا «سعادت» در بخشی که به پست و تلگراف و تلیفون اشاره می‌کند، چنین می‌نویسد:

در سنه ۱۳۱۴ ق (برابر با ۱۲۷۵ خورشیدی) سیم تلگراف از بوشهر به تهران کشیده شد بود (۱۱۴ - خلی پیش از اینها این کار انجام یافته بود) و فعلا در این شهر دو تلگرافخانه موجود است: یکی متعلق به ایران و فقط [به] ممالک داخلی ایران مخابره می‌کند و شبان‌روزی آیش از [از سه الی چهار ساعت مشغول مخابره نمی‌باشد و بیست ساعت دیگر به دست انگلیسی آن می‌باشد و یکی دیگر، متعلق به کمپانی انگلیس موسوم به اندین اروپ است که در بهمنی چندین عمارت به اسم تلگرافخانه در اجاره این کمپانی می‌باشد و دائما به تمام دنیا مشغول مخابره هستند. از بندرگاه ری شهر هر که موسوم به دستک است، سیم تلگراف (کابل) را به داخل دریا انداخته‌اند. و این دستگاه دو شعبه (شاخه) دارد؛ شعبه به فاو (قریه‌ای است در دهانه غربی شط‌العرب) شعبه‌ای به

هندوستان متصل می‌شود.

سال گذشته یعنی سنه ۱۳۳۳ که بین جنگ حاضر اروپ، انگلیسیان در بهمنی ایجاد تلگراف بیسیم نموده‌اند و به نقاط مهمه دنیا مخابره می‌نمایند.

دولت ایران یک رشته سیم از برازجان به ناصری (؟ اهواز) و بهمنی دارد، ولی از بوشهر به بنادر مهم جنوبی مثل: لنگه و بندرعباس و سایر جزایر وسیله مخابره ندارد و در صورت لزوم به توسط سیم انگلیسی‌ها به این نقاط مخابره می‌شود. انگلیسی‌ها از سبزآباد که محل قنسول خانه خارج شهر است، به قنسول خانه داخل شهرسیم تلگراف و تلیفون مخصوص دارند. این اواخر در ایران یک شرکت تلیفون تاسیس شد و در سنه ۱۳۳۲ یک شعبه آن در بوشهر ایجاد گردید و فعلا مشغول کار است (در ۱۳۲۴ ق) و تاکنون دارای ۲۵ شماره شده است». (تاریخ بوشهر - سعادت - صص ۴۴ و ۴۵).

با خواندن این داده‌ها و اطلاعات بالا، خواننده با این پرسش روبه‌رو می‌شود که آیا انگلیسی‌ها می‌بایست در بخش‌های وابسته به خود به ویژه در تلگرافخانه‌ها و بنیانه‌های (تاسیسات) وابسته به تلگرافخانه هایش از برق سود می‌بردند؟ که پاسخ بی‌گمان آری است. از همان روی آن شرکت انگلیسی به احتمال یکی از دستگاه‌های کهنه موجود را به حاکم بوشهر فروخته بود. این دستگاه بسیار کهنه بود و نشان از آن داشت که سال‌ها و شاید یکی دو دهه کار کرده باشد. (از کی؟ روشن نیست). از سویی نمی‌توان این احتمال را ندیده گرفت که شاید این دستگاه کهنه و فرسوده از یک کشتی انگلیسی که دیگر به کارش نمی‌آمد و یا از میان اسقاطی‌های آورده از هندوستان بوده خریداری شده باشد. «سعادت» درباره قریه «بهمنی» هم چنین نوشته است:

بهمنی قریه‌ای است در یک فرسخ جنوب بوشهر و یک مایل (یک فرسخ) در شمال ری شهر واقع شده و سابقا چاه‌های بهمنی آب گوارا داشته و حالا از گوارایی آن، به واسطه کثرت آب کشیدن و قلت باران کاسته شده و بیشتر آب شیرین مشروب اهالی بوشهر را از شاخه‌های معروف به اُنْدُور پِنْدُر می‌آورند.

در بهمنی و اطراف آن تجار بوشهر عمارات عالی ساخته اند، من‌جمله عماراتی است که حالا تلگرافخانه‌های انگلیس در آنها واقع شده است. و دیگر عمارات ییلاقی حاج محمد مهدی ملک التجار است که متجاوز از ۱۵۰ هزار تومان خرج آن شده است و در این اواخر آن را به یکی از تجار ایرانی مقیم بمبئی فروخت و فعلا در اجاره و تصرف انگلیسی‌ها می‌باشد. حال متجاوز از دو سال است (حال= ۱۳۳۴ ق) که انگلیسی‌ها، این عمارت و تمام نواحی بهمنی را مرکز نظامی خود قرار داده‌اند و در آنجا مهمات و ذخایر حربیه تهیه نموده‌اند و متجاوز از ۲۰۰۰ قشون نظامی سواره و پیاده و توپخانه و قورخانه و سیور سات موجود است، و این ایام که طوایف تنگستانی بر انگلیسی‌ها حمله می‌کنند، به جهت جلوگیری از



حملات آنها دور بهمنی را حصار کشیده و همچنین در سبزآباد و قرای تنگک ثلاثه، سنگرهای زیادی ایجاد نموده اند، به علاوه همیشه کشتی‌های جنگی متعدده در دریا به جهت حفظ ساحل موجود است» (تاریخ بوشهر-صص ۵۳ و ۵۴)

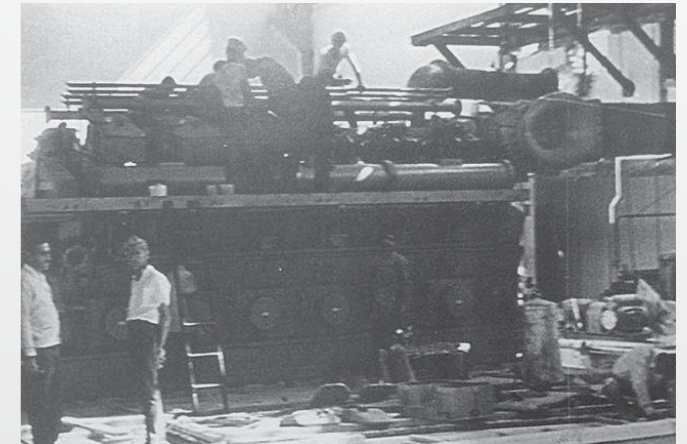
از این داده‌ها و اطلاعات هم بر می‌آید که نگهداری افسران پرشمار انگلیسی در سرزمین گرم بوشهر و پیرامون آن بدون بهره‌گیری از پدیده‌های مدرن آن روزها که یکی از آنها بهره‌گیری از فناوری برق می‌بود نمی‌توانست بی درد سرانجام گرفته باشد. از کشتی‌ها هم نمی‌شد برای بهمنی یا هولیله (قریه‌ای در سه فرسخی جنوب بوشهر که نیروهای انگلیسی نخست در آنجا پیاده شده سپس به سوی بوشهر و بهمنی و ریشهر سرازیر می‌شدند). ... و... به آسانی برق آورده می‌شد.

«خیراندیش و شیخ‌الحکمایی» در بخش تعلیقات کتاب تاریخ بوشهر درباره ی بهمنی چنین افزوده‌اند:

بهمنی اکنون یکی از محله‌های شهر بوشهر است، بیش از آن بهمنی روستایی تابع شهر بوشهر بود. بهمنی تا شهر بوشهر حدود یک فرسخ فاصله داشت و محل استقرار تلگرافخانه هند و اروپ و نیز منازل انگلیسی‌ها و سرکنسولگری آنها بود. به جهت اهمیت این. اراضی مجاور آن را با نام صحرای بهمنی در نوشته سعادت می‌بینیم (تاریخ بوشهر - ص ۲۲۷).

«سعادت» در بخشی درباره لنگرگاه‌های بوشهر و در جایی درباره «خور» نزدیک به بوشهر می‌نویسد:

اغلب مهندسین می‌گویند: به مخارج کمی می‌توان این مانع را رفع نمود، به طوری که کشتی‌های بزرگ نیز بتوانند داخل این «خور» شوند، امید است که بعد از این یک شرکتی به جهت انجام این امر مهم تشکیل شود. از طرف دولت علیه ایران درین لنگرگاه(لنگرگاه خور) و سواحل آن هیچ آثار وسایل سهولت عبور و مرور و اسباب آسایش مسافرین و علائم هدایت دخول و خروج کشتی‌ها در لنگرگاه، از قبیل وضع چراغ و نصب پایه (علامت‌هایی که در دریا برای هدایت کشتی‌ها



و ضعیف می‌شود) موجود نیست. حضرات انگلیسی‌ها برای این که کشتی‌های آنها دچار مخاطره نشوند، بعضی علامات در دریا و ساحل بوشهر نصب نموده‌اند (چنان که دو سال قبل | در سال ۱۳۳۲ ق | چراغ‌های الکتریک دریا و ساحل برای هدایت کشتی‌ها نصب کردند) معلوم نیست که این نحوه تصرف انگلستان در دریا و ساحل غیر آزاد با اجازه و حصول امتیاز از طرف دولت علیه بوده است یا بدون آن؟ (تاریخ بوشهر - ص ۳۰)

با این داده‌ها و اطلاعات بی‌گمان در سال ۱۳۳۲ ق برابر با ۱۲۹۲ خ انگلیسی‌ها سرخود لنگرگاه خور را با برق روشن نموده بودند. آیا همین ویژگی نشان از آن ندارد که در بنیانه‌های (تاسیسات) دیگر انگلیسی‌ها در بوشهر و بهمینی از برق بهره گرفته شده باشد، چون در آنجاها که دورافتاده به شمار می‌آمد حتی نیازی به گرفتن اجازه از نهادهای دولتی هم نبود و دست انگلیسی‌ها باز باز بود. باز هم از همین راه می‌توان به آسانی پذیرفت که انگلیسی‌ها در ایستگاه‌های تلگراف دیگر همانند بندر جاسک و جزیره‌های هنگام و قشم و ... به آسانی بدین کار دست زده باشند بدون آنکه به نهادهای ایرانی دور و نزدیک خود اعتنایی داشته باشند. سعادت می‌نویسد:

بوشهر از حیث عادات و اخلاق و تربیت و علوم و فنون و کلیه آثار تمدن علائم ترقی عصر جدید، به مراتب از کوچکترین بنادر خارجه پست‌تر است. شاید کسی تصور کند که این شهر چون پایتخت و مرکز حکومت خلیج ایران و به منزله باب‌الابواب مملکت ایران است، مثل سایر بنادر دول عظام، به واسطه مراقبت با خارجه و قرب جوار با ملل متمدنه از حیث آبادی و عمران و کثرت وسایل صناعی و ذرایع معاشی و فواید تجاری، و منظم و لاقبل تالی کراچی و نانی اسکندریه است.

مع‌الاسف نگاشته می‌شود که این شهر از شئامت نکبت جهل و بی‌عملی و حب تن‌آسایی از کلیه آثار تمدن و

علایم ترقی، یعنی وجود مسافرخانه و مریض‌خانه و دواخانه و دارالفنون و دارالایتمام و دارالعجزه، بل که از وجود دوایر دولتی مثل اداره ولایتی و عدلیه، نظمیه، بلدیه، عسکریه، قورخانه، ذخیره، انجمن‌های علمی و تجاری رسمی و مجامع خیریه کلیه لوازم عمران و شرایط اجتماع و تنسیقات مقتضیه نظم و ترتیب و وجود کارخانه و نرس‌خانه (شاید بیمارستان - زیرنویس) و متنزهات عمومی محروم و بی نصیب است (تاریخ بوشهر - صص ۳۱ و ۳۲).

آپیش از از دنبال‌گیری داستان برق در بوشهر نگاه را بدین‌سو می‌کشانم که با دیدن واژه‌های به‌کاررفته در نوشتار بالا که در آن دوران به آسانی کاربرد پذیر بودند، امروزه می‌توانیم دریابیم که فرهنگستان زبان یکم، تا چه اندازه در کنار گذاشتن روند کاربرد چنین واژه‌هایی اثرگذار بوده و آنها را به تاریخ و گذشته پرتاب نموده است. |

بی‌گمان روش برخورد انگلیسی‌ها با مردم بومی روشی آشنا می‌باشد، آنها از گروه جهانخواران و استعمارگرانی به شمار می‌آیند که مردم بومی زیر گستره خود را همواره در پایین‌ترین حد نگه می‌داشتند تا تفاوت‌ها آشکار باشد، در حالی که سکونگاه‌های ویژه خودشان و نوکران‌شان همواره با پیشرفته‌ترین نمادهای مدرن آن روزگار تجهیز می‌شد. برای نگه‌داشتن بازه میان خود و مردمان بومی و نمایش تفاوت‌ها میانه خود و آنها، برای نشان دادن سروری و اربابی‌گری که خود را شایسته آن می‌دیدند، آشکار نمی‌گذاشتند شیوه زندگی زبردستان‌شان به سوی بهره‌گیری از نمادهای پیشرفته‌تر برود. در داستان ملی شدن صنعت نفت هم هنگامی که درهای شهر آبادان به روی همه گشوده شد، این تفاوت آشکار در میان بخش‌های وابسته به کارکنان انگلیسی و ... و بخش‌های وابسته به کارگران و دستمزد بگیران روزانه پالایشگاه آشکارا نشان از همین داستان می‌داشت. همین هنجارها و شیوه فرمانروایی خشن و بی‌پروای انگلیسی‌ها بر مردم بومی در نقاط دیگر جهان است که نفرت از آنها را بسیار ریشه‌دار کرده و هنوز هم این نفرت با آن که سال‌ها حتی ده‌ها و شاید یک سده از آن می‌گذرد فروکش نکرده است.

در ایران همیشه پیرامون آن‌ها دو منطقه با دو روش بسیار دور از هم برای زندگی دیده می‌شد. بی‌گمان یکی از امتیازهای بخش‌های ویژه انگلیسی‌نشین‌ها و نوکران‌شان در به‌کارگیری فناوری‌های نوین مانند برق و تلفن می‌بود.

«سعادت» دوباره در جایی که درباره ورود قشون انگلیس به بوشهر می‌پردازد اشاره می‌نماید که در اواخر ذیحجه سال ۱۳۳۲ ق برابر با ابان ماه ۱۲۹۳ خ هنگامی که قشون روس از شهر خوی به خاک عثمانی حمله کرد دامنه این جنگ در سال ۱۳۳۳ به درون ایران کشانده شد (۱۲۹۳ و ۱۲۹۴). در همین روند بود که انگلیسی‌ها



اردکانی در موسسات تمدنی جدید است. وی اشاره نموده که بوشهر: «از سال ۱۲۹۷ ش دارای برق شده و اولین مولد برق آن به کار افتاده بود و مورد بهره برداری قرار گرفته ولی تعداد چراغ‌ها اندک بود به طوری که در سال ۱۳۰۷ ش عده چراغ‌های شهر فقط ۳۲ شعله بوده که قرار شده بوده است به ۵۰۰ شعله تبدیل گردد» (موسسات تمدنی جدید - جلد ۳ - ص ۴۲۵). (برگرفته از اطلاعات ۱۲۶۵۹، ۱۲۰ / ۴۷/۵ ستون چهل سال قبل)

بدین ترتیب درمی‌یابیم که بوشهر از گروه شهرهای ایران به شمار می‌رود که پیش از سال ۱۳۰۰ دارای برق شده و همچنین در آغاز همین دهه ۱۲۹۰ در بنیادهای انگلیسی در خود شهر و پیرامون آن گواه روشنایی با برق بودیم. از سویی در آغاز نیز آگاه شدیم که موقر با خرید یک دستگاه فرسوده برق از یک شرکت انگلیسی نخستین برق را در بوشهر روشن نمود، اما چون این دستگاه فرسوده بود ادامه کار آن امکان‌پذیر نگردید.

همچنین در کتاب تاریخ صنعت برق در ایران نیز که بی‌گمان چشم به این منبع داشته به همین داده‌ها اشاره شده است: «سابقه برق بوشهر به سال ۱۲۹۷ برمی‌گردد که چه تعداد کمی چراغ روشن وجود داشت، به طوری که تعداد چراغ‌ها را در سال ۱۳۰۷ فقط ۳۲ شده روایت کرده‌اند» (تاریخ صنعت برق در ایران - محمدصادق حامد - ص ۱۰۵).

در این میان داده‌ها و اطلاعاتی که در کتاب یکصد سال صنعت برق به بررسی درآمده پرتو روشن‌تری به این داستان می‌اندازد: «اطلاعات موجود نشان می‌دهند که از سال ۱۲۹۷ خورشیدی استفاده از نیروی برق برای مصارف خصوصی در این شهر آغاز شده است، در حدود سال ۱۳۰۰ در محل اداره آموزش و پرورش کنونی بوشهر یک دستگاه افزاز برق‌زای (مولد) با قدرت ۳۰ تا ۴۰ کیلووات نصب گردید که احتمالاً به دست تجار بوشهر خریداری و شخصی به نام عبدالکریم هندی آن را اداره می‌کرد (یکصد سال صنعت برق ایران - محمد بانکیان - صص ۶۰۹ و ۶۱۰). ■

هم برای رویارویی با نیروهای بومی و واسموس آلمانی که آنها را راهنمایی می‌کرد همانند روس‌ها بی‌طرفی ایران را نادیده گرفتند و همزمان با سی‌هزار نفر قشون سواره و پیاده (که بیشترشان سربازان هندی بودند) با همه سازوبرگ‌شان به ایران درآمدند و در بهمنی نشین گرفتند:

آنها از آغاز سال ۱۳۳۳ (محرم) تا شعبان آن سال (از ابان ماه ۱۲۹۳ تا خرداد ۱۲۹۴ خ) در بهمنی و بوشهر شهر استقرار یافتند و سازماندهی شدند. در این بازه ی زمانی شش ماهه آنها تلگراف بی‌سیم و چراغ‌های برق دریایی (بی‌گمان با لامپ‌های قوسی) برای هدایت کشتی‌ها در لنگرگاه بوشهر ایجاد کردند. ابدین ترتیب باز هم از روشنایی با برق در بوشهر در سال ۱۲۹۳ باخبر می‌شویم | و تاکنون این چراغ‌ها (ی برق) و تلگراف بی‌سیم هنوز باقیست (۱۳۳۴ ق = ۱۲۹۴ و ۱۲۹۵ خ) (تاریخ بوشهر - صص ۲۰۴ و ۲۰۵).

نبرد با واسموس آلمانی و تنگستانی‌ها باید برای انگلیسی‌ها بسیار دشوار می‌بود که با یک چنین نیرویی در بوشهر سازماندهی شده‌اند (تاریخ بوشهر - ص ۲۰۶).

در بیست‌وششم رمضان - هفتم اوت (= ۱۹۱۴ = ۱۶ مرداد ۱۲۹۳ خ) جزیره بوشهر به تصرف نیروهای انگلیسی در آمد (تاریخ بوشهر - ص ۲۰۷). در اینجا جا دارد به کوشش‌های تنگستانی‌ها به هنگام اشغال بوشهر که از دوازدهم مارس ۱۹۱۴ برابر با ۱۲ اسفند ۱۲۹۳ خورشیدی آغاز شد و درباره عملیات در روزهای پایانی ماه رمضان و آغاز شوال برابر با شهریور و مهر ۱۲۹۳ خورشیدی اشاره شود که در آن هنگام دشتستانی‌ها به ساختمان‌های انگلیسی‌ها در بهمنی می‌تاختند. همزمان کشتی‌های انگلیسی مواضع دشتستانی‌ها را با توپ هایشان می‌زدند و سپس سربازانشان را در کناره‌ها کرانه‌های دریا پیاده می‌نمودند. در نبردی که در این اوان رخ داد دوازده دشتستانی و ۱۲۰ سرباز انگلیسی (که به احتمال بیشتر هندی بودند) کشته شدند. چند روز پس از آن در شب ۲۲ شوال (= ۲۲ شهریور ۱۲۹۳ خورشیدی) «رئیسعلی دلواری» با ۲۰ تفنگ چی به آهنگ شبیخون زدن به همین سپاه انگلیسی به قریه «تنگک» رفت ولی به احتمال بسیار جاسوس‌های پلیید بومی انگلیسی‌ها را آگاه ساخته بودند، زیرا از بالاخانه همان خانه رئیسعلی دلواری که در حال برنامه‌ریزی شبیخون خود بود با دو تیر که به سوی شلیک گردید کشته شد. به همین آسانی این دلاور پرآوازه به خاک و خون کشیده شد، گرچه در در رئای مرگ وی در جای‌جای استان فارس به ویژه در شیراز، کازرون و دشتی و دشتستان آیین‌های بزرگداشت برگزار گردید. (همان - صص ۲۰۶ و ۲۰۷).

دومین نوشته که به برق در بوشهر اشاره دارد نوشته محبوبی

گزارش عملکرد سندیکا (شش ماهه اول سال ۱۴۰۱)

گردآوری و تنظیم: دفتر پژوهش سندیکا



مقدمه

با توجه به سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران برای کاهش تصدی‌گری دولت، در برنامه‌های مختلف توسعه اجتماعی-اقتصادی کشور، به خصوصی‌سازی در صنعت برق تاکید و در برنامه‌ریزی برق کشور نیز سهم نیروگاه‌های خصوصی تا ۸۰ درصد برق مورد نیاز کشور تعیین شده است. با حضور سرمایه‌گذاران غیر دولتی در این عرصه، سازماندهی و تاسیس تشکلی واحد در دستور کار اعضا موسس این سندیکا که متشکل از ۲۴ شرکت بودند، قرار گرفت.

به این ترتیب سندیکای شرکت‌های تولید کننده برق به استناد بند «ک» ماده ۵ قانون اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی

ایران و صورتجلسه مورخ ۱۳۸۶/۲/۳۰ مجمع عمومی مؤسسین، با شماره ۲۲۴ در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۴ ثبت شد.

تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی و غیر دولتی در امر احداث نیروگاه، خرید نیروگاه‌های دولتی، تولید برق، افزایش تعداد اعضای سندیکا، مراقبت و حمایت از ارتقای فناوری، مدیریت و بهره‌وری در امر احداث و بهره‌برداری از نیروگاه‌ها، ایفای نقش اتاق فکر در مباحث مربوط به چالش‌های خصوصی‌سازی تولید برق، ارتباط و هماهنگی با سازمان‌ها، موسسات و نهادهای ذی‌ربط (اعم از حاکمیت و مشتریان) به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری در تولید برق، تسهیل‌گری و ایجاد فرصت برای سرمایه‌گذاری اعضا در خارج از کشور، از جمله رسالت‌ها و اهداف این تشکل است.

دستیابی به ظرفیت تولید ۵۰ هزار مگاوات برق در شرکت‌های عضو سندیکا تا سال ۱۴۰۴ هدف کلان و همکاری در اصلاح اقتصاد برق، واقعی کردن بهای فروش برق شرکت‌های عضو، دستیابی به ۵۰ درصد از ظرفیت صادرات برق کشور، مشارکت در تدوین مقررات و اصلاح و اثرگذاری در تدوین قوانین و مقررات و فعال کردن بورس انرژی با قیمت‌های واقعی به عنوان اهداف اولیه سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق تعریف شده بود. در حال حاضر نیروگاه‌های عضو سندیکا با مجموع قدرت نامی در حال بهره‌برداری ۳۹۶۱۵ مگاوات و بالغ بر ۲۰۵۶۰۳ گیگاوات ساعت تولید ناویژه سالانه، سهم ۵۵ درصدی از قدرت نامی نیروگاه‌های حرارتی و سهم ۶۲ درصدی از تولید ناویژه نیروگاه‌های حرارتی دارند. هم‌چنین سهم نیروگاه‌های در حال بهره‌برداری سندیکا از کل تولید ناویژه کشور ۵۷ درصد و سهم نیروگاه‌های حرارتی بخش خصوصی از کل تولید ناویژه کشور، ۵۹٫۸ درصد است که با حساب سایر نیروگاه‌های بخش خصوصی (بادی، خورشیدی، تولید پراکنده و ...)، کل سهم بخش خصوصی از تولید ویژه کشور ۶۲ درصد است. دبیرخانه سندیکا متشکل از دفاتر: کمیسیون‌های تخصصی، پژوهش، روابط عمومی، آموزش و IT است که دستیابی به اهداف ذیل را زیر نظر هیات مدیره و دبیر سندیکا پی‌گیری می‌کنند:

- ارتباط با دولت، مجلس شورای اسلامی، اتاق‌های بازرگانی و سایر نهادهای موثر با هدف کمک به بهبود فضای کسب‌وکار فعالان بخش خصوصی در تولید برق و حل مشکلات اعضا
- تاثیرگذاری بر قوانین، آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با کسب و کار اعضا با انجام مطالعات پژوهشی و بررسی در کمیسیون‌های تخصصی سندیکا
- تحلیل روندهای موجود در تولید برق با هدف رصد کردن شرایط و ارائه پیشنهادها مناسب به مقامات به فراخور موضوعات مرتبط
- همکاری با سایر نهادهای خصوصی و دولتی فعال در صنعت برق به منظور دستیابی به راه‌حل‌های مشترک برای مشکلات موجود
- تهیه گزارش‌های پژوهشی
- فعالیت‌های آموزشی، برگزاری دوره‌های تخصصی و سمینارهای آموزشی
- شرکت در جلسات، انعکاس مشکلات اعضا و مشارکت در استخراج راه‌کارها
- انعکاس اخبار و اطلاعات از طریق بولتن روزانه، سایت و نشریه تخصصی «نیرو و سرمایه»

- ارتباط با سایر رسانه‌های جمعی خارج از سندیکا به منظور انعکاس مسائل
- برای رسیدن به اهداف سندیکا اقدامات مختلفی در سندیکا صورت می‌گیرد که مهم‌ترین دستاوردهای آن در نیمه نخست سال ۱۴۰۱ به شرح زیر بوده است:
- انعکاس نظرات تولیدکنندگان غیر دولتی برق بر طرح مانع‌زدایی از صنعت برق و رفع ابهامات طرح مذکور
- پی‌گیری تا اجرایی شدن ظرفیت‌های بند (ص) تبصره ۲ قانون بودجه ۱۴۰۱ برای تهاثر بدهی‌ها و مطالبات
- دریافت مصوبه وزیر نیرو برای اصلاح و افزایش سقف قیمت بازار برق به ۸۰۳ ریال به ازای هر کیلووات‌ساعت انرژی تولیدی
- دفاع از حقوق اعضا در هیات‌های حل اختلاف مالیاتی که دستاوردهای قابل توجهی برای شرکت‌های عضو دارد
- پی‌گیری برگزاری جلسات با مسئولین تمامی نهادهای تصمیم‌گیر و اثرگذار و ارسال گزارش‌های پژوهشی و کارشناسی برای آن‌ها که منجر به انعکاس مشکلات اعضا به صورت مستند در تمامی سطوح از جمله اتاق‌های بازرگانی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، هیات تنظیم بازار برق، وزارت نیرو، شرکت مدیریت شبکه برق ایران، شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی و کمیسیون‌های مرتبط مجلس شورای اسلامی می‌شود
- تقویت ارتباط با نهادهای تصمیم‌گیر و اثرگذار که منجر به دریافت نظرات سندیکا در ارتباط با تمامی آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با تولید برق می‌شود
- پی‌گیری‌های مستمر برای حل مشکل بازپرداخت بدهی‌های ارزی
- هم‌چنین در ادامه، خلاصه‌ای از اقدامات سندیکا که به صورت موضوعی تفکیک شده است، تشریح و سپس عملکرد واحدهای سندیکا ارائه می‌شود. بررسی برخی از شاخص‌های آماری عملکرد سندیکا بخش پایانی این گزارش را به خود اختصاص می‌دهد.

۱. اهم محورهای پی‌گیری شده در سندیکا

۱-۱. اصلاح و افزایش سقف قیمت بازار برق

در دستورالعمل تعیین نرخ خرید تضمینی برق موضوع بند «ت» ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه، وزارت نیرو موظف شده است ضوابط تعیین سقف نرخ انرژی و نرخ پایه آمادگی بازار

عمده‌فروشی را تدوین و پس از تایید وزیر نیرو برای اطلاع عموم و ذی‌نفعان ابلاغ نماید. وزارت نیرو به جای تدوین ضوابط، با یک سال تاخیر سقف جدیدی برای قیمت برق اعلام کرد و این رویه هر ساله تاکنون ادامه یافته است. در نتیجه برای اصلاح و تعدیل سالانه قیمت خرید برق در بازار نیاز به چانه‌زنی و پی‌گیری مستمر از هیات تنظیم بازار برق و صرف زمان و انرژی بسیار است. سندیکا از ابتدای سال اقدامات گسترده‌ای را به منظور تسریع ابلاغ قیمت‌های جدید بازار برق در دستور کار قرار داد که در جدول زیر به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است.

اقدامات
● مکاتبات متعدد با وزیر نیرو و هیات تنظیم بازار برق
● پیگیری تا دریافت مصوبه وزیر نیرو برای اصلاح و افزایش سقف قیمت بازار برق به ۸۰۳ ریال به ازای هر کیلووات‌ساعت انرژی تولیدی
● بررسی مصوبه فوق‌الذکر در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی، دریافت نظرات اعضا پیرامون این مصوبه و ارسال نظرات سندیکا برای وزیر نیرو
● انعکاس شیوه فعلی قیمتگذاری برق در بازار و تخطی از اجرای کامل بند «ت» ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه به عنوان یکی از مشکلات این صنعت به نهاد ریاست جمهوری، کمیسیونهای مرتبط مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و سازمان بازرسی کل کشور

۱-۲. حل مشکل بازپرداخت وام‌های ارزی صندوق توسعه ملی
سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به طور کلی و از جمله احداث نیروگاه‌ها به منظور افزایش توان تولید برق از جمله زمینه‌هایی است که به منابع مالی قابل توجه نیاز دارد. در این راستا استفاده از تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی همواره یکی از راه‌های تامین مالی پروژه‌های تولید برق بوده است. در سه سال اخیر و مشخصاً از نیمه دوم سال ۱۳۹۶، افزایش ناگهانی قیمت ارز و کاهش ارزش پول ملی مشکلات بسیاری را برای تولیدکنندگان ایجاد کرد که برای تولیدکنندگان برق علاوه بر مسائل مرتبط با افزایش هزینه‌های تولیدی ناشی از افزایش قیمت تجهیزات وارداتی ساخت و تعمیر و نگهداری نیروگاه‌ها، مشکل مضاعف بازپرداخت اقساط تسهیلات ارزی با ارزشی چندین برابر نیز حاصل شده است. در این راستا در چهار سال گذشته به صورت مستمر پیشنهادهای موجود به منظور حل این مشکل (از جمله امکان بازپرداخت با نرخ رسمی یا تهاتر

۱- اجرای حکم هیات عمومی دیوان عدالت اداری.

و ...) در سندیکا بررسی و در موارد ممکن از طریق نهادهای مختلف مورد پی‌گیری قرار گرفته است. متأسفانه این پی‌گیری‌ها تاکنون منجر به حل مشکل نشده است. با توجه به ابعاد گسترده موضوع و تبعات جبران‌ناپذیر آن برای برخی اعضا، پی‌گیری‌ها همچنان در هیات‌مدیره و دبیرخانه ادامه دارد. شرح کامل اقدامات انجام شده در نیمه نخست سال ۱۴۰۱ را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد.

اقدامات
● طرح مساله در چندین جلسه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی و اعلام همکاری شورای گفت‌وگو برای پی‌گیری تا حل مشکل
● برگزاری جلسات متعدد در سندیکا با حضور مدیران نیروگاه‌هایی که اقساط آن‌ها سررسید شده است برای استخراج راه‌کار پیشنهادی و ملاحظات موجود برای افزایش شانس اجرایی شدن این راه‌کار
● برگزاری جلسه با معاونت هماهنگی اقتصادی و زیر بنایی معاون اول رئیس جمهور و پی‌گیری ایشان از صندوق توسعه ملی، وزارت نیرو، وزارت امور اقتصاد و دارایی و سازمان برنامه و بودجه کشور برای استعلام نظرات در زمینه راه‌کار پیشنهادی

۱-۳. جبران مالی زیان نیروگاه‌ها از محل عدم تعدیل سالیانه نرخ پایه آمادگی بر اساس دستورالعمل بند «و» ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم توسعه در دو سال پایانی برنامه
سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به طور کلی و از جمله احداث نیروگاه‌ها به منظور افزایش توان تولید برق از جمله زمینه‌هایی است که به منابع مالی قابل توجه نیاز دارد. در این راستا استفاده از تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی همواره یکی از راه‌های تامین مالی پروژه‌های تولید برق بوده است. در سه سال اخیر و مشخصاً از نیمه دوم سال ۱۳۹۶، افزایش ناگهانی قیمت ارز و کاهش ارزش پول ملی مشکلات بسیاری را برای تولیدکنندگان ایجاد کرد که برای تولیدکنندگان برق علاوه بر مسائل مرتبط با افزایش هزینه‌های تولیدی ناشی از افزایش قیمت تجهیزات وارداتی ساخت و تعمیر و نگهداری نیروگاه‌ها، مشکل مضاعف بازپرداخت اقساط تسهیلات ارزی با ارزشی چندین برابر نیز حاصل شده است. در این راستا در چهار سال گذشته به صورت مستمر پیشنهادهای موجود به منظور حل این مشکل (از جمله امکان بازپرداخت با نرخ رسمی یا تهاتر

مورد پی‌گیری قرار گرفته است. متأسفانه این پی‌گیری‌ها تاکنون منجر به حل مشکل نشده است. با توجه به ابعاد گسترده موضوع و تبعات جبران‌ناپذیر آن برای برخی اعضا، پی‌گیری‌ها همچنان در هیات‌مدیره و دبیرخانه ادامه دارد. شرح کامل اقدامات انجام شده در نیمه نخست سال ۱۴۰۱ را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد.

اقدامات
● انعکاس عدم تمکین به اجرای رویه‌های قضائی و احکام دیوان عدالت اداری به عنوان یکی از مشکلات این صنعت به نهاد ریاست جمهوری، کمیسیون‌های مرتبط مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و سازمان بازرسی کل کشور
● حضور نمایندگان سندیکا در کارگروه نظارت بر رعایت قوانین حاکمیتی حوزه برق
● مکاتبه با اعضا و تلاش برای ایجاد رویه واحد در پی‌گیری اجرای حکم دیوان عدالت اداری
● اقدام برای انتخاب وکیل مجرب جهت پی‌گیری اجرای حکم دیوان عدالت اداری و وصول مطالبات اعضا
● مکاتبه با دادستانی کل کشور و درخواست تمکین وزارت نیرو به اجرای قوانین و آرای دیوان عدالت اداری

۱-۴. پی‌گیری اصلاح قرارداد خرید برق از نیروگاه‌ها و پرداخت خسارت تاخیر در تادیه

از جمله مشکلات نیروگاه‌های غیردولتی تولیدکننده برق مفاد قراردادهای فروش برق آن‌ها با شرکت‌های وزارت نیرو است. در شرایط فعلی که بخش خصوصی سهم بالایی را در تولید برق کشور دارد، انتظار می‌رود ساختار حقوقی و مقررات‌گذاری صنعت برق به گونه‌ای باشد که ضامن رقابت سالم و برابر و ایجاد انصاف در شرایط فعالیت بخش خصوصی و دولتی شود اما متأسفانه در عمل این گونه نیست. از جمله مصادیق بارز این ادعا می‌توان به در نظر نگرفتن خسارت تاخیر در پرداخت بهای برق خریداری شده از نیروگاه‌ها اشاره کرد. در حالی که نیروگاه بابت تاخیر در پرداخت اقساط وام‌های دریافتی خود در همین زمان که مطالبات قابل توجه از شرکت‌های زیر مجموعه وزارت نیرو دارد، خسارت‌های مالی سنگین به سیستم بانکی و سازمان‌های امور مالیاتی و تامین اجتماعی می‌پردازد. از جمله برنامه‌های سندیکا در نیمه نخست سال ۱۴۰۱ که در ادامه چهار سال اقدامات مجدانه از سال ۱۳۹۷ صورت گرفت، تلاش برای اصلاح این قراردادها و ملزم کردن



شرکت‌های زیر مجموعه وزارت نیرو به پرداخت خسارت تاخیر بوده است که در جدول زیر به اهم اقدامات در این زمینه پرداخته می‌شود.

اقدامات
● حضور در جلسه‌ای برای دفاع از حقوق اعضا در این زمینه با حضور معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی و نمایندگان شرکت‌های زیر مجموعه و جناب آقای دکتر توانگر از کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی
● مکاتبه با معاونت نظارت مجلس شورای اسلامی برای درخواست اجرای تبصره ذیل ماده (۱۰) قانون برنامه ششم توسعه
● انعکاس عدم تمکین به اجرای تبصره ذیل ماده (۱۰) قانون برنامه ششم توسعه و زایل شدن حق تولیدکنندگان برق به عنوان یکی از مشکلات این صنعت به نهاد ریاست جمهوری، کمیسیون‌های مرتبط مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و سازمان بازرسی کل کشور
● اطلاع رسانی آخرین وضعیت پی‌گیری مساله به اعضا به منظور ایجاد رویه واحد در پی‌گیری‌های سندیکا و اعضا

۱-۵. پی‌گیری مشکلات مرتبط با مالیات

حل مسائل مالیاتی اعضا که کمیسیون بیمه و مالیات سندیکا بررسی آن‌ها را بر عهده دارد، همواره یکی از اولویت‌های دبیرخانه است. اقدامات صورت گرفته در سندیکا در ۶ ماهه نخست سال در زمینه مشکلات مالیاتی اعضا عمدتاً بر محورهای معرفی نماینده برای هیات‌های حل اختلاف مالیاتی به منظور دفاع از حقوق شرکت‌ها و نیز استفاده از ظرفیت‌های بودجه برای تهاتر بدهی‌های مالیاتی اعضا و مطالبات آن‌ها متمرکز بوده است که شرح اقدامات صورت گرفته در جدول ذیل ارائه شده است.



در زمره موثرترین کانال‌های پی‌گیری منافع اعضا نیز به شمار می‌آید. سندیکا تلاش کرده است با شرکت در جلسات، عضویت در کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران و تهیه گزارش‌های مشترک با نهادهای مستقل از جمله اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، مشکلات تولیدکنندگان غیر دولتی برق را دقیق و مستند انعکاس دهد. برخی از این اقدامات در جدول زیر آمده است.

اقدامات
<ul style="list-style-type: none"> حضور نمایندگان هیات مدیره سندیکا در جلسات متعددی در باره تولید برق در کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی و دعوت از نمایندگان مجلس در کمیسیون‌های اقتصادی و انرژی و برگزاری جلسات با حضور ایشان در محل سندیکا ارسال گزارش‌های پژوهشی برای اتاق بازرگانی ایران و کمیسیون‌های مرتبط مجلس شورای اسلامی حضور در جلسات مرتبط اتاق بازرگانی ایران، هیات تنظیم بازار برق و شرکت مدیریت شبکه برق اعلام نظر بر آئین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها شرکت در جلسات و مشارکت در تدوین قوانین مرتبط با تولید برق از جمله بودجه ۱۴۰۲ و برنامه هفتم توسعه

آلایندگی‌های زیست‌محیطی منافع بسیاری در سطح بخشی و ملی به همراه دارد. در ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی، امکان خوبی برای بازگشت سرمایه‌گذاری نیروگاهی در این امر از محل سوخت صرفه جویی دیده شده است. در عمل قراردادهای بیع متقابل که به این منظور تنظیم می‌شوند، با مشکلاتی در اجرا و تضمین بازگشت سرمایه‌گذار همراهند که سندیکا در سالیان گذشته همواره حل این مشکلات را در دستور کار داشته و در نیمه نخست سال جاری نیز اقداماتی به شرح زیر برای این منظور انجام شده است:

اقدامات
<ul style="list-style-type: none"> انعکاس نظرات بخش خصوصی در تدوین شرایط سرمایه‌گذاری احداث بخش بخار نیروگاه‌های سیکل ترکیبی در مکاتبه با وزارت نیرو و سازمان برنامه و بودجه انعکاس الزامات اقتصادی اجرای طرح احداث واحدهای بخار نیروگاه‌های خصوصی در مکاتبه با نهاد ریاست جمهوری برگزاری جلسات مستمر هم‌اندیشی با نیروگاه‌های مشمول این سرمایه‌گذاری

۱-۱۰. تعاملات با نهادهای اثرگذار
برقراری ارتباط سازنده با سایر نهادهای تصمیم‌گیر و اثرگذار ضمن آن‌که از جمله اصول پیشرفت و توسعه تشکلهای است،

۱-۷. مشارکت در تهیه پیشنهادهای بخش برق برای درج در لایحه بودجه ۱۴۰۲

سند بودجه به عنوان مهم‌ترین سند مالی اداره کشور هر ساله آذر ماه توسط رئیس‌جمهور تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌شود. یکی از اقدامات سندیکا در تابستان ۱۴۰۱ تمرکز بر استخراج پیشنهادهایی برای درج در بودجه ۱۴۰۲ و اعلام نظر بر پیشنهادهای تهیه‌شده در زمینه تولید برق بوده است. اهم اقدامات صورت‌گرفته که در نیمه دوم سال و همزمان با فصل بودجه با شدت بیشتری دنبال خواهد شد، به شرح زیر هستند:

اقدامات
<ul style="list-style-type: none"> شرکت در جلسات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و سازمان برنامه و بودجه تهیه پیش نویس پیشنهادهای سندیکا و ارسال به سازمان‌های اثرگذار تشکیل کمیسیون برنامه و بودجه به منظور بهبود سازمان‌دهی و افزایش اثرگذاری سندیکا در بحث برنامه هفتم توسعه و قوانین بودجه سنواتی

۱-۸. دریافت مطالبات اعضا

وصول مطالبات انباشته تولیدکنندگان برق از سازمان‌های زیر مجموعه وزارت نیرو همواره یکی از دغدغه‌های کلیدی اعضای سندیکا است. در دو سال گذشته گشایش قابل توجهی در درآمدهای وزارت نیرو از محل تبصره ۱۵ قوانین بودجه ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ حاصل شده است که باید بخشی از آن به پرداخت مطالبات تولیدکنندگان برق اختصاص می‌یافت. از همین رو سندیکا از نهادهای مختلف و اثرگذار اجرا شدن بند (ز) تبصره ۱۵ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ و بند (ط) تبصره ۱۵ قانون بودجه سال ۱۴۰۱ را در زمینه پرداخت مطالبات در دستور کار پی‌گیری قرار داد. خلاصه اقدامات در جدول زیر آمده است:

اقدامات
<ul style="list-style-type: none"> مکاتبه با وزارت نیرو، شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی و دیوان محاسبات کشور استعلام از اعضا پی‌گیری از طریق سازمان برنامه و بودجه

۱-۹. اعلام نظرات بر تدوین شرایط سرمایه‌گذاری احداث

بخش بخار نیروگاه‌های سیکل ترکیبی
افزودن واحد بخار به واحدهای گازی و تبدیل نیروگاه‌ها به سیکل ترکیبی از طریق ارتقای راندمان، کاهش مصرف سوخت و کاهش

اقدامات

- تهاتر بدهی‌های مالیاتی اعضا و مطالبات آن‌ها**
- مکاتبه با کمیسیون‌های مرتبط مجلس شورای اسلامی، سازمان امور مالیاتی، شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی و شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی برای استفاده از ظرفیت بند (ص) تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۴۰۱
 - معرفی نماینده برای هیات‌های حل اختلاف مالیاتی به منظور دفاع از حقوق شرکت‌ها
 - دفاع از حقوق اعضا در زمینه مشکلات مالیاتی با معرفی نماینده برای چهار نیروگاه
 - معرفی نمایندگان سندیکا برای حضور در هیات‌های حل اختلاف مالیاتی در مکاتبه با سازمان امور مالیاتی

۱-۶. مشارکت در تهیه پیشنهادهای بخش برق برای درج در برنامه هفتم توسعه

احکام برنامه‌های توسعه همواره از اثرگذاری بالایی بر وضعیت اداره صنعت برق برخوردارند. از آنجا که با پایان سال ۱۴۰۱، مدت اعتبار برنامه ششم توسعه نیز تمام می‌شود، در نیمه نخست سال ۱۴۰۱ نهادهای متعددی از جمله مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران و سازمان برنامه و بودجه اقدام به برگزاری جلساتی برای دریافت نظرات بخش خصوصی در تهیه برنامه هفتم توسعه کردند. سندیکا در تمامی جلسات مشارکت موثر داشته و پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت تولید برق و تولیدکنندگان برق ارائه کرده است. ضمن آنکه با هدف سازمان‌دهی بهتر و افزایش اثرگذاری در زمینه ارائه پیشنهادهایی برای درج در برنامه هفتم توسعه و قوانین بودجه سنواتی، کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون برنامه و بودجه تاسیس و کار خود را از نیمه نخست سال ۱۴۰۱ آغاز کرده است. جدول زیر شرح اقدامات سندیکا در این زمینه است:

اقدامات
<ul style="list-style-type: none"> تهیه گزارش آسیب‌شناسی احکام بخش برق در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه و پیشنهادهایی برای درج در برنامه هفتم توسعه در دفتر پژوهش سندیکا و ارسال برای اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و کمیسیون انرژی و برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی شرکت در جلسات اتاق بازرگانی و سازمان برنامه و بودجه و انعکاس نظرات سندیکا تشکیل کمیسیون برنامه و بودجه به منظور بهبود سازمان‌دهی و افزایش اثرگذاری سندیکا در بحث برنامه هفتم توسعه و قوانین بودجه سنواتی



۱۱-۱. مسائل مرتبط با بورس انرژی و توسعه معاملات خارج از بازار

با توجه به اهمیت بورس انرژی به عنوان بستری برای معاملات برق و نیز پیش‌بینی رونق بیشتر این بازار در آینده و نیز با توجه به رویکرد وزیر نیرو در زمینه ضرورت توسعه معاملات برق در بورس انرژی، در سال ۱۴۰۱ بررسی‌های مختلفی در زمینه مشکلات فعلی بورس انرژی و راهکارهای توسعه معاملات خارج از بازار در سندیکا آغاز شد که شرح آن‌ها در جدول زیر ارائه شده است.

اقدامات

- تاکید بر عدم حضور نیروگاه‌های دولتی در بورس انرژی تا زمانیکه کلیه مشترکین ملزم به خرید برق از بورس شوند، در مکاتبه با وزارت نیرو و سازمان بورس انرژی
- انعکاس مشکلات نیروگاه‌های پذیرفته شده در بورس در مکاتبه با سازمان بورس اوراق بهادار
- تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی پی‌گیری اعمال کف قیمتی در معاملات بورس انرژی در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی
- اعلام نظر در خصوص دستورالعمل توسعه مبادلات برق در بورس انرژی در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی
- بررسی مسائل به شکل مستمر در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی سندیکا و کارگروه‌های زیرمجموعه آن

سایر محورهایی که در این بازه زمانی در دبیرخانه سندیکا پی‌گیری شده است عبارتند از: پذیرفتن مطالبات شرکت‌ها به عنوان ضمانت نامه معتبر در مناقصات، درخواست ادامه برگزاری جلسات گواهی ظرفیت از شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی، تاسیس نهاد تنظیم‌گر بخش برق، رفع مشکلات اجرایی در فرآیند صدور گواهی ظرفیت، انعکاس درخواست‌های تولیدکنندگان برق از هیات تنظیم بازار برق، استعلام وضعیت استرداد مطالبات مالیات بر ارزش افزوده شرکت‌ها. همچنین موضوعات تخصصی در کمیسیون‌های سندیکا مورد بررسی قرار می‌گیرد که گزارش فعالیت‌های آن‌ها در نیمه نخست سال ۱۴۰۱ در ادامه آمده است.

۲. گزارش فعالیت‌های واحدهای مختلف سندیکا

۲-۱. کمیسیون‌ها

۲-۱-۱. کمیسیون بازار برق و بورس انرژی

● **اعلام نظر در خصوص پیش‌نویس «رویه مدیریت مصرف سوخت نیروگاه‌ها در آرایش تولید نیروگاهی بازار برق»:** برگزاری جلسه کمیسیون بازار برق و بورس انرژی و بررسی پیش‌نویس فوق‌الذکر که توسط شرکت مدیریت شبکه برق تهیه شده بود، جمع‌بندی پیشنهادهای اعضای کمیسیون، ارجاع موضوع به کارگروه سوخت

● **بررسی پروپوزال «طراحی مدل بهینه ارزیابی و مدیریت عملکرد برای شرکت‌های تولید کننده برق ایران»:**

برگزاری جلسه کمیسیون بازار برق و بورس انرژی و بررسی پروپوزال فوق‌الذکر که توسط آقای دکتر شبانی استاد دانشگاه آزاد سنجندج پیشنهاد شده بود، جمع‌بندی نظرات اعضای کمیسیون، عدم تصویب پروپوزال پیشنهادی

● **بررسی موضوع پذیرش طلب شرکت‌های تولیدکننده برق به جای ضمانت‌نامه بانکی در مناقصات:** برگزاری جلسه کمیسیون بازار برق و بورس انرژی، بررسی پیشنهاد شرکت تولید نیروی برق دماوند، جمع‌بندی نظرات اعضای کمیسیون، مکاتبه با شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی

● **بررسی نامه دریافتی از وزارت نیرو برای معرفی نماینده سندیکا در کارگروهی با هدف اصلاح برخی دستورالعمل‌ها و مصوبات:** برگزاری جلسه کمیسیون بازار برق و بورس انرژی و بررسی موضوع نامه وزارت نیرو، معرفی نمایندگان سندیکا به وزارت نیرو

● **تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی پی‌گیری اعمال کف قیمتی در معاملات بورس انرژی:** برگزاری جلسه کمیسیون بازار برق و بورس انرژی، اظهار نظر اعضای کمیسیون، ارجاع موضوع به کارگروه بورس انرژی

● **بررسی درخواست شرکت مدیریت شبکه برق از نیروگاه‌ها مبنی بر آمادگی سیستم‌های افزایش توان در ایام اوج بار:** طرح موضوع در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی، اظهار نظر اعضای کمیسیون، جمع‌بندی نظرات اعضای کمیسیون و ارجاع ادامه بررسی به کارگروه خدمات جانبی و کمیسیون مهندسی و سیستم‌ها

● **اعلام نظر در خصوص اطلاعیه ۱۶۶۸ شرکت مدیریت شبکه برق مبنی بر این که «پیش‌بینی باری که از این پس در بازار منتشر می‌شود همان میزانی است که**

قرار است در بازار خریداری گردد»: طرح موضوع در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی سندیکا، بررسی ابعاد اطلاعیه فوق‌الذکر، جمع‌بندی نظرات اعضای کمیسیون، مکاتبه با هیات تنظیم بازار برق، شرکت در جلسات هیات تنظیم، معرفی نماینده سندیکا برای شرکت در کارگروه پیشنهادی هیات تنظیم بازار برق، درخواست از شرکت‌های عضو برای مکاتبه با شرکت مدیریت شبکه برق و اعتراض به اعمال قدرت بازار توسط خریداران بازار برق

● **اعلام نظر در خصوص دستورالعمل توسعه مبادلات برق در بورس انرژی:** طرح موضوع در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی، اظهار نظر اعضای کمیسیون، ارجاع موضوع به کارگروه بورس انرژی

● **بررسی نامه شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی به نیروگاه‌ها مبنی بر لزوم ثبت درخواست نفت سفید:** طرح موضوع در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی، جمع‌بندی نظرات اعضای کمیسیون بازار برق و بورس انرژی و ارجاع ادامه بررسی به کمیسیون مهندسی و سیستم‌ها

● **بررسی موضوع دریافت حق الامتیاز پروانه بهره‌برداری توسط وزارت نیرو به منظور تمدید پروانه بهره‌برداری**

نیروگاه‌ها: طرح موضوع در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی و بررسی نامه شرکت تولید نیروی پرتو شمس تابان، اظهار نظر اعضای کمیسیون، ارجاع موضوع به کمیسیون مقررات و قراردادهای

● **بررسی اطلاعیه شماره ۱۶۴۰ شرکت مدیریت شبکه برق در خصوص نصب کنتور در مبادی تولید ناخالص واحدهای نیروگاهی:** طرح موضوع در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی، جمع‌بندی نظرات اعضای کمیسیون، مکاتبه با هیات تنظیم بازار برق، لغو الزام موضوع در سال جاری برای نیروگاه‌ها، ارجاع موضوع به شرکت مادر تخصصی برق حرارتی به منظور بررسی و ارائه گزارش به هیات تنظیم بازار برق.

۲-۱-۱-۱. کارگروه‌ها

کارگروه بازار برق و بورس

- پی‌گیری اعمال کف قیمتی در معاملات بورس انرژی: بررسی موضوع در جلسه کارگروه، پی‌گیری موضوع طی جلسه با سازمان بورس انرژی.
- تهیه دستورالعمل توسعه مبادلات برق در بورس انرژی: برگزاری



- پیشنهادهایی برای درج در برنامه هفتم توسعه در بخش تولید برق
- پیشنهادهایی برای درج در بودجه ۱۴۰۲ در بخش تولید برق
- تعیین سیاست‌های سندیکا در دور ششم هیات مدیره
- اهمیت مشکلات موجود در تولید برق کشور و راهکارهای پیشنهادی
- همکاری با مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و نیز کمیسیون‌های مرتبط مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سازمان برنامه و بودجه برای تهیه/اعلام نظر بر هر گونه محتوای تولیدشده مرتبط با تولید برق از جمله طرح مانع‌زدایی از صنعت برق، گزارش نحوه مواجهه با بدهکاران ارزی صندوق توسعه ملی و جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸ و طرح تفاهم‌نامه تاسیس خطوط لوله برای انتقال سوخت
- پی‌گیری اجرایی شدن احکام موجود در تبصره‌های «۲» و «۱۵» قانون بودجه ۱۴۰۱ در بحث تهاثر مطالبات و بدهی‌های تولیدکنندگان و پرداخت مطالبات آنها
- گردآوری نهایی مدارک عملکرد سندیکا برای شرکت در طرح رتبه‌بندی تشکل‌های عضو اتاق بازرگانی
- انجام پی‌گیری‌های مورد نیاز و تهیه گزارش‌های رسمی برای حل مشکل بازپرداخت وام‌های ارزی دریافتی چهار نیروگاهی که تاریخ سررسید اقساط آنها فرا رسیده است
- تهیه یادداشت‌های تحلیلی برای نشریات داخلی سندیکا و رسانه‌ها از جمله روزنامه دنیای اقتصاد

- تصمیم‌گیری در مورد برگزاری دوره «آشنایی با بازار برق ایران (دوره مقدماتی)»
- بررسی پیشنهادهای دریافتی برای برگزاری دوره‌های آموزشی ماهانه و اطلاع‌رسانی دوره‌ها به شرکت‌های عضو،
- تصمیم‌گیری برای برگزاری دوره «آشنایی با بازار برق ایران (دوره پیشرفته)»
- تصمیم‌گیری در خصوص ادامه همکاری با مرکز همکاری‌های ژاپن و خاورمیانه برای برگزاری دوره آموزشی در ایران و ژاپن
- بررسی پیشنهاد واحد روابط عمومی سندیکا برای برگزاری دوره جامع روابط عمومی
- ارائه محاسبات انجام شده در مورد هزینه‌های خاموشی توسط دفتر پژوهش
- ۲-۱-۶. کمیسیون برنامه و بودجه
- بررسی پیشنهادهای اتاق بازرگانی ایران و مرکز پژوهش‌های مجلس در خصوص برنامه هفتم توسعه
- ۲-۲. پژوهش
- تهیه گزارش‌های تحلیلی:
- هزینه‌های کمبود برق برای جامعه
- گزارش عملکرد سندیکا در سال ۱۴۰۰ برای ارائه به مجمع عادی سالیانه

چندین جلسه کارگروه، بررسی پیش‌نویس دستورالعمل‌های وزارت نیرو و سازمان بورس انرژی در خصوص توسعه مبادلات برق در بورس انرژی، برگزاری جلسه با مدیرعامل سازمان بورس انرژی، تهیه پیش‌نویس دستورالعمل پیشنهادی سندیکا.

کارگروه سوخت

- اعلام نظر در خصوص پیش‌نویس «رویه مدیریت مصرف سوخت نیروگاه‌ها در آرایش تولید نیروگاهی بازار برق»: بررسی رویه در جلسه کارگروه، جمع‌بندی نظرات اعضای کارگروه، حضور در جلسه شرکت مدیریت شبکه برق، برگزاری چندین جلسه کارگروه به منظور نهایی کردن نظرات.
- تهیه پیش‌نویس دستورالعمل پرداخت بهای انرژی در دوران محدودیت سوخت: حضور در جلسه شرکت مدیریت شبکه برق، برگزاری چندین جلسه کارگروه، تهیه پیش‌نویس اولیه.

کارگروه خدمات جانبی

- بررسی درخواست شرکت مدیریت شبکه برق از نیروگاه‌ها مبنی بر آمادگی سیستم‌های افزایش توان در ایام اوج بار: طرح موضوع در کارگروه، اظهار نظر اعضای کارگروه، جمع‌بندی نظرات، مکاتبه با شرکت مدیریت شبکه برق.

۲-۱-۲. کمیسیون بیمه و مالیات

- استفاده از ظرفیت اتاق بازرگانی تهران برای اصلاح بخشنامه‌های تأمین اجتماعی از طریق تصویب این اصلاحات در شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی: طرح موضوع در جلسه کمیسیون، مکاتبه با اتاق بازرگانی تهران و درخواست وقت جلسه.
- بررسی تغییر ترکیب نمایندگان هیات‌های حل اختلاف مالیاتی بر اساس قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۴۰۰/۱۰/۱۳: بررسی موضوع در جلسه کمیسیون، پی‌گیری موضوع از سازمان امور مالیاتی، مکاتبه با اتاق بازرگانی ایران، مکاتبه با اتاق بازرگانی تهران و درخواست وقت جلسه.
- بررسی مشکلات شرکت‌های عضو در امور تأمین اجتماعی: بررسی موضوعات در جلسه کمیسیون، مکاتبه با اتاق بازرگانی تهران و درخواست وقت جلسه.
- پی‌گیری استرداد مطالبات مالیات بر ارزش افزوده شرکت‌ها: با توجه به اینکه کماکان برخی از نیروگاه‌ها از عدم رسیدگی به مطالبات مالیات بر ارزش افزوده خود شکایت دارند،

این موضوع مجدداً در دستور کار کمیسیون قرار گرفت، مکاتبه با شرکت‌های عضو و دریافت آخرین وضعیت مطالبات ارزش افزوده.

• تعیین برنامه‌های کمیسیون بیمه و مالیات در سال جاری.

۳-۱-۲. کمیسیون مقررات و قراردادها

- بررسی موضوع دریافت حق‌الامتیاز پروانه بهره‌برداری توسط وزارت نیرو به منظور تمدید پروانه بهره‌برداری نیروگاه‌ها: بررسی نامه یکی از شرکت‌های عضو، مکاتبه با هیأت مقررات زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار.

۳-۱-۲. کمیسیون مقررات و قراردادها

- بررسی موضوع دریافت حق‌الامتیاز پروانه بهره‌برداری توسط وزارت نیرو به منظور تمدید پروانه بهره‌برداری نیروگاه‌ها: بررسی نامه یکی از شرکت‌های عضو، مکاتبه با هیأت مقررات زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار.

۴-۱-۲. کمیسیون مهندسی و سیستم‌ها

- بررسی نامه شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی به نیروگاه‌ها مبنی بر لزوم ثبت درخواست نفت سفید: طرح موضوع در کمیسیون مهندسی و سیستم‌ها، جمع‌بندی نظرات اعضای کمیسیون.
- پروژه تحقیقاتی «مطالعه و تحقیق برای تحلیل کلان عملکرد حوزه‌های صنعت برق در بازه ۱۳۶۸-۱۳۹۸ با تاکید بر تحلیل روند تولید برق کشور»: بررسی نتایج آماری فصل دوم پروژه، ارائه گزارشی از اقدامات صورت گرفته در فرآیند انجام پروژه از ابتدا تا کنون، تصمیم بر قطع همکاری سندیکا و دانشگاه امیرکبیر برای انجام این پروژه.
- بررسی درخواست شرکت مدیریت شبکه برق از نیروگاه‌ها مبنی بر آمادگی سیستم‌های افزایش توان در ایام اوج بار: طرح موضوع در کمیسیون مهندسی و سیستم‌ها، اظهار نظر اعضای کمیسیون، جمع‌بندی نظرات اعضای کمیسیون‌های بازار برق و بورس انرژی و مهندسی و سیستم‌ها.
- ۲-۱-۵. کمیسیون آموزش و پژوهش
- تعیین برنامه‌های کمیسیون آموزش و پژوهش در سال جاری
- بررسی نتایج نیازسنجی آموزشی
- تصمیم‌گیری در مورد برنامه دوره‌های آموزشی سال ۱۴۰۱، پی‌گیری چگونگی برگزاری وبینارهای آموزشی، پی‌گیری برگزاری دوره‌ها از اساتید مربوطه

۲-۲. روابط عمومی

توسط دیگر رسانه‌ها صورت گرفته و پس از انتشار در رسانه‌ها، در بولتن «درخشش» بازنشر شده است.

ب) رسانه‌های چاپی

- برنامه‌ریزی و تدوین رؤس مطالب و رویکرد محتوایی شماره‌های ۳۷ و ۳۸ فصلنامه «نیرو و سرمایه» با بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و تصمیمات شورای سیاست‌گذاری فصلنامه که جلسات آن در ابتدای هر فصل برای تعیین خط مشی رسانه‌ای سندیکا هماهنگ و برگزار می‌شود.
- هماهنگی، پی‌گیری برای تهیه محتوا و تنظیم، ویرایش، صفحه‌آرایی و انتشار شماره‌های ۳۷ و ۳۸ (۶ و ۷ سراسری) فصلنامه «نیرو و سرمایه» به شرح زیر:

در این نشریات چاپی، محتوایی به شرح زیر درج شده است:

- فصلنامه شماره ۳۷ (۶ سراسری): ۵ یادداشت، ۸ مصاحبه اختصاصی، ۱ مقاله علمی و ۷ گزارش (شامل ۲ گزارش تاریخی، ۱ گزارش میدانی، ۱ گزارش عملکرد کمیسیون، ۱ گزارشی تحلیلی از پژوهشکده اقتصاد مقاومتی و ۲ گزارش خبری).

- فصلنامه شماره ۳۸ (۷ سراسری): ۶ یادداشت، ۸ مصاحبه اختصاصی، ۱ مقاله علمی تهیه شده در شرکت عضو سندیکا و ۴ گزارش (شامل ۱ گزارش تاریخی و ۱ مورد میدانی و ۲ گزارش تحلیلی از دفتر پژوهش سندیکا و شرکت مهندسی مسینان)، بیش از ۸۵ درصد مطالب این دو شماره فصلنامه «نیرو و سرمایه» پس از انتشار، در رسانه‌های جمعی به طور گسترده بازنشر داده شده است. همچنین با توجه به درخواست مسئولان وبسایت شرکت مدیریت شبکه، کلیه مقالات علمی منتشر شده در این دو شماره و شماره‌های قبلی نشریه به زبان انگلیسی در آن وبسایت منتشر می‌شود.

- پی‌گیری امور چاپ و توزیع شماره ۳۷ فصلنامه نیرو و سرمایه برای اعضای سندیکا، مدیران وزارت نیرو، رسانه‌های جمعی و نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط،

ج) ارتباطات رسانه‌ای

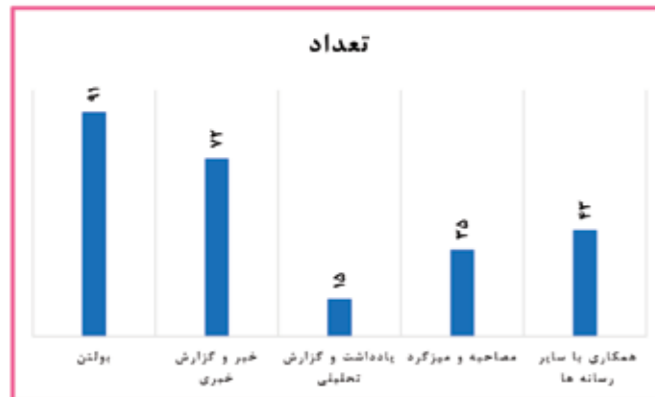
- هماهنگی و برگزاری یک نشست مطبوعاتی و رادیوتلوویزیونی با موضوع بدهی‌های ارزی نیروگاه‌ها که با حضور جمعی از مدیران شرکت‌های عضو سندیکا که با این مشکل مواجه بودند و نمایندگان رسانه‌های صدا و سیما، خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های کثیرالانتشار برگزار شد و پیرو آن مصاحبه‌هایی اختصاصی توسط این رسانه‌ها با مدیران حاضر در نشست صورت گرفت. مطالب و مصاحبه‌های این نشست علاوه بر اینکه توسط خبرنگاران حاضر در نشست، انعکاس گسترده‌ای

۳. شاخص‌های آماری عملکرد سندیکا

جدول (۱). تعداد جلسات هیات مدیره در شش ماه نخست سال ۱۴۰۱

ردیف	تعداد
۱	۱۱

نمودار ۱. سندیکا در رسانه‌های داخلی و خارجی

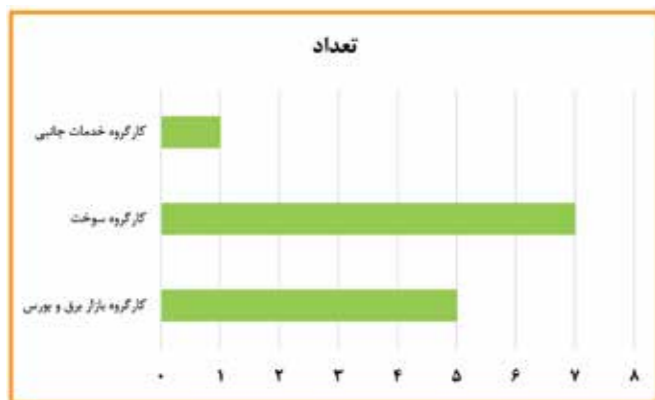


نمودار ۲. تعداد جلسات کمیسیون‌های سندیکا



همچنین لازم به ذکر است با توجه به حضور اعضای هیات‌مدیره و کمیسیون‌ها در گروه‌های مجازی، به موازات جلسات رسمی، در گروه‌ها نیز موضوعات زیادی بررسی و تصمیم‌گیری می‌شود. ■

نمودار ۳. تعداد جلسات کارگروه‌های سندیکا



داشت، گزارش ویژه دیگری نیز توسط روابط عمومی تهیه و برای سایر رسانه‌ها ارسال و در بیش از ۳۰ رسانه جمعی منعکس شد.

- همکاری مستمر با نمایندگان رسانه‌های گروهی اعم از صدا و سیما، مطبوعات و خبرگزاری‌ها برای هماهنگی و تقویت همکاری‌ها (هماهنگی مصاحبه‌های اختصاصی این رسانه‌ها با هیات مدیره و مدیران شرکت‌های عضو، هماهنگی و ارسال بخشی از محتوای رسانه‌های چاپی سندیکا برای بازنشر در خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های معتبر، تهیه یادداشت‌ها و مصاحبه‌هایی اختصاصی با هیات مدیره و مدیران شرکت‌های عضو برای بازنشر در رسانه‌های جمعی).

- همکاری و ارتباط مستمر با روابط عمومی شرکت‌های عضو و هماهنگی برای تقویت ارتباط اعضا با رسانه‌های جمعی.

د) سایر اقدامات

- همکاری و اعمال تغییرات لازم برای تدوین نهایی عناوین درسی، برنامه‌ریزی و زمان‌بندی برگزاری دوره جامع آموزشی روابط عمومی با دانشگاه علامه طباطبایی و دفتر آموزش سندیکا، انتشار گسترده آگهی ثبت نام در دوره جامع روابط عمومی که با همکاری دانشگاه علامه طباطبایی برنامه‌ریزی و تدوین شده است و پی‌گیری برای جذب متقاضیان شرکت در این دوره با همکاری دفتر آموزش سندیکا.

۴-۲. آموزش

- انجام نیازسنجی آموزشی از شرکت‌های عضو،
- جمع‌بندی نتایج نیازسنجی آموزشی برای ارائه در کمیسیون آموزش و پژوهش،

- برگزاری وبینار آموزشی با مجموع ۳۰۸ نفر - ساعت آموزش با عنوان:

- آشنایی با بازار برق ایران (دوره مقدماتی)

- برگزاری وبینار آموزشی با مجموع ۴۱۸ نفر - ساعت آموزش با عنوان:

- آشنایی با بازار برق ایران (دوره پیشرفته)

- دریافت فرم‌های ارزیابی دوره‌ها از شرکت‌کنندگان و تحلیل نتایج ارزیابی هر دوره

- تهیه تقویم آموزشی شش‌ماهه و اطلاع رسانی در سایت

- همکاری، هماهنگی و پی‌گیری از دانشگاه علامه طباطبایی برای برگزاری دوره جامع روابط عمومی

- همکاری و پی‌گیری از دفتر همکاری‌های ژاپن و خاورمیانه (JCCME) برای برگزاری دوره‌های آموزشی در نیمه دوم سال جاری.



گفت‌وگو با معصومه پاشا مدیر دفتر آموزش و کمیسیون‌های سندیکا

آغاز به کار کمیسیون برنامه و بودجه سندیکا

تدوین احکام بخش برق در برنامه هفتم توسعه و لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ در این روزها به عنوان دو موضوع اساسی که می‌تواند در آینده صنعت برق تعیین کننده باشد مورد توجه فعالان این صنعت قرار دارد. برای بخش خصوصی تولید کننده برق که هم اینک با چالش‌های متعددی مواجه است، مفاد این قوانین از اهمیت بسیاری برخوردار است و می‌تواند چشم‌انداز فعالیت آنها را ترسیم کند و امید به گره‌گشایی مشکلات را افزایش دهد. سندیکای شرکت‌های تولید کننده برق با توجه به اهمیت این دو موضوع، در ماه‌های اخیر مبادرت به تشکیل «کمیسیون برنامه و بودجه و توسعه» کرده است که برای اطلاع از اهداف و رویکردهای آن با معصومه پاشا مدیر دفتر آموزش و کمیسیون‌های سندیکا گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که ادامه می‌خوانید:

چندی است که در سندیکای شرکت‌های تولید کننده برق کمیسیونی با عنوان «برنامه و بودجه و توسعه» فعالیت خود را آغاز کرده است. لطفا در باره ضرورت تشکیل این کمیسیون، ساختار و شروع به کار آن توضیح دهید.

بعد از مصوبه جلسه مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۵ هیات مدیره سندیکا مبنی بر لزوم ایجاد کمیسیون برنامه و بودجه و توسعه، برای بررسی و پی‌گیری موضوعاتی که قابل طرح در قوانین برنامه پنج ساله توسعه و بودجه کشور است، دفتر کمیسیون‌های سندیکا به منظور تکمیل کادر کارشناسی این کمیسیون با استعلام از شرکت‌های عضو، اقدام به تشکیل کمیسیون برنامه و بودجه کرد. با توجه به اهمیت موضوعاتی که در قانون برنامه توسعه و قانون بودجه کشور تدوین و تصویب می‌شوند، مقرر شد علاوه بر نمایندگانی که از

طرف شرکت‌های عضو سندیکا برای عضویت در این کمیسیون معرفی می‌شوند، روسای سایر کمیسیون‌های سندیکا و اعضای هیات مدیره نیز به عضویت این کمیسیون درآیند. اولین جلسه این کمیسیون در تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۹ برگزار شد.

در این کمیسیون چه موضوعاتی بررسی می‌شود و رویکرد اجرایی آن چگونه است؟

همان‌گونه که از عنوان کمیسیون پیدا است، موضوعاتی که در این کمیسیون بررسی و پی‌گیری می‌شوند مربوط به برنامه‌های توسعه و قانون بودجه کشور است. لذا در سال جاری برنامه هفتم توسعه و لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ در دستور کار این کمیسیون قرار دارد. رویکرد اصلی کمیسیون برنامه و بودجه، تعامل همه جانبه با هیات

مدیره و اعضای سندیکا برای بهره‌مندی از نظرات طیف وسیعی از اعضا و انسجام در ارائه پیشنهادهای سندیکا به منظور اثربخشی بیشتر در موارد قانونی کشور است.

اقداماتی که در خصوص برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور انجام می‌شود به این صورت است که ابتدا آسیب شناسی می‌شود که اگر احکام برنامه در سال‌های گذشته به طور کامل و یا به درستی اجرا نشدند دلیل آن چه بوده است؛ آیا مشکل مبهم بودن و قابلیت اجرا نداشتن احکام برنامه بوده و یا عدم نظارت بوده است. در مرحله بعد متناسب با آسیب شناسی صورت گرفته و منافع نیروگاه‌ها، پیشنهادهایی ارائه می‌شود که مشکلات گذشته را نداشته باشند. سپس پیشنهادهای تهیه شده به مراجع ذی ربط ارسال و برای درج در پیشنهاد برنامه پی‌گیری می‌شود.

در مورد قانون بودجه سال ۱۴۰۲، کمیسیون چه اقداماتی انجام خواهد داد؟

در خصوص قانون بودجه کشور، پیش از تدوین لایحه از طریق همکاری با اتاق بازرگانی ایران و سازمان برنامه و بودجه تلاش می‌شود پیشنهادهای و نظرات سندیکا در لایحه لحاظ شود. مجدداً پس از تدوین لایحه بودجه، پیشنهادهای لایحه بررسی



شده و در صورت لزوم نظرات اصلاحی سندیکا به مراجع ذی صلاح ارسال و از طریق مجلس برای اصلاح یا حذف برخی موارد پی‌گیری می‌شود. در مرحله بعد پس از تبدیل لایحه به قانون بودجه، احکام مرتبط با نیروگاه‌ها را بررسی کرده و پی‌گیری می‌کنیم که آیا بندهای احکام بودجه اجرایی شده است و آیا نیروگاه‌ها موفق به استفاده از ظرفیت‌های بودجه شده‌اند یا خیر. در صورت عدم اجرایی شدن احکام و یا عدم استفاده نیروگاه‌ها از ظرفیت قانون بودجه، علل آن بررسی و پی‌گیری‌های لازم انجام می‌شود.

قطعا دستیابی به اهدافی که ذکر شد نیاز به پیگیری و هماهنگی با سایر نهادهای ذیربط دارد. در این باره آیا کمیسیون اقداماتی داشته است؟

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردم در هر بخش اقدامات و پی‌گیری‌های متناسب انجام می‌گیرد. برگزاری جلسات منظم کمیسیون و تبادل نظر اعضا به منظور جمع‌بندی نهایی پیشنهادهای سندیکا از اولویت‌های کاری این کمیسیون است. همچنین برگزاری جلسات مشترک با اتاق بازرگانی ایران، سازمان برنامه و بودجه، شرکت مدیریت شبکه برق و کمیسیون‌های مجلس به منظور همراه کردن سایر بخش‌ها و سازمان‌ها، از برنامه‌های سال جاری کمیسیون خواهد بود. پی‌گیری برای اجرای درست احکام قانون بودجه و برنامه هفتم توسعه نیز از جمله برنامه‌های کمیسیون برنامه و بودجه محسوب می‌شود. ■

کارآمدی‌های نیروگاهی دانش بنیان نیروگاهی با پتانسیل نقش آفرینی در صادرات برق

نیروگاه زاگرس کوثر

در یکی از غربی‌ترین نقاط کشور، در میان کوه‌های سر به فلک کشیده زاگرس، نیروگاهی با نام «زاگرس کوثر» مشغول فعالیت است که راست‌قامتی مدیران و کارکنان آن در تامین برق پایدار حتی در سخت‌ترین شرایط آب و هوایی و ... در کنار قابلیت بالای آن به لحاظ جغرافیایی برای آن که در صادرات برق ایفای نقش کند و توانمندی فنی، خصوصاً به لحاظ پیش‌رو بودن در استفاده از فناوری‌هایی برای افزایش توان تولید، جایگاه ویژه‌ای به این نیروگاه بخشیده است. بنابراین گزارش میدانی این شماره از نشریه «نیرو و سرمایه» را به نیروگاه زاگرس کوثر اختصاص داده‌ایم که در ادامه خواهید خوانند:



معرفی نیروگاه زاگرس کوثر

احداث نیروگاه گازی زاگرس شامل ۴ واحد گازی با ظرفیت ۶۴۸ مگاوات، در دی‌ماه سال ۱۳۸۸ شروع شد. عملیات اجرایی و ساخت این نیروگاه حدود ۱۸ ماه به طول انجامید و اولین واحد آن ۲۴ تیرسال ۱۳۸۹ وارد مدار شد.

سرانجام در ۲۲ خرداد ماه سال ۱۳۹۱ بهره‌برداری از نیروگاه گازی زاگرس کرمانشاه طی مراسمی رسماً، آغاز شد. در تاریخ ۲۸ اسفند ماه سال ۱۳۹۱ مالکیت این نیروگاه توسط دولت به بنیاد شهید و امور ایثارگران واگذار شد و تا سال ۱۳۹۴ اداره آن با برق منطقه‌ای غرب کشور بود. شرکت تولید و مدیریت نیروگاه زاگرس کوثر با

هدف فعالیت در زمینه تولید و عرضه انرژی الکتریکی در سال ۱۳۹۴ با کادری متخصص و جوان جهت اداره نیروگاه زاگرس کوثر تاسیس شد. مشخصات نیروگاه زاگرس کوثر به شرح زیر است:

مساحت نیروگاه	۱۴،۵ هکتار + ۶ هکتار طرح توسعه بخش بخار
تعداد و نوع واحدها	۴ واحد ۷۹۴/۲ کلاس E
سازنده توربین	توگا- تحت لیسانس زمینس
تعداد ردیف‌های پره‌های توربین	۴
نوع کمپرسور	جریان محوری
تعداد ردیف‌های پره کمپرسور	۱۶
ظرفیت نامی نیروگاه فعلی	۶۴۸ مگاوات
سوخت مصرفی	سوخت اصلی گاز طبیعی - سوخت دوم گازوئیل
ظرفیت ذخیره سوخت مایع	یکصد هزار متر مکعب
پیمانکار سازنده نیروگاه	شرکت مینا
پست نیروگاه	پست ۴۰۰ کیلوولت
اتصال نیروگاه	به پست شرق کرمانشاه و پست مرصاد اسلام آباد

نیروگاه گازی زاگرس کوثر در استان کرمانشاه و کیلومتر ۲۵ جاده کرمانشاه - همدان واقع شده است. موقعیت جغرافیایی ویژه نیروگاه در همجواری با کشور عراق و دارا بودن خط مستقیم انتقال برق به شهر دیاله آن کشور، فرصت متمایزی را نسبت به سایر نیروگاه‌ها برای صادرات مستقیم برق فراهم کرده است. پیرو سیاست‌های وزارت نیرو مبنی بر تفکیک فعالیت‌های مدیریتی و عملیاتی و همچنین به منظور بهره‌برداری از نیروگاه و

انجام تعمیرات دوره‌ای آن، شرکت مدیریت تولید برق زاگرس کوثر در سال ۱۳۹۶ تاسیس شد. شرکت تولید و مدیریت نیروگاه زاگرس کوثر در راستای چشم‌انداز خود جهت توسعه ظرفیت، استفاده از منابع متنوع و در دسترس انرژی، تولید برق مطمئن و پایدار در کشور و عرضه برق به خارج از کشور، از سال ۱۳۹۹ به احداث و بهره‌برداری از طرح‌های انرژی‌های پاک پرداخته و رسالت خویش را از طریق ایجاد و بهره‌برداری از نیروگاه‌های نو و تجدیدپذیر در به‌کارگیری فناوری نوین، ایفا کند. در این زمینه می‌توان به بهره‌برداری از نیروگاه ۵ مگاواتی خورشیدی سفیددشت شهرکرد در سال ۱۴۰۰ و شروع احداث اولین نیروگاه بیوگاز دامی کشور به ظرفیت ۱ مگاوات در شریف‌آباد قزوین اشاره کرد.

جایگاه در بورس و اوراق بهادار

در راستای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، پنج درصد از سهام نیروگاه توسط سازمان اقتصادی کوثر در سال ۱۳۹۷ در بازار دوم فرابورس با نماد بزآگرس عرضه و یک‌سال پس از عرضه اولیه بزرگترین افزایش سرمایه بورسی نزد شرکت‌های سازمان اقتصادی کوثر از محل مطالبات و برآورده نقدی سهامداران از مبلغ ۳۰۰۰ میلیارد ریال به ۶۰۰۰ میلیارد ریال با مشارکت ۹۷ درصدی سهامداران صورت پذیرفت. ترکیب سهامداران شرکت در تاریخ ۳۱ خرداد ماه ۱۴۰۱ به شرح ذیل است:

نام سهامدار	تعداد سهام	درصد مالکیت
سازمان اقتصادی کوثر	۴,۴۴۴,۴۶۵,۴۹۸	۷۴
بانک دی	۸۰۰,۰۲۱,۸۱۶	۱۳
گروه سرمایه گذاری عمران وساختمان معین کوثر	۲,۰۰۰	۰
شرکت سرمایه گذاری کشاورزی کوثر	۲,۰۰۰	۰
شرکت مجتمع تولید گوشت مرغ ماهان	۲,۰۰۰	۰
شرکت نفت و گاز کوثر	۲,۰۰۰	۰
سایر سهامداران	۷۵۵,۵۰۴,۶۸۶	۱۳
مجموع	۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۰

اهم اقدامات نیروگاه زاگرس کوثر در سال‌های اخیر

پروژه سیستم خنک‌کاری هوای ورودی

در راستای تامین برق پایدار در دوره اوج بار و سیاست‌های ابلاغی وزارت نیرو، نیروگاه زاگرس کوثر نسبت به اجرای طرح خنک‌کاری هوای ورودی واحدهای گازی به منظور ارتقای توان عملی نیروگاه

به میزان ۶۰ مگاوات برای تامین برق تابستان اقدام کرد. بدین ترتیب سیستم مدیای دو واحد از ابتدای پیک تابستان ۱۳۹۸ و دو واحد دیگر با شروع پیک تابستان ۱۳۹۹ بهره‌برداری و ظرفیت مطمئن ارتقا یافته به منظور افزایش پایداری شبکه سراسری در غرب کشور در اختیار دیسپاچینگ ملی قرار گرفت.

اصلاح، بهبود و ارتقا واحدها

در سال جاری به منظور افزایش آمادگی واحدها و تامین برق پایدار، نیروگاه زاگرس کوثر نسبت به اجرای طرح‌های ارتقاء و بهبود تولید اقدام کرده است. برخی از طرح‌های اجرا شده بدین شرح هستند:

انجام پروژه‌های MapTune و EMS واحدهای ۱، ۳ و ۴ نیروگاه

انجام پروژه ارتقای جزئی واحد ۲

اصلاح ضرایب دمایی توان عملی واحدهای نیروگاهی

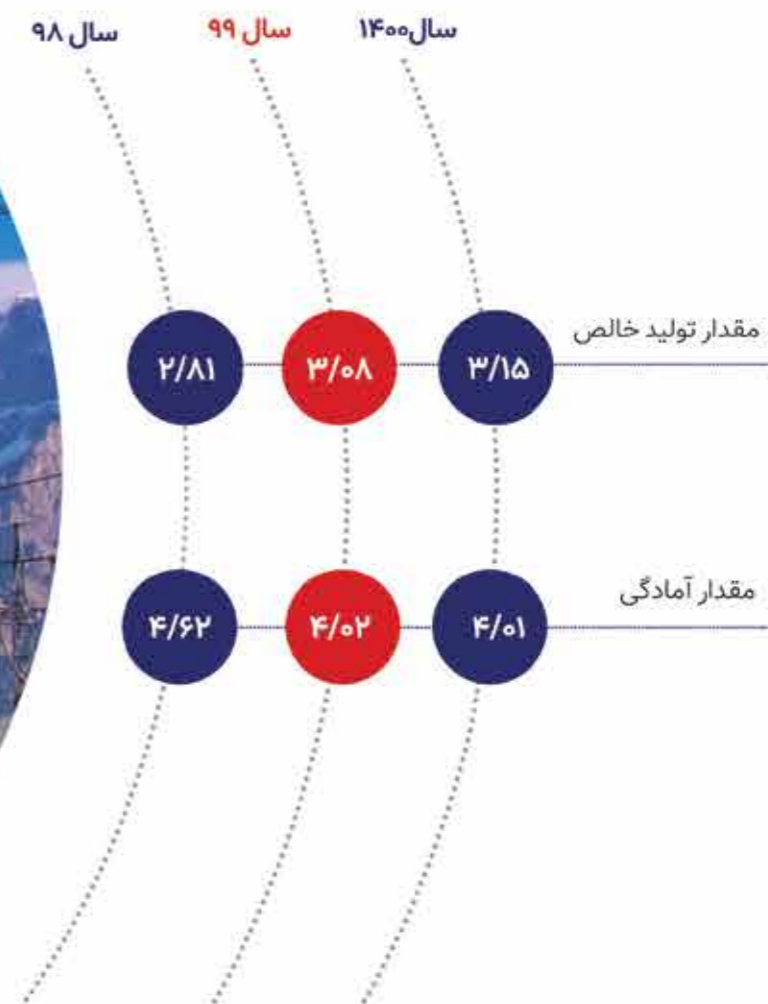
رفع محدودیت توان تولیدی واحد ۴ ناشی از گرفتگی فیلترهای هوای ورودی

جایگاه نیروگاه زاگرس کوثر در صنعت برق

سهیم شرکت تولید و مدیریت نیروگاه زاگرس کوثر از ظرفیت تولید برق کشور

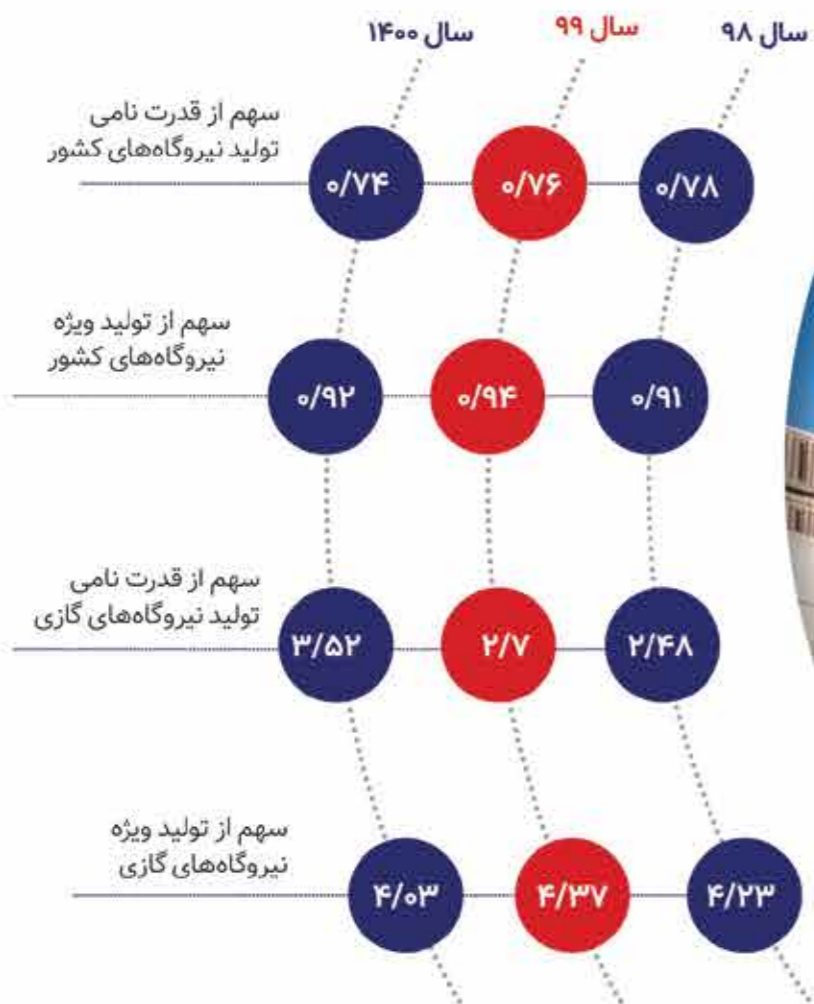
عملکرد تولید شرکت

(بر حسب میلیون مگاوات ساعت)



سهیم شرکت از ظرفیت تولید برق کشور

(بر حسب درصد)





محدودیت‌های تامین گاز نیروگاه‌ها، توسعه ظرفیت جدید تولید برق در سال‌های آتی صرفاً از طریق مولدهای تجدیدپذیر و تبدیل نیروگاه‌های گازی به سیکل ترکیبی امکان‌پذیر می‌باشد. نیروگاه زاگرس کوثر نیز به عنوان یکی از ۷ نیروگاه گازی خصوصی کشور، در راستای احداث بخش بخار سیکل ترکیبی در قالب قرارداد ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر، اقداماتی را جهت احداث ۲ واحد بخش بخار نیروگاه به ظرفیت ۳۲۰ مگاوات در دستور کار قرار داده که از آن جمله می‌توان به اخذ مجوزات اولیه دوره پیشبرد، آماده سازی سایت، مذاکرات قراردادی انتخاب پیمانکار اصلی، مذاکره جهت انعقاد قرارداد تامین مالی و قرارداد بیع متقابل، اشاره کرد.

احداث بخش بخار نیروگاه سیکل ترکیبی زاگرس کوثر (به ظرفیت ۳۲۰ مگاوات)، علاوه بر تامین بخش عمده‌ای از نیاز شبکه سراسری برق در غرب کشور با صرفه‌جویی سالیانه ۵۰۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی، سالانه رقمی بالغ بر ۱۰۰ میلیون یورو برای کشور صرفه‌جویی ارزی به همراه خواهد داشت. پیش بینی می‌شود با حمایت وزارت نیرو و سازمان اقتصادی کوثر و تحقق الزامات تامین مالی این طرح، شاهد آغاز عملیات اجرایی بخش بخار در آینده‌ای نزدیک باشیم. ■

برنامه و بودجه جهت تضمین بازپرداخت سرمایه‌گذاری احداث واحدهای بخار سیکل ترکیبی در ۷ نیروگاه خصوصی (شامل نیروگاه زاگرس کوثر) بر اساس ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر، موافقت کرد.

در این مصوبه طرح احداث ۱۴ واحد بخار سیکل ترکیبی به ظرفیت ۲۵۶۰ مگاوات، شامل هزینه سرمایه‌گذاری به میزان ۲۰۴۸ میلیون یورو می‌باشد که بازپرداخت کل این هزینه طی حداکثر ۴ سال (پس از راه‌اندازی واحدهای نیروگاهی) توسط دولت تضمین شده است. احداث بخش بخار نیروگاه سیکل ترکیبی به عنوان طرح اولویت دار ملی علاوه بر تامین بخش عمده‌ای از نیاز شبکه سراسری برق کشور، با صرفه‌جویی سالیانه بیش از ۴,۱۴۵ میلیون مترمکعب گاز طبیعی و در طی چهار سال ۱۶,۳۷۵ میلیون مترمکعب به همراه دارد. به عبارتی دیگر سالانه رقمی بالغ بر ۸۰۰ میلیون یورو و فقط برای چهار سال بیش از ۳,۲ میلیارد یورو برای کشور صرفه‌جویی ارزی و کاهش قابل توجه آلاینده‌های زیست محیطی را به همراه خواهد داشت.

همچنین با استناد به سند تراز تولید و مصرف گاز طبیعی کشور تا افق ۱۴۲۰ (مصوب ۱۳۹۹/۱۲/۲۹ شورای عالی انرژی)، به دلیل



برنامه‌های توسعه نیروگاه

احداث بخش بخار و تبدیل به نیروگاه سیکل ترکیبی

تبدیل نیروگاه‌های گازی به سیکل ترکیبی از کارآمدترین روش‌های بهبود راندمان شبکه سراسری برق کشور به شمار می‌آید که نه تنها برای صنعت برق، بلکه برای محیط‌زیست و صرفه‌جویی در مصرف سوخت نیز بسیار مؤثر است، به طوری که احداث هر واحد بخار با افزایش راندمان نیروگاه از ۳۳ درصد به ۵۰ درصد، سالانه بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون مترمکعب در مصرف سوخت صرفه‌جویی خواهد کرد.

احداث واحدهای بخار نیروگاه‌های سیکل ترکیبی بیشترین تاثیر را در افزایش راندمان تولید برق حرارتی دارند؛ به نحوی که احداث هر ۱۰ واحد بخار سیکل ترکیبی حدوداً یک‌درصد به متوسط راندمان تولید حرارتی کشور می‌افزاید.

تبدیل نیروگاه‌های گازی به سیکل ترکیبی با هدف ارتقاء راندمان تولید برق، صرفه‌جویی سوخت و حفظ محیط زیست، از سال‌های گذشته به عنوان یکی از اولویت‌های صنعت برق پیگیری شده است. با پیگیری‌های صورت گرفته در دولت سیزدهم، شورای اقتصاد در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۸ با پیشنهاد وزارت نیرو و سازمان

کسب رتبه در شاخص‌های فنی و اقتصادی

بر اساس گزارش‌های انتشار یافته وزارت نیرو (گزارش‌های فصلی و سالانه) نیروگاه زاگرس کوثر از نظر عملکرد در جایگاه پنج نیروگاه گازی برتر کشور رتبه‌بندی شده است.

برخی از این شاخص‌ها در سال‌های گذشته به شرح جدول ذیل است:

رتبه‌بندی بر اساس تفکیک	شاخص	سال ۹۵	سال ۹۶	سال ۹۷	سال ۹۸
نیروگاه‌های گازی	انرژی قابل تولید	۵	۳	۲	۲
	ضریب بهره‌برداری	-	-	-	۲
	درصد آمادگی	-	۱	۱	۱
	ضریب اطمینان	-	۳	-	-
نیروگاه‌های خصوصی	انرژی قابل تولید	-	۴	۵	-
	ضریب بهره‌برداری	-	-	-	-
	درصد آمادگی	-	۱	۱	۱
	ضریب اطمینان	-	۲	-	-

سایر دستاوردهای شرکت

جایزه تعالی و پیشرفت

شرکت تولید و مدیریت نیروگاه زاگرس کوثر در ششمین دوره ارزیابی تعالی سازمانی در تیر ماه ۱۴۰۱ مورد ارزیابی قرار گرفت و پس از بررسی در کمیته علمی و داوری مرکز ملی تعالی، موفق به دریافت تقدیر نامه ۵ ستاره تعالی شد.

تندیس رضایتمندی مشتری

در پنجمین اجلاس سراسری رضایتمندی مشتری که با رویکرد نقش مدیران اقتصادی در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی و جهش تولید برگزار شد، شرکت تولید و مدیریت نیروگاه زاگرس کوثر موفق به دریافت تندیس زرین رضایتمندی مشتری شد.

قراردادهای بهره‌داری و تعمیرات (۲) سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تعمیرات نیروگاه با رویکردهای نوین

شرکت مهندسی مسینان-دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی



احمد اصل حداد



حسین اصغری



محسن عرفانی، رئیس هیات مدیره

پیش درآمد

در شماره پیشین کلیاتی از قراردادهای بهره‌برداری و تعمیرات نیروگاه‌ها و چالش‌های مرتبط ارائه شد. بر آنیم تا در سلسله مطالب مرتبط، جزییات بیشتری را در این حوزه به بحث گذاشته، فرصت‌ها، تهدیدها و ظرفیت‌های بهبود و ارتقا را مورد مطالعه قرار دهیم. در نوشته پیش‌رو به «تعمیرات» به‌عنوان یکی از مولفه‌های مهم و تاثیرگذار در این حوزه می‌پردازیم.

۱. مقدمه

راهبری نیروگاه - همان‌طور که در عنوان خدمات و قراردادهای بهره‌برداری و تعمیرات نیز مشخص است - به‌طور کلی به دو شاخه اصلی عملیاتی^۱ و تعمیراتی^۲ تقسیم می‌شود. اگرچه این دو بخش دارای تعامل بین هم بوده و هریک بر دیگری اثرگذارند لیکن نقش تعمیرات هم از منظر فنی و هم از منظر اقتصادی قابل توجه است. بخش بسزایی از هزینه‌های نیروگاه مربوط به تامین قطعات و لوازم یدکی است که در شاخه تعمیرات از دسته بندی فوق قرار می‌گیرند. تعمیرات به موقع و با کیفیت تاثیر مستقیم بر شاخص‌های اصلی عملکردی نیروگاه و به تبع آن درآمدهای نیروگاه خواهد گذاشت و در غیر این صورت شاخص‌هایی مانند ساعات خروج، قابلیت اطمینان، ضریب آمادگی و میزان تولید

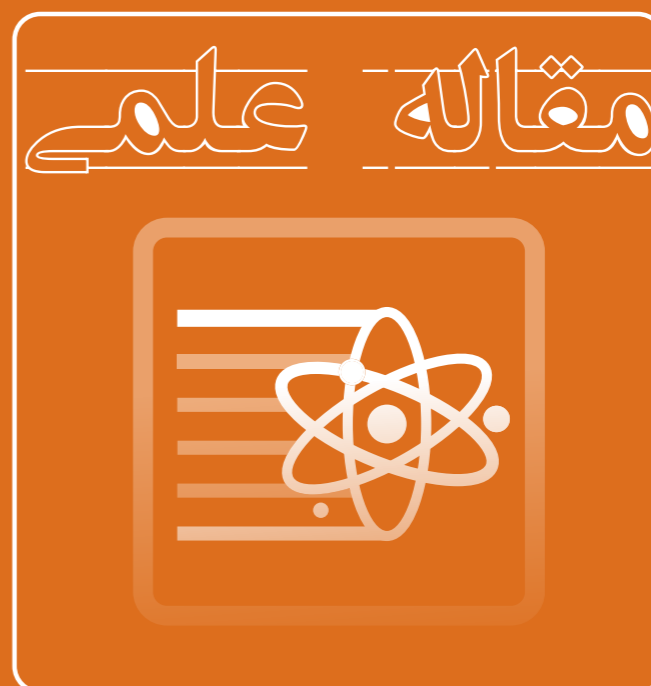
افت خواهد کرد. در ادامه روش‌ها و رویکردهای متداول تعمیرات نیروگاه‌ها ارائه و پس از آن رویکردهای نوین در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تعمیرات و ظرفیت‌های بهبود در این بخش مطرح می‌شود.

۲. روش‌های تعمیراتی

روش‌های متداول تعمیراتی ممکن است مبتنی بر یکی از رویکردهای انفعالی^۳ (واکنشی)، پیش‌گیرانه^۴ (PM)، مبتنی بر وضعیت^۵ (CBM) و یا متمرکز بر قابلیت اطمینان^۶ (RCM) باشند.

در تعمیرات انفعالی که در برخی از متون از آن به تعمیرات اصلاحی^۷ نیز یاد می‌شود، تعمیر پس از رخداد خرابی اتفاق انجام می‌پذیرد. بدیهی است چنین رویکردی برای تجهیزات اصلی نیروگاه بی‌بهره بوده و هزینه‌های بسیاری تحمیل خواهد کرد. علاوه بر آن این نوع تعمیر ممکن است باعث تحمیل خرابی به اجزا پایین دست^۸

1. Operation
2. Maintenance
3. Reactionary
4. Preventive
5. Condition based maintenance
6. Reliability centered maintenance
7. Corrective maintenance
8. Collateral damage



سیستم (خصوصاً در ماشین‌های دوار) نیز شود. این نوع نگرش ممکن است برای تجهیزات غیر اصلی که به صورت دائم در سرویس نیستند و یا دارای تجهیز پشتیبان هستند قابل کاربرد باشد.

در حال حاضر نگرش حاکم بر تعمیرات نیروگاه‌ها (تجهیزات اصلی و بویژه توربین ژنراتورها) نگرش تعمیرات پیش‌گیرانه است. در این روش تعمیرات که از آن به عنوان تعمیرات مبتنی بر زمان^۱ نیز یاد می‌شود تعمیرات در بازه‌های زمانی از قبل تعریف شده انجام می‌شود. این نوع تعمیرات در نیروگاه‌ها به عنوان تعمیرات (خروج) برنامه‌ریزی شده^۲ معروف است. بازه‌های تعمیراتی (برنامه تعمیراتی) مذکور عموماً توسط سازنده تجهیز ارائه می‌شود. نکته قابل توجه در این زمینه این است اگرچه سازنده - به عنوان مالک فن آوری تجهیز - واقف به نیازهای تعمیراتی تجهیز (مثلاً توربین گاز) است و همچنین این برنامه بر اساس تجارب ناوگان تولیدی آن سازنده به صورت عمومی است لیکن اساساً در برنامه ارائه شده توسط سازنده منافع و علایق غیر فنی سازنده نیز می‌تواند دخیل باشد. به عنوان مثال ممکن است از نظر فنی، دانش مواد و تجارب کارکرد گذشته یکی از قطعات مسیر داغ توربین گاز قابلیت کارکرد ۲۰۰۰۰ ساعتی داشته باشد اما سازنده آن قطعه با در نظر گرفتن مواردی دیگر مانند حاشیه امن بالاتر یا فروش بیشتر قطعه در زمان کوتاه‌تر بازه زمانی قطعه مذکور را ۱۶۰۰۰ ساعت اعلام کند و بدیهی است این عوامل و علایق کاملاً با منافع و علایق مالک نیروگاه متفاوت است.

در رویکرد تعمیرات مبتنی بر وضعیت (CBM) رژیم تعمیراتی متغیر و قابل انعطاف بر اساس برآورد وضعیت و شرایط تجهیز اتخاذ می‌شود. این برآورد بر اساس اندازه‌گیری‌ها و تفسیر از شرایطی مانند وضعیت ارتعاشی، وضعیت و مشخصه‌های روغن و مشخصه‌های فرآیندی حاصل می‌شود. پر واضح است که هیچ تفسیری نمی‌تواند متقن باشد و بنابراین تنظیم بازه تعمیرات با رویکرد مذکور نیازمند پشتوانه علمی و تجربی قوی در خصوص داده‌کاوی و داده‌پردازی خواهد داشت. همچنین با توجه به قیمت و هزینه بالای تجهیزات مربوط به پایشگر، پیاده‌سازی این مدل از تعمیرات (سیستم‌های پایش) نیازمند به نیروگاه‌ها ی با فن آوری به‌روزتر بوده که عرفاً به برخی از تجهیزات مهم و اصلی (از جمله توربین گاز) که دارای هزینه‌های قابل توجه تعمیراتی دارند خلاصه

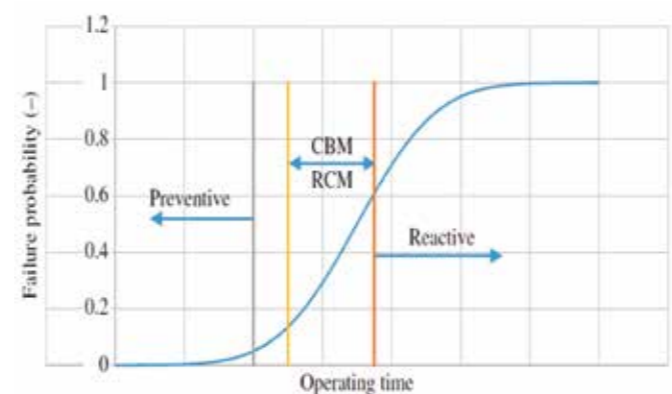
می‌شود. تجربه و مطالعات موردی نویسندگان نشان می‌دهد در نیروگاه‌هایی که بهره‌برداری آنها توسط سازندگان تجهیزات اصلی صورت می‌پذیرد و یا بهره‌برداری در دوره تضمین توسط سازنده است، بازه‌های زمانی تعمیرات گاهی با این رویکرد دستخوش تغییرات شده است و لیکن در سایر موارد علیرغم وجود برخی سیستم‌های پایش وضعیت انعطاف در بازه‌های مذکور لاقبل برای تجهیزات اصلی به ندرت و یا با مخاطراتی اتفاق می‌افتد. در استراتژی مبتنی بر قابلیت اطمینان سعی بر آن است تا با مجموعه ای از اقدامات و مطالعات مانند تحلیل خرابی و نیز پیاده‌سازی ساختارها و رویه‌های مربوط، حداقل نیاز به تعمیرات (قابلیت اطمینان بالا) جهت تداوم کارکرد تجهیز (سیستم) حاصل شود.

لازم به ذکر است که در تغییر رویکرد از تعمیرات پیش‌گیرانه (بر اساس برنامه سازنده) به رویکردهای CBM و RCM مخاطراتی متوجه مالک نیروگاه خواهد بود. مخاطراتی مانند افزایش طول تعمیرات اساسی از میزان توافق شده، انتقال خرابی به اجزای پایین دست و حتی کاهش قابلیت اطمینان. از این رو چنین تغییر رویکرد اگرچه باعث منفعی برای مالک نیروگاه خواهد بود از طرفی مخاطرات فوق را نیز به همراه خواهد داشت که می‌بایست تصمیم‌گیری با مدنظر قرار دادن جمیع جهات صورت پذیرد.

علاوه بر موارد ذکر شده، برخی عوامل غیر مستقیم نیز در انتخاب روش تعمیرات دخیل هستند که الزامات حاکمیتی (تنظیم‌گر) و همچنین الگوی قیمت از مهمترین آنها می‌باشند. در نظر بگیرید بر اساس بازه اعلامی سازنده (رویکرد پیش‌گیرانه) زمان تعمیرات در فصل حداکثر بار (تابستان) و به تبع آن حداکثر قیمت فرا رسد، در چنین حالتی مالک نیروگاه ترجیح می‌دهد تا با رویکرد CBM و برآورد وضعیت، تعمیرات را در زمانی غیر از بازه مذکور (تاخیر یا تعجیل) انجام دهد و یا به عنوان مثال دیگر، زمان تعمیرات بر اساس رویکرد پیش‌گیرانه در فصل کم باری (زمستان) باشد ولی با توجه به رویکرد CBM مجاز به بهره‌برداری نیروگاه تا فصل گرم آینده باشد. در این حالت به احتمال قوی ترجیح مالک آن خواهد بود که با رویکرد پیش‌گیرانه و در همان فصل زمستان نسبت به

1. Time – based maintenance
2. Planned maintenance

تعمیرات مذکور اقدام کند. (این مثال به صورت مفهومی و عمومی مطرح گردیده و قضاوت نهایی بایستی براساس مطالعه برای هر مورد خاص و برآورد هزینه فایده دقیق صورت پذیرد) در شکل ۱ مقایسه بین احتمال وقوع خرابی و مدت بهره‌برداری برای چهار رویکرد ذکر شده نشان داده شده است. همان‌گونه که در این شکل پیداست تعمیرات انفعالی دارای بیشترین فاصله زمانی بین تعمیرات و در نتیجه زمان بهره‌برداری طولانی‌تری است. با این حال با افزایش زمان بهره‌برداری احتمال رخداد خرابی بیشتر می‌شود. تعمیرات با نگاه پیش‌گیرانه طبعاً محافظه‌کارانه‌تر بوده و در فواصل زمانی کوتاه‌تری انجام می‌شود. ما بین این دو روش، روش‌های CBM و RCM هستند که بسته به شرایط تجهیز روش CBM ممکن است دارای فواصل زمانی کوتاه‌تری باشد.

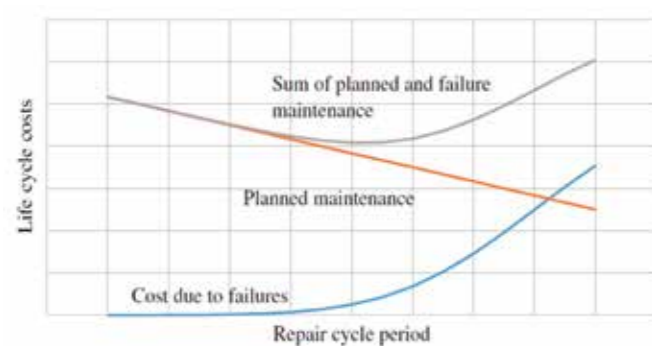


شکل ۱: منحنی احتمال خرابی بر حسب طول بهره‌برداری

۳. مدل‌های بهینه در رویکردهای تعمیراتی

نیاز به بهبود و ارتقای بهره اقتصادی باعث شده تا تلاش‌ها و تحقیقات متنوعی در خصوص یافتن پتانسیل‌های بهبود در بخش تعمیرات با توجه به سهم موثر آن در تولید انرژی الکتریکی صورت پذیرد. همانطور که ذکر شد استراتژی تعمیراتی متداول در نیروگاه، روش تعمیرات پیش‌گیرانه که در آن تعمیرات اساسی نیروگاه در بازه‌های (دوره‌های) عمدتاً توصیه شده توسط سازندگان تجهیزات اصلی بوده و از این رو مدل‌های بهینه معرفی شده در ادامه متن بر این نوع از تعمیرات تکیه دارد. در شکل ۲ بهینه‌سازی استراتژی تعمیراتی به صورت مفهومی نشان داده شده است. به عنوان مثال در تعمیرات پیش‌گیرانه، افزایش فاصله بین تعمیرات، احتمال رخداد خرابی و در نتیجه تحمیل هزینه هم بخاطر هزینه‌های

ذاتی تعمیرات و هم هزینه عدم تولید ناشی از آن بالا رفته و در نتیجه هزینه چرخه عمر افزایش خواهد یافت. از طرفی با افزایش فاصله بین تعمیرات هزینه (نرخ) تعمیرات (تعمیرات پیش‌گیرانه یا برنامه‌ریزی شده) کاهش و درآمد ناشی از تولید نیز وجود خواهد داشت و بنابراین هزینه چرخه عمر کاهش خواهد یافت. مدل‌های بهینه‌سازی تعمیرات سعی در یافتن منطقه بهینه بین این دو انتخاب می‌کنند.



شکل ۲- مفهوم بهینه‌سازی استراتژی تعمیرات

۳-۱. مدل PM ارتقا یافته مرحله‌ای

در مدل‌های مرسوم تعمیراتی، معمولاً یک تابع احتمال خرابی جهت تعیین دوره‌های تعمیرات در نظر گرفته می‌شود. تابع توزیع احتمالاتی ویبول^۱ یکی از توابع متداول در این زمینه است. از آنجایی که هیچ عملیات تعمیراتی کامل نبوده و ممکن است دارای نقص باشد و از طرفی هر تجهیز در طول زمان در حال سپری کردن عمر خود بوده و بنابراین فرض و ادعای «مثل روز اول» (as good as new) بعد از تعمیرات برای تجهیز فرض صحیحی نیست. از این‌رو در این مدل تابع توزیع احتمال خرابی به صورت مرحله‌ای بعد از هر بار تعمیر با تاثیر دو مولفه یکی مربوط به کامل نبودن تعمیرات و دیگری مولفه عمر اصلاح می‌شود. بر این اساس با فرض تابع احتمال خرابی در تعمیرات پیش‌گیرانه دوره a ام به صورت $\lambda_i(t)$ ، این تابع در تعمیرات دوره بعد $(1+i)$ به صورت زیر بازتعریف می‌شود:

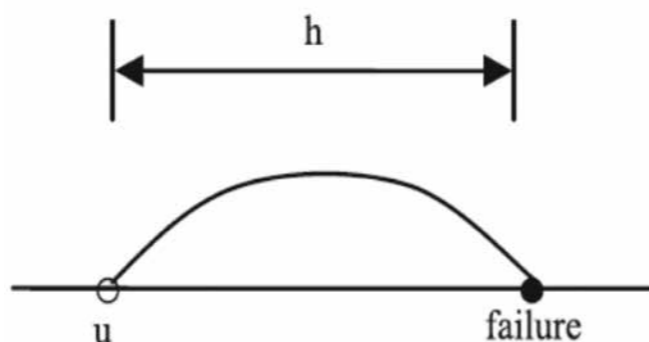
$$\lambda_{i+1}(t) = b_i \cdot \lambda_i(t + a_i \cdot T_i)$$

T_i بازه (دوره) تعمیرات پیش‌گیرانه a_i ام، ضریب اصلاح عمر و b_i ضریب اصلاحی مربوط به کامل نبودن تعمیرات در دوره a_i ام است. با توجه به ماهیت این دو ضریب مشخص است که $0 < a_i < 1$ و $b_i > 1$

1. Weibull distribution

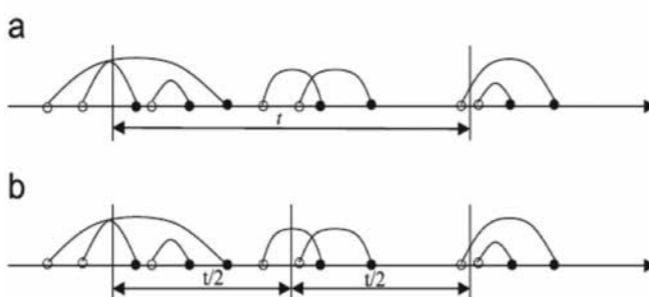
۳-۳. تعمیرات مبتنی بر فرصت

تعمیرات فرصت طلبانه^۱ حالتی از تعمیرات پیش‌گیرانه است که در فرصت‌های مناسب انجام می‌پذیرد. بدین معنی که تجهیز یا سیستم در اصل به بازه یا زمان تعمیراتی خود نرسیده لیکن با توجه به توقف سیستم ناشی از خرابی قطعه دیگر یا هر علت دیگری فرصت مناسبی برای انجام تعمیر تجهیز یا سیستم مذکور ایجاد شده است. چنین فرصت تعمیراتی عموماً در سیستم و یا تجهیزاتی که نسبت به هم به صورت سری بوده و توقف یکی باعث از سرویس خارج شدن دیگری می‌شود وجود خواهد داشت. مثال نیروگاهی از چنین آرایشی، توربین گاز و بویلر بازیاب است که بر این اساس تعمیرات فرصت‌طلبانه مثلاً برای بویلر بازیاب در صورت خرابی یا تعمیرات معمول توربین گاز وجود خواهد داشت. با توجه به این تعریف، این نوع از تعمیرات ماهیت تصادفی^۲ داشته و بنابراین غیر قابل پیش‌بینی خواهند بود. مدل‌های فرصت‌طلبانه ممکن است مبتنی بر عمر، خرابی، وضعیت و یا ترکیبی از مدل‌ها باشند. مشابه سایر مدل‌ها، بهینه‌سازی این مدل ممکن است براساس تابع هدف خاصی مانند هزینه، ضریب آمادگی و یا توابع هدف دیگر و براساس شرایط خاص مساله صورت پذیرد. مطالعه موردی از این نوع بهینه‌سازی در کاربرد نیروگاهی برای آب‌بندهای پمپ آب تغذیه بویلر صورت پذیرفته است. طرح مساله به این صورت است که با توجه به اینکه دو آب‌بند (دو سر محور پمپ) وجود دارد و از طرفی آب‌بند دارای عمر مشخص براساس توصیه سازنده می‌باشد (در این مثال ۱۱۰۰۰ ساعت). آیا در صورت بروز خرابی برای یک آب‌بند کدام سیاست تعمیرات می‌تواند بهینه باشد بطوریکه با استفاده از تعمیرات فرصت آب‌بند دوم که خراب نشده نیز جایگزین شود و یا تنها یک آب‌بند تعویض و آب‌بند دوم تا سپری شدن طول عمر مد نظر (و یا حتی خرابی در آینده) به کار خود ادامه دهد. این مورد بر اساس حداقل‌سازی و سناریوهای اقتصادی پیش‌فرض، مدل شده و نتایج متفاوتی بر حسب نرخ تنزیل حاصل شده است. در شکل ۷ نتایج مدل بهینه‌سازی برای نرخ تنزیل زیر ۵٫۳ درصد نشان داده شده است که بر این اساس تعویض هر دو آب‌بند در صورت خرابی یکی از آنها بهینه و مقرون به صرفه خواهد بود. (تعمیرات فرصت‌طلبانه)



شکل ۵: مفهوم زمان تاخیر (نقطه تو خالی نقطه اولیه شروع عیب و نقطه توپر خداد خرابی)

در شکل ۶ اهمیت بازه بازدید در شناسایی عیب و زمان تاخیر نشان داده شده است. برای یک الگوی واحد از عیب و خرابی دو بازه بازدید یکی طولانی‌تر و دیگری کوتاهتر (به ترتیب a و b) در نظر گرفته شده است. در بازه طولانی سه عیب شناسایی شده و در بازه کوتاه‌تر چهار عیب شناسایی شده است.

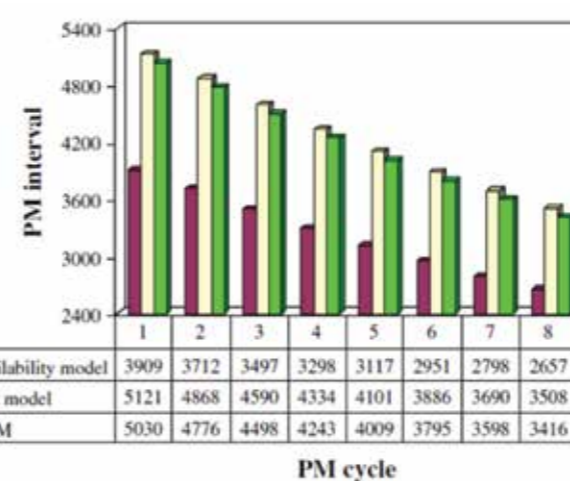


شکل ۶: بازه بازدید و قابلیت شناسایی عیب در زمان تاخیر

روابط اصلی حاکم بر مدل زمان تاخیر بدین صورت است که اگر λ بیانگر توزیع خرابی در سیستم مورد مطالعه بوده و $F(h)$ تابع توزیع زمان تاخیر برای کل خرابی‌ها باشد در این صورت تعداد خرابی مورد انتظار در بازه بازدید عبارت خواهد بود از:

$$E_{NF}(t) = \int_0^t \lambda F(h) dh$$

رابطه فوق عبارت پایه در مدل‌سازی‌های زمان تاخیر است. لازم به ذکر است که در این رابطه فرض کامل بودن تعمیرات حاکم بوده و موارد ذکر شده در بحث قبلی در مورد نقص تعمیرات در این مدل مد نظر قرار گرفته نشده است.



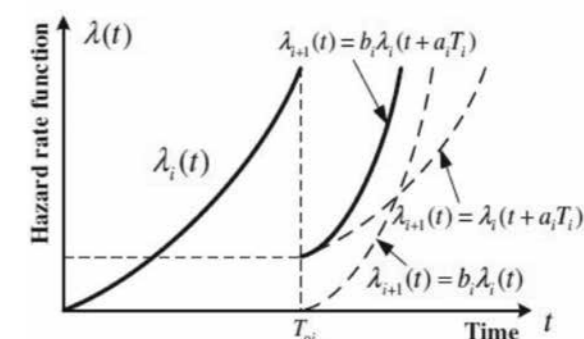
شکل ۴: مقایسه دوره‌های بازدید با رویکردهای متفاوت

۳-۲. مدل زمان تاخیر

همانطور که ذکر گردید استراتژی تعمیرات پیش‌گیرانه (PM) یک روش مبتنی بر زمان^۲ است. در این نوع از تعمیرات یکی از فعالیت‌های اصلی و مهم بازدید و بازرسی جهت تعیین وضعیت تجهیز و قطعات است که تعیین کننده روش اصلاح یا جایگزینی قطعه است. اهمیت این بازدید به گونه‌ای است که در کاربردهای نیروگاهی از این اصطلاح بیشتر استفاده می‌شود. (به عنوان مثال بازدید ۸۰۰۰ ساعت یا بازدید قطعات مسیر داغ) عموماً پدیده خرابی یک پدیده زمانی بوده و به یک‌باره و یا ناگهانی رخ نمی‌دهد. از این رو نقش بازدید و دریافت نشانه‌های خرابی جهت پیش‌گیری از خرابی دارای اهمیت است. مفهوم زمان تاخیر^۲ در تعمیرات پیش‌گیرانه بر این اساس استوار است. در این مدل فرآیند خرابی در دو مرحله مورد توجه قرار می‌گیرد. مرحله اول از زمان نو تا زمانی که عیب اولیه بواسطه بازدید مشخص می‌شود و مرحله بعد از این نقطه تا بروز خرابی (در صورت عدم توجه به عیب) است. زمانیکه از شروع اولیه یک عیب مشخص شروع و تا بروز خرابی ادامه پیدا می‌کند زمان تاخیر نامیده می‌شود. در صورتی که بازدید در این زمان تاخیر انجام شود عیب مذکور قابل شناسایی و بسته به کیفیت عیب قابل اصلاح فوری یا تدریجی خواهد بود. در شکل ۵ مفهوم زمان تاخیر به صورت ساده نشان داده شده است. نقطه u (نقطه تو خالی) مرز بین مرحله اول و دوم توضیح داده شده در بالا است. نقطه توپر زمان رخداد خرابی بوده و فاصله مابین این دو زمان تاخیر (h) است.

1. Multi objective optimisation
2. Time-based
3. Delay-Time

خواهد بود. به عبارتی احتمال خرابی با وجود انجام تعمیرات در یک دوره نسبت به دوره قبل بواسطه نقص در تعمیرات و نیز عمر تجهیز بیشتر خواهد بود. عنوان «مرحله‌ای» برای این مدل به خاطر این رویکرد مرحله‌ای بوده است. (شکل ۳)



شکل ۳: تابع توزیع احتمال خرابی مرحله‌ای

این مدل علاوه بر تابع توزیع در تکنیک بهینه‌سازی نیز نسبت به روش متداول ارتقاء یافته است بدین صورت که برخلاف بهینه‌سازی‌های معمول که دارای یک تابع هدف هستند در این مدل از بهینه‌سازی چندگانه^۱ با دو تابع هدف استفاده شده است. در بهینه‌سازی چندگانه، چند تابع هدف در مساله بهینه‌سازی به صورت هم‌زمان شرکت می‌کنند. در مدل مورد بحث یکی از توابع هدف ضریب آمادگی و تابع هدف دیگر هزینه است. در شکل ۴ نتایج و مقایسه دوره بازدید بر اساس بهینه‌سازی تک‌تابعه (تابع هدف ضریب آمادگی)، تک‌تابعه (تابع هدف هزینه) و چندگانه (تابع هدف ضریب آمادگی و هزینه هم‌زمان) با نگرش مرحله‌ای (تاثیر عمر و کامل نبودن تعمیرات) برای یک نمونه موتور گاز سوز با پارامترهای تعمیراتی مشخص نشان داده شده است. با توجه به مفاهیم ذکر شده نگرش مرحله‌ای و دخیل کردن عمر و ناقص بودن تعمیرات باعث شده تا هر دوره بازدید نسبت به دوره قبلی کوتاهتر شود. همچنین تفاوت در طول بازه‌ها در بهینه‌سازی با رویکرد ضریب آمادگی، بهینه‌سازی با رویکرد هزینه و بهینه‌سازی چندگانه (همزمانی ضریب آمادگی و هزینه) در شکل مشهود است.



وبکو امیر کبیر

www.vebko.org

و تجهیزات اندازه گیری رله های حفاظتی دستگاه تست جامع تولید کننده



CE



راه های ارتباطی

واحد بازرگانی ۰۹۰۲۱۸۰۴۵۸۶

۰۲۸۳۳۶۹۰۲۴۵

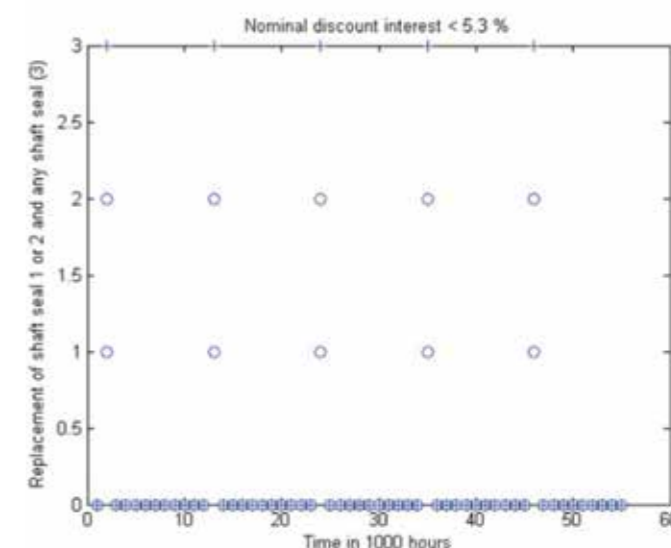
http://t.me/vebko , @vebobot

Telegram Channel : @vebko

Linkdin : VebkoAmirkabir

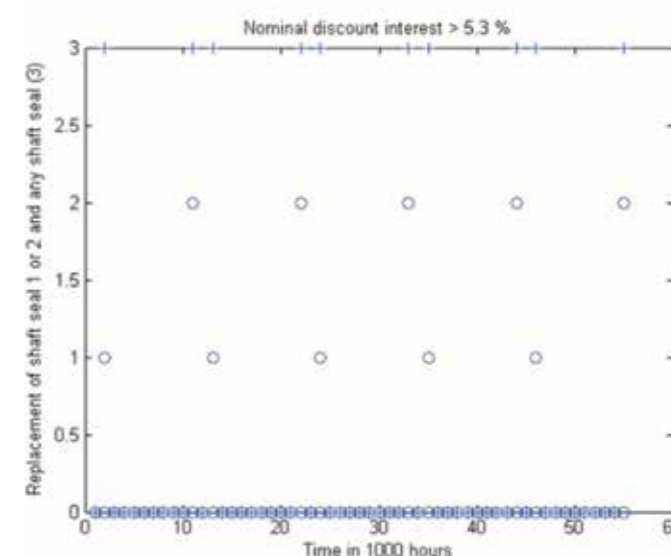
YouTube : Vebko

نیروگاه بوده و بخش قابل توجهی از هزینه تولید برق به این موضوع تخصیص می‌یابد. این عامل، علاوه بر مولفه‌های اقتصادی، دارای تاثیر مستقیم بر مولفه‌های کلیدی عملکردی نیروگاه است. شاخص‌های عملکردی مهمی چون ضریب آمادگی و محدودیت تولید از مبحث تعمیرات تاثیر می‌پذیرند، از این‌رو بخش قابل توجهی از موارد قراردادهای خدمات بهره برداری به این موضوع می‌پردازد. نویسندگان این متن بر این باورند که نگاه رایج و سنتی حاکم جدید، ابزار نوین و رویکردهای بهینه دارد. با این مبنای صرف انجام تعمیرات در زمان کوتاه و یا تنها با پیروی از برنامه و دوره‌های ارائه شده از سوی سازندگان نمی‌تواند هدفی بهینه تلقی شود بلکه این امر در کنار عوامل دیگر بایستی به صورت جامع نگریسته شود. نمونه‌های ذکر شده در متن که از مثال‌های کاربردی نیروگاه است در راستای احساس نیاز به پرداختن به این امر بوده است. اگرچه سعی و تلاش‌های قابل تقدیر در امر اجرای تعمیرات توسط نیروهای متعلق به سرمایه‌گذاران و یا منابع برون‌سپار مشهود و غیر قابل انکار است، لیکن خلا سیاستگذاری و برنامه‌ریزی بهینه در این حوزه احساس می‌شود. با وجود اینکه در اکثر شرکت پروژه‌های نیروگاهی واحدهای برنامه‌ریزی تعریف شده و نفرات مرتبط نیز وجود دارد، لیکن این واحدها عمدتاً پشتیبانی تعمیرات را انجام می‌دهند و نیاز به توسعه کارکرد آنها در حوزه ماموریت اصلی ایشان به منظور برنامه‌ریزی و زمان‌بندی تعمیرات بر اساس روش‌های بهینه قابل تعمیم به شرایط خاص هر نیروگاه و در نظر گرفتن شرایط و قیود در کنار توصیه‌های سازندگان است. یکی از عناصر و مولفه‌های مهم در رویکردهای تعمیراتی نوین، فعالیت بر روی ایجاد و تکمیل زیرساخت‌ها، بانک‌های جمع‌آوری داده‌ها، پردازش و داده‌کاوی آنها بر اساس اصول و مبانی علمی است. پیاده‌سازی و تجمیع این سیستم‌ها یکی از پیش‌نیازهای اصلی در گذر به تعمیرات به‌روز و نوین است. ■



شکل ۷: نتایج بهینه‌سازی برای نرخ تنزیل کمتر از ۵.۳٪

برای سناریو نرخ تنزیلهای بالای ۵.۳ درصد نتیجه به گونه‌ای دیگر بوده و رویکرد فرصت‌طلبانه بهینه نبوده و صرفه اقتصادی فقط در تعویض آب‌بند خراب و ادامه کار آب‌بند دوم خواهد بود. (شکل ۸)



شکل ۸: نتایج بهینه‌سازی برای نرخ تنزیل بزرگتر از ۵.۳٪

منابع

- [1] CASE STUDIES IN MECHANICAL ENGINEERING, WILEY, 2016
- [2] Tangbin Xia, Lifeng Xi, Xiaojun Zhou, Shichang Du; Modeling and optimizing maintenance schedule for energy systems subject to degradation, Computers & Industrial Engineering 614-607 (2012) 63
- [3] J. Nilsson, A. Wojciechowski, A-B. Strömberg, M. Patriksson and L. Bertling; An Opportunistic Maintenance Optimization Model for Shaft Seals in Feed-Water Pump Systems in Nuclear Power Plants; IEEE Bucharest Power Tech Conference; 2009
- [4] Wenbin Wang; An overview of the recent advances in delay-time-based maintenance modelling; Reliability Engineering and System Safety 178-165(2012)106
- [5] Sylwia Werbińska-Wojciechowska; TECHNICAL SYSTEM MAINTENANCE; Springer 2019

۴. خلاصه و جمع‌بندی:

مدیریت و راهبری با بهره‌وری بالا و اقتصادی از اهداف اصلی سرمایه‌گذاران در بخش تولید برق است. در نوشته پیشین به این هدف از منظر بهره‌برداری و تعمیرات پرداخته و چالش‌های موجود با در نظر گرفتن تغییرات ساختاری در حوزه نیروگاه و به ویژه برای سرمایه‌گذاران و مالکان بخش خصوصی مورد بررسی واقع شد. تعمیرات یکی از عوامل اصلی و اثرگذار در بخش راهبری

Relay modules & solid-state relays

Lightning and surge protection

Power supplies

Tools

